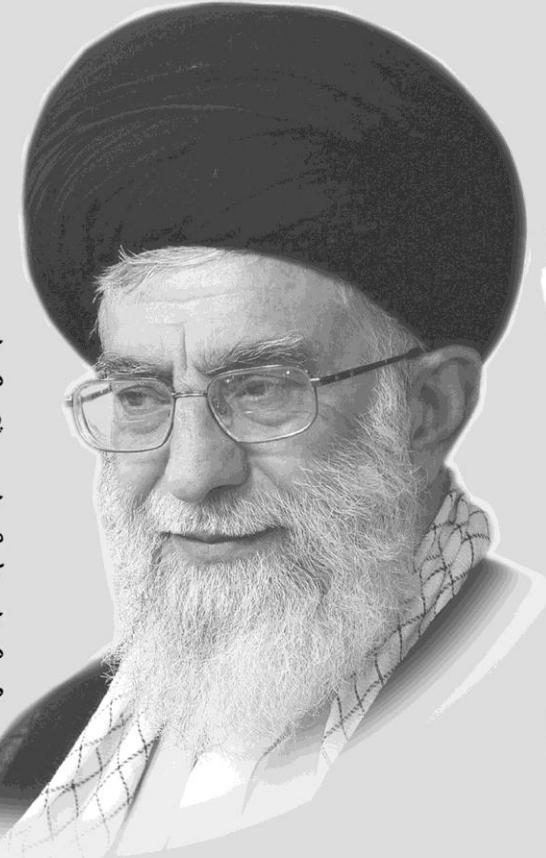


بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

اللّٰهُمَّ كُنْ لِوَلِيِّكَ الْحُجَّةَ بْنُ الْحَسَنِ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَعَلَى آبَائِهِ فِي هَذِهِ السَّاعَةِ وَفِي كُلِّ سَاعَةٍ
وَلِيَا وَحَافِظَا وَقَانِدَا وَنَاصِرَا وَدَلِيلًا وَعِنْنَا حَتَّى تُشْكِنَهُ أَرْضُكَ طَوْعًا وَتُمْنَعَهُ فِيهَا طَوْبِيًّا



رهنمود ولايت

* دشمنی دشمنان ما به خاطر این است که نظام جمهوری اسلامی در مقابل نظام سلطه ایستاده است؛ در مقابل عادت بد تقسیم دنیا به سلطه‌گر و سلطه پذیر ایستاده است؛ بقیه چیزها ببهانه است.

* بنده موافق نیستم که تعبیر دروغین «جامعه جهانی» را در مقابل جمهوری اسلامی - که دشمنان مابه کار می‌برند - به کار ببریم؛ کدام جامعه جهانی؟ کسانی که در مقابل جمهوری اسلامی قرار دارند جامعه جهانی نیستند، چند دولت مستکبرند که آنها هم عمدتاً زیر نفوذ یک مشت کمپانی داران صهیونیست غارتگر بدنام بدلند؛



■ صاحب امتیاز:

معاونت تبلیغ و آموزش‌های کاربردی حوزه‌های علمیه

■ مدیر مسئول: محمد حسن نبوی

■ هیئت تحریریه: محمدحسن نبوی، اکبر اسدعلیزاده، عبدالکریم پاکنیا، سید جواد حسینی، محمدغلامرضاei، محمدمهری ماندکاری، علی مختاری، حسین ملانوری، محمود مهدی‌پور، ابوالفضل هادی‌مقدم

■ دبیر مقالات: محمدعلی قربانی

■ امور اجرایی: مجید خلیلی

■ امور مشترکین: سید مجتبی محمودی

■ ویراستار: سید جمال الدین نصیری

■ تیراژ: ۶۰۰۰ نسخه



- مطالب «مبلغان» ویژه تبلیغ و مبلغان است.
- مسئولیت مقالات و نوشته‌ها بر عهده نویسندهای آن است.
- حجم مقالات از ۱۲ صفحه دست نویس فراور نبود.
- مقالات همه نویسندهای به شرط برخورداری از موازین علمی-پژوهشی، مفتش می‌شود.
- نقل مطالب با ذکر مأخذ، مجاز است.



۱

رهنمود ولایت

سرمقاله

* امام مهدی ﷺ در پرتو قرآن محمود مهدی پور

قرآن و حدیث

* درسهایی از دعای صبح و شام حضرت سجاد ؑ (۱) ابومصطفی تبریزی

تاریخ و سیره

* تربیت فرزند در سیره امام حسین ؑ محمد رضا رجبی
 * سیمای امام زمان (عج) از نگاه قرآن محمد اسماعیل نوری زنجانی
 * ندای آسمانی، نشانه‌ای از ظهور حسین تربیتی
 * تشییع در آینه تاریخ (۱) سید محمد امام (جزایری)

اخلاق

* رمز و راز بلاها و ابتلاها (۴) علی مختاری

سوژه‌های سخن

* مستولیت فرزندان در مقابل والدین (۲) عبدالکریم یاکنیا تبریزی
 * جلوگیری از اسراف در آموزه‌های دینی محمد اسماعیل عبدالله

سیاست و اجتماع

* آزادی از دیدگاه اسلام و غرب سید محمد حیدری

رهنمودها و خبرها

* خصوصیات جامعه مهدوی بانگاهی به ساختن مقام معظم رهبری سید جواد حسینی
 * خبرها و هشدارها ۱۲۵

اسوده‌ها

* مبلغ خود ساخته و محبوب (۱)، حاج سید علی محمد وزیری محمد تقی ادhem نژاد

گوناگون

* پرسشنامه ۱۴۰



امام مهدی در پرتو قرآن

محمود مهدی پور

بر این سه برسی
آموزه های دینی را مورد
بررسی قرار می دهیم و
در پرتو آیات قرآن
کریم به موضوع «امام
مهدی%» می پردازیم.

پرتو اول : وسیله نجات و
rstگاری
قرآن کریم شرط نجات
و فلاح انسان را گرفتن
دستگیره الهی و تمسک
بر عروة الوثقی
می داند.

گویی انسان در چاه
طبیعت، ریسمانی لازم
دارد، تا از زندان
ظلمت و هلاکت آزاد شود
کفر و رزیدن به
طاغوتها و طغیانگران
جهان و ایمان به خدا
چنگ زدن به عروة
الوثقای الهی است که
تنها راهکار رهایی از
ظلمت محسوب می شود.
ظلمت کفر، ظلمت ظلم،
ظلمت فقر، ظلمت جهل،

سن سی سر موحده
آرزوی تمام در دمندان و
ستمیدگان تاریخ با هر
آین و مذهبی است.
همگان دریافتہ اند که
در آینده، منجی جهانی
ظهور خواهد کرد و در
آینده، جهان روزی را
خواهد داشت که در آن،
جامعه بشری بر از عدل
و داد شود. رهبر چنین
جامعه ای منجی جهان
بشری و به لسان روایات
«مهدي موعود» است؛ همو
که تمامی انبیاء و
وصیاء مژده آمدنش را
بشارت داده اند و
شیفتگان راه حق و
حقیقت در انتظار وصال
او هستند.

او می آید تا اسلام
عزیز را بر تمام گیتی
گسترش دهد و حکومت
جهانی تشکیل دهد تا به
خواست خداوند اسلام بر
همه ادیان غالب شود.

بنشیند، و عروة الوثقا
را بگیرد و بر دستگیره
استوار الهی چنگ زند،
باید بعد از من علی ۰٪
را به رهبری برگزیند و
دشمن او را دشمن بدارد
و به امامان هدایت گر
از فرزندان او اقتدا
کند.»

**پرتو دوم: أولی به تدبیر
و حکمت**

بدون تردید تشخیص
پیشوایان معصوم و
نائیان آنان، در اداره
کشور و جهان، ممکن است
با تشخیص دیگران
متفاوت باشد! آیا امام
و پیشوای معصوم یا
عادل باید از مردم یا
دیگر سران جامعه اطاعت
کند یا آنان باید خود
را با رهبری هماهنگ
کنند؟

مقتضای عقل و دستور
و حی این است کسانی که
دیدگاه متفاوتی دارند،
صادقانه و مخلصانه و
بدون جوسازی و اعمال
فشار تبلیغاتی،
دیدگاه های خویش را به
رهبری برسانند. ولی در
برابر تصمیم نهایی
پیشوای معصوم یا عادل
تسلیم باشد.

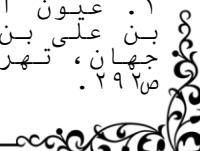
امام صادق ۰٪ فرموده
است: «کُلُّ مَنْ تَمَسَّكَ
بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَى فَهُوَ
نَاجٌ قَلْثٌ مَا هِيَ قَالَ
الْتَّسْلِيمُ؛ هر کس به

۲. المحاسن، برقی، دارالكتب
الاسلامیه، فم، ۱۳۷۱ش، ج ۱،

ظلمت بیماریهای جسمی و
روحی، بیماریهای اخلاقی
و اجتماعی، همه مولود
سلطه طاغوتها بر زندگی
انسان است و طاغوت هر
کسی است که در برابر
قوانین خدا سرکشی کند
عروة الوثقای الهی
در هر روز و روزگاری
وجود دارد که گرفتن آن
و یاری گرفتن از آن
شرط رهایی از زندان
ظلمتها است. بر اساس
مبانی فکری اهل بیت (ع)
قرآن و اهل بیت عروة
الوثقای رهایی
انسان اند. هم قرآن
دستگیره استوار الهی و
حبل الله معرفی شده، هم
اهل بیت رسول خدا -؛
این دو جاودانه‌اند، با
هم پیوسته اند، مکمل و
مفسر یکدیگرند، اندیشه
برتر، قانون برتر و
رهبری برتر را در
دیدرس انسان قرار
میدهند.

رسول گرامی اسلام -
فرموده است: «مَنْ أَحَبَّ
أَن يَرْكَبَ سَفِينَةَ النَّجَاةِ
وَيَسْتَمْسِكَ بِالْعُرْوَةِ
الْوُثْقَى وَيَعْتَصِمُ بِحَبْلِ اللهِ
الْمَتِينِ فَلَيَوْالِ عَنِّيَا
بَعْدِي وَ لِيُعَادَ عَدُوَّهُ وَ
لِيَاتِمَ بِالْهُدَاةِ مِنْ
وُلْدِهِ؛ هر کس دوست
دارد بر کشتی نجات

۱. عیون اخبار الرضه، محمد
بن علی بن بابویه، نشر
جهان، تهران، ۱۳۷۸ش، ج ۲۹۲ص.



متعال است.
پرتو سوم: مفسّر واقعی
 انسان همیشه نیازمند معارف آسمانی است. قرآن برای تأمین این نیازها فرود آمده است. ولی انسان بدون کمک از معلم و مفسّر آسمانی توان فهم کامل و دقیق این کتاب نورانی را ندارد. نیاز انسان به هدایت آسمانی جاودانه است. قرآن هم جاودانه است و مفسّر و مربی الهی هم باید جاودانه باشد. امام مهدی % پاسخ گوی این نیاز جامعه بشري در عصر ما است.

مهدی % آفتاب عالم تاب است و انسان گرفتار طبیعت، همیشه به خورشید نیاز دارد. مهدی موعود %، آب زندگی بخش است و انسان زنده به آب نیاز دارد. انتظار دیدن و نوشیدن آب، حرکت طبیعی و فطري انسان است. آري، رب الارباب ساقی تشنگان جهان است و شراب طهور عشق محمد و آل محمد -؛ گواراترين آبي است که تمام پليديها را از روح و روان ميزاديد. انتظار مهدی موعود %، اعلام تشنگي و تلاش انسان برای دستیابي به آب حيات است. امام عصر «ماء معين» زندگي

عروة الوثقى چنگ زند، نجات می یابد . راوي میپرسد، عروة الوثقى چيست؟ فرمود : تسليم [در برابر قرآن و عترت] .»

دورانديشي و تدبير و خردورزي فردي و گروهي محترم و ارزشمند است، ولی در برابر دستور صريح خداوند و پیامبر و رهبري و اجد شرایط الهي، خردورزي و تدبير و حکمت در اطاعت و فرمان پذيري است ابو بصير می گويد : از امام صادق % درباره اين سخن خداوند تبارك و تعالی که فرموده : [وَ مَنْ يُؤْتِي الْحِكْمَةَ فَقَدْ أُوتَيَ خَيْرًا كَثِيرًا]؛ پرسيدم ، منظور چيست؟ حضرت فرمود: حکمت همان اطاعت از خدا و امام است.

بالاترین تدبیر در مواردي که عقل فردي و جمعي مشکلي را حل نميکند اين است که از وحي آسماني استفاده کنيم. در «قانونگذاري» و انتخاب «رهبري جامعه» بالاترین تدبير تسليم در برابر شاخصه ها و قوانين اعلام شده از سوي خداوند

۱. الكافي، محمد بن يعقوب كليني، دارالكتب الاسلاميه، تهران، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۲۶، با ترجمه مصطفوي

اطاعت از رسول خدا -
 اطاعت از اولو الامر،
 اطاعت مشروط از والدين
 و اطاعت محدود از
 شوهر، از موارد
 اطاعت‌های مطلوب و مورد
 تأکید است؛ بدون تردید
 امروز در جهان بشر یت
 شایسته‌ترین کسی که حق
 رهبری و اطاعت دارد،
 مهدی موعود % است .
 اطاعت از ایشان تداوم
 اطاعت از خدا و رسول
 اعظم و امامان قبلی از
 عترت آن بزرگوار است.
 چه کسی بهتر از نائیان
 عادل و فقیه امام عصر
 در روزگار غیبت
 میتواند فرهنگ و
 اندیشه و اخلاق و احکام
 مهدوی را به بشریت
 ابلاغ کند؟ اطاعت از
 ولایت فقیه تداوم اطاعت
 از انبیا و اولیای
 الهی است.
 از سوی دیگر در
 ده‌ها آیه قرآن برخی
 فرمان‌پذیریها و
 اطاعت‌ها صریحاً ممنوع و
 ناروا و زیان بار
 شناخته شده است
 - اطاعت از شیطان؛
 - اطاعت از کفار؛
 - اطاعت از
 منافقان؛
 - اطاعت از
 تکذیب گران خدا و
 قیامت؛
 - اطاعت از اهل
 کتاب؛
 - اطاعت از
 انسانهای غافل دل؛

جامعه بشری است. معرفت
 او، محبت او، اطاعت
 او، معیت با او و یاری
 و نصرت آن بزرگوار،
 پیشیاز ورود به
 سرزمین توحید و عدالت
 است؛ اب زلال آسمانی
 تنها در کوثر گوارای
 علوی می‌جوشد و انسان
 بدون نوشیدن از این آب
 بقا، از تشنگی می‌میرد
 و با نوشیدن از آبهای
 الوده گرفتار هزاران
 بیماری می‌شود.
پرتو چهارم: واجب الإطاعة
 قرآن مجید اطاعت و
 فرمان‌پذیری را به دو
 بخش مقبول و مردود
 تقسیم کرده است: اطاعت
 از گروهی را به صراحت
 ممنوع و ناروا دانسته
 و اطاعت از گروهی را
 واجب و ضروري شمرده
 است.

در آیه پنجاه و نهم
 سوره نساء می‌فرماید:
**[بِاٰيُهَا الَّذِينَ آمَنُوا
 أطْبَعُوا اللَّهُ وَ أطْبَعُوا
 الرَّسُولَ وَ أُولَئِكُمْ أَلَّا يُرْجَى
 مِنْكُمْ]**؛ «ای کسانی که
 ایمان آورده‌اید از خدا
 و رسول و اولو الامری که
 از خود شمایند اطاعت
 کنید ...» اگر در
 کاری اختلاف نظر پیدا
 کردید، آن را به خدا و
 رسول ارجاع دهید، اگر
 به خدا و قیامت باور
 دارید، این بهتر و نیک
 فرجامتر است.»
 اطاعت از خدا ،

سلطه قدرت مندان بر محرومان و مستضعفان جهان تدوین شده است . اعتقاد به مهدویت و حکومت جهانی مهدی % نه ای بزرگ به نقشه های جهانی برای سلطه بر محرومین عالم است . خداوند اراده کرده که بر مستضعفان جهان متّ نهد و آنان را پیشوایان و وارثان نعمتهاي بیکران عالم قرار دهد .

پرتو پنجم : ناظر اعمال و رفتار

غفلت بزرگ، ندیدن و نادیده گرفتن حجت بزرگ الهی در جهان است . بی توجهی به وجود امام زمان و عدم ارتباط با آن بزرگو ار، عامل محرومیت بزرگ جامعه بشری است . نوعی کوری دا و طلبانه است که یک شخص یا جامعه گرفتار آن می شود .

امام حسن عسکری% به اسحاق بن اسماعیل نیشابوری طی نامه ای چنین نوشتند:

ای اسحاق! هر کس از این دنیا نابینا بیرون رود، در آخرت کور و گمراهتر محشور خواهد شد . پسر اسماعیل ! منظورم کوری چشم نیست؛ منظور کوردلی و عدم بصیرت است که در سرنیست؛ در سینه است

۱. قصص / ۵.

- اطاعت از اسرافکاران؛
- اطاعت از گناهکاران و ناسپاسان؛
- اطاعت از سران و رؤسای گمراه؛
- اطاعت از فرعون این اطاعت‌ها به صراحت در قرآن کریم نهی شده است . جامعه مهدوی در ساختار اداری و اجرایی کشور، کسانی را به کار می گیرد که اطاعت از آنان تداوم اطاعت از انبیاء و اولیای الهی باشد . و هرگز کفار و منافقان و اهل کتاب و اسرافکاران و گناهکاران و ناسپاسان را اقتدار نمی بخشد . علاوه بر واژه اطاعت، کلمه تبعیت و پیروی از اشخاص و ادیان و قوانین در قرآن کریم بیش از یکصد و پنجاه مورد به کار رفته و موارد معروف و منکر آن اعلام شده است .
- جامعه مهدوی در اندیشه، اخلاق، قوانین، ساختار اداری و در ارزشها و آرمانها، نمی تواند به صورت تابعی از نظام سلطه کفر و شرک جهانی قرار گیرد . مبدأ برنامه ریزی و تصمیم گیری در نظام اسلامی عقل و وحی است و تمام قوانین و مقررات جامعه جهانی امروز با نگاه دنیاگرایانه تدوین می شود و برای

اعمال انسان در این
جهان تحت نظارت سه
نگاه آسمانی است
۱. نظارت الهی؛
۲. نظارت نبوی؛
۳. نظارت مؤمنان برتر
قرآن در این باره چنین
می‌فرماید:

**وَ قُلْ أَعْمَلُوا فَسَيَرَى
اللهُ عَمَلَكُمْ وَ رَسُولُهُ وَ
الْمُؤْمِنُونَ وَ سَرَّذُونَ إِلَى
عَالَمِ الْغَيْبِ وَ الشَّهَادَةِ
فَيُنَبَّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ
تَعْمَلُونَ؛**^۳ «بگو، عمل
کنید پس به زودی خدا و
رسول او و مؤمنان را
رفتار و کار شما را
می‌بینند، سپس به سوی
عالی غیب و شهود
بازمی‌گردید و به شما
خبر می‌دهد که چه
می‌کردید؟»
آنها که در میدان
تبليغ و مدیریت و فتواف
و اجرا به نمایندگی از
امام عصر% رسالت بر
دوش دارند و به عنوان
سربازان فرهنگی و
امنیتی و مدیریتی
یاران امام عصر شناخته
می‌شوند، باید بیشتر به
هوش باشند که، تنبیلیها
افسوس دارد، کمکاریها
شرمندگی می‌آورد،
بدرفتاریها و جرم و
کناهان، موجب رسوایی
دو جهان است و عالم پر
از دربینهای نامرئی
است؛ دربین الهی،

و این است معنای
سخن خداوند که در کتاب
استوار خویش به ستمگر
می‌گوید: «يَا رَبِّ ! لِمَ
حَشِّرْتَنِي أَعْمَى وَ قَدْ كُنْتُ
بَصِيرًا؟ قَالَ : [كَذَلِكَ
أَتَتَّكَ آيَاتُنَا فَنَسِيَتْهَا وَ
كَذَلِكَ الْيَوْمَ تُنسِي]؛^۱

او می‌گوید: خدا ایا
من که بینا بودم چرا
در قیامت نابینا
محشورم کردی؟ خداوند
عز و جل می‌فرماید:
آری! آیات ما به سوی
تو آمد و آن را فراموش
کردی، این چنین امروز
از یاد میدوی.»

ای اسحاق! کدام
آیه، اعظم از حجت خدای
عز و جل بر خلق و
امینش در جهان و شاهد
و گواه او بر بندگان
پس از پدران نخستین او
از پیامبران و امامان
آنها است که رحمت الهی
به رهبرشان باد.^۲
نادیدن هر امامی در
سلسله پیامبران و
امامان معصوم، عامل
گمراهی، سرد رگمی،
انحراف از حق و گرایش
به باطل و کفران نعمت
الهی و تکذیب حق است
غفلت بزرگ، ندیده
گرفتن نظارت امام عصر
بر زندگی انسان است

-
۱. وسائل الشیعه، شیخ حَرَّ، عاملی، مؤسسه آل البيت، قم، ۱۴۰۹ق، ج ۶، ص ۱۸۳، ح ۸.
 ۲. بحار الانوار، محمد باقر مجلسی، دار إحياء الثراث العربي، بيروت، هـ، ص ۳۲۰.

**اِثْنَانِ اِلَّا وَ لِهَا اَصْلُ فِي
كِتَابِ اللَّهِ وَ لِكُنْ لَا تَبْلُغُهُ
عَقُولُ الرِّجَالِ ؟ هیچ**

نکته مورد اختلافی نیست که دو نفر در آن اختلاف کنند، مگر اینکه در کتاب خدا برای آن قانونی وجود دارد؛ ولی عقول مردم (معمولی) بدان نمی‌رسد.»

امام زمان صلوات الله عليه از رسول اعظم - برتر نیست؛ فرزند او و خلیفه و مجری احکام نازل شده بر او است؛ نه آیه ای بر قرآن می‌افزاید، نه چیزی از آن می‌کاهد ، در برابر قوانین الهی و سنت راستین نبوی -، صد در صد تسلیم است؛ بنابراین، تلاوت قرآن، انس با قرآن، تدبیر در قرآن و تلاش برای تبلیغ و اجرای احکام قرآن و آماده سازی عالم برای حکومت ولی عصر عجل الله تعالى فرجه الشریف، مهمترین وظيفة دولت و ملت است.

سماعه بن مهران می‌گوید : از امام صادق % شنیدم که می‌فرمود : «أَنَّ اللَّهَ أَنْزَلَ عَلَيْكُمْ كِتَابَ الْصَّادِقِ الْبَارِئِ فِيهِ خَيْرٌ كُمْ وَ خَيْرٌ مَا قَبْلَكُمْ وَ خَيْرٌ مَا يَعْدَكُمْ وَ خَيْرٌ الْأَرْضِ فَلُو أَتَاكُمْ مَنْ

دوربین پیامبر اعظم و دوربین امام عصر%. دوربینهایی که دقیق و مداوم و بدون نقطه کور، از نزدیک همه چیز را کنترل می‌کند و برای امتیاز مثبت و منفی پاداش و کیفر خاص در نظر می‌گیرد.

پرتو ششم: امام عصر و دین جدید

امام زمان صلوات الله عليه ، پیامبر نیست، دین نوینی نمی‌آورد، بر خلاف قرآن حکمی صادر نمی‌کند. قرآن را تعلیم می‌دهد . قرآن را درست تفسیر می‌کند. به اجرای قوانین قرآن همت می‌گمارد و از برخی رازهای آن پرده برمیدارد.

قرآن پاسخ گوی تمام نیازهای جامعه بشری است. دوری جامعه امروز از معارف و احکام قرآنی، سبب می‌شود که سخن از «خلا قانونی» و «ابهام قانونی» و قوانین ظالمانه بوجود آید . قرآن برای تمام اختلافات کوچک و بزرگ جامعه بشری، کافی است قوانین عادلانه و معارف حق حیات بخش دارد. اجتهاد معصومانه لازم است تا از قرآن درست تفسیر شود.

امام صادق % می‌فرماید: «مَا مِنْ أَمْرٍ يَخْتَلِفُ فِيهِ

کسی است که مهندسی
عالمن را بر اساس
نرم افزار الهی بر عهد
دارد. هماهنگی انسان
با قوانین آفرینش سه
گام اساسی دارد:
۱. قوانین الهی
درست شناخته شود؛
۲. قوانین الهی به
تمام بشریت برسد؛
۳. قوانین الهی به
مرحله اجرای کامل
درآید.

شناخت دقیق و جامع
معارف و قوانین الهی،
ابلاغ و اطلاع رسانی و
آموژش معارف و احکام
خداؤند متعال به کل
عالم و اجرای فرمان
خدا در جامعه جهانی سه
هدف بزرگ همه پیامبران
و پیشوایان معصوم (است . امام زمان کسی
است که آخرين گام را
در این مسیر تاریخي
برمیدارد و احکام الهی
را در زندگی فرد و
خانواده و جامعه اجرا
میکند و هر گونه ظلم و
ستم فرهنگی و اقتصادی
و سیاسی را متوقف
میسازد.

در عصر ظهور، زمینه
شناخت بهتر قوانین
الهي فراهم می آید،
امکانات اطلاع رسانی و
ابلاغ فرم ان معصوم
بینهایت گسترش می یابد
و رشد فکری جامعه بشري
به حدی میرسد که حرکت
در مدار شریعت را راه
زنگی بهتر می داند و

بُخِيرُكُمْ عَنْ ذَلِكَ لِعِبِيْتُمْ ؛ براستی
خداؤند کتاب راستگو و
نیک خود را فرو
فرستاد . در آن اخبار
شما و پیشینیان شما و
اخبار ایندگان و اخبار
آسمان و زمین وجود
دارد. اگر کسی که شما
را از آن آگاه می کند
بیاید، در شکفت
میمانید.»

پرتو هفتم : مبلغ بزرگ
اوامر و نواهي الهی
بدون تردید خداوند
برای اداره جهان و
انسان دستوراتی مثبت و
منفي دارد و قرآن
کامل ترین کتاب آسمانی
و حاوي این دستورات
است. جهان بدون قرآن و
قوانین الهی، ناقص
محسوب می شود و احکام
تشريعی الهی، مکمل
ستتهاي تکويني او است
و خلقت و شريعت دو
جريان مرتبط و مداوم و
هماهنگ است. اصولاً آمدن
پیامبران برای ایجاد
هماهنگی بين انسان و
نظام خلقت است .

پیامبران (موجودات
ازاد را با قوانین و
الزامات قانونی جهان
آشنا می سازند . امام
زمان% آخرین حلقة این
هماهنگی انسان و جهان
است . خلقت سخت افزار
جهان است و شريعت
نرم افزار و امام زمان

از روی عشق و ایمان نه
تحمیل و الزام به سوی
قرآن و اسلام می‌شتابد.
امام زمان امام قلبها
است که عشق به او و عشق
به خدا است و عشق به
خدا حرکت در مدار
توحید و تسبیح و تحمید
الهی پدید می‌ورد.
به آمید آن روز.

۱



درسهایی از

دعای صبح و شام حضرت سجاد علیه السلام

ابومصطفی تبریزی

مِنْهُمَا فِي صَاحِبِهِ، وَ
يُولِّجُ صَاحِبَهُ فِيهِ،
بِتَقْدِيرٍ مِنْهُ لِلْعِبَادِ
فِيمَا يَغْذُوهُمْ بِهِ، وَ
يُنْشِئُهُمْ عَلَيْهِ؛ هر یک را
درون دیگری فرو برد و
برون آرد (از یکی
بکاهد و به دیگری
بیفزاید)، و با این
نظم دقیق، روزی بفداگان
و نشو و نمای آنان را
تأمین فرماید.»

امام سجاد % در
فرازهای اول این دعا
به قدرت بی پایان حق،
اشاره و پروردگارش را
حمد و ستایش می کند.
این تفسیر کلام خداوند
است که فرمود: [إِنَّ فِي
خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ
الْخَلْفِ اللَّيْلَ وَ النَّهَارِ
لَا يَاتٌ لِأُولَى الْأَلْبَابِ]؛
«یقیناً در آفرینش

سجادیه، مطالب آموزنده
و پیامهای تربیتی و
اخلاقی فراوانی دارد و
برخی از ویژگیهای
صالحان را بازگو
می کند. در این مقاله
به بررسی برخی از این
ویژگیها با توجه به
این دعای شریفه
می پردازیم:

**سَيِّدُ سَيِّدِ
الْخَلْقِ اللَّيْلَ وَ النَّهَارَ بِقُوَّتِهِ؛**

سپاس خدای را که به
نیروی خود، شب و روز
را آفرید.»

**وَ مَيْزَ بَيْنَهُمَا
بِقُدْرَتِهِ؛ وَ بِهِ قَدْرَتِهِ**
میان آن دو تفاوت قرار
داد.»

**وَ جَعَلَ لِكُلِّ وَاحِدٍ
مِنْهُمَا حَدَّا مَحْدُودًا، وَ
أَمَدَّا مَمْدُودًا؛ وَ بِرَأْيِ
هر یک، حدی محدود و
زمانی مشخص نهاد.»**

تفکر، آمیخته باشد؛
همانگونه که تفکر در
خلقت آسمان و زمین،
اگر آمیخته با یاد خدا
نباشد، به جایی
نمیرسد. دانشمندانی که
دید توحیدی ندارند، در
مطالعات فلکی خویش و
تفکر مربوط به خلقت
کرات آسمانی این نظام
شگفتانگیز – که شب و
روز از آن پدید می‌آید
– نتیجه لازم تربیتی،
انسانی و معنوی را
نمی‌گیرند؛ همانند کسی
که غذایی می‌خورد تنها
جسم او را قوی می‌کند،
و در تقویت اندیشه،
فکر و روح وی اثری
ندارد. سعدی این
مضامین را در یک قصیده
توحیدی، این چنین
سروده است:
بامدادان که تفاوت نکند
لیل و نهار
خوش بود دامن صرا و
تماشای بهار
بليلان وقت گل آمد که
بنالند از شوق
نه کم از بليل مستی تو،
بنال اي هشيار
آفرینش، همه تنبие
خداوند دل است
دل ندارد که ندارد به
خداوند، اقرار
این همه نقش عجب، بر در
و دیوار وجود
هر که فکرت نکند، نقش
بود بر دیوار
کوه و دریا و درختان،
همه در تسبیح
نه همه مستمعی فهم کند
این اسرار

آسمانها و زمین، و آمد
و رفت شب و روز،
نشانه‌هایی بر توحید، و
قدرت خدا، برای خردمندان است»
بدون تردید، آفرینش
جهان هستی، مقدمه
خداشناسی است. اختلاف
ساعات شب و روز در طول
سال هم، در نظر
خردمدان، تصادفی
نیست. قرآن هم، مردم
را به تفکر در آفرینش
ترغیب می‌کند.
بنابراین، ستایش
خداوند همراه با تفکر
در آفرینش شب و روز،
در رشته‌ای توحیدی فراوانی
به انسانهای حقیقت‌طلب
دارد.

روشنترین راه خداشناسی
در آفرینش شب و
روز، نشانه‌های روشنی
برای صاحبان خرد و
اندیشمندان است. هر کس
به اندازه پیمانة
استعداد و تفکرش از
این گرددش ایام، سه‌می
می‌برد و از سرچشمه صاف
اسرار آفرینش، سیراب
می‌شود.

از منظر امام سجاد
تنها حمد و ستایش و
یادآوری خدا، کافی
نیست. این یادآوری،
آنگاه ثمرات ارزنده ای
خواهد داشت که با

۱. رياض السالكين في شرح
صحيفة سيد الساجدين، سيد
علي خان كبار مدنی شیرازی،
دفتر انتشارات اسلامی، قم،
چاپ اول، ۱۴۰۹ق، ج ۲، ص ۱۸۶.

آثاری از حیات، رشد و پرورش موجودات در میان نبود. شب طولانی باعث از بین رفتن حرارت لازم و حکومت سرمای غیر قابل تحمل و روز طولانی باعث سوختن موجودات و بخار شدن تمام آبها و تعطیل حیات و آثار حیات بود.

حکمت، علم و اراده خداوند، زمان شب و روز را آنچنان قرار داد که اولًاً: نور حیات در سطح زمین، تجلی کند و ثانیاً: آثار حیات که چز حضرت حق، احدي به آن علم ندارد، ظهور و بروز کند.

به این جهت خردمندان، با توجه به این حقیقت، این کلام وحیانی را زمزمه می‌کنند که [ربنا ما خلقت هذا باطلا [؛] «خداوند! این دستگاه با عظمت را بیهوده نیافریدی.»

تاریکی آرامبخش شب امام سجاد % در ادامه میرماید:

«فَخَلَقَ لَهُمُ اللَّذِينَ لَيَسْكُنُوا فِيهِ مِنْ حَرَّكَاتِ التَّغْبَعِ وَ تَهْضَاتِ النَّصْبِ، وَ جَعَلَهُ لِبَاسًا لِلْبَسُوَا مِنْ رَاحَتِهِ وَ مَنَامِهِ، فَيَكُونُ ذَلِكَ لَهُمْ جَمَامًا وَ قَوْةً، وَ لِيَنالُوا بِهِ لَدْدَةً وَ شَهْوَةً؛ پس شب را برای بندگان آفرید تا در آن

خبرت هست که مرغان سحر می‌گویند آخر آی خفته، سر از خواب جهالت، بردار هر که امروز نبیند اثر قدرت او غالباً آن است که فرداش نبیند دیدار پاک و بی‌عیب، خدایی که به تقدیر عزیز ماه و خورشید، مسخر کند و لیل و نهار آری این دگرگونی لیل و نهار، و این آمد و رفت روشنایی و تاریکی با آن نظم خاص و تدریجی اش که دائمًاً از یکی کاسته و بر دیگری افزوده می‌شود، و به کمک آن فصول چهارگانه پدید می‌آید، و درختان، گیاهان و موجودات زنده، مراحل تکاملی خود را در پرتو این تغییرات تدریجی، گام به گام طی می‌کنند، نشانه هایی از ذات و صفات متعالی او هستند اگر این تغییر تدریجی، منظم نبود، و این تغییرات، توأم با هرج و مرج صورت می‌گرفت و یا اصلًاً همیشه روز، و یا همیشه شب بود، حیات و زندگی، از صفحه کره زمین به کلی بر جایده می‌شد و اگر فرضاً وجود داشت دائمًاً دچار آشفتگی و نابس امانی بود.

بدون شک اگر حدود زمانی شب و روز، بیش از مقدار کنونی بود،

هنگام خواب برای ایجاد تاریکی و استراحت از آن همچون پوششی استفاده میکند.
در موقع خواب شبانه، قسمت مهمی از کارهای بدن به کلی تعطیل میشوند، و قسمت دیگر همچون کار قلب و دستگاه تنفس، برنامه عادی خود را بسیار کم میکنند و به صورت آرامتر ادامه می دهند تا رفع خستگی و تجدید قوا شود.
خواب به موقع و به اندازه، نشاط آفرین، مایه قدرت، بهترین وسیله برای آرامش اعصاب و تجدید کننده تمام نیروهای بدن است، به عکس، قطع خواب مخصوصاً برای یک مدت طولانی، بسیار زیانبار و حتی مرگ آفرین است و به همین دلیل، یکی از مهمترین شکنجه ها برای شکنجه گران، قطع برنامه خواب است که مقاومت انسان را به سرعت در هم میشکند.

حرکت و حیات آغاز صبح در ادامه این دعا چنین آمده است:

«وَ خَلَقَ لَهُمُ النَّهَارَ مُبِينًا لِيَنْتَغُوا فِيهِ مِنْ فَضْلِهِ وَ لِيَنْتَسِبُوا إِلَى رِزْقِهِ وَ يَسْرُحُوا فِي أَرْضِهِ طَبِيعًا لِمَا فِيهِ نَيْلٌ الْغَاجِلِ مِنْ ذَيَا هُمْ وَ

از حرکات رنج آور و فعالیتهاي آزاردهنده بیاسایند، و آن را پوششی قرار داد تا مردم در آن به آسایش دست یابند و خواب راحت کنند، و این همه سبب تجدید نشاط و نیروی ایشان گردد، و به لذت و کام دل رسند».
خداآوند درباره فلسفه آفرینش شب میفرماید: [هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ اللَّيْلَ لِبَاسًا]؛^۱ «اوست خدایی که شب را برای شما لباس گردانید .» و در سوره قصص میفرماید: [وَ مِنْ رَحْمَتِهِ جَعَلَ لَكُمُ اللَّيْلَ وَ النَّهَارَ لِتَسْكُنُوا فِيهِ وَ لِتَنْتَهُوا مِنْ فَضْلِهِ وَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ]؛^۲ «و از رحمت او است که برای شما شب و روز قرار داد تا هم در آن آرامش داشته باشید و هم برای بهره‌گیری از فضل خدا تلاش کنید، و شاید شکر نعمت او را بجا آورید.»

آرامش شبانه، مایه نشاط تاریکی دل انگیز شبانه، نه تنها انسانها که تمام موجودات روی زمین را در خود مستور میسازد و آنها را همچون لباس، محفوظ می دارد و انسان به

۱. فرقان / ۴۷ . ۲. قصص / ۷۳

است . در جهان طبیعت نیز به هنگام درخشش اولین اشعة خورشید، جنب و جوش عظیمی همه موجودات زنده را فرا میگیرد، رستاخیزی در میان آنها بر پا میشود و هر یک به دنبال برنامه خویش به حرکت در میآیند، و حتی گیاهان نیز در برابر نور به سرعت تنفس، تغذیه و رشد و نمو میکنند؛ در حالی که با غروب آفتاب، گویی شیپور خاموشی در سراسر جهان طبیعت زده میشود، پرندگان به لانه ها بازمیگردند و موجودات زنده به استراحت و خواب میپردازند؛ حتی گیاهان در نوعی خواب فرو میروند. کار روزانه با انگیزه معنوی از منظر اسلام، فعالیتهای اقتصادی روزانه، زمینه ساز کمالات و فضایل انسانی است و اگر فردی با این انگیزه به عرصه اقتصاد وارد شود، افزون بر منافع مادی و ظاهري از بهره های معنوی نیز بهره خواهد برد.

عبدالله بن ابی یعفور میگوید : در محضر امام صادق% بودم که مردی از وي پرسید : به خدا

٤. تفسیر نمونه، جمعی از نویسندها، دارالکتب الاسلامیه، تهران، چ ۱۴، ص ۱۱۵.

دَرُكُ الْأَجِلِ فِي أَخْرَاهُمْ؛^۱
وَرُوزِ رَأْ بِينَايِي بِخشِ
قَرَارِ دَادِ تَا دَرِ آنِ بِهِ
جَسْتَجُويِ فَضْلِ حَقِ خَيْزَنَدِ،
وَبِهِ رَزْقِ وَ رَوزِيِ اوِ
دَسْتِ يَابَنَدِ، وَ دَرِ زَمِينَ
اوِ دَرِ پَيِ سَوَدِ گَذَرَايِ
دَنِيَا وَ ادِرَاكِ نَفعِ
دَائِمِيِ جَهَانِ آخِرَتِ بِهِ
رَاهِ افتَنَدِ.»

در قرآن با اشاره به نعمت «روشنایی روز» میفرماید : [وَ جَعَلَ

النَّهَارَ نُشُورًا[۲]
«خداوند روز را مایهِ
حرکت و حیات قرارِ
داد.» پیامبر گرامیِ
اسلام - نیز همه روزه
صبحگاهان، حرکتِ
روزانه اش را با این
جمله آغاز می فرمود:
**«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَخْبَاتَ
بَعْلَ مَا أَمَاتَنَا وَ أَلَيْهِ
النُّشُورُ؛**^۳ ستایش،
مخصوص خداوندی است که
ما را بعد از مرگ،
زنده کرد و حیات نوین
بخشید، و سرانجام به
سوی او محشور خواهیم
شد.»

و به راستی روشنایی روز از نظر روح و جسم انسان، حرکت‌آفرین است؛ همان‌گونه که تاریکی، خواب آور و آرام‌بخش

۱. بحار الانوار، محمد باقر مجلسی، دارالحیاء التراث العربي، بیروت، ۱۴۰۳ق، ۱۹۹۶م، ۵۵ج، ۴۷، باب ۹.

۲. بحار الانوار، محمد باقر مجلسی، ج ۲۲، ص ۲۱۹.

ثروت‌اندوزي از دست % ميدند. امام صادق به چنین کسانی هشدار داده، ميرمايد: «لپس فيما أصلح البَدَنْ إِسْرَافٌ... إِنَّمَا الْإِسْرَافُ بِالْبَدَنْ؛ در آنچه بدن را اصلاح مي‌کند اسراف نيست؛ اسراف در جايی است که مال انسان از بين بروд و به جانش نيز لطمه بخورد.» از ديدگاه امام صادق% بين کسي که کار روزانه را وسيله اي برای کسب آخرت قرار ميدهد و کسي که هر روز برای دنياپرستي و جمع مال مي‌کوشد، تفاوت واضح وج و دارد. به اين جهت از سوی دلبستگان به مال دنيا و دنياپرستان ظاھربين را لعن مي‌کند و ميرمايد: «مَلْعُونُ مَنْ عَبَدَ الدِّينَارَ وَ الدِّرْهَمْ؛ مورد لعن خدا است کسي که بنده دينار و درهم باشد.» و از سوي ديگر به دوستدارانش توصيه مي‌کند: «لَا تَذَرْ طَلَبَ الرِّزْقِ مِنْ حِلِّهِ فَإِنَّهُ عَوْنَ لَكَ عَلَى دِينِكَ؛ طلب

قسم! ما به دنبال دنيا مي‌رويم و دوست داريم آن را به دست آوريم . امام % فرمود : تو مي‌خواهي با دنياطلي و كسب درآمد روزانه چه کني؟ او گفت : مي‌خواهم نيازهايم را برطرف کنم ، به خا نواده ام رسيدگي کنم ، صدقه و احسان بدhem و حج و عمره انجام دهم . امام صادق% فرمود : اينکه دنياطلي نيست؛ اين، به دنبال آخرت و ثوابهاي الهي رفتن است.

کسب درآمد و به دنبال منافع مادي رفتن، باید با انگيزه‌های الهی باشد و آن را وسیله اي برای رسیدن به مقاصد الهی قرار دهد؛ و گرنه دنياطلي، امري نابسند خواهد بود؛ چنان که برخی افراد به دنبال جمع ثروت و ذخایر دنيوي هستند؛ در حالی که هیچ انگيزه خير و معنوی را مد نظر ندارند. گاهی این‌گونه افراد، چنان به جمع آوري مال دنيا حریصاند که حتی سلامتی خانواده و تمام هستی خود را در راه

۲. تهذیب الأحكام، (تحقيق خراسان)، دارالكتب الاسلامية، تهران، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۳۷۶.

۳. الكافي، كليني، دارالكتب الاسلامية، تهران، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ق، باب الذنوب، ج ۹، ص ۳۴۵.

۴. وسائل الشيعة، شيخ حزاعيلي، مؤسسه آل البيت (ع)، قم، چاپ اول، ۱۴۰۹ق، ج ۱۷، ص ۳۴۵.

۱. وسائل الشيعة، شيخ حزاعيلي، مؤسسه آل البيت (ع)، قم، چاپ اول، ۱۴۰۹ق، ج ۱۷، ص ۳۴۵.

به سامان می آورد، و
اعمالشان را می آزماید،
و مینگرد که به هنگام
طاعت، و اوقات بجا
آوردن واجبات، و موارد
احکام او چگونه‌اند؟ تا
بدکاران را به جزای
عملشان و نیکوکاران را
به مزد کردار نیکشان
برساند.»

امام % در این فراز
اشاره می‌کند به آیه [وَ
اللهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَ مَا
فِي الْأَرْضِ لِيَجْزِي الَّذِينَ
أَسَأُوا يَمَّا عَمِلُوا وَ
يَجْزِي الَّذِينَ أَحْسَنُوا
بِالْحُسْنَى]؛ «و برای خدا
است آنچه در آسمانها و
در زمین است تا
بدکاران را به کیفر
کارهای بدشان برساند و
نیکوکاران را در برابر
اعمال نیکشان پاداش
دهد.»

اهمیت برنامه روزانه
از عوامل توفیق و
پیروزی انسان، نظم و
برنامه ریزی در امور
زندگی انسان در شب و
روز است . کلام
امیرمؤمنان علی % در
آخرین وصیت خود به
فرزندانش، امام حسن و
امام حسین ۶ روشن ترین
راهنمای هاست که
فرمود: «أَوْصِيْكُمَا بِتَقْوَىٰ
اللَّهِ ... وَ نُظُمِّنْ أَمْرِكُمْ؛
شما را به

۱. نجم / ۳۱.
۲. نهج البلاغه، ترجمه دشی،
نشر مشهور، قم، ۳۸۰، نامه
۴۷.

روزی از [راههای] حلال
را هرگز رها نکن؛ چرا
که مال حلال یاور تو در
دین خواهد بود.»
مولوی این مضامین
را در قالب شعر بیان
می‌کند: **حیست دنیا از خدا غافل**
شدن
نی قماش و نقره و فرزند
و زن
مال را کز بهر دین باشی
حمول
نعم مال صالح » خواندش
رسول
اب در کشتی، هلاک کشتی
است
آب اندر زیر کشتی، پشتی
است
چون که مال و ملک را از
دل براند
زان سليمان، خویش، جز
مسکین تخواند
گر چه جمله این جهان،
ملک وی است
ملک در چشم دل او لاشی
است
برنامه ریزی و استفاده از
فرصتها

امام سجاد% در بند
دیگری از این دعا به
موضوع «برنامه ریزی «
اشارة دارد و
می‌فرماید:

**بِكُلِّ ذَلِكَ يُصلِحُ
شَأْنَهُمْ، وَ يَنْلُو
أَخْبَارَهُمْ، وَ يَنْتَهِ
هُمْ فِي أَوْقَاتٍ طَاعِتِهِ، وَ
مَنَازِلُ فُرُوضِهِ، وَ مَوَاقِعُ
أَحْكَامِهِ، لِيَجْزِي الَّذِينَ
أَسَأُوا يَمَّا عَمِلُوا، وَ
يَجْزِي الَّذِينَ أَحْسَنُوا
بِالْحُسْنَى؛** به وسیله این
امور، کار انسانها را

این جهت، امام علی % درباره اهمیت برنامه ریزی صحیح می‌فرماید: «**قَوْامُ الْعَيْشِ حُسْنُ التَّقْدِيرِ وَ مَلَكَةُ حُسْنِ التَّذْبِيرِ**»^۱ استواری زندگی [صحیح و موفق] برنامه ریزی نیکو و معیار آن دوراندیشی نیکو است.»

امام باقر % نیز تأکیل می‌کند که «**إِنَّكَ وَالْتَّفَرِيطَ عَنْهُ إِمْكَانٌ الْفُرْصَةَ فَإِنَّهُ مِنْدَانٌ يَجْرِي لِأَهْلِهِ يَالْحُسْرَانُ**»^۲ مبادا فرستهایی به دست آمده را [به انسانی] از دست بدھی که در این میدان، کسی که وقت خود را ضایع کند، ضرر خواهد کرد.» استفاده از فرصتها به دست آمده و برنامه ریزی صحیح در این مسیر از بهترین راههای توفیق و پیروزی است و غفلت از گذر زمان و از دست رفتن فرصتها، شکست حتمی را به دنبال دارد.

اسوه نظم و برنامه‌ریزی حضرت امام خمینی ! - که یکی از انسانهای موفق تاریخ است - در زندگی خود نظم و برنامه ویژه ای داشت. وی کارهایش را در

۱. غرر الحكم و درر الكلم، عبد الواحد تمیمی آمدی، دفتر تبلیغات اسلامی، قم، ۱۳۶۹ ش، ص ۳۵، ۷۰۸۴. ۲. بحار الانوار، ج ۷۵، ص ۱۶۵۴، ح ۱.

پرهیزگاری... و نظم [و انضباط] در کارهایتان سفارش می‌کنم.» انسان مؤمن همواره برای تمام ساعت زندگی، برنامه دارد و هرگز فرصتها را از دست نمیدهد . آری، برای استفاده از فرصت کوتاه عمر باید با نظم و برنامه دقیق حرکت کرد و از این سرمایه ارزشمند، کمال بهره را بردا؛ زیرا عمر از دست رفته، هرگز باز نخواهد گشت. شیخ بهایی در این باره چه زیبا سروده است:

گَرْنَ نَبُودَ أَسْبَ مَطْلَ لَگَامَ زَدَ بِتَوَانَ بِرْ قَدْ خَوَيَشَ كَامَ وَرْ نَبُودَ مَشْرِبَهَ اَزَ زَرَ نَابَ بَا دَوْ كَفَ دَسَتَ، تَوَانَ خَورَدَ آبَ وَرْ نَبُودَ جَامَةَ اَطْلَسَ، تَوَ رَا دَلَقَ كَهَنَ، سَاتَرَ تَنَ، بَسَ توَ رَا جَمَلَهَ كَهَ بَيْنَيَ هَمَهَ دَارَدَ عَوْفَ وَزَ عَوْضَشَ گَشَتَهَ مَيْسَرَ غَرَفَ اَنَّجَهَ نَدَارَدَ عَوْفَ اَيَ هَوْشَيَارَ عَمَرَ عَزِيزَ اَسْتَ غَنِيمَتَ شَمَارَ نَظَمَ شَبَ وَ رَوْزَ بَايَدَ بَرَايَ اَوقَاتَ مَحْدُودَ عَمَرَ كَهَ بَا آمَدَنَ شَبَ وَ رَوْزَ، بَهَ سَرَعَتَ، پَايَانَ مَيَ يَابَدَ، بَرَنَامَهَ رَيْزَيَ كَرَدَ وَ بَا نَظَمَ وَ تَرْتِيبَ خَاصَ كَمَالَ بَهَرَهَ رَا اَزَ آنَ بَرَدَ. بَهَ

و سَاعَةً لَأْمِرِ الْمَعَاشِ وَ
سَاعَةً لِمُعَاشَةِ الْأَخْوَانِ
الثَّقَاتِ وَالَّذِينَ
يُعْرِفُونَكُمْ عَيْوَبَكُمْ وَ
يُحْلِصُونَكُمْ فِي الْبَاطِنِ
و سَاعَةً تَخْلُونَ فِيهَا
لِلَّذِاتِكُمْ وَبِهَذِهِ السِّاعَةِ
تَقْدِرُونَ عَلَى الْثَّلَاثِ
السَّاعَاتِ؟^۲ سعي كنيد
زمان خود را به چهار
بخش تقسيم کنيد: زمانی
برای م ناجات با
خداآند، ساعتی دیگر
برای تأمین معاش، ساعت
سوم را برای معاشرت با
برادران [دینی و
افراد] مورد اعتماد و
کسانی که عیبها و
اشکالات شما را گوشزد
میکنند و از ته دل به
شما علاقه مندند و ساعت
چهارم را برای [تفريح
سالم] و لذتهاي [حلال]
خود اختصاص بدهيد و
شم ا با اين تفرighات و
لذتهاي حلال تواني
انجام سه بخش اول را
خواهيد داشته»
شاعر مگوید:
از نظم جهان عترت انگيز
این در سخن به گوشت
اویز
خواهی به کمال راه یابی
با صبغه نظم عمل بیامیز
بنابراین برای
رسیدن به قله های رفیع
کمال باید با برنامه
منظمه حرکت کرد و از هر
فرصتي بهره گرفت؛
و گرنه لحظات زندگی و
نفسهای ما که اجزای

۳. فقه الرضا%， کنگره امام
رضا%， مشهد، ۱۴۰۶ق، ص ۳۷۶.

ساعتھای معین انجام
میداد؛ یعنی خیلی مقید
بود که در ساعت معین،
غذا بخورد، در ساعت
معین بخوابد و رأس
ساعتی خاص بلند شود.
اگر کاري داشت یا با
کسی قرار میگذاشت، از
آن عدول نمیکرد. راز
موفقیت امام! نظم و
برنامه ریزی وي بود و
از دوران جوانی به
نظافت و منظم بودن
معروف بود. آن بزرگوار
در اتاقی که انباسته
از کتاب، کاغذ و
یادداشت بود، هر کاغذ
یا یادداشتی را که
میخواست، فوراً پیدا
میکرد؛ برای اینکه
تمام آنها را با نظم و
در جای مخصوص به خود
بود.

امام برای مطالعه،
قرائت قرآن و کارهای
مستحب و حتی زیارتھا و
دعاهایی که قرائت آنها
در وقت خاصی هم وارد
نشد، وقت خاصی را
تنظيم کرده بودند و هر
کاري را روی همان
زمانبندی انجام
میدادند.

تقسیم شبانهروز

حضرت امام رضا %
میفرمایند: «اجتھدو
آن یکون زمانکم آربع
ساعات ساعه لله لمناجاتیه

۱. برداشتھایی از سیره امام
خمینی)، غلامعلی رجایی، نشر
عروج، قم، ۱۳۹۲ش، ج ۳، ص ۴۰ و
۴۶ و ۷۰. ۲. همان.

حضرت میفیرماید: «اللَّهُمَّ فِلَكَ الْحَمْدُ عَلَيْ مَا فَلَقْتَ لَنَا مِنَ الْأَصْبَاحِ، وَ مَتَعْنَا بِهِ مِنْ ضُوءِ النَّهَارِ، وَ بِمِرْتَنَا مِنْ مَطَالِبِ الْأَقْوَاتِ، وَ وَقَيْتَنَا فِي هَذِهِ الْأَوَّرِقِ الْأَفَاتِ؛ بِآرَاهَا ! تو را سپاس که پرده سیاه شب را به نور صبح شکافتی، و ما را از روشني روز بهره مند ساختی، و در راه فراهم آوردن روزی حلال، بینا فرمودی، و از پیشامدهای خطرناک آفات حفظ کردی..» خداوند متعال، روشنایی روز را زمینه و بستره برای کسب روزی حلال قرار داده است و کسب حلال، آثار بسیار مادی و معنوی برای انسان دارد. در اینجا به برخی از آثار دنیوی و معنوی کسب لقمة حلال اشاره میکنیم: آثار کسب لقمة حلال بیتردید کسب روزی حلال، آثار دنی وی مفید و قابل توجه برای همه افراد جامعه اسلامی دارد که از جمله آنها به فواید زیر می توان اشاره کرد: - جلوگیری از لغزشهاي اجتماعي نداشتن درآمد حلال، ریشه بسیاری از مشکلات و گرفتاریها در زندگی یک جوان فعال و پرانرژی است؛ زیرا اگر یک فرد مسلمان، مخارج

عمرمان هستند، به راحتی از دست خواهند رفت سعدی گفته است نگه دار فرصت که عالم، دمی است دمی پیش دانا به از عالمی است البته اگر انسان، فرصتهايی را از دست داده و مدتھایی بدون نظم و برنامه زندگی کرده است، نباید در باقی عمر مایوس و افسرده شود؛ بلکه در هر زمان از ضرر جلوگیری کند، سود خواهد برد. از یک مدیر موفق و شایسته پرسیدند! تو چگونه به این همه کار، منظم و به طور دقیق رسیدگی میکنی؟ او در پاسخ گفت: من طبق برنامه عمل میکنم و کار امروز را به فرد اموکول نمیکنم و هرگز کاری را که وقت معینی دارد، به تأخیر نمیاندازم. گذشته از اهمیت نظم و برنامه ریزی و مدیریت زمان، چینش برنامه روزانه یک مسلمان، خبر از افکار و اندیشه هایش می دهد و او در برنامه های خود مشخص میکند که چه چیزی را مهمتر از دیگری میداند و این یک امتحان و معرف شخصیت او است کسب روزی حلال بخش دیگری از دعاي امام سجاده % مربوط به کسب روزی حلال است؛ آن

آورد،] از دین خود،
ما یه خواهد گذاشت
(یعنی به لغزشها دچار
خواهد گشت) ». - تأمین مخارج زندگی
یک مسلمان از راه
کسب روزی حلال، مخارج
روزانه زندگی خود را
تأمین می کند و تا
حدودی از فقر اقتصادی،
اخلاقی و فرهنگی خویش و
جامعه می کاهد.

- وسیله ارتباط سالم
اشغال به کار،
افراد را در زندگی،
تحت یک برنامه منظم و
منسجم قرار می دهد و
آنان را در روابط
اجتماعی و معاشرت با
دیگران یاری می کند.

- آرامش روح و وجودان
تمام کسانی که به
کارهای مفید اقتصادی
اشغال دارند و بر
اساس احساس وظیفه به
شغل مناسب و
آبرومندانه می پردازند؛
علاوه بر اینکه آرامش
روح و روان و وجودان
خود را فراهم می کنند،
به تفریح نیز
می پردازند؛ همچنان که
افراد سست عنصر و
بیکار، معمولاً به
اضطراب، افسردگی و
عذاب وجودان دچارند
- بیدار کردن روحیة خلاقیت
اشغال به کسبهای
حلال، روحیه ابتکار و
خلاقیت را در افراد
زنده می کند و
استعدادهای درونی شان
را شکوفا ساخته، انسان

زندگی خود را با
فعالیتهاي اقتصادي
سالم و اشتغال به يك
کسب پاکيزيه و حلال،
تأمین نکند؛ ناچار
براي تأمین زندگي اش
ارزشهاي ديني را زير
پا گذاشته، به راه هاي
فريبنده که به ظاهر،
سود سرسام آوري هم
دارند، کشيده خواهد
شد . اين، مصدقی از
همان امرار معاش از
راه دین و ايمان است
كه در کلام پیامبر -
آمده است.

رسول اكرم - گاهی با
جوانان سالم و
نيرومندي موواجه می شد .
با زوهاي ستبر و اندام
مناسب آنان، سبب شگفتی
پیامبر- می شد . آن حضرت
با آنان احوالپرسی کرد
و از وضعیت زندگی و
شغلشان سؤال می کرد .
اگر در جواب گفته می شد
حالی ندارد، آن
بزرگوار ناراحت می شد و
می فرمود : «**سقط می**
عینی؛ از چشم افتاد». اطراقیان می پرسیدند :
«يا رسول الله ! چرا این
افراد را دوست
نمیدارید؟ » «**پیامبر** -
می فرمود : «**لأن المؤمن
إذا لم يكن له حرفه
يعيش بيدينه**؛ برای این
که اگر مؤمن، شغلی
نداشته باشد [که با آن
لهمة حلال به دست

غذا در فرزندان، پيش از اينكه آنها به اين عالم قدم بگذارند، امري مسلم و تردیدناپذير است در طول تربیت هم باید کاملاً مراعات شود. يك مسلمان برای تربیت صحیح فرزندانش، باید سفره های هر چند ساده، ولی با غذاها و خوردنیهای حلال و پاک را در منزل بگستراند رسول خدا - در این باره می‌فرماید: «**طلبُ
الحلالِ فريضةٌ علىٰ كُلِّ
مُسلِّمٍ وَ مُسْلِمَةٍ؛** انتخاب شغل حلال و درآمد مشروع بر هر مسلمانی، لازم است.» ادامه دارد...

را متوجه نیروهای نهفته خویش می‌سازد. به این ترتیب، مفید و مؤثر بودن خود را باور و اعتماد به نفس در وی تقویت می‌شود. چنین فردی با روحیه سرشار از عشق به کار، از زندگی خود لذت می‌برد و برای رسیدن به اهداف عالی تلاش می‌کند.

- تقویت جایگاه اجتماعی
اشتغال به کار مفید و مورد نیاز جامعه، راه رسیدن به موقعیت اجتماعی يك مسلمان است. شغل فرد هر قدر از نیازهای جامعه بکاهد و باعث تقویت استقلال، آزادی و عزت مسلمانان شود، همان مقدار، موقعیت اجتماعی صاحب شغل در میان افراد جامعه اسلامی، بیشتر و بالاتر خواهد بود. خداوند می‌فرماید: **[وَ أَنْ لَيْسَ لِإِنْسَانٍ إِلَّا
مَا سَعَى]** [؛] و اینکه برای انسان، بهره‌ای جز سعی و تلاش او نیست»

- نیکبختی فرزندان گذشته از اینکه پدر، مدیر خانواده است و باید نیازهای روحی همسر و فرزندان را تأمین کند، لازم است با تهیه غذای حلال و توسعه در زندگی برای رشد سالم و صحیح جسمی آنان نیز زمینه سازی کند؛ چنانکه می‌دانیم اثر

تربیت فرزند در سیره امام حسین علیه السلام

محمد رضا رجبی

الگویی کامل از نظام
تربیتی اسلام را عرضه
می‌کند.

در میان معصومان ()،
امام حسین٪ از موقعیت
ویژه‌ای برخوردار است
که این مقاله بر آن
است تا نکاتی از سیره
تربیتی آن حضرت را در
دو بخش ارائه کند. بخش
اول، برخی نکات تربیتی
است که تا پیش از
حادثه کربلا تحقق یافته
و بخش دوم، نگاهی
مستقل به حادثه عظیم
کربلا و بیان نکات
تربیتی آن.

ذکر این نکته لازم
است که بخش پایانی عمر
شریف حضرت؛ یعنی زمان
تحقیق حادثه کربلا، نکات
تربیتی بیشتری را در
خود دارد؛ چرا که
حادثه کربلا به خاطر

از ضروری ترین وظایف
والدین به شمار می‌آید.
انجام این وظيفة مهم،
بدون اطلاع از
دیدگاه های صاحب نظران
آگاه و مطمئن ممکن
نیست. ما معتقدیم که
معصومان () در تمام
ابعاد هدایتی و
تربیتی، الگوهایی کامل
و مطمئن به شمار
می‌آیند و تکیه بر
گفتارها و رفتارهای
تربیتی آنان در مسیر
تحقیق این وظیفة خطیر،
بهترین ره توشه است.
تمام معصومان () نور
واحد بوده، هدفی مشترک
داشته اند؛ ولی به
اقتضای موقعیتها در
سیره تربیتی آنان،
شگردهای گوناگونی به
چشم می‌خورد که کنار هم
نهادن مجموع گفتارها و

زمینه‌ها و شرایط مطلوب و نامطلوب انعقاد نطفه بیان گردیده است . از جمله اینکه از همبستري در شبی که انسان قصد مسافت دارد، پرهیز شود. امام حسین% خطاب به اصحابش فرمود : «اَخْتَنِّوَا الْغِشْيَانَ فِي اللَّيْلَةِ الَّتِي تُرِيدُونَ فِيهَا السَّفَرَ فَإِنْ مَنْ فَعَلَ ذَلِكَ ثُمَّ رُزِقَ وَلَدًا كَانَ أَخْوَلًا؛ از همبستر شدن با همسرانタン در شبی که قصد مسافت دارید بپرهیزید، [زیرا] اگر کسی آن کار را انجام دهد، سپس فرزندی روزی او شود، آن فرزند احوال (لوج) خواهد شد.»

اظهار محبت به فرزندان محبت به فرزندان امری است که خدا آن را در دل والدین به ودیعه نهاده است؛ اما آنچه است می نماید و آثار تربیتی دارد، ابراز محبت است که والدین و مربیان می توانند در پرتو آن زمینه تربیت صحیح را فرامهم آورند؛ چه بسیارند والدینی که به فرزندان خود علاقه فراوان دارند، اما آن را ابراز نمی‌کنند، در حالی که محبت وقتی سازنده و تأثیرگذار

۱. موسوعة کلمات الامام الحسين%， گروه حدیث پژوهشکده باقر علوم، نشر بین الملل، امیر کبیر، قم، ۱۳۷۷ ش، ص ۷۱۶.

بینظیر بودن آن ببیش از سایر حوادث مورد توجه سیره نویسان و موزخان واقع گردیده است و اسناد بیشتری از آن در دسترس است که میتوان از میان آن نکات تربیتی ویژه‌ای را کشف کرد.

از جلوه‌های تربیتی حادثه عاشوراً، صحنه آزادی و انتخاب راه بود . امام حسین% با اینکه در کربلا به شدت نیازمند داشتن یاور بود؛ اما با کمال صداقت و راستی فرزندان و دیگر یاوران خود را در ادامه مسیر آزاد گذاشت بخش اول : پیش از حادثه کربلا زمینه‌سازی تربیت در مکتب اهل بیت(نه) تنها تربیت فرزندان از لحظه تولد مورد توجه است؛ بلکه به زمینه‌های تربیت و شرایط قبل از تولد و حتی قبیل از انعقاد نطفه نیز توجه خاص شده است . از این رو، در روایات ایشان

به جا و متناسب با فعالیت انجام شده است که به ایجاد انگیزه در فرزند و تکرار و تقویت رفتار وی می‌انجامد.

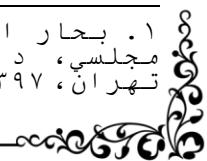
چه بسا فرزندان از ارزش و اعتبار صفات مثبت خود آگاهی نداشته، به شخصیت حقیقی و توانمندی‌های مثبت خویش پی نبرده‌اند و خود را در مقایسه با دیگران ناچیز به شمار می‌ورند. از این رو، والدین و مربیان باید ویژگی‌های مثبت فرزندان را کشف و بر جسته سازند و مورد توجه و تشویق قرار دهند. در فرهنگ اسلامی که تربیت دینی و اخلاقی فرزندان در کانون توجه است، بر تشویق فرزندان هنگام بروز رفتارهای دینی و بر جسته کردن صفات اخلاقی و معنوی آنان بسیار تأکید شده است.

امام سجاد % فرمود: «من به بیماری شدیدی مبتلا شدم. پدرم بر بالینم آمد و فرمود: ما تُشتَّهِي؟ فَقَلْتُ: أَشْتَهِيَ أَنْ أَكُونَ مِمْنُ لَا أَفْتَرُّ عَلَى اللَّهِ رَبِّيْ مَا يُدَبِّرُهُ لِي. فَقَالَ%: لِي أَحْسَنْتَ ضَائِقَتْ إِبْرَاهِيمَ الْخَلِيلَ% حَيْثُ قَالَ جَبَرِيلُ: هَلْ مِنْ حَاجَةٍ؟

۲۰. مجمع البحرين، فخر الدين طريحي، دار المكتبة الھھل، بيروت، ۱۴۰۶ق، ج ۲، ص ۴۰۴.

خواهد بود که فرزند از آن آگاهی یابد. امام حسین % به عنوان الگوی تربیتی مطمئن و کامل، محبت به فرزندان را از نیازهای ضروری آنان دانسته، در قالبها ی گوناگون به ابراز آن می‌پرداخت؛ گاه با در آغوش گرفتن و به سینه چسباندن خردسالان، زمانی با بوسیدن آنان و گاه با به زبان آوردن کلمات شیرین و محبت‌آمیز. «عَبِيدُ اللَّهِ بْنُ عَتَبَهُ» می‌گوید: «لَئِنْ كُنْتُ عَنْهُ الْحُسَيْنُ بْنُ عَلَيْهِ% اذْ دَخَلَ عَلَيْهِ بْنُ الْحُسَيْنِ% الْأَصْغَرُ فَدَعَاهُ الْحُسَيْنُ% وَضَمَّهُ إِلَيْهِ ضَمًّا وَقَبَّلَ مَا بَيْنَ عَيْنَيْهِ ثُمَّ قَالَ بِإِبْرَاهِيمَ أَنْتَ قَاتِلُ أَطْيَبِ رِيحَكَ وَأَحْسَنَ خَلْقَكَ؟» نزد حسین بن علی بودم. در این هنگام علی بن حسین % کوچک وارد شد. حضرت او را صدرا زد، در آغوش گرفت آغوش گرفتنی و میان دو چشم را بوسید و سپس فرمود: پدرم به فدایت باد! چقدر خوشبو و زیبایی!» تشویق کار خوب فرزندان یکی از شیوه های کارآمد تربیتی، مورد اتفاق صاحب نظران عرصه تعلیم و تربیت، تشویق

۱۰. بحار الانوار، محمد باقر مجلسی، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۹۷ق، ج ۴۵، ص ۴۴۰.



بر اساس روایات، معلمان و مربیان به خصوص آنان که در تعلیم آموزه‌های دینی می‌کوشند، حق بزرگی بر جامعه دارند و باید تلاش صادقانه آنان مورد قدردانی و سپاسگزاری قرار گیرد تا رغبت و انگیزه بیشتری بیابند. مرحوم بحرانی در «حلیة الابرار» از شیخ فخر الدین نجفی^۱ – که از فضلا و زهاد بود – نقل کرده است که: «شخصی به نام عبد الرحمن در مدینه، معلم کودکان بود و یکی از فرزندان امام حسین% به نام "جعفر" نزدش آموزش می‌دید . معلم جمله "الحمد لله رب العالمين" را به جعفر تعلیم داد. هنگامی که جعفر این جمله را برای پدر قرائت کرد، حضرت آن معلم را فراخواند و هزار حله به او هدیه داد. وقتی حضرت به خاطر پاداش زیاد مورد پرسش قرار گرفت، در جواب فرمود: و إنني تساناوي عطياتي تي هذاء بثعلبيم ه آللهم رب آلغالمين؛ وبخشش من برابر است با ياددادن «آلهم رب آلغالمين توسط او».

۲. حلیة الابرار، سید هاشم بحرانی، ناشر دار الکتب العلمیة، قم، ۱۳۵۶ش، ج ۱، ص ۵۸۲

فَقَالَ: لَا أُفْتِرُخُ عَلَى رَبِّي بَلْ حَسْبِيَ اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ؛ چه خواسته ای داری؟ عرض کردم: دوست دارم از کسانی باشم که درباره آنچه خدا برایم تدبیر کرده، خواسته ای نداشته باشم . پدرم در مقابل این جمله به من آفرین گفت و فرمود: تو مانند ابراهیم خلیلی، [به هنگام گرفتاری جبرئیل [نزدش آمد و پرسید : از ما کمک می‌خواهی؟ او در جواب فرمود : درباره آنچه پیش آمده از خدا سؤال نمی‌کنم. خداوند مرا کافی است و او بهترین وکیل است.»

طبق این حدیث امام حسین% در مقابل پاسخ عارفانه و دلنشیں فرزندش که برآساس ظاهر حدیث، سن و سال چندانی نداشته است؛ جمله «أحسنت» را به کار برد و او را به «ابراهیم خلیل» تشبیه کرد. اهمیت آموزش دینی فرزندان و قدردانی از معلمان و مربیان در اسلام، کسب دانش مورد سفارش شدید بوده و رهبران دینی پیروان خود را به آموزش و اندوختن دانش، به ویژه معارف دینی تشویق کرده‌اند.

۱. بحار الانوار، ج ۴۶، ص ۶۷۶، ح ۳۴.

حسن مثنی^۱، فرزند امام حسن مجتبی[%] یکی از دختران امام حسین[%] را خواستگاری کرد.
امام حسین[%] به او فرمود: «اُخْتَرْ يَا بُنُيَّ أَحَبَّهُمَا إِلَيْكَ؛ فَرَزَنْدَمْ! هر کدام را بیشتر دوست داری، انتخاب کن».
حسن مثنی[%] شرم کرد و جوابی نداد. آنگاه امام فرمود: «من دخترم فاطمه را برایت انتخاب کرده ام؛ زیرا او به مادرم فاطمه & دختر رسول خدا - شبیه تر است.^۲

مالحظه می شود با اینکه حسن مثنی به احترام عموم و دخترانش به طور مشخص از دختر خاصی خواستگاری نکرد و امر را به عمومیش و انها؛ ولی امام به انتخاب و علاقه فرزند برادرش اهمیت داد و از او خواست خودش آن همسری را که بیش تر

۱. در کتب سیره و تاریخ ائمه) از حسن به عنوان یکی از فرزندان امام مجتبی[%] یاد شده؛ و چنین آمده است: «وَأَمَّا حَسَنُ بْنُ الْحَسَنِ فَكَانَ خَلِيلًا، رَئِيسًا، فَاضِلًا، وَرَعِيًّا...» الارشاد، محمد بن محمد مفید، دار الكتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۳۷ ش، ص ۱۹۶؛ مناقب آل ابی طالب، ابن شهر آشوب، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، ۱۳۸۸ ش، ج ۳، ص ۱۹۲ و بحار الانوار، ج ۴، ص ۱۶۳.
۲. موسوعة کلمات الامام الحسین[%]، ص ۶۳۲.

احترام به انتخاب جوان در امر ازدواج جوانان به سبب کمی تجربه، به استفاده از تجارب و شنیدن نصایح والدین نیازمند؛ اما آنان دیگر دوران کودکی و نوجوانی را پشت سر گذاشته و به حدی از رشد رسیده اند که خود حق انتخاب داشته، برای خود تصمیم بگیرند. از این رو، شایسته است والدین در دوران کودکی و نوجوانی زمینه استقلال و قدرت تصمیم گیری آنها را در سینین بالاتر فراهم آورده، آنان را چنان تربیت کنند که به سمت انتخابهای معقول و تصمیمهای منطقی پیش روند و مصالح واقعی را بر منافع آنی و زودگذر ترجیح دهند. اگر فرزندان به این حد از رشد و استقلال برسند، باید به آنان اعتماد کرد و به تصمیمهای انتخابهای آنان احترام نهاد. جوان در طول زندگی با انتخابهای گوناگونی روبرو است و یکی از مهمترین آنها، گزینش همسر است و چنانچه فرزند از قدرت انتخاب صحیح و معقول برخوردار است، باید به وی حق انتخاب داد و از ازدواجهاي تحميلي پرهیز کرد.

آری، امام سجاد % پیوسته به این رفتار پدرش عمل کرد . بدین % سبب، امام باقر فرمود: «(پدرم) علی بن الحسین % شبها کيسه نان بر دوش حمل می کرد و (به مستمندان) صدقه می داد .»^۲

بخش دوم : هنگام وقوع حادثه کربلا

حادثه کربلا، جوانه ترین رویدادی است که زمانه در بستر خود مانند آن را ندیده است.

این واقعه بی نظیر زوایایی بی انتهایی دارد که تنها آنکی از آنها شناخته شده و زوایای ناشناخته اش بسی بیش از شناخته شده اش است . بیگمان با گسترش دانش بشری در حوزه علوم انسانی، امید کشف آنها دور از انتظار نیست . از جمله زوایایی این واقعه عظیم، تأمل از منظر روانشناسی و تربیت است؛ چرا که هدف ائمه اطهار (قبل از هر چیز، هدایت و تربیت است؛ زیرا آنان بزرگترین مربیان بشريت‌اند و باید تفسیر تربیتی از حوادث زندگی آنان ارائه شود . ذکر این نکته مفید

د وست دارد ، به همسري برگزیند.

تربیت عملی
بی تردید مؤثرترین عامل در تربیت اخلاقی و دینی فرزندان ، رفتارهای درست والدین است؛ چرا که زبان رفتار از زبان گفتار بسی نافذتر بوده ، در عمل آثاری نهفته است که هرگز از گفتار برنامی آید . کودک و نوجوانی که پیوسته شاهد اعمال نیک والدین است، غیر مستقیم سرمشق می‌گیرد و به انجام کارهای نیک تشویق می‌گردد . در سیره تربیتی ائمه اطهار (تربیت با رفتار و کردار، بارزترین بُعد تربیت است . فرزندان ائمه) با دیدن رفتار آنان سرمشق گرفته، عمل می‌کردند. «شعیب بن عبد الرحمن خزائی» می‌گوید: هنگامی که امام حسین % در کربلا به شهادت رسید، بر دوش نشانه‌ای وجود داشت . از امام سجاد % درباره آن پرسیدند، حضرت بسیار گریست و فرمود: «این، اثر بارهای غذایی است که پدرم بر دوش حمل می‌کرد و به خانه تهیستان میرد .»^۱

۱. حلیة الابرار، سید هاشم بحرانی، ج ۱، ص ۵۸۲.

۲. مناقب آب ابی طالب، ابن شهر آشوب، ج ۱، ص ۱۵۰.

واقعه کربلا نیز با وجود حضرت از توجه به نیازهای مادی و معنوی فرزندان و همراهان خود غافل نماند.

الف) نیازهای مادی

احتیاج اولیة هر انسان است که بدون تأمین آن، زندگی ممکن نیست. نیاز به رفع تشنگی از این جمله است که در کربلا به خاطر وضعیت ویژه ای که دشمن برای کاروان کربلا به وجود آورد، به نیازهای حیاتی تبدیل شد و ایشان را به تلاش برای رفع آن از راههای ممکن واداشت. از این رو، آنگاه که حضرت عباس% از برادر اجازه مبارزه با دشمن طلبید، حضرت از او خواست برای کودکان آب فراهم نماید و فرمود: «فاطِلْ بِ لَهُؤُلَاءِ

الْأَطْفَالِ، قَلِيلًا مِنْ
برای این کودکان مهیا کن...».

این توجه حضرت زمانی به اوج رسید که فرزند شیرخواره اش را روی دست گرفت و از دشمن آب طلب نمود در کتاب «لهوف آمده است: «حضرت زینب طفل را نزد امام آورد

۱. عوالم العلوم و المعارف، عبدالله بن نور الله بحرانی، مؤسسہ امام مهدی (عج)، قم، ۱۳۸۲ش، ج ۱۷، ص ۲۸۴ و بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۴۰.

است که گوناگونی شرایط زمانی ائمه اطهار (با عرض گشته تا آنان با وجود آرمان مشترک، در عرصه دعوت و تربیت شیوه های گوناگونی داشته باشند . در این میان امام حسین % بخاطر شرایط ویژه، ضمن آنکه تمام زندگی و سیره ایشان سرمشقی کامل از حیات طیبه، برای پیروانش است، سیره تربیتی آن حضرت در حادثه کربلا نیز برای کسانی که زندگیشان به شرایط زمانی آن حضرت شباخت بیشتری دارد و میخواهند حسینی باشند، اهمیت فزونتری دارد. توجه به نیازهای فرزندان موجودات عالم برای ادامه حیات نیازهایی دارند که بدون برآوردن آنها زندگی ناممکن و یا همراه با سختی است. این احتیاج در غیر انسان به نیازهای مادی و جسمانی محدود است؛ اما در انسان شامل امور مادی، روانی و معنوی هم میشود که تنها در سایه رفع تمام این نیازها به رشد کامل می رسد . توجه مناسب به این نیازها از نکات مهم تربیتی است؛ نیازهایی که در قالبهاي زیستي، عاطفي روانی و معنوی جلوه گر میشود . در

بیماری و... چنان شد
میابد که بیتوجهی به
آنها بنیان روانی و
عاطفی کودک را به
مخاطره میاندزد.
این شرایط ویژه به
کامل ترین شکل در کربلا
برای فرزندان امام
حسین % جلوه نمود.
فرزندان و همراهان آن
حضرت در میدان مبارزه
و در سخت ترین حالات،
امام% را صدا می زند
و در واپسین لحظات،
اوج نیاز عاطفی خویش
را به نمایش مگذاردند. . بیماری
حضرت سجاد % بنا به
تقدیر الهی و از دست
دادن پدر و امام خویش
و این وضعیت خاص، قطعاً
توجه ویژه ای را
می طلبید و اینجا بود
که امام حسین % به
گونه های مناسب، به
نیاز آنان پاسخ میدهد
و نسبت به طفان به
گونه ای و به یگانه
فرزندش امام زین
العابدین% به گونه ای
دیگر، و در مورد
یتیمان و داغدیدگان پس
از شهادت خویش به شکلی
دیگر سفارش میفرماید.
رفتار تربیتی امام حسین %
در میدان جنگ
حضرت نسبت به
فرزندان و برادرزادگانش
که به میدان مبارزه
میرفتند، رفتارهای
گوناگونی داشت. هنگام

و عرض کرد که این بچه
تشنه است، برای او
درخواست آب کن ! امام
کودک را بر روی دست
گرفت و فریاد برآورد :
ای قوم ! پیروانم و اهل
بیتم را کشید و تنها
این کودک باقی مانده
است که از تشنجی لبانش
را به هم میزند. او را
با جرعه ای آب سیراب
کنید!»
ب) نیازهای عاطفی و روانی
گرچه در طبقه بندیهای
روانشناسی، نیازهای
زیستی جزء نخستین
نیازها به حساب می آید؛
اما نقش نیازهای عاطفی
و روانی نیز با اهمیت
و تعیین کننده است، اگر
چه نیاز جسمی محسوس و
اشکار بوده و فقدانش
جسم را متاثر
می گرداند؛ اما نیازهای
روحی و روانی نامحسوس اند و عدم
پاسخگویی به آنها،
روان آدمی را آزرده
می سازد . کودکان و
نوجوانان به خاطر
موقعیت سنی که در برابر
مشکلات آسیب پذیر است،
دارند به برآوردن
نیازهای عاطفی و روانی
نیاز دوچندان دارند .
این نیازها، به خصوص
در شرایط ویژه، مانند
از دست دادن والدین،

۱. لهوف، سید بن طاووس، نشر
مطهر، تهران، ۱۳۷۸ ش، ص ۱۶۹.

فرمود: «يَا بُنَيْ اصْبِرْ
قَلِيلًا حَتَّى تَلْقَى جَدُّكَ
رَسُولَ اللَّهِ فَتُسْقِيكَ شُرْبَةً
مِنَ الْمَاءِ لَا تَظْمَأْ بَعْدَهَا
أَبَدًا؟ فَرَزَنَدْ! كَمِي
صَبَرْ تا جَدَتْ رَسُولَ خَدا -
رَا مَلَاقَاتْ كَنِي، او شَرِبَتْ
آبِي بَهْ تُو بَنْوَشَانَدْ كَه
هَرَگَزْ تَشْنَهْ نَشْوَي»

در مورد حضرت علی اکبر% نیز آمده است: بعد از مبارزه ای بی امان و کشتن تعدادی از دشمنان، در حالی که جراحات زیاد بر بدن داشت، عطش بر او بسیار ناگوار آمد، پس نزد پدر آمد و عرض کرد: «يَا أَبَّةَ الْعَطْشِ قَدْ
قَتَلْنَيْ وَ ثَقْلُ الْحَدِيدِ قَدْ
أَجْهَدَنِي فَهَ لِإِلَيْ شُرْبَةً
مِنَ الْمَاءِ سَيِّلَ أَتَقْوَى
بِهَا عَلَيْ الْأَعْذَاءِ؟ فَبَكَى
الْجُسِينَ% وَ قَالَ يَا بُنَيْ
يَعْزَزْ عَلَيْ مُحَمَّدَ وَ عَلَيْ وَ
عَلَيْ أَبِيكَ أَنْ دَعَ وَ تَهُمْ فَلَا
يُجِيئُونَكَ وَ تُسْتَغْيِثُ بِهِمْ
فَلَا يُغِيَّثُونَكَ؟ اي پدر!
عطش مرا از پایی درآورد
و سنگینی اسلحه مرا
ناتوان کرد. آیا شربت
آبی هست تا با نوشیدن
آن، با توان بیشتر با
دشمنان مبارزه کنم؟
ام ام گریست و فرمود:
فرزندم! بر محمد و علی
و پدرت سخت است که
آنان را بخوانی و به
تو پاسخ ندهند و به

۲: همان.
۳: همان، ص ۴.

رفتن به میدان، با در آغوش گرفتن آنان و اظهار علاقه و محبت، صحنه های زیبایی از عاطفه و محبت را به نمایش می گذاشت . در مورد قاسم بن الحسن % آمده است: «قاسم در حالی که نوجوانی غیر بالغ بود، از سوی خیمه های اطراف میدان خا رج شد . وقتی امام حسین% نکاہش به قاسم افتاد، او را به آغوش کشید . آن دو دست به گردن هم آویختند و چنان گریستند که بیهوش شدند.»

در مرحله بعد، وقتی آنان در میدان مبارزه، در مقابل شرایط نابرابر، گرمای شدید و تشنجی قرار گرفتند، آن حضرت آنان را به صبر دعوت کرد و به آنان دلداری داد و اظهار همدردی نمود.

در مورد «احمد بن حسن» نوشته اند: بعد از آنکه در میدان جنگ شرایط مبارزه تو ان را از او گرفت، نزد عمومیش حسین% آمد و پرسید: عمو (جان)! آیا جرعة آبی هست تا جگر خود را با آن خنک کنم و برای مبارزه با دشمنان خدا و رسولش تو ان بیش تری پیدا کنم؟ امام %

۱. بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۳۵.

کمک کند؛ اما به تو
سودی نبخشد.»

Riftar تربیتی امام حسین %

به امام سجاد%
خواست الهی بر این
تعلق گرفت که امام
سجاد%， حجت بعد از
امام حسین% بیمار
باشد تا جهاد بر او
واجب نشود و همچنان
زمین از حجت الهی خالی
نگردد و این وضعیت
جلوه دیگری از تربیت
حسینی را می‌طلبید. در
حالي که شدت مبارزه و
مصیبت‌های پیاپی کربلا،
انسان معمولی را چنان
به خود مشغول می‌کند که
همه چیز را فراموش
می‌کند، مربی بزرگ کربلا
از مسئولیت بزرگ تربیت
غافل نمانده، چون
فرزنده خود را نیازمند
توجه و مراقبت دید، بر
باليينش آمد و به
پرسشهای او در مورد
حوادث کربلا صمیمانه
پاسخ داد. در منابع
تاریخی می‌خوانیم:
«... حضرت به سوی
خیمه فرزندش
زین العابدین آمد و در
حالی که فرزندش بر
فرشی از پوستی ن
استراحت می‌نمود و حضرت
زینب& از او پرستاری
می‌کرد، از ایشان عیادت
نمود. وقتی
زین العابدین% نگاهش

پاری بخواهی و آنان
فریادرس تو نباشند»

در مرحله سوم،
آنگاه که فرزندان بعد
از مبارزة بی‌امان توسط
دشمن مجروح گشته و بر
زمین افتادند، حضرت به
سرعت خود را بر
باليينشان رسانده، آنها
را در آغوش گرفت. در
آن لحظات حساس که
فرزنده نیاز بیشتری
به تسلی خاطر داشتند،
با آنان ابراز همدردی
نمود... .

به عنوان نمونه
آنگاه که «قاسم بن
الحسن» بر زمین افتاد
و عمومی خود را صدرا زد،
امام حسین% خود را بر
باليين وي رساند و در
نهایت خشم بر دشمن
حمله برد. وقتی گرد و
غبار فرو نشست، دیدند
امام% بر باليين قاسم
نشسته و به او که در
حال جان داده بود،
فرموده «عَزْ وَاللهُ عَلَى
عَمَّكَ أَنْ تَذَعُّهُ فَلَا يُجِيبُكَ
أَوْ يُجِيبُكَ فَلَا يُنْفِعُكَ^۲»
به خدا سوگند! بر عمومی
تو سخت است که او را
بخوانی و او پاسخ
نده، یا اجابت نماید؛
ولی نتواند کمک کند یا

۱. بح ارالانوار، ج ۴۵، ص ۳۵؛
مقتل ابی مخنف، ص ۱۲،

بح ارالانوار، ج ۴۵، ص ۴۰.

۲. لهووف، سید بن طاووس،
ترجمه، محمد محمدی
اشتها رادی، من ۴۸، بح، ج ۴۵،
ص ۳۵.

عزمشان برای دست یابی
به تمام اهداف را،
تقویت نماید.
در مقاتل آمده است:
«هنگامی که امام %
همه یارانش را دید که
شهید شده اند، برای
وداع به خیمه‌ها آمد و
ندا داد: ای سکینه! ای
فاطمه! ای زینب! ای ام
کلثوم! درود و سلام من
بر شما باد! سکینه صدا
زد: ای پدر! آیا تن به
مرگ داده ای؟ فرمود:
کسی که یاور ندارد،
چگونه تن به مرگ
نده؟»

طبق نقل دیگر
فرمود: «ای نور چشم
من! کسی که یاوری
ندارد، چگونه تسليم
مرگ نشود؟ (فرزندم)
رحمت و نصر ت خدا در
دنيا و آخرت به همراه
شما است، پس بر قضای
الهي صبر پیشه کن و
زبان به شکوه مگشای؛
زیرا دنيا از بینزفتني
و آخرت ماندگار است»
طبق نقل سوم، آن
حضرت به فرزندان و
خواهران چنین توصیه
فرمود: «خودتان را
برای گرفتاري آماده
کنيد و بدانيد خدا
نگهدار و یاور شما است

۲. نفس المهموم، حاچ شیخ عباس قمی، مؤسسه نشر شهر، تهران، ۱۳۸۹.
۳. منتهی الامال، شیخ عباس قمی، ترجمه رضا استادی، نشر مصطفی، تهران، ۱۳۸۴ ش، ج ۱، ص ۴۴.

به پدر افتاد، خواست
از بستر برخواست؛ اما
از شدت بیماری قادر به
برخاستن نبود . از
عمه اش زینب & خواست که
او را کمک کند، زینب
خود را تکیه گاه او
قرار داد. امام حسین %
از وضعیت بیماری
فرزنده سؤال کرد و
ایشان حمد و سپاس خدا
را به جا آورد و از
پدر پرسید: در این روز
با این قوم منافق
چگونه رفتاری کردي؟
پدر فرمود: فرزندم!
شیطان پر آنان مستولی
گشت و آنان را از یاد
خدا غافل ساخت»
رفتار تربیتي امام حسین %
در لحظه وداع
امام % در واپسین
لحظه هاي زندگي و شرایط
ناگوار خانواده و
فرزندان، غصه یتيمی و
از دست دادن نزدیکترین
عزيزان از يك طرف، طي
مسير كربلا تا شام و از
شام به مدینه، و
همراهي دشمنان سنگدل،
از طرف دیگر را مجسم
کرد در چنین شرایطي
امام % شيوه دعوت به
صبر و بردباري و توجه
دادن به نصرت الهي را
برگزيده تا با دم حسيني
خود، روح خسته آنان را
توان دوباره بخشد و

۱. موسوعه کلمات امام
حسین%， ص ۴۸۰.

روانشاسی و تربیتی را
به ش گفتی و امی دارد.
امام% فرموده: «...**بِنَدِي أَنْتَ أَطَيْ بُذْرِيَّتِي**
وَأَفْضَلُ عِتْرَتِي وَأَنْتَ
خَلِيفَتِي عَلَى هُؤُلَاءِ
الْعَبَّالِ وَالْأَطْفَالِ فَإِنَّهُمْ
عَرَبَاتُ مَحْدُولُونَ قَدْ
شَمَلَتُهُمُ الْذَلَّةُ وَالْيُثْمُ وَ
شَمَائِثُ الْأَعْدَاءِ وَنَوَائِبُ
الزَّمَانِ، سَكَنَ كَثَّهُمْ إِذَا
صَرَخُوا وَأَنْسَهُمْ إِذَا
أَسْتَوْحِشُوا وَسَلَّلُ حَوْأَاطِرُهُمْ
بِلَّ يَنِّ السَّلَامُ فَإِنَّهُمْ
مَابِقِيٌّ مِنْ رِجَالُهُمْ مَنْ
يُسْتَأْنِسُونَ بِهِ غَيْرُكَ وَلَا
أَحَدٌ عِنْدُهُمْ يَشْكُونَ إِلَيْهِ
حُزْنُهُمْ سُوَاكُ؛ فَرِزْنِدُمْ!
تو پاکیزه ترین ذریه و
با فضیلت ترین خاندان من
هستی . بعد از من تو
سرپرست کودکان و اهل
بیتی . آنان [پس از من]
غیریب هستند و به خواری
کشیده می‌شوند . خواری ،
یتیمی ، شماتت دشمنان و
مصيبتهاي زمان آنها را
در برگرفته است . هرگاه
ناله و گریه آنان بلند
شد ، آرامشان گردان . در
هنگام ترس همراهشان
باش . با سخنان نرم
تسلي خاطرشان بد . از
مردان آنها جز تو کسي
که با او انس بگيرند ،
باقي نمانده است و جز
تو کسي را که شنوای
شکوه ها و درد دلهایشان
باشد ، ندارند .»
پاسخگويي به پرسشهاي

و شما را از شر دشمنان
نجات می بخشد و عاقبت
امرتان را به خیر
خواهد کرد . دشمنان تان
را با انواع بلاها عذاب
خواهد نمود و به شما
در برابر اين گرفتاري ،
انواع نعمت و کرامت
عطای خواهد کرد ، پس
زبان به شکوه مگشايد
و سخني مگويند که از
منزلت و ارزش شما
بکاهد .»
سفارش به فرزندان يتيم و
با زماندگان
فرزندان و
با زماندگان کاروان
کربلا نظاره گر
دلخراشترين صنه ها
بوده اند ، لذا به توجهی
عميق نياز داشتند . از
این رو ، امام حسین% با
تمام گرفتاریها و
مصالح ، وضعیت روحی و
روانی فرزندان را برای
پیشیزی کرد و در
واسین لحظات ، تنها
فرزند با زمانده خود ،
امام زین العابدین%
را به توجه ، مراقبت و
درک وضعیت روحی آنها
سفارش فرمود و آنچنان
شرایط روانی و روحی
آنها را ترسیم نمود و
مشاوره هاي لازم تربیتي
را به ايشان ارائه داد
که هر آشنا به مسائل

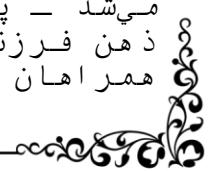
کرد و ذهن کنگکاو آنان
را به پرسشگری وا
داشت . امام با درک
موقعیت آنها ، به
سؤالاتشان پاسخهای
مناسب و در خور آنان
می‌داد . به دو نمونه از
پاسخگویی حضرت اشاره
می‌کنیم :

۱. آن حضرته % هنکام
ظهور به همراه اصحابش ،
در ثعلبیه فرود آمد ،
خواب کوتاهی بر آن
حضرت مستولی شد که پس
از اندکی حضرت با چشم
گریان از خواب بیدار
شد . فرزندش علی اکبر %
که متوجه این محنہ
بود ، پرسید : ای پدر !
چرا گریه می‌کنی ؟ خدا
چشم تو را نگیریاند .
حضرت فرمود : «فرزندم !
این لحظه وقتی است که
رؤیا در آن دروغ
نمی‌باشد . من در خواب
سواره ای را دیدم که
کنارم ایستاد و گفت :
ای حسین ! شما به سرعت
حرکت می‌کنید و مرگ به
سرعت شما را به بهشت
می‌رساند ، پس آگاهی
یافتم که مرگ ما فرا
رسیده است . » حضرت علی
اکبر % پرسید : ای پدر !
آیا ما بر حق نیستیم ؟
فرمود : «فرزندم ! به
خداآوندی که تمام
بندها به سوی او
برمی‌گردند ، ما بر حق
هستیم . » علی اکبر %
عرض کرد : در این صورت

فرزندان وقتی فرزندان دوران
نوزادی و کودکی را پشت
سر می‌گذارند ، بر اثر
ارتباط بیشتر با اشیاء
پیرامون و برخورد با
موقعیتهاي جدید ،
سؤالاتی در ذهنشان به
وجود می‌آيد و در مقطعی
از سن ، چنان والدین را
سؤال باران می‌کنند که
آنها را به ستوه
می‌آورند .

هرچه کودکان رشد
عقلانی بیشتری می‌یابند ،
سؤالات جدی تری خواهند
داشت ، به ویژه در دوره
نوجوانی و آغاز جوانی ،
شرایط جدید ، تغییر و
تحولات ، تصمیمات بزرگ
در زندگی والدین سوالات
بیشتری را در ذهن آنان
ایجاد می‌کند . در چنین
وضعیتی بر والدین بصیر
و آگاه لازم است که
برای فرزندانشان زمینه
پرسشگری را فراهم کنند
و پایی صحبت‌های آنان
بنشینند و با صبر و
حواله به پرسشهای آنان
پاسخ مناسب دهند و
ابهامات را مرتفع
سازند . پاسخگویی به
سؤالات آنان در رشد
فکری و تربیتیشان مؤثر
است .

حادثه کربلا - که در
زندگی امام حسین %
موقعیت جدیدی محسوب
می‌شد - پرسشهایی را در
ذهن فرزندان و دیگر
همراهان حضرت ایجاد



اجبار برگزید و در راه تحقق و دستیابی به آن تا پای جان ایستاده، عنصر آزادی به جا و انتخاب درست می‌باشد که در تربیت، عنصری گرانبها و کارآمد است؛ زیرا در تربیت فرزندان اجبار ثمری نمی‌بخشد. والدین و مردمیان باید چنان زمینه را آماده کنند که فرزندان خود راه صحیح را برگزینند تا بر آنچه به حق برگزیده‌اند، پایبند و استوار باشند.

از جلوه‌های تربیتی حادثه عاشورا، صحنۀ آزادی و انتخاب راه بود. امام حسین٪ با اینکه در کربلا به شدت نیازمند داشتن یاور بود؛ اما با کمال صداقت و راستی فرزندان و دیگر یاوران خود را در ادامۀ مسیر آزاد گذاشت و با اینکه بر فرزندان خود حق بزرگ دارد؛ اما هیچ‌گاه راه مبارزه و همراهی خود را بر آنان تحمیل نفرمود و از این رو، آنان که آگاهانه همراهی پدر و امام خویش را برگزیدند، در این راه تا آخرین نفس ایستاده، جان خویش را فدا نمودند.

«ابی حمزه ثمالي» از امام علي بن الحسينؑ نقل می‌کند که:

از مرگ ترسی نداریم . امام فرمود : «خدا بهترین پاداش پدر به فرزند را به تو عطا فرماید!»^۱

۲. در شب عاشورا بعد از آنکه حضرت، حوادث روز عاشورا و شهادت یاران را ترسیم کرد، قاسم بن حسن٪ درباره شهادت خود پرسید. امام٪ به او مهربانی کرد و پرسید : فرزندم ! مرگ نزد تو چگونه است؟ پاسخ داد : عموم (جان) ! مرگ نزد من از عسل شیرین تر است . حضرت بعد از آنکه ظرفیت و توان درک قاسم را نمایان ساخت و پاسخ زیبای او را شنید، فرمود : عمومیت به فدایت! به خدا قسم! تو از کسانی هستی که بعد از آزمایش بزرگ به همراه من شهید مشوی.^۲

نقش آزادی انتخاب در تربیت فرزندان خدا انسان را آزاد آفریده و قدرت اراده و انتخاب به او بخشیده است تا در پرتو آن از میان راه های مختلف مسیر صحیح را برگزیند آنچه انسان در پرتو شناخت و بدون اکراه و

۱. ناسخ التواریخ، عباسقلی سپهر، چاپ اسلامیه، تهران، ۱۳۶۴ ش، ۲، ج ۲۰، ص ۲۲۰.

۲. لهوف، سید بن طاووس، ترجمه سید احمد زنجانی، نشر جهان، تهران، ۱۳۵۳.

در شب عاشورا پدرم اهل
و فرزندان خود و اصحاب
را جمع نمودند و خطاب
به آنان فرمود : «ای
اهل و فرزندان و ای
شیعیان من! از فرصت شب
استفاده کنید و جانهاي
خود را نجات دهید ...
شما در بیعتی که با من
بسته اید، آزاد
هستید... ».^۱

همچنین هنگامی که
آن حضرت عبد الله، فرزند
مسلم نزد ایشان آمد و
اجازة میدان طلبید،
فرمود : تو در بیعت با
من آزاد هستی . شهادت
پدرت کافی است. تو دست
مادرت را بگیر و از
این معركه خارج شو !
عبد الله عرض کرد: به خدا
سوگند ! من از کسانی
نیستم که دنیا را بر
آخرت مقدم دارم.^۲

۱. نفس المهموم ، ص ۲۳۰ .
۲. موسوعه کلمات امام
حسین% ، ص ۴۰ .

آیات مرتبط با رخدادها

۳۱

سپمای امام زمان (عج) از دیدگاه قرآن

محمد اسماعیل نوری زنجانی

در قرآن دریم آیات بسیاری وجود دارد که طبق روایات و نظر برخی مفسران، هر کدام به نوعی (با تنزیل یا تاویل خود) با وجود مقدس امام دوازدهم ارواحنا له الفداء و قیام او ارتباط دارد، البته با توجه به اینکه تفسیر تمام آنها از حوصلة یک مقاله خارج است، لذا از باب «مَ لَا يُذْرِكُ كُلُّهُ لَا يُتَرَكُ كُلُّهُ» فقط برخی از آیات مربوطه مطرح میشود:

آیه اول: بقیة الله در سوره هود، آیه ۸۶؛ از زبان حضرت هود% خطاب به قوم خود میفرماید: [بَقِيَّتِ اللَّهِ خَيْرُكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ وَ مَا أَنَا عَلَيْكُمْ بِحَفِيظٍ]؛ «آنچه خدا برای شما باقی گذارد هم (از

یدی ار رخدادهای مهم ماه شعبان، ولادت با سعادت قائم آل محمد- حجت بن الحسن % مهدی صاحب الزمان است که در شب پانزدهم این ماه، سال ۲۵۵ ق پیش از طلوع فجر، عالم را با نور خودش منور فرموده است؛ در این مقاله به برخی از آیات مرتبط با وجود مقدس آن

۱. تاریخ الائمه، ابن ابی ثلح بغدادی، ص ۲۵؛ مسار الشیعه، شیخ مفید، ص ۳۷۲؛ تاج المولید، طبرسی (۷۲)؛ تاج حسن (۶۱)، ص ۶۱۷ (۱۳۷)؛ توضیح المقاصد، شیخ بهایی (محمد بن حسین عاملی)، ص ۲۰۶ (۵۳۲)، که هر چهار کتاب مذکور به اضافه دو کتاب دیگر تحت عنوان «مجموعه تفییسه» با مقدمه و تأیید آیت الله مرعشی نجفی توسط مکتبه بصیرتی، قم، در سال ۱۳۹۶ ق چاپ شده است؛ بحار الانوار، مجلسی، ج ۱، آحیاء التراث العربي، چاپ دوم، ۱۴۰۳ ق، ج ۱، ص ۵۱، ۲۷.

الف) شیخ صدوq (با سند معتبر از «احمد بن اسحاق قمی» روایت کرده است که می گوید : محضر امام حسن عسکری[٪] مشرف شدم . می خواستم درباره امام بعد از او سؤال کنم . حضرت بدون اینکه من چیزی بگویم ، فرموده خدای حکیم هیچگاه زمین را خالی از حجت نمی گذارد . عرض کردم : امام بعد از شما کیست؟ برخاست و از داخل خانه پسرچه سه ساله ای در آغوش خود آورد که صورتش مثل ماه کامل نورانی بود ، فرموده : ای احمد بن اس حاق! اگر نزد خدا و حجتهاي او احترام نداشتی ، فرزندم را به تو نشان نمی دادم ! مثل این فرزندم در این امت مثل حضرت خضر و ذی القرنین است ، مدت طولانی غایب می شود که در آن مدت از هلاکت نجات نمی یابد ، مگر کسی که خدا او را در اعتقاد به امامت این امام ثابت بدارد و توفیق دعا برای تعجیل در فرجش عنایت فرماید احمد بن اسحاق می گوید : عرض کردم : مولای من ! آیا علامتی هست که قلبم به آن مطمئن گردد؟ در این لحظه دیدم آن کودک با زبان فصیح عربی فرموده : «أَنَا بِقِيَةِ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ وَ الْمُنْتَقِمُ مِنْ أَعْدَائِهِ فَلَا

سرمایه های حلال) ، برایتان بهتر است ، اگر ایمان داشته باشد . و من ، پاسدار شما (و مامور بر اجبارتان به ایمان) نیستم .» مفسران قرآن ، کلمه «بقیة الله» را به سود متعارف حلال در تجارت تفسیر کرده اند ، و این تعبیر یا به خاطر آن است که چون سود حلال اندک مطابق فطرت و به فرمان خدا است «بقبیة الله» است . یا اینکه تحصیل حلال باعث دوام نعمت الهی و بقای برکات می شود ، و یا اشاره به پاداش و ثوابهاي معنوی است که تا ابد باقی می ماند ، هر چند دنیا و تمام آنچه در آن است ، فانی شود . از طرف دیگر در روایات متعددی می خوانیم که «بقبیة الله» به وجود مقدس حضرت مهدی صاحب الزمان[٪] یا امام دیگر تفسیر شده است که چند نمونه نقل می شود :

١- مجمع البيان في تفسير القرآن ، فضل بن حسن طبرسي ، انتشارات ناصر خسرو ، تهران ، ١٣٧٢چاپ سوم ، ش ٥، ج ٥، ٢٨٦[٪] ، الميزان في تفسير القرآن ، علامه طباطبائي ، انتشارات جامعه مدرسین ، قم ، چاپ پنجم ، ١٤١٧ق ، ج ١٠، ٣٤٤[٪] تفسیر نمونه ، مکارم شیرازی والاسلامیه ، ران ، دار الكتب ج ٩ ، ٢٤٦[٪] . ١٣٨٥ش ، ص

**مُؤْمِنِينَ ثُمَّ يَقُولُ أَنَا
بَقِيَّةُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ وَ
خَلِيقَتُهُ وَحَجَّتُهُ عَلَيْكُمْ
فَلَا يُسْلِمُ عَلَيْهِ مُسْلِمٌ إِلَّا
قَالَ : السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا
بَقِيَّةُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ ؛^۲ در
آن هنگام، قائم ما
ظهور می‌کند، وقتی که
ظهور کرد، به "کعبه"
تکیه می‌دهد و سیصد و
سیزده نفر دور او جمع
می‌شوند، و اولین حرفي
که می‌زند، این آیه
است: [بَقِيَّتُ اللَّهِ خَيْرُ لَكُمْ
إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ] سپس
می‌گوید: من، بقیه الله و
خلیفة او در زمین و
حاجت خدا بر شما هستم،
پس از آن هیچ مسلمانی
بر او سلام نمیدهد، مگر
اینکه می‌گوید: **السَّلَامُ
عَلَيْكَ يَا بَقِيَّةُ اللَّهِ فِي
أَرْضِهِ.****

ج) شیخ کلینی (با
چند واسطه از «عمر بن
 Zaher» روایت کرده است
که می‌گوید: مردی از
امام صادق % پرسید:
آیا به حضرت قائم
می‌توان به عنوان
«امیر المؤمنین» سلام
داد؟
فرمود: «لا، ذاك اسم

۲. همان، ج ۱، ص ۳۲، باب ۳۲،
ح ۱۶؛ تفسیر نور الثقلین،
عبد علی حوزی، انتشارات
اسما علییان، قم، چاپ چهارم،
۱۴۱۵ق، ج ۲، ص ۳۹۲، ح ۱۹۴؛
تفسیر کنز الدقائق، محمد بن
محمد رضا قمی مشهدی، وزارت
ارشاد اسلامی، تهران، چاپ
اول، ۱۳۶۸ ش، ج ۹، ص ۲۲۶.

**تَطْلُبُ أَثْرًا بَعْدَ عَيْنٍ يَا
أَحْمَدَ بْنَ إِسْحَاقَ؛ مِنْ
بَقِيَّةِ اللَّهِ دُرْ زَمِينَ وَ
اِنْتِقَامَ گِيرَنَدَه از
دشمنان خدا هستم، این
احمد بن اسحاق! پس از
دیدن با چشم، دیگر
علامت نخواه!»
در پایان امام حسن
عسکری % فرمود: «**يَا
أَحْمَدَ بْنَ إِسْحَاقَ هَذَا أَمْرٌ
مِنْ أَمْرِ اللَّهِ وَ سُرُّ مِنْ سُرُّ
اللَّهِ وَ غَيْرُ مِنْ غَيْرِ اللَّهِ فَحَذِّرُ
مَا آتَيْتُكَ وَ اَكْتُمُهُ وَ كُنْ
مِنْ الْتَّاشِكِرِينَ تَكُنْ غَدَّاً
فِي عَلَيْيَنَ؛ اي احمد بن
اسحاق! این، امر الهی
و سری از اسرار خدا و
غیبی از غیبهای خدا
است، آنچه را که به تکو
دادم بگیر و مخفی کن و
از شاکران باش تا فردا
در «علیین» با ما
باشی.»****

ب) و در حدیث دیگر با
چند واسطه از «محمد بن
مسلم» روایت کرده است
که می‌گوید: امام
باقر % پس از بیان
برخی از علایم ظهور،
فرمود: **«فَعِنْدَ ذَلِكَ خُرُوجٌ
قَائِمِنَا فَإِذَا خَرَجَ أَسْنَدَ
ظَهَرَةً إِلَيْهِ الْكَعْبَةُ وَ
اجْتَمَعَ أَلَيْهِ ثَلَاثَمَائَةٌ وَ
ثَلَاثَةَ عَشَرَ رَجُلًا وَ أَوْلُ مَا
يَنْطَقُ بِهِ هَذِهِ الْأَيْةُ بَقِيَّتُ
اللَّهِ خَيْرُ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ**

۱. کمال الدین و تمام
النعمة، شیخ صدوق، دار
الكتب الاسلامیه، تهران، چاپ
دوم، ۱۳۹۵ق، ج ۲، ص ۵۰
باب ۳۸، ح ۱.

شهری که ساکنانش
طالمند ! من «بقية الله»
هستم که خدا در قرآن
می‌فرماید: «بَقِيَّةُ اللَّهِ خَيْرٌ
لَكُمْ» تا اینکه پیرمردی
از ساکنان شهر به مردم
گفت : ب ه خدا سوگند !
این دعوت حضرت شعیب %
است . اگر دروازه را
باز نکنید و به
استقبالش نروید، عذاب
الهي شما را می گیرد !
لذا به استقبال امام
شتافتند...» ه) از «نجمه»
مادر امام رضا % روایت
شده است که ضمن بیان
جريان حمل و ولادت امام
رضا % می‌گوید: هنگامی
که متولد شد، دستش را
به زمین گذاشت، سرش را
به طرف آسمان بلند
نمود و لبهاش را حرکت
داد. گویا تکلم می‌کرد
و شهادتین و اقرار به
امامان را می‌گفت، در
این لحظه پدرش موسی بن
جعفر وارد شده و
فرمود : «هَنِئِنَا لَكَ يَا
نَجْمَةَ كَرَامَةِ رَبِّكَ؛ أَي
نَجْمَهُ! كرامت پروردگارت
گوارایت باد» نوزاد را
در پارچه سفید به او
دادم، در گوش راستش
اذان و در گوش چپش
اقامه گفت و با اب
فرات «تحنیک» نمود،

۲. تفسیر نور ال ثقلین،
جویزی، ج ۲، ص ۳۹۰ - ۱۷۵؛
تفسیر صافی، فیض کاشانی،
انتشارات صدر، چاپ دوم،
۱۴۱۵ق، ج ۲، ص ۶۸۶.

سَمَّى اللَّهُ بِهِ
أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ% لَمْ يُسَمَّ
بِهِ أَحَدٌ قَبْلَهُ وَ لَا يُسَمِّي
أَنْ نَامَ رَأْخَدًا مُخْصُوصًا
أَمِيرَ مُؤْمِنَانَ عَلَيْهِ% كَرَدَه
إِسْتَ، پیش از او کسی به
این نام، نامیده نشده
و بعد از او نیز کسی
این نام را برخود
نمی‌بندد، مگر کافر»
عرض کردم : فدایت
شوم ! پس چگونه به او
سلام داده می شود؟
فرمود : می‌گویند
«السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَقِيَّةَ
الله»، سپس این آیه را
تلاؤت نمود : [بَقِيَّةُ اللَّهِ
خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كَنْتُمْ
مُؤْمِنِينَ].
د) در ضمن داستان
طولانی سفر اجباری امام
باقر % به شام با
دستور هشام بن عبد
الملك آمده است :
هنگامی که اهل «مدین»
دروازه شهر را به روی
امام بستند، بالای کوهی
که مشرف به شهر بود
رفت و با صدای بلند
فرمود : «يَا أَهْلَ
الْمَدِينَةِ الظَّالِمِ أَهْلِهَا
أَنَا بَقِيَّةُ اللَّهِ يَقُولُ اللَّهُ
[بَقِيَّةُ اللَّهِ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ
كَنْتُمْ مُؤْمِنِينَ وَ مَا أَنَا
عَلَيْكُمْ بِحَفِيظٍ]؛ ای اهل

۱. اصول کافی، محمد بن
یعقوب کلینی، دارالکتب
الاسلامیه، تهران، چاپچهارم،
۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۲۱۱، باب
نادر، ح ۲.

گردد "بقیة الله" محسوب میشود . تمام پیامبران الهی و پیشوایان بزرگ "بقیة الله" اند . تمام رهبران راستین که پس از مبارزه با یک دشمن سرخست برای یک قوم و ملت باقی میمانند ، از این نظر "بقیة الله" اند . همچنین سربازان مبارزی که پس از پیروزی از میدان جنگ بازمیگردند ، آنها نیز "بقیة الله" اند . و از آنجا که مهدی موعود% آخرین پیشوای بزرگترین رهبر انقلابی پس از قیام پیامبر اسلام - است ، یکی از روشنترین مصادیق "بقیة الله" میباشد و از همه به این لقب شایسته‌تر است ، به خصوص که تنها باقیمانده بعد از پیامبران و امامان است .»

لذا در دعای معروف «ئدیه» «عیوض» می‌کنیم : «أَيْنَ بِقِيَةُ اللَّهِ الَّتِي لَا تَجْلُو مِنْ الْعَتَرَةِ الْهَادِيَةِ أَيْنَ الْمُعَدُّ لِقَطْعِ دَابِرِ الظَّلَمَةِ . . . ؛ کجاست بقیه و بجامانده خداوند که بیرون از خاندان عترت هدایتگر نیست و کجاست آن کس که برای کندن ریشه ظالمان مهیا و آماده گردیده»

۲. تفسیر نمونه ، ج ۹ ، ص ۲۴۷ .

سپس به من برگرداند و فرمود : «خُذِيهِ فَإِنَّهُ بِقِيَةُ اللَّهِ تَعَالَى فِي أَرْضِهِ؛ این (نوزاد) را بگیر که او بقیة الله در زمین است .»

تا اینجا عنوان «بقیة الله» به مصادیق متعدد (سود حلال ، پاداش الهی ، مهدی موعود % امام باقر % و امام رضا%) تطبیق شده و در ظاهر با همیگر اختلاف دارند ، جهت حل این اختلاف ظاهري ، رجوع می‌کنیم به تفسیر نمونه که پیرامون این مبحث نکته‌ای در آنجا آمده و با نقل آن ، این مطلب را به پایان می‌ریم . «آیات قرآن هر چند در مورد خاصی نازل شده باشد ، مفاهیم جامعی دارد که می‌تواند در اعصار و قرون بعد بر مصداقهای کلی تر و وسیع‌تر تطبیق شود . درست است که در آیه مورد بحث ، مخاطب قوم شعیب اند ، و منظور از "بقیة الله" سود و سرمایه حلال و یا پاداش الهی است؛ ولی هر موجود نافع که از طرف خدا برای بشر باقی مانده و مایه خیر و سعادت او

۱. عيون اخبار الرضا% ، شیخ صدوق (محمد بن علی بن بابویه) ، نشر جهان ، تهران ، چاپ اول ، ۱۳۷۸ق ، ج ۱ ، ص ۲ . ۲ . ۳ . ح ۴۳

% از امام صادق روایت شده است که در تفسیر این آیه فرموده است : «**نَزَّلْتُ فِي الْقَائِمِ (عَجَ) هُوَ وَاللهُ الْمُفْطَرُ إِذَا صَلَى فِي الْمَقَامِ رَكَعْتُينَ وَدَعَا اللَّهَ فَاجْبَاهُ وَيَكْشِفُ السُّوءَ وَيَجْعَلُهُ خَلِيقَةً فِي الْأَرْضِ**»؛ این آیه درباره قائم آل محمد) نازل شده است . به خدا سوگند ! مضطرب اوست، هنگامی که در مقام ابراهیم % دو رکعت نماز می خواند و به درگاه خدا روی می آورد و دعا می کند، خدا دعا ی او را اجابت می کند، ناراح تیها را برطرف می سازد و او را خلیفة روی زمین قرار میدهد . در «تفسیر نمونه » پس از نقل دو روایت در این مورد، می نویسد : «بدون شک، منظور از این تفسیر، منحصر ساختن مفهوم آیه به وجود مبارک مهدی % نیست؛ بلکه آیه مفهوم گسترده‌ای دارد که یکی

۱. تفسیر قمی، علی بن ابراهیم، دار الكتاب، قم، چاپ چهارم، ۱۳۶۷ش، ج ۲، ص ۱۲۹؛ البرهان فی تفسیر القرآن، سید هاشم بحرانی، بنیاد بعثت، تهران، چاپ اول، ۱۴۱۶ق، ج ۴، ص ۲۵۰؛ نور الثقلین، حوزی، ج ۴، ص ۹۴؛ تفسیر صافی، فیض کاشانی، ج ۴، ص ۷۱؛ کنز الدقائق، قمی مشهدی، ج ۹، ص ۵۸۰.

آیه دوم: مضطرب حقيقی در سورة نمل ، در ضمن پنج آیه (٦٠ - ٦٤) با مطرح کردن پنج سؤال - به صورت استفهام تقریری - مشرکان را تحت محاکمه قرارداده و روشنترین دلایل توحید را با اشاره به دوازده نمونه از موابح بزرگ خدای مهربان، بیان می کند . و در سؤال سوم (آیه ٦٢) می فرماید : **[أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُفْطَرُ إِذَا دَعَاهُ وَيَكْشِفُ السُّوءَ وَيَجْعَلُكُمْ خُلِفَاءَ الْأَرْضِ أَإِلَهٌ مَعَ اللهِ؟]** آیا معبودهای بی ارزش شما بهتر است] یا کسی که دعا ی مضطرب را اجابت می کند و گرفتاری را برطرف می سازد ؟ و شما را خلفای زمین قرار میدهد . آیا معبودی با خدا است؟»

منظور از «مضطرب» کسی است که چشم از عالم اسباب برگیرد و تمام قلب و روحش را در اختیار خدا قرار دهد . همه چیز را از آن او بداند و حل هر مشکلی را به دست او ببیند، و این درک و دید را انسان در حال اضطرار و ناچاری بهتر از حالات دیگر احساس می کند . در روایات متعددی آمده است که: منظور از «مضطرب» وجود مقدس حضرت ولی عصره % است.

قرار دهد؟!» در این آیه «ماء مَعِينٍ» را به آب جاری تفسیر کرده اند؛ ولی در روایات متعددی از اهل بیت (به وجود % مبارک امام عصر % تطبیق شده است که به نقل دو نمونه بسنده می‌کنیم:

الف) «علی بن جعفر» تفسیر این آیه را از برادرش امام کاظم % پرسید، امام % در جواب او فرمود: «إذَا غَابَ عَنْكُمْ إِمَامُكُمْ فَمَنْ يَأْتِيْكُمْ بِإِمَامٍ جَدِيدٍ؛ زمانی که امام شما غایب شود، چه کسی می‌تواند برای شما امام جدید بیاورد؟»

ب) ایو بصیر در تفسیر آیه از امام باقر % روایت کرده است: هذه نزلت في القائم يقول إن أصبح إمامكم عائباً عنكم لا تلرونَ أين هُوَ فَمن يأتِيكُمْ بِإِمامٍ ظاهرٍ يأْتِيكُمْ بِإِمامٍ اللَّهُ وَالْأَرْضُ وَخَلَلُ حَرَامِهِ ثُمَّ قَالَ: وَاللهِ مَا جاءَ تَأْوِيلُ الْآيَةِ وَلَا بُدَّ أَنْ يَحِيِّ تَأْوِيلَهَا؛ این

از مصادقهای روشن آن، وجود مهدی% است که در آن زمان که همه جا را فساد گرفته باشد، درها بسته شده، کارد به استخوان رسیده، بشریت در بنیست سختی قرار گرفته، و حالت اضطرار در کل عالم نمایان است، در آن هنگام، در مقدس ترین نقطه روی زمین دست به دعا بر می‌دارد و تقاضای کشف سوء می‌کند و خداوند این دعا را سرآغاز انقلاب مقدس جهانی او قرار می‌دهد و به مصادق [وَ يَجْعَلُكُمْ خُلَفَاءَ الْأَرْضَ؛ او و یارانش را خلفای روی زمین می‌کند.] عنوان «مضطر» نیز همچون عنوان «بقیة الله» در دعای «نdbe» به امام زمان % اطلاق شده است، آنجا که می‌گوییم: «أَيْنَ الْمُفْطَرُ الَّذِي يُجَابُ إِذَا دَعَا.»

ایه سوم: ماية حیات سورة ملك، آیه ۳۰ می‌فرماید: [قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَصْبَحَ مَا وُكِّمْ غُورًا فَمَنْ يَأْتِيكُمْ بِمَا مَعِينَ]؛ «بگو : به من خبر دهد اگر آبهای (سرزمین) شما در زمین فرو رود، چه کسی می‌تواند آب جاری و گوارا در دسترس شما

۱. تفسیر نمونه، مکارم و همکاران، ج ۱۵، ص ۵۵۲.

۲. همان، ج ۲۴، ص ۳۶۶.
 ۳. اصول کافی، شیخ کلینی،
 دارالکتب الاسلامیه، تهران،
 چاپ چهارم، ۱۳۹۵ ش، ج ۱، ص ۴۰.
 ۴. قمی مشهدی، ج ۱۴؛ کنز الدقائق،
 چ ۳۲۹، ح ۱۴؛ کمال الدین، شیخ صدوق،
 ج ۱، ص ۳۲۵ – ۳۲۶، ح ۳؛ تفسیر

عنوان باطن آیه از پیش خود مطرح کند، آنچه ما میگوییم، مربوط به ظواهر آیات است، و آنچه مربوط به بطون آیات است، فقط باید از معصومین بشنویم.»^{۳۲}
آیه چهارم: مظفر و منصور سورة إسراء، آیه ۳۳
 میفرماید: [وَ مَنْ قُتِلَ مَظْلُومًا فَقُدْ جَعَلْنَا لَوْلَيْهِ سُلْطَانًا فَلَا يُسْرِفُ فِي الْقَتْلِ إِنَّهُ كَانَ مَنْصُورًا]؛ «وَ آن کسی که مظلوم کشته شده، برای ولیش سلطه (و حق قصاص) قرار دادیم؛ اما در قتل اسراف نکند؛ چرا که او مورد حمایت است.»

آیة شریفه، یک قانون کلی درباره افراد به ناحق کشته شده، و حق قصاص ولی آنها را بیان می کند؛ ولی در روایات متعددی عنوان «مقتول» به امام حسین % و عنوان «منصور» به حضرت ولی عصر ارواحنا له الفداء تطبیق شده است که به نقل چهار نمونه از آنها بسنده میکنیم:
 (الف) از امام باقر% روایت شده است که در تفسیر آیة فوق فرمود: منظور حسین % است، و در تفسیر [فَلَا يُسْرِفُ فِي

آیه درباره امام قائم (مهدي) (عج) نازل شده است، میگوید: اگر امام شما غایب گردد، و ندانید کجا است، چه کسی برای شما امام ظاهر می اورد که اخبار آسمانها و زمین، و حلال و حرام خدا را برای شما شرح دهد؟ سپس امام فرمود: به خدا سوگند! تاویل این آیه هنوز نیامده و سرانجام خواهد آمد.»

در «تفسیر نمونه» پس از نقل روایت فوق، مینویسد: «روایات در این زمینه فراوان است، باید توجه داشت که همه از باب "تطبیق" است، و به تعبیر دیگر، ظاهر آیه مربوط به آب جاری است، که مایه حیات موجودات زنده است، و باطن آیه، مربوط به وجود امام، علم و عدالت جهانگستر او است که آن نیز مایه حیات جامعه انسانی است بارها گفته ایم: آیات قرآن معانی متعدد، ظاهر و باطن دارد؛ ولی این نکته را نیز مؤکداً تکرار می کنیم: پی بردن به بطون آیات، جز برای پیامبر و امام معصوم ممکن نیست، و هیچ کس حق ندارد چیزی به

كنز الدقائق، قمی، ج ۱۳، ص ۳۶؛ نور الثقلین، حويزي، ج ۴۱، ص ۳۸؛ ح ۵.

۱. تفسیر نمونه، ج ۲۴، ص ۸۶۷ -

ج) از امام صادق % در تفسیر آیه روایت شده است که: «ذلک قائم آل محمد (ع) يَخْرُجُ فَيُقْتَلُ بِدِيمَ الْحُسَينَ فَلَوْ قُتِلَ أَهْلُ الْأَرْضِ لَمْ يَكُنْ مُّسْرِفًا؛ آن (منصور) قائم آل محمد (ع) است که ظهور میکند و در مقابل خون حسین % عده ای را میکشد، به فرض اگر همه اهل زمین را بکشد، اسراف کننده نخواهد بود».

د) شیخ صدوq با سند «صحيح» از عبد السلام (ابوصلت) هروی روایت کرده است که می گوید: به امام رضا % عرض کردم: آیا روایتی که از امام صادق % نقل شده که: امام قائم (مهدي) (ع) ذریة قاتلان حسین% را به خاطر عمل پدرانشان می کشد، صحیح است؟ فرمود: آری، همین طور است.

عرض کردم: پس آیه [و لا تَزُرْ وَا زَرَةً وِزَرَةً أُخْرَى]؛ «هیچ گنهکاری بار گناه دیگری را به دوش نمی کشد»، چیست؟ فرمود: همه سخنان خدا راست و صحیح است؛ ولی آن ذریة قاتلان حسین %

۳. البرهان، بحرانی، ج ۳، ص ۵۲۸، ح ۰۶.
۴. انعام ۱۶/۴، إسراء ۱۵/۷، فاطر ۱۸/۷ و زمر ۷.

القتل إنَّهُ كَيْنَ مَنْصُورًا
فرمود: «سَمَّى اللهُ الْمَهْدِيُّ
الْمَنْصُورَ كَمَا سَمَّى أَحْمَدَ
[وَ مُحَمَّدًا] مَحْمُودًا وَ كَمَا
سَمَّى عِيسَى الْمَسِيحَ %
خدا مهدي% را [منصور]
نامیده، همان گونه که
احمد محمد- را [محمود]
و عيسی % را [مسیح]
نامیده است»
ب) در حدیث دیگر از
آن حضرت روایت شده است
که در تفسیر آیه
فرمود: «هُوَ الْحُسَينُ بْنُ
عَلِيٍّ % قُتِلَ مَظْلومًا
نَجَنَ أَوْلَيَاً وَ الْقَائِمُ
مِنَ إِذَا قَامَ طَلَبَ بِثَارِ
الْحُسَينِ % فَيُقْتَلُ حَتَّى
يُقَالَ قُدْ أَسْرَفَ فِي
الْقَتْلِ ؟ او حسین بن
علی % است که مظلوم
کشته شده و ما (امامان
بعد از او) اولای (خون)
او هستیم، و قائم از
ما است، وقتی که او از
طرف ما قیام و
خونخواهی میکند، آنقدر
میکشد که (از طرف
نا آگاهان) گفته میشود:
اسراف در قتل کرده
است.»

۱. تفسیر فرات، فرات بن ابراھیم کوفی، وزارت ارشاد اسلامی، تهران، ان، چاپ اول، ۱۴۱۰ق، ص ۲۴۷، ۲۴۲ق.
۲. کتاب التفسیر، محمد بن مسعود عیاشی، چاپخانه علمیه، تهران، چاپ ۱۳۸۰ق، ۲۹ص؛ البرهان في تفسیر القرآن، بحرانی، ج ۳، ص ۵۲۹، ح ۱۲؛ نور الثقلین، حوبزی، ج ۳، ص ۱۶۳، ح ۲۰۱.

لازم به ذکر است که در دعای «ندبه» نیز به «منصور» بودن امام عصر % و خونخواهی او درباره امام حسین % و پیغمبران و فرزندان شهید آنان اشاره شده است، آنجا که میگوییم: **«أَيْنَ الطَّالِبُ يَذْهُولُ
الْأَتَيَاءُ أَيْنَ وَ أَبَاءُ
الْأَبْتَاءُ أَيْنَ الْأَطَالِبُ
بِدَمِ الْأَلْمَقْتُولُ يَكْرَبْلَاءُ
أَيْنَ الْمَنْصُورُ عَلَى مَنْ
أَعْتَدَى عَلَيْهِ وَ افْتَرَى»**
کجاست آن منتقی که خون پیغمبران و اولاد پیغمبران را مطالبه نماید؟ کجاست آنکه خون [جد بزرگوارش] شهید کربلا را انتقام کشد؟ کجاست آنکه خداوند او را بر متعدیان و ستمگران و مفتریان، مظفر و منصور گرداند» آیه پنجم: ظهور حکومت حق و عدالت در سوره قصص، آیه ۵۶ میفرماید: **[وَ تُرِيدُ
أَنْ تُفْنِي عَلَى الَّذِينَ
اسْتُضْعَفُوا فِي الْأَرْضِ وَ
نَجْعَلُهُمْ أَئِمَّةً وَ نَجْعَلُهُمْ
الْوَارِثِينَ وَ نُمَكِّنَ لَهُمْ
فِي الْأَرْضِ وَ تُرِي فِرْعَوْنُ وَ
هَامَانَ وَ جُنُودُهُمَا مِنْهُمْ
مَا كَانُوا يَحْذِرُونَ]**: «ما میخواهیم بر مستضعفان زمین متن تنهیم و آنان را پیشوایان و وارثان روی زمین قرار دهیم و حکومتشان را در زمین پابرجا سازیم و به فرعون و هامان و

به عمل آنان راضی میشوند و به آن افتخار خواهند کرد، و هر کس که به چیزی راضی شود، همچون کسی است که آن را انجام داده است، اگر مردی در مشرق کشته شود و مردی در مغرب به قتل او راضی باشد، در پیشگاه خدا در جرم قاتل شریک میباشد «وَ إِنَّمَا يَقْتَلُهُمُ
الْقَائِمُ (عَجَ) إِذَا خَرَجَ
لِرِضاْهُمْ بِفِعْلِ أَبَائِهِمْ؛
قَائِمٌ آنَانَ رَا تَنَاهَا
بِهِ خَاطِرٌ رِضاْيَتِ بِهِ عَمَلٌ
پَدْرَانِشَانَ مِيكَشَدُ.»
ابوصلت می گوید: دوباره عرض کردم: امام قائم % پس از ظهر، کار خود را با چه کاری آغاز می کند؟ فرمود: **«يَبْدِأْ بِبَنِي شَيْبَةَ فَيَقْطَعُ
إِيَّذِي هُمْ لِأَنَّهُمْ سُرَاقُ بَيْتِ
اللهِ عَزَّ وَجَلَّ؛ كَارِ خُودِ رَا
از بَنِي شَيْبَهِ آغَازِ
مِيَكَنَدُ، دَسْتَهَايِشَانِ رَا
قطع می کند؛ زیرا آنان
دَزْدَانِ خَانَةِ خَدَا (کعبه)
هَسْتَنَدُ.»**
چون این روایات به گونه ای هستند که مضمون همدیگر را تکمیل می کنند، ناچار شدیم چهار نمونه نقل کنیم، و گرنم به نقل یک یا دو مورد اکتفا می کردیم.

١. عيون اخبار الرضا، ج ١، ص ٢٧٣، ح ٥، البرهان، ص ٥٢٨، ج ٣، ص ٥٢٩، ح ٧.

عَلَيْنَا بَعْدَ شَمَاسِهَا عَطْفَ
الضُّرُوسِ عَلَى وَلَدِهَا وَ تَلَأْ
عَقِبَ ذَلِكَ وَ تَرِيدُ أَنْ
نَمْنَى عَلَى الَّذِينَ
اسْتَضْعَفُوا فِي الْأَرْضِ وَ
نَجْعَلُهُمْ أَئِمَّةً وَ نَجْعَلُهُمْ
الْوَارِثِينَ؟ دُنْيَا پس از
چموشی و سرکشی همچون
شتری که از دادن شیر
به دو شنده اش خودداری
می‌کند و برای بچه اش
نگه می‌دارد به ما روی
خواهد آورد، و به
دنبال این سخن، آیه
فوق را تلاوت فرموده «
ب) «مفضل بن عمر «
می‌گوید: امام صادق %
فرمود: روزی رسول خدا-
به حضرت علی، حسن و
حسین) نگاه کرد، سپس
گریست و فرمود: «أَنْتُمُ
الْمُسْتَضْعَفُونَ بَعْدِي؛ شما
پس از من مستضعفید ».
مفضل می‌گوید: به امام
عرض کردم : معنی این
کلام پیامبر- چیست؟
فرمود: «مَعْنَاهُ أَنْكُمُ
الْأَئِمَّةُ بَعْدِي إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ
جَلَ يَقُولُ وَ تَرِيدُ أَنْ نَمْنَى
عَلَى الَّذِينَ اسْتَضْعَفُوا فِي
الْأَرْضِ وَ نَجْعَلُهُمْ أَئِمَّةً وَ
نَجْعَلُهُمْ الْوَارِثِينَ فَهَذِهِ
الآيَةُ جَارِيَةٌ فِتَنًا إِلَى
يَوْمِ الْقِيَامَةِ؛» معنی آن
این است که بعد از من

۲. نهج البلاغه، کلمات قصار، شماره ۲۰۹.

۳. معانی الاخبار، شیخ صدق، انتشارات جامعه مدرسین، قم، چاپ اول، ۱۴۰۳ق، ص ۷۹؛ نور الثقلین، حویزی، چ ۴، ص ۱۱، ج ۱۴۰؛ کنز الدقائق، قمی، ج ۱، ص ۳۲۹.

لشکریانشان آنچه را از
آنها بیم داشتند، نشان
دهیم.»

این دو آیه اگر چه درباره داستان حضرت موسی% و بنی اسرائیل و مبارزات آنان با فرعون و پیروانش آمده است؛ ولی به صورت فعل مضارع و مستمر بیان شده تا تصور نشود که برنامه‌ای موضعی و خصوصی مربوط به بنی اسرائیل می‌باشد؛ بلکه بیان گریک قانون کلی برای تمام قرون و اعصار و همه اقوام و جمعیتها است، و بشارتی در زمینه پیروزی حق بر باطل و ایمان بر کفر نمونه ای از تحقق این مشیت الهی، پیروزی بنی اسرائیل و زوال حکومت فرعونیان بود . نمونه دیگر پیروزی و حکومت پیامبر اسلام - و یارانش بعد از ظهور اسلام، و نمونه کامل تر و گسترده تر از آن، ظهور حکومت حق و عدالت در تمام کره زمین به وسیله حضرت مهدی % خواهد بود.

لذا می بینیم در روایات فراوانی، این آیات، به ظهور آن حضرت تطبیق داده شده است که به برخی از آنها اشاره می‌شود:

الف) حضرت علی % فرمود: «لَتَغْطِفَنَّ الْدُّنْيَا

۱. ر.ک: تفسیر نمونه، ج ۱۶، ص ۲۹۰.

برمی انگیزد و به آنان
عزت میدهد و دشمنانشان
را ذلیل و خواهند
میکنند.»^۳

د) در حدیث طولانی
از حکیمه بنت امام
جواده[%] روایت شده است
که ایشان ضمن بیان
جريان ولادت امام
زمان % میگوید : ...
امام حسن او را در
آغوش خود نشاند و
فرمود : «بَا بُنَيَّ انْطَقْ
بِقَدْرَةِ اللَّهِ؛ پَسْرَمْ ! بَا
قدرت خدا حرف بزن.» در
اینجا بود که آن ولی
خدا پس از استعاذه از
شیطان رجیم، شروع
نمود : [بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ
الرَّحِيمِ وَ تَرِيدُ أَنْ تَمْنَنْ
عَلَى الَّذِينَ اسْتَضْعَفُوا فِي
الْأَرْضِ وَ تُجْعَلُهُمْ أَئِمَّةً وَ
تُجْعَلُهُمْ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَ
تُمْكِنْ لَهُمْ الْوَارِثَيْنَ وَ
تُرِيَ فِرْعَوْنُ وَ هَامَانُ وَ
جُنُودُهُمْ مِنْهُمْ مَا كَانُوا
يَحْدُرُونَ] سپس بر پیامبر
و علی و تک تک امامان
صلوات فرستاد تا به
پدرش رسید.^۴

در «تفسیر نمونه»^۵
پس از نقل سه حدیث در
مورد تطبیق آیه مذکور
بر حکومت امام عصر %
مینویسد : «البته حکومت
جهانی مهדי % در آخر

شما امام هستید؛ چون
خدای عز و جل
میفرماید : ما میخواهیم
بر مستضعفان زمین مئت
نهیم و آنان را امامان
و وارثان روی زمین
قرار دهیم پس این آیه
تا روز قیامت در میان
ما جریان دارد [و
امامت تا قیامت در
خانواده ما باقی خواهد
بود].»^۶

علامه طباطبایی(پس
از نقل این حدیث،
مینویسد : «در مورد
اینکه آیه مذکور
در برآرۀ ائمه اهل بیت()
است، روایات بسیاری از
طریق شیعه رسیده است،
و از روایت فوق
استفاده میشود که همه
روایات این باب از
قبيل جري و تطبیق
مصدق بر کلی
میباشد.»^۷

ج) از حضرت علی% در
تفسیر آیه مذکور روایت
شده است که فرمود : «هُمْ
آلُّ مُحَمَّدٍ يَلْعَثُ اللَّهُ مَهْدِيُّهُمْ
بَغْلٌ جَهَدُهُمْ فَيُعَزِّزُهُمْ وَ
يُلْدِلُ عَدُوَّهُمْ؛ آنان
مستضعفان مذکور در
این آیه () آل محمد -
هستند . خدای متعال
مهدي آنان را بعد از
زحمت و فشاری که بر
ایشان وارد می شود،

۱. المیزان، ج ۱۶، ص ۱۵۰ .
۲. کتاب الغيبة، شیخ طوسی،
دار المعارف الاسلامیه، قم،
چاپ اول، ۱۴۱۱ق، ص ۱۸۹؛ نور
التلقلین، ج ۴، ص ۱۱۱، ح ۱۱
کنز الدقائق، ج ۱۰، ص ۳۲۰ .

۳. الغیبه، شیخ طوسی،
۴۵۰؛ قریب به این مضمون^۶
تفسیر نور الثقلین، ج ۴، ص ۱۳۵
و ۱۶؛ البرهان، ج ۴، ص ۱۵۰
۴. کنز الدقائق، ج ۱۰، ص ۳۴۵ .

خانه کعبه چیده بودند،
یکی پس از دیگری با
عصای خود سرنگون کرد و
فرمود: [جَاءَ الْحُقُّ وَ
رَهْقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ
كَانَ رَهْوًا] همچنین
حضرات معصومین (ع) در
ورایات متعددی این آیه
را به قیام حضرت
مهدي % تطبیق
فرموده‌اند.

(الف) امام باقر% در
تفسیر آیه مذکور
فرمود: «إِذَا قَامَ
الْقَائِمُ % ذَهَبَتْ دَوْلَةُ
الْبَاطِلِ؛ هنگامی که
امام قائم% قیام کند،
دولت باطل برچیده
می‌شود».

(ب) در حدیث مفصلی
که از حکیمه خاتون نقل
کردیم این جمله نیز به
چشم می‌خورد: «وَ عَلَى
دِرَاعِهِ الْأَيْمَنِ مَكْتُوبٌ
[جَاءَ الْحُقُّ وَ رَهْقَ
الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ
رَهْوًا]؛ در بازوی راست
او نوشته شده بود: حق
آمد و باطل نابود شد،

۲. مجمع البيان، طبرسي،
ج ۱، ص ۸۴۹؛ الميزان،
طباطبائي، ج ۲، ص ۳۸۳؛
الكامل في التاريخ، ابن
اثير جزري، دار الصادر،
بيروت، ۱۳۸۵ش، ج ۲، ص ۲۵۲.
۳. الكافي، شیخ کلینی، ج ۲،
ص ۴۳۲؛ کنز الدقائق،
قمی، ج ۷، ص ۴۹۲؛ نور
التلکلین، حویزی، ج ۳، ص ۲۱۲.
ج ۴۰۷.

۴. کتاب الغيبة، شیخ طوسی،
ص ۲۳۹؛ کنز الدقائق، قمی،
ج ۷، ص ۴۹۲؛ نور التلکلین، ج ۳،
ص ۲۱۳. ج ۴۱.

ک ار، هرگز مانع از
حکومتهاي اسلامي در
مقیاسهای محدودتر پیش
از آن، از طرف
مستضعفان بر ضد
مستکران نخواهد بود،
و هر زمان شرایط آن را
فراهم سازند، وعده
حتمی و مشیت الهی
درباره آنها تحقق
خواهد یافت، و این
پیروزی نصیبشان
می‌شود».

آیه ششم: نابودی باطل
در سوره إسراء آیه
۸۱ می‌فرماید: [وَ قُلْ
جَاءَ الْحُقُّ وَ رَهْقَ الْبَاطِلُ
إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ رَهْوًا]
و بگو: حق آمد، و
باطل نابود شد؛ یقیناً
باطل نابودشدنی است»
این آیه، یک قانون
کلی الهی را بیان کرده
است که در هر عصر و
زمانی مصادقی دارد؛
قیام پیامبر - و
پیروزیش بر لشکر شرک و
بیتپرسی، و همچنین
قیام حضرت مهدی
ارواحنا له الفداء بر
ستمگران و جباران
جهان، از مصاديق روشن
و تابناک این قانون
عمومی است، لذا در
حالات رسول خدا - نقل
شده است که حضرت در
فتح مکه وارد مسجد
الحرام شد و بتھایی را
که قبایل عرب بر دور

۱. تفسیر نمونه، مکارم
شیرازی و همکاران، ج ۱۶،
ص ۳.

انقلاب اسلامی ایران) و به رسمیت شناخته شدن آن در کشورهای مختلف جهان و اسلام آوردن بسیاری از دانشمندان، نشان می‌دهد که دین اسلام به سوی جهانی شدن پیش می‌رود.

از روایات مختلف و متعددی استفاده می‌شود که تکامل این برنامه و تحققِ کامل وعده مذکور در آیه فوق، هنگامی خواهد بود که حجت دوازدهم حضرت مهدی % ظهور کند، به دو نمونه از آن روایات اشاره می‌شود:

الف) عبد الرحمن بن سلیط از امام حسین% روایت می‌کند که فرمود: «**مِنَا اثْنَا عَشَرَ مَهْدِيًّا أَوْلَاهُمْ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ بْنُ أَبِي طَالِبٍ وَ أَخْرُهُمُ الْتَّائِبُ مِنْ وَلْدِي وَ هُوَ الْقَائِمُ بِالْحَقِّ بَعْدَ مَوْتِهَا وَ يَظْهِرُ بِهِ دِينُ الْحَقِّ عَلَى الْتِدِينِ كُلِّهِ وَ لِيُوْكَرَةُ الْمُشْرِكُونَ لَهُ عَيْنَيْهِ يَرْتَدُ فِيهَا قَوْمٌ وَ يَثْبِتُ عَلَى الدِّينِ فِيهَا أَخْرِيُونَ فَيُؤْذَنُ وَ يُقْتَالُ لَهُمْ مَتَى هَذَا الْوَعْدُ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ أَمَا إِنِ الصَّابِرَ فِي عِنْبَتِهِ عَلَيَّ الْأَذْى وَ التَّكَذِيبُ بِمَنْزِلَةِ الْمُجَاهِدِ بِالسَّيْفِ بَيْنَ يَدِي رَسُولِ اللَّهِ؛^۱ مَهْدِي از**

۱. کمال الدین، شیخ ص دوق، چ ۱، ص ۲۱۰، ج ۳؛ کنز الدقائق، فمی مشهدی، ج ۵، ص ۴۴۵؛ نور

یقیناً باطل نابودشدنی است.»

آیة هفتم: جهانی شدن اسلام
در سورة توبه، آیه ۳۳ می‌فرماید: [هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ إِلَيْهِ أَنَّ الْحُقْقَ لِيُظَهَّرَ عَلَى الْدِينِ كُلِّهِ وَ لِوْكَرَةُ الْمُشْرِكُونَ]؛ «او کسی است که رسول خود را با هدایت و دین حق فرستاد تا آن را بر ادیان دیگر غالب سازد، هر چند مشرکان کراحت داشته باشد.»

این آیه عیناً در سورة صف، آیه ۹ تکرار شده، و در سوره فتح، آیه ۲۸ نیز با تفاوتی جزئی آمده است که در یايان آیه به جای «وَ لِوْكَرَةُ الْمُشْرِكُونَ»، «وَ كَفِي بِإِلَهٍ شَهِيدًا» آمده است.

آیة فوق، خبر از واقعه مهمی می‌دهد که اهمیتش موجب این تکرار شده است، خبر از جهانی شدن اسلام و عالم گیر گشتن آن میدهد و مفهوم آن این است که دین اسلام سرانجام تمام کرده زمین را فرا خواهد گرفت و بر کل جهان پیروز خواهد گشت

شکی نیست که در حال حاضر این موضوع تحقق نیافته است؛ ولی می‌دانیم که این وعده حتی خدا به تدریج تحقق می‌یابد . سرعت پیشرفت اسلام در جهان، (به خصوص پس از پیروزی

یافت؟ فرمود : «**حِينَ يَقُولُ الْقَائِمُ إِنْ شَاءَ اللَّهُ فَإِذَا خَرَجَ الْقَائِمُ لَمْ يَبْقَ كَافِرٌ وَلَا مُشْرِكٌ إِلَّا كُرْهَةُ خُرُوجِهِ حَتَّى لَوْ أَنْ كَافِرًا أَوْ مُشْرِكًا فِي بَطْنِ صَخْرَةٍ لَقَاتَ الصَّخْرَةُ : يَا مُؤْمِنٍ فِي بَطْنِي كَافِرًا أَوْ مُشْرِكًا فَاقْتُلْهُ . قَالَ : فَيَحِيئُهُ فَيَقْتُلُهُ ؛**

هنگامی که امام قائم ظهور کند، (تاویل آیه محقق می شود) ان شاء الله! زمانی که او ظهور کرد، هیچ کافر و مشرکی باقی نمی ماند، مگر اینکه از ظهور او ناراحت می گردد، (وضع دشمنان چنان سخت می شود که) اگر کافر یا مشرکی (به فرض) در داخل سنگی پنهان شود، همان سنگ می گوید : ای مؤمن! در میان من کافر یا مشرکی وجود دارد. او را بکش! فرمود : پس مؤمن می آید و او را می کشد.» تا اینجا به هفت مورد از آیات مرتبط با امام زمان% اشاره شد؛ ولی علاوه بر اینها آیات دیگری نیز وجود

۱. تأویل الآیات الظاهرة في فضائل العترة الطاهرة ، سید شرف الدین علی حسین استرآبادی، انتشارات جامعه مدرسین، قم، چاپ اول، ۱۴۰۹ق، ۶۶ص. روایت فوق با تفاوت مختصری در کتابهای زیر نیز نقل شده است: کمال الدین، شیخ صدوق، ج ۲، ص ۶۷، ج ۱۶؛ نور الثقلین، حویزی، ج ۲، ص ۲۱، ج ۲۲؛ کنز الدقائق، قمی مشهدی، ج ۵، ص ۴۵.

ما دوازده نفر است . اولشان امیرمؤمنان علی بن ابی طالب و آخرشان نهمین نفر از نسل من است، و اوست امام قائم به حق که خدا به وسیله او زمین را بعد از مرگش زنده می کند و او دین حق (اسلام) را بر تمام ادیان غالب می سازد، هر چند مشرکان کراحت داشته باشند. او غیبی دارد که در طول مدت آن، عده ای مرتد می گردد و عده دیگر در دین ثابت می مانند و مورد اذیت و آزار قرار می گیرند، (از طرف مرتدان به مؤمنان) گفته می شود: اگر راست می گوید، این وعده ظهور کی خواهد بود؟ آگاه باشید که پاداش صابران بر اذیت و تکذیب در زمان غیبت امام دوازدهم، همانند پاداش مجاهد با شمشیر در محضر رسول خدا - می باشد.»

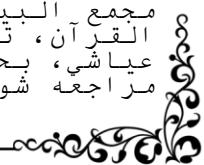
ب) ابو بصیر می گوید : از امام صادق% درباره آیة فوق سؤال کردم، فرمود : «وَ اللَّهُ مَا نَزَّلَ تَأْوِيلَهَا بَعْدُ؛ به خدا سوگند، هنوز تأویل این آیه نازل (و محقق) نشده است.» عرض کردم : فدایت شوم، تأویل آیه چه زمانی تحقق خواهد

الثقلین، حویزی، ج ۲، ص ۲۱۲، ج ۱۲۳.

دارد که طبق روایات
معصومین) به آن حضرت و
یا قیام جهانی ایشان
مربوط می‌شود، از جمله
آنها می‌توان آیات زیر
را نام برد:

حج / ٤١، نور / ٣٥،
نمل / ٨٢، مریم / ٧٥، جن /
٢٤، مائدہ / ٥٤، فجر /
٤١ و عصر / ٦٠٠
«اللَّهُمَّ أَرْبِي الظَّلْعَةَ
الرَّشِيدَةَ . . . وَ سَهْلٌ مَخْرَجَهُ . . .
وَ أَعْمِرْ اللَّهُمَّ بِهِ بِلَادَكَ
وَ أَحْيِ بِهِ عِبَادَكَ».

۱. برای اطلاع از روایات
مربوط به آیات فوق و امثال
آنها به کتابهایی از قبیل؛
تأویل الآیات الظاهره فی
فضائل العترة الطاهرة، کمال
الدین و تمام النعمه، کتاب
الغيبة، تفسیر فرات کوفی،
تفسیر قمی، تفسیر نمونه،
نور الثقلین، کنز الدقائق،
البرهان فی تفسیر القرآن،
مجمع البيان فی تفسیر القرآن،
القرآن، تفسیر صافی، تفسیر
عیاشی، بحار الانوار و . . .
مراجعه شود.





حسین تربتی

فقط شیعیان و مسلمانان نیستند؛ بلکه تمام بشریت مورد خطاب قرار می‌گیرند : «**فَرَحِمَ اللَّهُ مَنِ اعْتَبَرَ بِذِلِّ كَ الصَّوْتِ فَأَجَابَ** ؛ **بِإِيمَانِ رَبِّهِ**»^۱ خدا بر کسانی که با ندای آسمانی عبرت گیرند و آن را اجابت کنند.
۲. این خطاب همگانی برای اجابت نمودن حقی است که در محمد و آل محمد - و مهدی موعود (عج) تبلور یافته است و همین‌طور دعوت به بیعت با امام زمان(عج) می‌باشد: «**يُنَادِي الْبَيْعَةَ**»

۱. بحار الانوار، علامه محمد باقر مجلسی، بیروت، دار احیاء التراث العربي، سوئی، ۱۴۰۳ هـ ق، ۱۹۸۳ م، ج ۵، ص ۲۸۹؛ غيبة، ابو زینب محمد بن ابراهیم نعمانی، مکتبة الصدق، اول، تهران، ۱۳۶۳ ش، ص ۲۵۴.

در شماره ۱۶۶ ماهنامه مبلغان، موضوعی با عنوان «صیحه و ندای آسمانی» مطرح گردید و در آن ضمن اشاره به اقسام نشانه‌های ظهور حضرت مهدی (عج) به یکی از نشانه‌های غیر حتمی (صیحه و ندای آسمانی) پرداخته شد و ضمن آن به مباحثی همچون «مقصود از صیحه»، «نداده»، «محتوای ندا» و... اشاره گردید؛ اکنون در ادامه این موضوع به خصوصیات ندای آسمانی می‌پردازیم.
خصوصیات ندای آسمانی از مجموع روایاتی که راجع به محتوای ندای آسمانی (در شماره قبل) ذکر شد می‌توان به خصوصیات متعددی برای ندای آسمانی اشاره کرد:

۶. همگان در مقابل این ندا خصوص میکنند و آن را میذیرند، ج ز بیماردلان و دشمنان اهل بیت). حضرت صادق % فرمود: «فَلَا يَلْقَى فِي الْأَرْضِ يَوْمَئِذٍ أَحَدٌ إِلَّا خُضْعَ وَ ذُلْتَ رَقِبَتُهُ لَهَا فَيُؤْمِنُ أَهْلُ الْأَرْضِ إِذَا سَمِعُوا الصَّوْتَ مِنَ السَّمَاءِ إِلَّا إِنَّ الْحَقَّ فِي عَلَيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ % . . . وَ يَرْتَابُ يَوْمَئِذٍ الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرْضٌ وَ الْمَرْضُ كسی در زمین عَدَا وَثْنَا؛ کسی در زمین باقی نمی ماند بعد از این ندا، مگر اینکه در مقابل آن رام و خاضع می شود، پس وقتی اهل زمین صدا را از آسمان شنیدند که «حق با علی% است» . . . ایمان می اورند جز کسانی که در قلبشان بیماری است و شک می کنند. به خدا قسم! آن بیماری نیز دشمنی ما [اهل بیت) است.»

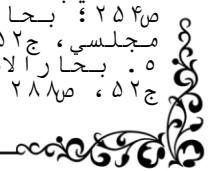
بلبل اندر شاسخار گل هویدا می شود زاغ با صد شرمساري از گلستان می روود^۷

۷. همه سرمست عشق او می شوند، چنانکه قبل نقل شد «وَيُشَرِّبُونَ حُبًّا؛^۸

۶. همان، ۲۹۳ص، غيبة نعمانی، شیخ مفید، ۱۳۱ص.
۷. دیوان اشعار امام خمینی ۸. الصراط المستقیم، علی بن یونس نباتی بیاضی جبل عاملی، نجف، کتابخانه حیدریه، ۱۳۸۴ق، ۳ جلد، ج ۲۵۹ص.

۱. ندای بیعت با خدا سر میدهد.»
۲. این ندا همگان را به اطاعت دعوت میکند: «فَاتَّبِعُوا الصَّوْتَ الْأَوَّلِ؛^۹ پس تبعیت کنید از ندای اول.»
۳. این ندا همگان را به اطاعت دعوت میکند: «فَاتَّبِعُوا الصَّوْتَ الْأَوَّلِ؛^۹ پس تبعیت کنید از ندای اول.»
۴. این ندا را تمام عالم از شرق تا غرب می شنوند: «فَيَسْمَعُ مَا بَيْنَ الْمَشْرِقِ وَ الْمَغْرِبِ؛^{۱۰} پس می شنوند آنچه که در بین مشرق و مغرب هستند.»
حتی زنان و دختران در پستوها و داخل خانه ها آن را می شنوند، و در ابتدا از شنیدن آن وحشت می کنند: «فَرَّعَ مِنْ ذَلِكَ الصَّوْتِ؛^{۱۱} از آن ندا به وحشت می افتدند.»
۵. هم زمان برای همه ترجمه می شود و هر کسی طبق زبان خودش می فهمد؛ عربها به عربی، فارسها به فارسی، انگلیسی زبانها به انگلیسی و . . . : «بَسْمَةُ كُلِّ قَوْمٍ بِأَلْسِنَتِهِمْ؛^{۱۲} می شنوند هر قومی به زبان خودشان.»

۱. بحار الانوار ، علامه مجلسی، ج ۲، ۵ص، ص ۲۹.
۲. کمال الدین و تمام التمعة، ابو جعفر محمد بن علی صدقه، مسجد جمکران، ترجمه منصور پهلوان، د ۲۰، ۱۳۸۲ش، ج ۲، ۵۵ص.
۳. بحار الانوار ، علامه مجلسی، ج ۵، ۲۹ص.
۴. غيبة نعمانی، شیخ مفید، ۲۵۴ص؛ بحار الانوار، علامه مجلسی، ج ۵، ۲۸۹ص.
۵. بحار الانوار ، علامه مجلسی، ج ۵، ۲۸۸ص.



۹. این ندا با
کیفیت و خصوصیتی که
ذکر شد، دانسته می‌شود
که جنبه اعجاز خواهد
داشت و اینکه برخی
نویسنده‌گان نوشه اند:
«لزومی ندارد که آن
(ندا) را پیچیده و حمل
بر معجزه کنیم. در عصر
صدور این روایات،
پیشینی چنین حوادثی
فوق العاده عجیب و
تحقیق عادی آن غیرممکن
می‌نموده؛ ولی در جهان
امروز، واقع شدن چنین
پدیده ای امری بسیار
طبیعی و عادی است. با
استفاده از ماهواره‌ها
و ابزارهای پیشرفته
صوتی و تصویری،
فرستنده‌های قوی و مدرن
تلویزیونی، رادیویی و
وسایل و ابزار
پیشرفته تری که امکان
دارد در آینده به کار
گرفته شود، به آسانی و
همزمان می‌توان فریاد
حق را به گوش تمام
جهانیان رساند.»^۱ درست
به نظر نمی‌رسد و از
چند جهت مورد خدشه
است:
اولاً، با توجه به
روایات^۲ متعددی که در

۲. مجله حوزه، ویژه علوم
حوزه‌های علوم دینی، شماره
۲۱ - ۷۰، چاپ دوم، مهر الی
دی، ۱۳۷۴ ش، صص ۲۶۰ - ۲۶۱.
۳. تفسیر الصافی، ملا محسن
فیض کاشانی، بیروت، مؤسسه
الاعلمی للمطبوعات، دوم، ۱۴۰۲
ق، ۱۹۸۲ م، ۴، ۲۹۵ ص؛
بحار الانوار، علامه مجلسی،
۵۲، ۲۹۳ ص.

شراب محبت او را سر
می‌کشد.»
نقش جمال بار را تا که
به دل کشیده
پک سره مهر این و آن از
دل خود بریده
هر نظری که بگذرد جلوه
رویش از نظر
بار دگر نیکوترش بینم
از آنکه دیده
عشق مجال کی دهد تا که
یگویمی چسان
تیر بلای عشق او بر دل و
جان خریده
سوژم و ریزم اشک غم
شمع صفت به پای دل
در طلبش چه خارها بر دل
خود خریده
این دل سنگ آب شد ز
آتش اشتیاق تو
بس که به ناله روز و شب
کوره دل دمیده
مست ز گفتار توأم، در
پی دیدار توأم، به سو
تو رمیده
۸. جز نام حضرت
مهدي (عج) بر زبان
ني اوپند: «وَلَا يَكُون لَهُمْ
ذَكْرٌ غَيْرُهُ؛ وَ ذَكْرِي بِرَأْيِ
آنها غير از او (مهدي)
نیست.»
نام زیبای جمال دلربایت
را بنازم

بوی عطر جانفزای خاک
پایت را بنازم
ای صفائ هر مصفا مهدي
زیبای زهرا
& از صفائ قلب می گویم
صفایت را بنازم

۱. میرجهانی، به نقل از
کتاب «فرهنگ شب زندگانی»،
۱۸۸ ص.

در یکی از تعبیرات روایت آمده : «**يُنَادِي**
بِاسْمِهِ مِنْ جَوْفِ الْسَّمَاءِ
... وَ هِيَ صَيْخَةٌ
جَبْرِئِيلَ%».^٤ جوف آسمان
غیر از فضا است
در روایت دیگر
می فرماید : «**يَخْرُجُ**
الْمَهْدِيُّ وَ عَلَى رَأْسِهِ مَلِكٌ
يُنَادِي إِنَّ هَذَا الْمَهْدِيُّ
فَاتِّيْعُوهُ»؛^٥ مهدی قیام
می‌کند، در حالی که
بالای سر او ملکی است
که ندا می کند : این
مهدی است، پس او را
متابعت کنید!»
و در روایت دیگر
تصریح دارد : «**هُوَ صَوْتُ**
جَبْرِيلَ الرُّوحُ الْأَمِينُ؛^٦
و آن صدای جبرئیل روح
الامین است.

ثالثاً، اشاره شد که
ندا دهنده «جبرئیل»
است که ملک مجرد،
آسمانی و الهی است .
اسم بردن از جبرئیل
نشان دهنده اعجاز آن
نیز هست.

جالب این است که
نویسنده به این نکته
توجه داشته؛ ولی آن را
این‌گونه توجیه می‌کند:
«منظور از جبرئیل در
برخی از روایات آمده

٢. بحار الانوار، علامه مجلسی،
ج ٥٢، ص ١١٩، ج ٤٨ .
٣. منتخب الآخر، لطف الله صافی
گلباگانی، قم، چاپ کوثر،
ناشر (دفتر معظم له) چاپ
سوم، ١٤٣٠ هـ ق، ج ٣، ص ٦٧، ح
٩٨٥ .
٤. همان، ص ٧٦ .
٥. اكمال الدين، شیخ صدوقي،
ج ٢، ص ٥٥٨ .

ذیل آیة ٤ سوره شعراء
آمده است : [إِنْ نَشَاءُ
نُنَزِّلُ عَلَيْهِمْ مِنِ السَّمَاءِ
آیة] از ندای آسمان ی
در قرآن به «آیه»
تعبیر شده است که نوعاً
در قرآن از معجزات
الهی به آیه تعبیر شده
است.

و حضرت صادق % طبق
نقل «عبد الله بن سنان»
که سند آن متقن به نظر
می‌رسد، قسم یاد کرده
است که این ندا در
قرآن به آن تصریح شده:
«وَ اللَّهُ أَنِّي ذَلِكَ فِي كِتَابِ اللَّهِ
عَزَّ وَ جَلَ لَبِيْنَ حَتَّى يَقُولُ
[إِنْ نَشَاءُ
عَلَيْهِمْ...].^١

ثانياً، هم در قرآن
و هم در روایات متعدد
(و شاید هم متواتر)،
طبق ادعای صاحب كتاب
«منتخب الآخر» از ندا
با پسوند «آسمانی» اسم
برده شده است که نشان
می‌دهد این ندا فوق
وسایلی چون تلویزیون و
رادیو و حتی ما هو اره
است؛ زیرا همه اینها
زمینی هستند و اگر
بگوییم ما هو اره در فضا
است، و آسمانی شدن آن
نمی‌شود؛ چرا که در
تعبیر آیات و روایات
مراد از آسمان، فضا
نیست؛ بلکه فوق این
مسائل است. مخصوصاً که

١. بحار، علامه مجلسی، ص ٢٩٢،
ج ٤٠ .

واقع شده باشد.
خامساً، این ندای آسمانی به قدری تأثیرگذار است که طبق روایتی - که نویسنده نیز آن را نقل کرده است^۲ - با شنیدن این صدا «وَيَظْهُرُ الْمَهْدِيُّ عَلَى أَفْوَاهِ النَّاسِ وَ يَشْرُبُونَ حُبُّهُ فَلَا يَكُونُ لَهُ مِذْكُرٌ غَيْرُ رُهْ»^۳ نام مهدی بر سر زبانها می‌افتد و مردم عاشق و شیدای آن حضرت می‌شنوند و جز نام او چیزی بر زبان نمی‌آورند.^۴
کدام سخنگوی حق تلویزیونی و رادیویی، همچون صدای مبارک ملک امین وحی الهی، حضرت حیرئیل می‌تواند چنین تأثیری داشته باشد سادساً، در روایات دارد که دشمنان اهل بیت می‌گویند: این ندای آسمانی سحری از سحرهای همیشگی خانواده اهل بیت % است : «إِنَّ الْمُتَادِيَ الْأَوَّلَ سُحْرُ مِنْ سُحْرِ أَهْلِ هَذَا الْبَيْتِ»؛^۵ اگر ندا با وسایل زمان مثل تلویزیون و رادیو باشد - که این اتهام

سخنگوی حق و مراد از شیطان سخنگوی باطل است.»^۶ این‌گونه توجیه نمودن خلاف ظاهر است و نیاز به دلیل دارد؛ بلکه خلاف نص و صحیح است که در این صورت، اجتهاد در مقابل نص شمرده می‌شود، و طبق این مبنی باید «تَنْزِيلَ الْمَلَائِكَةِ» را هم فرود چریکهای فلسطینی و یا رزمندگان حزب الله لبنان و ... معنی کنیم!^۷
رابعاً، این گونه توجیهات ناروا از معجزات، همان شیوه ای است که در میان جمعی از اهل سنت رواج یافته که داستان حضرت ابراهیم% را که چهار پرنده را کوبی د و دوباره زنده شدند، و داستان عزیز و یا ارمیای نبی را که صد سال مرد و دوباره زنده شد و ... این‌گونه توجیه می‌کنند که این آیات، نمادین است و چتین کاری انجام نگرفته؛ بلکه منظور این بوده که قیامت این‌گونه است که گویا اگر پرنده ها را قطعه دوباره زنده می‌شوند و یا شخصی صد سال بخوابد و دوباره زنده شود، نه اینکه چنین داستانی

۲. همان، هر چند جمله «بِشَرِّبُونَ حُبَّهُ» را آصلاً ترجمه نکرده و راحت از آن رد شده است.

۳. الصراط المستقیم، ج ۲، ص ۲۵۹.

۴. بخار الأنوار، ج ۵۲، ص ۲۹۲، باب ۲۶.

۱. مجله حوزه، ش ۷۱ - ۷۰، ۲۶ ص

کشته شد" تا مردم را بفریبد و به شک اندازد.»
اینکه مراد از فلانی کیست، با توجه به روایات بعدی روشن می‌شود که مقصود «عثمان بن عفّان» خلیفة سوم است، و گویا پیرا هن عثمان تمامی ندارد، همانگونه که دامن حضرت علیؑ را گرفت و فتنه جمل برپا شد، گویا می‌خواهد پاپیچ حضرت مهدیؑ نیز بشود؛ اما اینبار قصه فرق می‌کند.
۲. حق با عثمان بود!!
حضرت باقر % در روایت دیگر فرمود: «ثُمَّ يُنَادِي إِبْلِيسُ فِي أَخِرِ النَّهَارِ مِنَ الْأَرْضِ أَلَا إِنَّ الْحَقَّ فِي عُثْمَانَ وَ شِيعَتِهِ فَعِنْدَ ذَلِكَ يَرْتَابُ الْمُبْطِلُونَ»^۱ سپس ابلیس در پایان روز از زمین فریاد می‌زند که به راستی حق با عثمان و پیروان او بود، در این هنگام است که باطلگرایان به شک می‌افتدند.
در اینکه مراد از این عثمان، خلیفة سوم و یا سفیانی است، بعضی

مورد ندارد - نشان میدهد که این ندا امر فوق العاده و خارق العاده ای است که دیگران از انجام آن عاجزند، لذا اتهام سحر می‌زنند.

صدای شیطانی زمینی در کنار هر حقی، باطلی، و هر راه راستی، راه انجرافی، و هر راستی، دروغی، و ... وجود دارد. پس در کنار صدای آسمانی جبرئیل که حق خالص است، ندای زمینی شیطانی نیز مطرح است که تلاش می‌کند که با ایجاد شک و تردید مردم را به گمراهی دعوت کند. در اینجا این روایات را مطرح می‌کنیم و نکات لازم را یادآور می‌شویم:

۱. دوباره پیراهن عثمان
حضرت باقر% فرمود:
«يُنَادِي مُنَادٍ مِنَ السَّمَاءِ يَا سَمِّ الْقَائِمِ . . . وَ فِي أَخِرِ النَّهَارِ سَوْتُ إِبْلِيسَ الْلَعِينَ يُنَادِي أَلَا إِنَّ فُلَانًا قُتِلَ مَظْلومًا لِيُشَكَّ النَّاسُ وَ يُفْتَنُهُمْ؟»^۲ ندا کننده ای از آسمان به اسم (نام) قائم ندا سر می‌دهد... در آخر روز، شیطان لعنت شده فریاد می‌زند که "فلانی مظلوم

۱. بحار الانوار، علامه مجلسی، ج ۵۲، ص ۲۸۹، ح ۲۷؛
الغيبة، للجهة بن حسن معروف به شیخ طوسی، قم، مؤسسه المعارف الاسلامیة، اول، ۱۴۱۱ق، ص ۴۵۳.

۲. غيبة نعمانی، شیخ مفید، ح ۲۵۴.

نکات روایت

۱. این روایت به خوبی دو روایت اول را معنی می‌کند که مراد از «فُلَانًا قُتِلَ مَظْلُومًا» و همین‌طور مراد از عثمان، خلیفة سوم است، نه عثمان بن عنبه یا همان سفیانی.

۲. کلمه «الغد» نشان می‌دهد که این ندای دوم شیطان است و جمله «يَتَوَارِي عَنْ أَهْلِ الْأَرْضِ» نشان می‌دهد که از ندای قبلی خیلی استقبال نشده و حتی مردم اهل زمین علیه او قیام کرده اند؛ لذا متوا pari شده و به هوا رفته است.

۳. جمله «صَعَدَ إِبْلِيسَ فِي الْهَوَاءِ» نشان میدهد که هوا آسمان نیست، و گرنم تعبیر به «صَعَدَ فِي السَّمَاءِ» می‌گفت. این نشان می‌دهد که صدایی در هوا هم زمینی است و اینکه در رَدَّ نویسنده مجله پیش گفته، بیان شد که سماء فوق هوا و فضا است، یکی از شاهدانش همین روایت است و دیگری روایت «جَوْفِ السَّمَاءِ» که می‌گوید ندا از باطن آسمان بلند می‌شود.

۴. حق با سفیانی است «ابو حمزه ثمالی»

از حضرت صادق % نقل کرده است که «يُنَادِي

گفته‌اند : ۱. چون اسم سفیانی «عثمان بن عنبه» است، پس شاید مراد او باشد؛ اما باید روایات بعدی نقل، و قرائت بیان شود.

۲. عثمان مظلوم و به حق! از حضرت صادق % نقل شده است: بعد از ندای اول که می‌گوید: حق با علي و شیعیان اوست «فَإِذَا كَانَ الْغَدُ صَعِدَ إِبْلِيسُ فِي الْهَوَاءِ حَتَّى يَتَوَارَى عَنْ أَهْلِ الْأَرْضِ ثُمَّ يُنَادِي أَلَا إِنَّ الْحَقَّ فِي عُثْمَانَ بْنَ عَفَانَ وَ شِيعَتِهِ فَأَطْلُبُوا بِدَمِهِ؛ ۳. فردای آن روز ابلیس به هوا می‌رود تا از (ترس) اهل زمین فرار کند. آنگاه ندا می‌کند که بیدار باشید! حق با عثمان بن عفان و پیروان او بود؛ زیرا او مظلومانه کشته شد ! پس به خونخواهی او برخیزید.»

البته جای طلحه و زبیر و عایشه خالی است (و شاید هم برگردند تا مختصر مجازاتی شوند) که ابلیس را یاری رسانند؛ چنانکه ابلیس در جنگ جمل به آنها یاری رساند.

۱. بحار الانوار، علامه مجلسی، ج ۵، ص ۲۸۹، پاورقی
۲. همان، ص ۲۵۲، ح ۴۰.

مُنَادٍ مِنَ السَّمَاءِ أَوْلَى
النَّهَارِ إِلَّا إِنَّ الْحَقَّ فِي
عَلَيْهِ وَشِيعَتُهُ ثُمَّ يُنَادِي
أَبْلِيسَ لَعْنَةُ اللَّهِ فِي أَخْرِ
النَّهَارِ إِلَّا إِنَّ الْحَقَّ فِي
السَّفَنَى نِيَّ وَشِيعَتُهُ
فَيَرْتَابُ عَنْ دِلْكَ
الْمُبْطَلُونَ ؛ مُنَادِي از
آسَمَانِ نَدَا مِي دَهْدَ كَهْ :
آگاه باشید که حق با
علي% و شیعیان اوست،
پس در پایان روز،
شیطان ملعون ندا میدهد
که : حق با سفیانی و
پیروان اوست . پس در
این هنگام باطل گرايان
شک می‌کنند.»

جمع این روایت با روایات قبلی این است که شیطان ممکن است دو ندا داشته باشد؛ یکی در پایان روز که حق را با فرمانده فعلی باطل (سفیانی) میداند و فردای آن روز برای تحریک بیشتر مردم مسئله قتل عثمان بن عفان را مطرح می‌کند؛ چنانکه در ندای اول یکجا حقانیت محمد و آل محمد- را بیان می‌کند و در جای دیگر حقانیت علی% و شیعیان او، و همین‌طور نام امام زمان (عج) را به عنوان فرمانده جبهة می‌برد.

۱. ندای شیطانی
زمینی و فوقش هوایی و
فضایی است، نه چون
ندای جبرئیل که
آسمانی و از عالم غیب
است.
این ندا گمراه کننده
و دعوتکننده به باطل
بوده، برای ایجاد شک
است: «يُشكُّ النَّاسُ».
مواظب این ندا
باشیم، که برای امتحان
انسانه‌ای مؤمن است، تا
در این فتنه نلغزد و
دچار شک و تردید نشود،
و این مقاومت زمانی
میسر است که ایمان
افراد قوی پاشد
«فَلَيُثْبِتَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا
بِالْقُولِ الْثَّابِتِ عَلَى
الْحَقِّ وَ هُوَ النَّدَاءُ
الْأَوَّلُ؛» پس خداوند
مؤمنان را بر قول حق
ثبت و استوار نگه
میدارد، و آن ندای اول
است.»

۲. دو گروه به
شیطان جواب مثبت
میدند: یکی مبطلان و
باطلگرایان که به شک
می‌افتد: «فَيَرْتَابُ عِنْدَ
ذَلِكَ الْمُبْنِطُونَ»؛ و

و ٢٧ ، ح ٢٨٩ ص . همان ، ٢ .

٣٠ همان، ص ٢٨٩؛ غيبة، شیخ

طوسی، ص ۲۵۱ .

٢٩٤، ج ٥، مجلسي، ١٩٢٩ .
٥. كمال الدين، شيخ ص

ج ۲، ص ۵۹؛ بحارات الانوار، علامہ مجلسی، ج ۲، ص ۵۲، صص ۲۸۸ - ۲۹۰.

١٠. بحار الانوار، علامه مجلسی، ج ٥٢، ح ٢٠٢٥.

علامت مشابه نیز دارد، و در کنار آن ندای شیطانی قرار گرفته است، آنگاه چگونه تشخیص دهیم که کدام ندا حق است و کدام باطل؟

پاسخ این است که انسان باید قبل از ظهور، حق و باطل و رهبران آن را به خوبی بشناسد. اگر کسی قبل اعتقاد خویش را محکم نموده باشد، دچار چنین شکی نمی شود، لذا در روایت مذکور آمده بود که جز باطل گرایان و دشمنان اهل بیت)، کسی در حقانیت ندای اول شک نمی کند.

با این حال، در خود روایات این پرسش مطرح شده است و راه کارهایی برای آن ارائه گردیده، از جمله:

۱. پناه بردن به علماء بعد از اینکه «زرارة بن اعین» از حضرت صادق% شنید که دو ندا داریم، عرض کرد: چه کسی راستگو را از دروغگو باز می شناسد؟ امام علی% فرمود: «**يَعْرِفُهُ الَّذِينَ كَانُوا يَرْوُونَ وَ يَقُولُونَ إِنَّهُ يَكُونُ قَبْلَ أَنْ يَكُونَ وَ يَعْلَمُونَ أَنَّهُمْ هُمُ الْمَحْقُونُ الصَّادِقُونَ**»^۳

۳. منتخب الاثر، صافی

دیگری بیماردلان: «صَدَّقَ أَبْلِيسٌ فِي الْهَوَاءِ... ثُمَّ يَنْادِي... وَ يَرْتَابُ يَوْمَئِذٍ الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرْفُونَ وَ الْمَرْفُونَ وَ اللَّهُ عَذَا وَتُنَا فَعَنْدَ ذَلِكَ يَتَبَرَّءُ وَنَّ مَنَا يَتَنَاهُ لَوْنًا فَيَقُولُونَ إِنَّ الْمُنَادِيَ الْأَوَّلُ سَخْرُ مِنْ سَخْرِ أَهْلِ هَذَا الْبَيْتِ ثُمَّ تَلَّ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ قَوْلَ اللَّهُ عَزْ وَ جَلْ [وَ إِنْ يَرْوُا آيَةً يُغْرِضُوا وَ يَقُولُوا سَخْرُ مُسْتَمِرٌ]»^۴:^۵ بعد از اینکه ابلیس در هو ندا داد، در این هنگام، بیماردلان شک می کنند و به خدا سوگند! بیماردلان نیز دشمنان ما اهل بیت (هستند که در این هنگام، از ما بیزاری می جویند و می گویند: ندای اول سحری از سحرهای این خانواده [اهل بیت] است!! سپس حضرت صادق% این سخن خدا را تلاوت فرمود که: و اگر آیه و نشانه ای می بینند، روی می گردانند و می گویند: این سحر همیشگی است» پاسخ به یک پرسش ممکن است این شببه به ذهن برسد که این

۱. قمر/۲.

۲. بحار الانوار، علامه مجلسی، ص ۲۹۳، ج ۴۰، غيبة نعمانی، شیخ مفید، ص ۱۳۸.

بگویید: آن کسی که ما را به این ندا (و کیفیت آن) خبر داده، او راستگوست [که ندای اول حق است] هرچند تو منکر آن (ندا) هستی.»

این روایت صریحاً میگوید گوش دادن به سخنان اهل بیت) باعث تشخیص حق می شود، و غیرمستقیم اشاره دارد که علماً و روات نیز در این امر نقش دارند؛ چرا که آنها روایات را برای مردم نقل و معنا میکنند.

۳. آگاهی قبل از ندا در روایت دیگر، وقتی «هشام بن سالم» از حضرت شنید که ندای آسمانی دو تا است، عرض کرد: چگونه آن دو را تشخیص دهیم؟ حضرت فرمود: «یَعْرِفُهَا مَنْ كَانَ سَمِعَ بِهَا قَبْلَ أَنْ تَكُونَ؛» کسانی که قبل آن (و کیفیت ندا) را شنیده اند، تشخیص میدهند، قبل از اینکه ندا واقع شود.» لذا لازم است قبل از تحقق عالیم ظهور و ندای آسمانی با حق آشنا و از خصوصیات آن آگاه شویم.

زمان ندا و صیحة آسمانی در جمعی از روایات زمان ندا شب جمعه ۲۳

۱۰۰۸. همان، ح ۱۰۰۹.

کسانی که حدیث ما را روایت میکنند (و آن را به خوبی درک نموده و میفهمند) و آنها (علما) میگویند، این ندا [با کیفیت بیان شده] خواهد بود (و از آن خبر میدهند) قبل از اینکه واقع شود. و آنها به خوبی میدانند که برقاند و راستگو.» این روایت می گوید: برای شناخت راستگو از دروغگو، و حق از باطل، باید با کسانی که روایات را نقل میکنند و آن را میفهمند و برای مردم نقل میکنند و نشانه ها و ندای حق را بیان می دارند. اینجاست که نقش کلیدی علما در زمان غیبت کبرا ظاهر میشود.

۲. اخذ قول معصومین) «هشام بن سالم میگوید: «به حضرت صادر % عرض کردم: جریری برادر اسحاق (یکی از مخالفین) به ما میگوید: شما شیعیان میگویید: ندای آسمان دو تا است، پس کدام یک راست است؟ حضرت فرمود: «فُولُوا : لَهُ إِنَّ الَّذِي أَخْبَرَنَا أَنَّ هَذَا يَكُونُ هُوَ الصَّادِقُ ؟» به او

گلپایگانی، ج ۳، ص ۷۶ - ۷۷، ۱۰۰۸.
ج. همان، ج ۳، ص ۷۷ - ۷۸، ح ۱۰۰۹.



ماه مبارک رمضان معین
شده است . در روایات
دیگری، خبر از ظهور
حضرت در روز عاشورا
داده شده که می توان
نتیجه گرفت واقع شدن
ندای آسمانی در همان
رمضان ، قبل از محرّم
است که فاصله آن تا
ظهور علني، به گونه اي
که مردم با حضرت بیعت
کنند، ۳ ماه و ۱۷ روز
بیشتر نخواهد بود.

حضرت باقر% فرمود :
«يَكُونُ الصَّوْتُ فِي شَهْرِ
رَمَضَانَ فِي لَيْلَةِ جُمُعَةٍ
لَيْلَةِ ثَلَاثٍ وَ عِشْرِينَ فَلَا
تَشْكُوا فِي ذَلِكَ وَ اسْمَعُوا
وَ أَطِيعُوا»؛^۱ صوت

(آسماني) در شب جمعه
۲۳ رمضان خواهد بود.
در آن شک نکنيد و
 بشنويد و فرمان بريدا»

حضرت% صادق% فرمود :
«الصَّدِيقَةُ الَّتِي فِي شَهْرِ
رَمَضَانَ تَكُونُ لَيْلَةُ
الْجُمُعَةِ لِثَلَاثٍ وَ عِشْرِينَ
مَضِيَّنَ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ»؛^۲

صيحه اي که در ماہ
رمضان واقع می شود، در
شب جمعه بيست و سوم
ماه رمضان خواهد بود»

۱. الغيبة نعماني، شيخ
مفید، ص ۲۵۴.

۲. کمال الدين، شيخ صدق،
ج ۲، ص ۵۵۹، ح ۱۶.





سید محمد امام (جزایری)

«شیعه» در لغت به معنای پیرو، طرفدار و گروهی است که بر امری یکسخن شوند و هم چنین بر گروه یاران اطلاق می‌شود.

«تشیع» نیز در لغت به معنای ادعای پیرویکردن است؛ چنان‌که وقتی گفته می‌شود «تشیع الرجل» به معنای آن است که این فرد، ادعای شیعه‌بودن دارد.

«شیعه» در اصطلاح به مسلمانی گویند که

۱. البدایة و النہایة، ابن کثیر دمشقی، دارالکتب العلمیة، بیروت، بیتا، ج ۲، ص ۲۴۶.

۲. لغتنامه دهخدا، علی اکبر دهخدا، دانشگاه تهران، تهران، ج ۱۵، ص ۷۲۱؛ همچنین ر.ک: تاریخ تشیع، ۱ و ۲، سید احمد رضا خضری، با همکاری گروه مؤلفان، محمد حیدری آقایی، قاسم خانجانی، حسین فلاحتزاده و رمضان محمدی، سمت، تهران، ۱۳۸۵ ش، ج ۱، ص ۵۰.

در طول تاریخ اسلام، مذهب تشیع به عنوان مهم ترین و بارزترین مذهب دین اسلام، یگانه منجی پیروان مکتب محمدی – و راه راستین سعادت نام گرفت؛ هر چند به نگاه دقیق می‌توان گفت اسلام منها معتقدات شیعه معنا ندارد و اسلام همان تشیع است، لکن برای بعضی جای سؤال است که تشیع به معنای خاص آن (یعنی پیروان ولایت و امامت امیر المؤمنان علی %) از چه زمانی شکل گرفت و سر چشمه تفکر ناب شیعی کجا بود؟

در این مقاله با نگاهی به روایات و تاریخ جهان اسلام، پاسخی مناسب برای این سؤال ارائه خواهیم کرد.

این عقیده‌اند که اساس مذهب تشیع در قرآن و سنت، قطعی است. و تفکر شیعی در زمان پیامبر - وجود داشته است. همچنین معتقدند پیامبر اکرم - اولین شخصی بود که بر دوستی علی٪ تأکید کرد و بر پیروان او نام شیعه نهاد که در این بخش به ذکر چند نمونه بسنده میکنیم:

۱. در برخی از منابع اهل تسنن، علاوه بر منابع شیعه ی در تفسیر آیة [اُولئِكَ هُمْ خَيْرُ الْبَرِّيَّة] از پیامبر اکرم- چنین نقل شده که فرمود: «هُمْ عَلَيْ وَ شَيْعَتُهُ هُمُ الْفَائِزُونَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ»، آنان علی٪ و شیعیان او هستند. آنان رستگاران روز قیامت‌اند».

۲. پیامبر- خطاب به امیرالمؤمنین٪ فرمود:

۳. مجموعه آثار، خدمات متقابل اسلام و ایران، مرتفضی مطهری، صدران، تهران، ۱۳۶۸ش، ج ۱۴، ص ۱۲۶. ۴. الامامة في الاسلام، عارف تامر، دار الكاتب العربي و مكتبة النهضة، بيروت، [بيتا]، ص ۵۵.

۵. تشیع در سیر تاریخ، سید محمدحسین جعفری، ترجمه محمد تقی آیت‌الله، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۳۶۸ش، ص ۱۵ - ۱۶.

۶. البدر المنشور في تفسير بالماثور، جلال الدين سیوطی، منشورات مکتبة آیت‌الله للعظامی المرعشی النجفی، قم، ۱۴۰۴ق، ج ۶، ص ۳۷۹.

معتقد است امامت امیرالمؤمنین علی٪ منصوص از سوی پیامبر اکرم- است و امامت، جز به ستم از علی٪ و اولادش خارج نمیشود. شیعه در منابع شیعی، بیش از یک معنا و مفهوم ندارد و آن اعتقاد به جانشینی علی٪ و یازده فرزند اوست که بعد از درگذشت پیامبر- تا غیبت صغیری، هیچ تغییری در آن رخ نداده است. شیعیان نیمه دوم قرن سوم هجری به تمام دوازده امام باور داشتند. نخستین شیعیان که از صحابه پیامبر- بودند نیز به این امر اعتقاد داشتند؛ چون نامهای آنان را از احادیث نبیوی آموخته بودند د، چنان‌که ابن حجر هیثمی از اندیشمندان اهل تسنن، حدیث دوازده خلیفه را آورده و بر درستی حدیث، ادعای اجماع کرده است^۲

شیعه در زمان پیامبر- اندیشمندانی که بدون تعصب و منصفانه درباره تاریخچه مذهب تشیع نظر داده‌اند، بر

۱. فرق الشیعة، نوبختی، دار الأضواء، بیروت، ۱۴۰۴ق، ۱۸ص.

۲. الصواعق المحرقة في الرد على اهل البدع والزندة، ابن حجر هیثمی، مکتبة القاهرة، مصر، ۱۳۸۵ق، ص ۲۱ و ۲۰.

می‌کنند که لفظ شیعه
بارها از زبان مبارک
پیامبر اکرم - درباره
شیعیان علی٪ استعمال
شده و ما تنها به ذکر
پنج نمونه از این
روایات اکتفا کردیم؛
به هر حال، حقیقت تشیع
که همان دوستی،
پیروی‌کردن و مقدم
دانستن علی٪ است به
زمان رسول خدا - مربوط
می‌شود. آن حضرت با
سخنان خود، مردم را به
پیروی از علی٪ و
خاندانش فرمان می‌داد
که از آن جمله، رخداد
غدیر خم است. البته در
همان زمان پیامبر -
عده ای از مسلمانان
نه تنها با گسترش جریان
تشیع که همان دوستی،
پیروی‌کردن و
مقدم دانستن علی٪ بود،
مخالف بودند؛ بلکه
طاقت شنیدن فضایل
امیر المؤمنین٪ را نیز
نداشتند؛ چنانکه امام
باقر٪ می‌فرماید: «إِنَّ
رَسُولَ اللَّهِ كَانَ إِذَا حَدَثَ
بِشِيءٍ مِّنْ فَضَائِلِ عَلِيٍّ
أَوْ تَلَأَ عَلَيْهِمْ مَا أَنْزَلَ
فِيهِ نَفْضُوا ثِيَابَهُمْ وَ
قَاتُوا؛ هر گاه رسول
اکرم - فضایل علی٪ را
می‌گفت یا آیه ای را که
درباره آن جناب نازل

۵. مناقب آل ابی طالب، ابن شهر آشوب مازندرانی،
دارالاضواء، بیروت، ۱۴۰۵ق،
ج ۳، ص ۲۱۴.

«خداوند ، گناهان
شیعیان و دوستداران
شیعیان تو را بخشیده
است.»

۳. همچنین پیامبر - در
ضمن حدیثی طولانی،
درباره فضایل علی٪ به
دخترش فاطمه فرمود: «يَا فَاطِمَةُ عَلِيٍّ وَ
شَعْتَهُ هُمُ الْفَائِرُونَ يَوْمَ
الْقِيَامَةِ؛ إِنَّ فَاطِمَةَ
عَلِيٍّ وَشَعْتَهُ رَسْتَگارانِ روزِ قیامت
هستند.»

۴. پیامبر اکرم - در
جای دیگری خطاب به
امیر المؤمنین٪ فرمود:
«يَا عَلِيٌّ! آنگاه که روز
قیامت شود، من به خدا
تمسک می‌کنم و تو به
دامن من چنگ می‌زنی و
فرزندانت، دامن تو را
می‌گیرند و شیعیان
فرزندانت به دامن آنان
چنگ می‌زنند.»

۵. پیامبر خدا - در
حدیثی فرمود: «هفتاد
هزار از امّتی بدون
حساب وارد بهشت
می‌شوند. علی٪ پرسید:
آنان چه کسانی هستند؟
فرمود: آنان شیعیان تو
هستند و تو امام
آنهایی.»
این‌گونه روایات،
فراوانند و اثبات

۱. الصواعق المحرقة، ابن حجر هیشی، ص ۲۳۴.

۲. المناقب، اخطب خوارزم،
المکتبة الجیدریة، نجف
ashraf، ۱۳۸۵ق، ج ۲، ص ۲۰۶.

۳. همان، ص ۲۱۶.
۴. همان، ص ۲۳۵.

زمان خلفای اولیه ب ۵
حالت مداراً با دستگاه
خلافت برخورد می کرد .
یاران امیرالمؤمنین %
نیز به تبع حضرت در
جهت صالح اسلام
دورادور با دستگاه
خلافت، همکاری داشتند و
همانند
امیرالمؤمنین %
مسلمانان را با
دیدگاه های علمی خود
یاری میدادند.
بیتردید عصر حکومت
امیرالمؤمنین % از
دوره های برجسته تاریخ
اسلام و تشیع به شمار
می آید . احیای فرهنگ
قرآنی و سنت نبوی ، رفع
تبغیض و تبیین حقوق
متقابل حکومت و مردم و
اجرای عدالت اجتماعی و
اقتصادی و به طور کلی
تجددی حکومت دینی بر
اساس اندیشه های اسلامی
و شیعی از ویژگیهای
اُشکار دوره مذکور است؛
اگر چه ه مانگونه که
پیش از این ذکر کردیم
سابقه تشیع به زمان
پیامبر- باز می گردد؛
اما تظاهر به آن ، بعد
از قتل عثمان و خلافت
امیرالمؤمنین % بود؛
چنانکه در زمان
امیرالمؤمنان %، شیعه در
مقابل مخالفان که در
آن زمان، عثمانیان
نامیده می شدند، صفت
کشیدند و تظاهر به
تشیع کردند. شیخ مفید(۱)
نقل می کند که جمعی در

شدہ بود، تلاوت می کرد،
عده ای از مجلس
برمی خاستند و
می رفتند.»
از زمان پیامبر
اکرم- برخی حسادت خود
را به مقام
امیرالمؤمنین % بروز
می دادند و به آزار
علی % می پرداختند؛
چنانکه از سعد بن
آبی و قاص نقل شده است :
من و دو نفر دیگر در
مسجد نشسته بودیم و از
علی % بدگویی می کردیم .
پیامبر - با حالت
عصبانی به سوی ما آمد
و فرمود : «مَ أَ لَكُ مْ فَ
لَيْ! مَنْ أَذْى عَلِيًّا فَقَدْ
أَذْانَى؛ با او چه کار
دارید؟! هر کس علی را
اذیت کند مرا اذیت
کرده است.»

از رسول خدا- بسیار
روایت شده که فرمود :
«مَنْ حَسَدَ عَلِيًّا فَقَدْ
حَسَدَنِي، وَ مَنْ حَسَدَنِي فَقَدْ
كَفَر؛ هر کس به علی،
حسد ورزد به من حسد
ورزیده و هر کس که به
من حسادت ورزد کافر
شده است.»

تاریخ تشیع در دوران خلفا
تا غیبت صغری
شیعه، منهای
احتجاجات کلامی که در
مقاطعی چون سقیفه و
شورای شش نفره در
مقابل کارگردانان
دستگاه خلافت داشت، در

۱. همان، ج ۳، ص ۲۱۳ . ۲۱۴ و . ۲۱۴ .

یکی از ویژگیهای بارز این دوران، اتحاد شیعه است؛ زیرا در این دوره، هنوز هیچ انشعابی در میان شیعیان واقع نشده بود؛ زیرا حسنین در میان مسلمانان، دارای جایگاهی بودند که هیچیک از ائمه طاهرین) بعد از آنها، جایگاه آن دو بزرگوار را نداشتند؛ اینان یگانه ذریه پیامبر- بودند و بیعت صحابه ب امام حسن % نشان دهنده احترام و جایگاه ایشان در میان اصحاب پیامبر- است.

امام حسین% هم از احترام بسیاری در میان مسلمانان برخوردار بود؛ چنانکه تا آن جناب در مکه بود، مردم، توجهی به حضور عبد الله بن زبیر در مکه نداشتند و وی از حضور امام حسین % در مکه رنج برده، به حضرت گفت: اگر من نیز مثل تو جایگاهی در عراق داشتم، به سرعت به آنجا میرفتم.

۲. دوران امام سجاد و دوره نخست امام محمد باقره با توجه به اینکه شیعیان از مخالفان سرشخت حکومت بنی امية

۳. العقد الفريد، ابن عبد ربہ اندلسی، دار احیاء التراث العربي، بيروت، ۱۴۰۹ق، ج ۴، ص ۳۶۹.

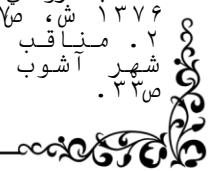
این دوران خدمت امیر المؤمنین% آمدند و خود را از شیعیان حضرت دانستند. حضرت پس از اینکه در سیما آنان دقت کرد، فرمود: «فم الی لا اؤذی علیکم سیماء الشیعه؟»، پس چرا سیما نمی بینم؟» گفتند: یا امیر المؤمنین! سیما شیعیان چگونه باید باشد؟ آن گاه حضرت، سیما شیعیان راستین را به آنان توضیح داد.

تشیع در عصر امویان گسترش تشیع در دوران اموی، مقاطعی داشته است که هر مقطع، مشخصه ای دارد. این مقاطع را به سه دور و مرحله کلی می توان تقسیم کرد:

۱. دوران حسنین% از آنجا که از زمان امیر المؤمنین%， شیعه به تدریج، شکل گروهی به خود میگیرد، امام حسن مجتبی% در صلح نامه ای که با معاویه امضا میکند، یکی از موارد صلح را تأمین امنیت شیعیان پدرش قرار میدهد و اینکه نباید متعرض آنان شوند.

۱. الارشاد، شیخ مفید، ترجمه محمدباقر ساعدي خراساني، كتابيفروشي اسلامي، [بیجا]، ۱۳۷۶ش، ص ۲۲۸ و ۲۲۹.

۲. مناقب آل ابی طالب، ابن شهر آشوب مازندرانی، ج ۴، ص ۳۳۵.



شهیدان کربلا، محبت خاندان پیامبر را در قلب مردم نشاند و جایگاه آنان را به عنوان اولاد پیامبر و یگانه سرپرستان اسلام، مستحکم کرد . بیشتر قیامهای دوران اموی به نام خون خوانی آنان صورت می گرفت و انقلابیها با شعار «یا لثارات الحسین%» جمع می شدند؛ برای نمونه میتوان به قیام توابین اشاره کرد که از قیامهای شهادت طلبانه شیعیان است. این قیام با آنگیزه خونخواهی از سالار شهیدان و توبه از یاری نکردن آن حضرت، روی داد و توابین از مکه به سوی کربلا و زیارت قبر امام حسین% شتافتند و در شروع کارشان از خداوند برای یاری نرساندن به امام حسین % در واقعه عاشورا طلب استغفار کردند.

قیام مختار در سال ۶۴ از اهمیت فراوانی در میان قیامهای شیعیان برخوردار است؛ زیرا این قیام توانست در یک روز ۲۸۰ نفر از جنایتکاران حاضر در لشکر دشمن ابا عبد الله% را به قتل برساند و خانه های چند تن از

بودند، پس از شهادت امام حسین% به سبب از دست دادن مهم ترین تکیه گاه خود، همواره از آزار حکومت، بیم داشتند. آثار این وحشت در کوفه و مدینه نمایان بود و با بروز «فاجعه حزه» و سرکوبی شدید و بی رحمانه نهضت مردم مدینه به دست نیروهای یزید، شدت یافت. اختناق شدیدی بر عراق، حجاز، مناطق سکونت شیعیان و به ویژه کوفه و مدینه حاکم شد و تشکل و انسجام شیعیان از هم پاشید . از سویی دیگر، یکی از مهمترین تأثیرهایی که نهضت کربلا داشت، از بین رفتن مشروعیت حکومت امویان در افکار عمومی بود . بدنا می حکومت امویان به جایی رسید که جایگاه خلافت به پایین ترین درجه، نزول کرد و دیگر مردم به عنوان نهاد مقدس به آن نمی نگریستند.

مسلمانان در این زمان، به جز مردم شام، اعم از شیعی و سني با حکومت امویان، مخالف بودند و شورشی شیعی و سني زیادی به وقوع پیوست.

از سویی دیگر مظلومیت امام حسین% و

۱. مروج الذهب، على بن حسين بن علي مسعودي، مؤسسة الأعلمي للمطبوعات، بيروت، ۱۴۱۱ق، ج ۳، ص ۹۵۰.

۲. الكامل في التاريخ، ابن اثير، دار صادر، بيروت، ۱۸۶۰م، ج ۴، ص ۱۵۸۱ق، تا ۱۴۰۲.

بن یوسف، سعید بن جبیر را به سبب ارتباطش با امام سجاد٪ به قتل رساند. البته در این زمان بر اثر فشارهایی که بر شیعیان وارد شد، آنان به مناطق گوناگون سرزمینهای اسلامی مهاجرت کردند و باعث گسترش تشیع شدند. در همین زمان عده‌ای از شیعیان کوفه به منطقه قم آمدند و در آنجا ساکن و سبب گسترش تشیع در آن سامان شدند. دوره نخست امامت امام باقر٪ در این دوران بود و حکومت مستبدانه هشام بن عبد الملک سبب شد، امام باقر٪ و شیعیان، تحت فشار قرار بگیرند و قیام زید بن علی در هم شکسته شود و زید و یارانش، مظلومانه به شهادت برستند.

از سال ۱۱۱ق دعوت عباسیان شروع شد. این امر (درگیری امویان و عباسیان در ابتدای دوران دعوت عباسیان تا ابتدای حکومت منصور دوائیقی) از یک سو، سبب گسترش تشیع در

۳. الغيبة، ابو جعفر محمد بن حسن طوسي، مكتبة نينوي الحديثة، تهران، [بيتا]، ج ۱، ص ۲۳۵.

۴. معجم البلدان، باقوت حموي، دار أحياء التراث العربي، بيروت، الطبعة الاولى، ۱۴۱۷ق، ج ۷، ص ۸۷.

۵. تاريخ اليعقوبي، احمد بن ابي واضح يعقوبي، دارصاد، بيروت، [بيتا]، ج ۲، ص ۳۱۹.

آن را که فرار کرده بودند، ویران کند؛ از جمله اینکه، خانه محمد بن اشعث را تخریب کردند و از مصالح آن، خانه حجر بن عدی، یار وفادار علی٪ را که معاویه تخریب کرده بود، بازسازی کردند.
سال ۲۳ق سال تثبیت حکومت مروانیان به حساب می‌اید. بنی مروان بعد از قتل عبد الله بن زبیر در سال ۲۳ق حکومت خویش را تحکیم بخشیدند و در این راه از وجود سفاکانی چون حجاج بن یوسف بهره مند شدند. حجاج، مخالفان بنی امية را هر جا می‌یافتد به قتل می‌رساند و دیکتاتوری وی تا سال ۹۵ق حجاز و عراق را در بر گرفته

امام سجاد٪ در چنین دورانی با دعا، معارف اسلامی و شیعی را منتقل می‌کرد. در این دوران، شیعیان یا فراری بودند یا در زندان به سر می‌بردند یا به دست حجاج به قتل می‌رسیدند و یا به شدت تقیه می‌کردند؛ از این رو مردم، جرأت نزدیک شدن به امام سجاد٪ را نداشتند و یاران حضرت، بسیار اندک بودند. شیخ طوسي) نقل می‌کند: حجاج

۱. المناقب، اخطب خوارزمي، ج ۲، ص ۲۰۲.

۲. مروج الذهب، مسعودي، ج ۳، ص ۱۸۷.

سرعت افزایش یافت تا
حدی که در سال ۱۲۵ ق
که یحیی بن زید در
جوزجان کشته شد، مردم،
نام تمام اطفال ذکوری
را که در این سال به
دنیا آمدند، یحیی
گذاشتند.

اهل بیت پیامبر- در
این دوران، جایگاه
والایی در میان مردم
یافته بودند؛ چنان که
پس از پیروزی عباسیان،
شخصی به نام شریک بن
شیخ مهری در بخارا بر
ضد ستم عباسیان بر
خاندان پیامبر -
 Abbasیان قیام کرد، و
گفت: «ما با اینان
بیعت نکردیم که ستم
کنیم و بی دلیل، خون
بریزیم و کار خلاف حق
انجام بدھیم»؛ اما ابو
مسلم، وی را سرکوب کرد
و به قتل رساند.^۳
۳. عصر دوره دوم امام باقر
و دوره نخست امام صادق^۴
دوره دوم امامت
امام باقر % و دوره
نخست امامت امام
صادق% مصادف است با
تبليغهای علویانی چون:
زید بن علی، یحیی بن
زید، عبد الله بن معاویه
- از نوادگان جعفر
طیرا% -. و ظهور ابو

۲. مروج الذهب، مسعودی،

ج ۱۳، ۲۲۶ص.

۳. تاریخ الیعقوبی، ج ۲،

ص ۴۴۵.

۴. مقاتل الطالبین، ابو
الفرح اصفهانی، منشورات
الشیف الرضی، قم، ۱۴۱۶ق،

مناطق گوناگون قلمرو
اسلامی شد و از سوی
دیگر، از اختناق
امویان کاست . در
نتیجه، شیعیان
تو آنستند نفس راحتی
بکشند. امامان معصوم ()
در این زمان، مبانی
فقهی و کلامی شیعه را
پایه‌گذاری کردند و
شیع، وارد مرحله
جدیدی شد . در زمان
امویان، میان آل
ابی طالب و بنی عباس،
اختلافی نبود؛ چنان که
نقل شده است: بنی علی و
بنی عباس در زمان
بنی امية در یک مسیر
بودند . مردمی که به
اینها میپیوستند معتقد
میشدند که آنان از
بنی امية به خلافت
سزاوارتند و آنان را
یاری میکردند، شیعه آل
محمد) نامیده میشدند .
در این زمان، میان
فرزندان علی % و
فرزندان عباس، در رأی
و مذهب، اختلافی نبود
در این دوران شیع،
گسترش چشم گیری یافته؛
حتی احادیث مربوط به
حضرت مهدی% با سرعت،
میان مردم مناطق
گوناگون پخش شد .
بیشترین حوزه فعالیت
داعیان عباسی، خراسان
بود . بدین سبب، تعداد
شیعیان در آنجا به

۱. اعیان الشیعه، سید محسن
امین، دار التعارف،
للمطبوعات، بیروت، [بیتا] ،
ج ۱، ۱۹ص.

امام صادق٪ حدوداً
۲۳ سال از دوران
اما متش یعنی از سال
۱۱۴ تا ۱۳۷ را در
شرایط مشابه شرایط
پدر بزرگوارش میزیست و
این دوران، میان
کشمکش و نزاع، میان
بني امية و بنی عباس
بود، سفّاح در سال ۱۳۲
ق حکومت کرد و اولین
خلیفه عباسی بود؛ اما
تمام وقتی را صرف
تعقیب امویان و کشدار
آنان کرد . حکومت
عباسیان عملًا در سال
۱۳۷ ق با حکومت دو میان
خلیفه عباسی، یعنی
منصور دو انبیقی،
استقرار یافت . امام

صادق٪ با توجه به
فرصت مناسب سیاسی به
وجود آمده تا پیش از
حکومت منصور، ذنباله
نهضت علمی پدرش را
گرفت و حوزه گسترده و
دانشگاه بزرگی پدید
آورد که آوازه آش در
آفاق پیچید.

شیخ مفید می فرماید:
به قدری از آن حضرت،
علوم مختلف نقل شده که
زبانزد مردم گشته و
آوازه آن، همه جا پخش
شده و از هیچ یک از
افراد خاندان پیامبر
به اندازه او، دانش
نقل نشده است .

دوستداران دانش و
تشنگان معارف اسلامی،
گروه گروه از نقاط
گوناگون سرزمین اسلامی

۴. الارشاد، شیخ مفید، ص ۵۲۵ .

مسلم خراسانی در
جایگاه سرپرست داعیان
عباسی در خراسان و
شوراندن مردم علیه
امویان.

از سوی دیگر،
امویان، مشکلات
درون گروهی میان
طرفداران خود داشتند؛
زیرا در قلمرو آنان در
میان مصریان و یمنیان
طرفدار بنی امية،
درگیری وجود داشت .

این شورشها و
گرفتاریها سبب شد که
امویان از شیعیان،
غافل شوند و شیعه
توانست تجدید سازمان
کرد، با رهبران خود
رابطه برقرار کند؛

چنانکه و قتی امام
باقر٪ وارد مکه می شد،
مردم برای استفتا از
حلال و حرام به سویش
سرازیر می شدند . در
حلقه درس امام باقر٪
در مکه علاوه بر طالبان
دانش، اندیشه و ران زمان
نیز شرکت می کردند .
بزرگانی چون زراره بن
اعین، محمد بن مسلم،
ابو بصیر، یزید بن
معاویه عجلی، جابر بن
یزید، حمران بن اعین و
هشام بن سالم، تربیت
یافته مکتب امام
باقر٪ بودند.

۱. تاریخ الیعقوبی، ج ۲، ص ۳۲۵ .

۲. همان، ص ۳۳۲ .
۳. بحار الانوار، محمد باقر
مجlesi، المکتبة الاسلامیة،
تهران، [بیتا]، ج ۴۶، ص ۳۵۰ .

تشیع در عصر عباسیان
تشیع در زمان عباسیان در مقایسه با دوران امویان، گسترش بیشتری داشت. شیعیان در دورترین نقاط سرزمینهای پهناور اسلامی پراکنده بودند؛ چنانکه هنگام شکایت از امام کاظم[%] نزد هارون گفته می‌شد که از مشرق و مغرب جهان پرای او خمس می‌آورند.

هنگامی که امام رضا[%] حدیث سلسلة الذهب را اپرداد فرمود، بیست هزار کاتب صاحب قلم و دوایت، این حدیث را نوشتند.^۳ که این، از جایگاه والای امام هشتم[%] در میان مسلمانان حکایت می‌کند. و در این دوران خصوصاً در زمان امامت امام نهم به بعد، شیعیان به قدری گسترش پیدا کردند که امامان این دوره برای ساماندهی آنان، شبکه ارتباطی وکالت را تأسیس کردند. آنان از طریق نصب نمایندگان در مناطق گوناگون، شیعیان را از نظر دینی و سیاسی، رهبری و ساماندهی می‌کردند. ضرورت چنین تشکیلاتی در زمان امام

به سوی آن امام شتافت، کسب دانش می‌کردند. سیدالاہل در این باره می‌فرماید: هر قبیله در کوفه، بصره، و اسط و حجاز، عزیزانشان را به سوی عصر بن محمد^۴ فرستادند. بیشتر بزرگان عرب و موالیان فارسی، به ویژه از اهل قم، خدمت آن جناب رسیدند.

شاگردان امام صادق[%] پس از فراغتی علوم نزد امام خویش به وطنهاشان برگشته، برای خود مجلس درس تشكیل می‌دادند و مسلمانان، دور آنان جمع می‌شدند و از آنان کسب علم می‌کردند. بدین ترتیب گسترش تشیع در این دوران، روند سریعی به خود گرفته بود.

نقل شده هنگامی که ابان بن تغلب به مسجد النبی می‌آمد، ستونی را که پیامبر- به آن تکیه می‌داد، برایش خالی می‌کردند و او برای مردم حدیث می‌گفت. امام صادق[%] به وی می‌فرمود: در مسجد مدینه بنشین و برای مردم فتوای بدی که من دوست دارم میان شیعیانم، اشخاص مثل تو دیده شوند.^۵

۳. الارشاد، شیخ مفید، ۸۵ص.
۴. عيون اخبار الرضه[%]، محمد بن علی صدوق، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۱۳۵.

۱. الامام الصادق[%]، والمذاهب الاربعة، اسد حیدر، دارالكتب العربية، بیروت، الطبعة الثانية، ۱۳۹۰ق، ج ۱، ص ۴۵۲.
۲. همان، ص ۶۵.

شمار شیعیان آورده است که عبارت اند از : ابو سلمه خلال (نخست وزیر خلیفه عباسی که به وزیر آل محمد ملقب بود) . ابو بجیر اسدی بصری (از فرماندهان و امیران بزرگ زمان منصور) محمد بن اشعث (وزیر هارون الرشید) ، علی بن یقطین (از وزرای مهدی عباسی و هارون) ، یعقوب بن داود (وزیر مهدی عباسی) ، طاهر بن حسین خزاعی (حاکم خراسان در عهد مأمون) و فاتح بن بغداد (که به سبب شیعه بودنش حسن بن سهل، او را به جنگ ابو السرایا نفرستاد^۲ . از جمله قاضیان شیعه عبارت اند از : شریک بن عبد الله نخعی ، قاضی کوفه و واقدی مورخ مشهور که در دوره مأمون ، قاضی بود . تشیع در حالی در عصر عباسیان گسترش یافت که عباسیان از هیچ جنایتی در حق شیعیان و آل ابی طالب دریغ نمیکردند؛ چنانکه منصور دو اندیقی، یکی از سادات حسنی به نام محمد بن ابراہیم بن حسن را (که از وجاهت فراوانی برخوردار بود) روی زمین گذاشته و در

۲. أعيان الشيعة، سید محسن امین، ج ۱، ص ۱۹۱۰ . ۳. همان، ص ۱۹۲۰ و ۱۹۳۰ .

حسن عسکری% (به دلیل گسترش روزافزون شیعیان) بیشتر احساس میشد . امام عسکری % نمایندگانی از میان چهره های درخشنان و شخصیتهاي برگزیده و آنان را در مناطق متعدد منصب کرده و با آنان در ارتباط بودند. امام با سازمان دهی بسیار دقیق شبکه ارتباطی وکالت و علاوه بر آن اعزام پیکها به مناطق مختلف، با شیعیان و پیروان خود ارتباط برقرار میکرد و مشکلاتی که شیعیان با آن مواجه بودند (خصوصاً دشواریهایی که به سبب ظلم عباسیان به آنان رسیده بود) را برطرف میکرد . در کتاب سیره پیشوایان ، برخی از فرموده های امام به وكلاء و پیکها و نامه های حضرت به شیعیان، از منابع معتبر ذکر شده است.

در آن زمان به باورهای شیعی به میان فرماندهان و رجال دولت عباسی نیز راه یافته بود؛ چنانکه صاحب کتاب آعیان الشیعه در جلد نخست کتابش، تعدادی از دولتمردان عباسی را در

۱. ر.ک: سیره پیشوایان ، مهدی پیشوایی، مؤسسه امام صادق%， قم، جاپ ۶۳۷ تا ۱۳۷۸ ش، ص ۶۳۲ .

کنند. همچنین در اطراف آن پاسگاه هایی برقرار ساخت تا از زیارت مردم جلوگیری کند و اعلام کرد : رفتن به زیارت حسین بن علی \mathbb{E} ممنوع است و زائر آن حضرت، مجازات خواهد شد . در مناطق حجاز و عراق که به مرکز حکومت نزدیک بودند پیوسته علویان تحت فشار حکومتی قرار میگرفتند و سادات، چاره ای جز مهاجرت نمیدیدند؛ از این رو در بیشتر مناطق سرزمین اسلامی، از مأوراء النهر و هند گرفته تا آفریقا پخش شدند . مردم طبرستان از جمله کسانی بودند که نخستین بار به وسیله سادات حسنی به شرف اسلام نایل شدند و اسلام را از کانال تشیع پذیرفتند؛ برای نمونه می توان به مهاجرت محمد بن قاسم علوي از کوفه به خراسان اشاره کرد که به دلیل فشار عوامل معتصم عباسی بوده است . در عصر عباسی، جامعه شیعه به سبک امروز آن، با جامعه عامه — که بعدها اهل سنت نامیده میشوند — مرزهای اعتقادی و فقهی خود را جدا میکند . هر

حالی که زنده بود به دستور وی، ستونی بر روی او بنا کردند تا اینکه در زیر ستون از دنیا رفت. همچنین منصور بارها % قصد جان امام صادق را کرد که هر بار به دلایلی از اجرای نیتش ناکام می ماند؛ اما سرانجام حضرت را با سه به شهادت رساند . همچنین هارون لعنة الله عليه، علاوه بر ظلم فراوان به شیعیان آل ابی طالب، امام موسی کاظم % را در زندان، بسیار آزارداد و سرانجام به شهادت رساند . برخی از این اذیتها که امام از جانب هارون دید در زیارتname حضرت، منعکس شده است .

همچنین متوكّل عباسی در ظلم و جنایت، دست کمی از منصور و هارون نداشت؛ از جمله جنایات وی، این است که در سال ۲۳۶ ق دستور داد آرامگاه سید الشہداء% و بن اهای اطراف آن را ویران و زمین پیرامونش را کشت

۱. الكامل في التاریخ، ابن اثیر، ج^۵، ص^{۵۶۰}.

۲. بحار الانوار، علامه محمدباقر مجلسی، ج^{۴۷}، ص^{۱۷} تا ^{۱۸۰}.

۳. همان، ص^{۱۸۲}.

۴. مصباح الزائر، سید بن طاووس، مؤسسه آل البيت، قم، چاپ اول، ۱۴۱۷ ق، ص^{۳۸۲}.

۵. مقاتل الطالبين، ابو الفرج اصفهانی، ص^{۴۷}.

۶. مروج الذهب، مسعودی، ج^۴، ص^۶.

چند مرزهای جغرافیا
مگر در نقاط معدودی،
جدا نیست.
ادامه دارد...

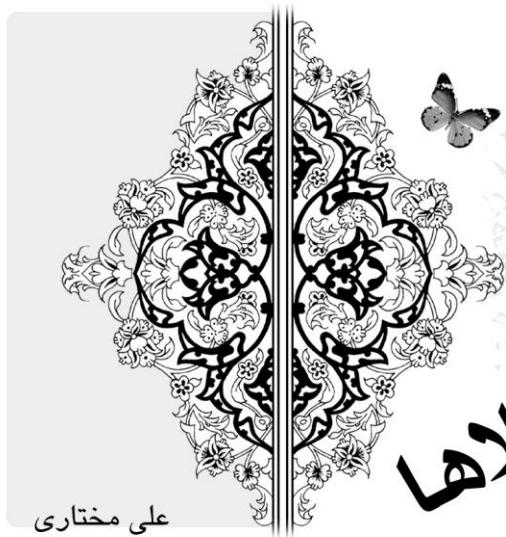
رمز و راز بلاها و ابتلاها

۴

علی مختاری

ارزیابی فضیلتها و رذیلتها، معیارهایی دارند که با معیارهای الهی چندان سازگاری ندارد. روحانی باید غیر از داشتن رفتاری که منطبق بر شرع است، تلاش کند افراط و تفریطهای جامعه را به صراط مستقیم الهی برگرداند؛ نه آنکه خود، دنباله روی مترفین یا در حسرت رفاه آنان باشد؛ مثلاً رایج است که می‌گویند: «دارندگی است و برآزنده‌ی». در چنین تفکری، پول، مهم ترین ارزش و قدرت تصور می‌گردد و مشکلگشای همه گرفتاریهاست. بدیهی است تجلی این روحیه در ارائه زرق و برق زندگی مثل خانه و خود روی گران‌قیمت، بالا شهر نشینی و... است و برای خود، حقوقی مسلم منظور

اشاره
در شماره‌های گذشته (۱۷۲، ۱۷۳ و ۱۷۴) موضوع «رمز و راز بلاها و ابتلاها» ارائه گردید و در آن پس از مقدمه‌ای کوتاه، به مباحثی همچون: «علل و ریشه‌های گرفتاریها»، «حکمتها و اهداف ابتلاها»، «مواد ابتلا و امتحان» و... پرداخته شد و در بحث «مواد ابتلا و امتحان» به برخی مواد از آن نعمتها، شرور و خیرات و اموال، انفس و اولاد) اشاره گردید؛ اکنون ادامه مبحث اموال و اولاد، که وسیله امتحان و فتنه‌اند ارائه می‌گردد و به نمونه‌هایی از موضع لغزش انسان، به ویژه همکاران روحانی اشاره می‌شود:
(الف) اموال
اکثر مردم در



حاج آقا سرهنگ و
تیمسار شد و به خادم و
خودرو و خانه دلخوش
کرد.

داشتن زندگی متوسط،
حق هر فردی است؛ ولی
پیمودن مسیر مرفهین
بی درد، زیبندة یک
روحانی نیست. ای کاش!
افراد اندکی که عمدتاً
یا تماماً به امور
اقتصادی میپردازند، از
لباس و زی روحانیت سوءَ
استفاده نمیکردند یا
با لباس روحانی، شاغل
نمیشدند.

همواره برخی افراد
در دوراهی خدا و خرما،
به خرما، رنگ خدایی
میزنند؛ علی بن ابی
حمزة بطائی و دوستانش
از وکلای امام موسی بن
جعفر و فتنه واقفیه؛
(بزرگترین انشقاق بین
شیعه در آن عصر) را
پدید آورند. امروزه
نیز برخی در حمایت از
ولایت، متوقف میشوند یا
جذب جریان‌ها، احزاب و
بیوت مسئله دار و همسو
با دشمنان می‌شوند و
ندانسته اب به آسیای
بیگانه می‌دیزند.

نمونه دیگر
این سخن، درست است
که مبلغ باید مردمدار
باشد؛ ولی برخی با
همین خیال، در دام
اغنیا گرفتار و از
مهمنترین وظیفه، که
نجات جوانان است، غافل
می‌شوند و طبق امی ال
چند سرمایه دار سر

میدارند؛ مثلًا هرگز
نباشد «از ما بهترون»
در شهرداری، دادگستری
و... به مشکلی بر
بخورند، نباشد
فرزندشان به خدمت نظام
وظیفه اعزام شود، اگر
هم شد نباشد به مناطق
سخت، مرزی و جنگی
برود.

اکنون روشن می‌شود
برای یک روحانی و
مبلغ، چقدر «همرنگ
جماعت نشدن» دشوار
است.

نمونه‌ای از لغزشگاه‌ها
در آغاز انقلاب،
برای ارتش و نیروی
نظامی، اداره عقیدتی
سیاسی، تشکیل شد.
معمولًا مبلغان در همین
بخش، خدمات شایانی
ارائه می‌دادند و کسانی
را که عمری در نظام
شاہنشاهی به سر برده
بودند تربیت می‌کردند.
شهدا، آزادگان و
ایثارگران ارتش،
نمونه هایی از
تربیتیافتگان
روحانیت‌اند؛ ولی گاهی
برخی طلاب که در عقیدتی
سیاسی ارتش شا
می‌شند، پس از مدتی
استحاله و طالب مادیات
می‌شند و در نتیجه
افراد دلسوز نظامی از
روحانی شکوه داشتند،
با این تعبیر که
انتظارمان آن بود که
مبلغ، ما را به رنگ
روحانیت در آورد؛ ولی
پس از مدتی دیدیم که

که چون انفاق کنند نه ولخرجی می کنند و تنگ می گیرند و میان این دو [روش] حد وسط را بر می گزینند.»
به همسر و فرزند نباید گفت: علمای سابق نان خشک و ته مانده سبزیها و کاهوها را می خوردند و صائم بودند و... حضرت آیت الله حسن زاده > به این جانب می فرمود: اگر می خواهی از این ریاضتها بکشی، اول باید بروی در بهشت معصومه، یک قیر برای خودت بخری و آن گاه چنین کنی. سخت گیریهای زیاد، خانواده را از دین و روحانیت گریزان می کند. از طرفی نباید فرزندان را به ناز و نعمت و ولخرجی عادت داد که نتوانند با کمبودها بسازند یا مثل خیلی از آقازاده ها نازپرورده و تنبیل بار آیند.
یکی از استادی دروس سطح حوزه در اصفهان (آیت الله ابراهیمی) به شاگردان چنین نصیحت می کرد: گاهی هم غذای خوب و کباب برای خانواده فراهم کنید تا از طلیگی زده نشوند تنور شکم دم به دم تافتن مصیبت بود روز نایافت نه چندان بخور کز دهانت برآید نه چندان که از ضعف، جانت براید

سپرده یا منحرف حرکت می کنند؛ در صورتی که مردمداری بدین معناست که مبلغ، مردم را در اطراف خود داشته باشد، نه اینکه مردم او را در چنگ خود داشته باشند.

خطیب توانا مرحوم فلسفی چنین می گوید: «پس از پیروزی انقلاب، سوار بر خودرویی خارجی - که قبل از فراوان بود - پشت چراغ قرمز بر سر چهار راهی توقف کردم. جوانی نزدیکم شد و گفت: آقای فلسفی! با این ماشین نمی توانید از مستضعفین دفاع کنید. همان ساعت شد، خودرو را فرداختم و اتومبیلی داخلی تهیه کردم.»
ب) اولاد

تبیین رابطه درست، بین ما و فرزندان، مبحثی گسترده است. اجمالاً دو نکته را یاد آور می شویم:
اول: اقتصاد

در هنگام هزینه کردن برای مخارج زندگی باید به این آیة شریفه توجه داشت: [وَ الَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يُسْرِفُوا وَ لَمْ يَقْتُرُوا وَ كَانَ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَاماً]؛^۱ «و [عبد الرحمن] کسانی هستند

۱. نویسنده سطور این مورد و مواردی را که بعداً از استادی ذکر می شود، به صورت حضوری از زبان بزرگان شنیده و روایت می کند.
۲. فرقان / ۶۷

بدتر رئیس دفتر و
منشی.

بهتر است به طور
اجمالی، به مسائل
سیاسی روز و «الحوادث
الواقعه» آشنا و آگاه
باشیم و اگر تو ان
نداریم، دست کم ساكت و
هما هنگ با حجتهاي الهي
باشیم . همانگونه که
سیره بسياري از اساتيد
متدين حوزه هاست که اگر
در حوادث سیاسي کشور،
دخیل نیستند، دست کم
منحرف و مزاحم هم
نیستند و با افتخار
میگویند: من تخصص کافي
در زمینه هاي سیاسي
ندارم و فقط به حوزه
کاري خودم مثلاً تدریس و
تحقیق بسنده ممکنم.

جناب زبیر از
مدافعان سرسخت ولایت
بود و در دفاع از حضرت
زهراء& بیشترین نقش را
داشت تا آنکه فرزندش
عبدالله، بزرگ و مشاور
سیاسي پدر شد و زبیر
را واداشت جنگ جمل را
رهبری کند . حضرت
امیر المؤمنین
میفرماید : «همواره
زبیر با م ابود تا
آنکه پیش بزرگ شد
و.....
محبت اولاد

پیامبر گرامی اسلام -
میفرماید : «حبك لـلشـء

۳: «مَا زَالَ الْرَّبِيعُ رَجُلًا مِنَ
أَهْلِ الْبَيْتِ حَتَّىٰ نَشَأْ أَبْنَهُ
الْمَشْتُومُ عَبْدُ اللَّهِ »، نهج
البلاغه، سید رضي، نشر هجرت،
قم، ۵۵۰.

استاد ممتاز حوزه
آیت الله ستوده - که
زندگی ساده اي داشت -
میگفت: «کم پول بودیم؛
ولی سخت گیری و تحمیل
به اهل خانه نکردم .
عیال ما هم از ما گله
نکرد.»^۱

دوم: نظارت و تربیت
متأسفانه بسياري يا
بر اثر کثرت سفر و
تبليغ، يا درس و بحث و
غرق شدن در امور علمي
و يا ... فرصت کافی را
برای تربیت اولاد قرار
نمی دهنده؛ از اين رو
فرزندان در تربیت ديني
خود آسيب می بینند و
مشكلاتي نظير موضوع
«آقا زاده ها» پيش
مي آيد.^۲

گاهی بر اثر
اشغالات علمي و کاري
از شناخت زمانه،
جريانها، احزاب و ...
بازميما نيم؛ آن گاه
مقلد فرزند و خانواده
میشویم . برخی نامشان،
رئیس و آقا است؛ ولی
در واقع مجری فرمانها
و دستورهای دیگراناند،
خواه فرزند و خانواده،
يا مشاوران يا از همه

۱. ستارگان حرم، جمعی از
نویسندهان جاپ انتشارات

زاپر، قم، ج ۱، ۵۴۰.
۲. برای اولین بار يکي از
اصلاح طلبان، مقاله‌ای به نام
«آقا زاده ها» نوشته
بلافاصله از طرف وزیر ارشاد
وقت آقای م هاجرانی، تحت
عنوان مقاله برگزیده تشویق
و به قصد کوبیدن روحانیت و
بندوهای ارزشی، این موضوع
را علم کردنده.

يُعْمِي وَ يُصِّمْ؛^۱ محبّتی که
نسبت به چیزی داری،
کور و کرت می‌کند.»
علاقة شدید به فرزند
با عاش هواداری بی‌چون و
چرا از دختر در برابر
داماد یا پسر در برابر
عروس و در سایر
میدانها می‌شود. برخی
معفّمها، مثل مرحوم علی
غفوری، فرزندانی منافق
داشتند و نتوانستند از
ایشان دل بکنند؛ ولی
برخی علماء ثابت قدم
بودند و حکم کردند که
فرزند من افقم باید
اعدام شود یا فرزند
خویش را رسماً تخطّئه
کردند.

در میان مردم هم از
هر دو دسته، زیاد
دیده ایم. بسیاری از
مؤمنین از شهید دادن
به خود می‌پالند یا اگر
فرزندشان منحرف است،
از او بیزاری می‌جویند.
متأسفانه افرادی هم
هستند که به جهت
انحراف فرزند، از
انقلاب یا اسلام
بریده‌اند و ...
بنابراین ابتدای به
فرزند، همیشگی و برای
همگان است؛ حتی برای
مبلغان محترم.
لغزش حاطب

«حاطب بن أبي
بَلْثَجِه»، از اصحاب خوب
پیامبر- بود که در جنگ
بدر، رزمnde بود؛ سفیر

۱. بحار الأنوار، علامه
مجلسی، دارالكتاب الاسلامیه،
تهران، ج ۷۶، ص ۱۶۹، باب ۷.

و مبلغ پیامبر - برای
پادشاه مصر است . که
تنها هجرت کرد و زن و
فرزندش در مکه ماندند.
همین علاقمندی به
خوشوقتی خانواده، او
را به خیانتی بسیار
خطرانک و داشت
مشارکان مکه به
خانواده حاطب پیشنهاد
کردند از حاطب بخواهند
که آنان را از تصمیم و
برنامه پیامبر - آگاه
سازد. این پیام را به
وسیله زنی به نام
«ساره» ارسال کردند،
وی که هنرپیشه و
نوازنده و مهارت دیده
در کار جاسوسی بود، به
صورت گدایان وارد
مدینه شد و بالآخره
حاطب را پیدا کرد،
پیام قریش را داد و
منتظر تکمیل اطلاعات
جاسوسی و انتقال به
مکه بود.

همزمان با تلاش
حضرت، برای بسیج نیرو،
جهت فتح مکه، حاطب
اخبار سری را در
نامه‌ای برای قریش نوشت
و به وسیله ساره ارسال
کرد.

پیامبر -، از راه
وحی، متوجه قضایا شد و
فوراً علی %، زبیر و
مقداد را مأمور کرد تا
نامه را از آن زن
بگیرند . علی % و
همراهانش با شتاب به
سوی مکه روانه شدند،
در بین راه در «روضه

إِيَّاكُمْ أَنْ تُؤْمِنُوا بِيَاهُ
رَبِّكُمْ . . .]؛^۱ «اي کسانی
 که ایمان آورده اید،
 دشمن من و دشمن خودتان
 را به دوستی نگیرید،
 به آنان اظهار محبت
 میکنید در صور تی که
 آنان آنچه از حق بر
 شما آورده شده است کفر
 ورزیده‌اند، پیامبر و
 شما را از شهر خود
 بیرون می‌کنند به جرم
 ایمان‌تان به خدا ای
 پروردگار شماست . . .»
 حاطب با کمال
 شرمندگی اظهار پشیمانی
 و توبه کرد و پیامبر -
 به خاطر سوابق درخشان
 او، وی را بخشید، ولی
 آیة شریفه، هشدار و
 درس عبرتی است تا
 قیامت، که مبادا
 خانواده مسئولان،
 زمینه‌ساز سوء استفاده
 بیگانگان گردند.
 براستی اگر آن زن
 جاسوس، دستگیر نمی‌شد،
 جنگ خونینی در می‌گرفت
 و هزاران کشته بر جای
 می‌گذاشت.
 ۴. جهاد، وسیله ای برای
 امتحان
 چهارمین از مواد
 امتحان و آزمون الهی،
 جهاد است. شاید جهاد

۱. ممتحنه /۱.
 ۲. داستانهای شنیدنی از جنگ
 بدر و . . .، محمد محمدی
 اشتهرادی، دفتر انتشارات
 اسلامی، قم، ص ۳۰ تا ۳۴ با
 تلخیص؛ نقل از ارشاد مفید،
 ۲۵؛ کشف الغمہ، ج ۱، ص ۲۸۹؛
 مجمع البیان، ج ۹، ص ۲۶۹؛
 سیره ابن هشام، ج ۴، ص ۴۱.

خاخ» ساره را دستگیر و
 تفتیش کردند، ولی نامه
 را در میان بار ساره
 نیافتند. علی٪ به او
 فرمود: «سوگند به خدا
 که پیامبر - دروغ
 نمی‌گوید، نامه نزد تو
 است، آن را به من بدء
 و گرنه ناگزیریم تو را
 وارسی و آن را پیدا
 کنیم . . .». ساره نامه
 را که میان گیسوانش
 مخفی کرده بود ارائه
 داد.

پیامبر - حاطب را
 حاضر کرد و پرسید: چرا
 این نامه را نوشته ای؟
 او عذرخواهی کرد و
 گفت: «حقیقت این است
 که من از وقتی مسلمان
 شدم، به کفر برنگشتم و
 به شما خیانت ننمودم و
 از آن وقتی که از مکه
 به مدینه مهاجرت کردم،
 بیگانگان را به دوستی
 نگرفتم، ولی هر یک از
 مهاجران، خویشانی
 داشتند و خانواده خود
 را به خویشان خود
 سپردند، اما من در مکه
 خویشاوندی نداشتیم،
 خواستم چنین کمکی به
 مشرکان بکنم تا
 خانواده ام را از خطر
 حفظ کنم.»

به سبب همین رخداد،
 آیة ذیل نازل شد:

[يَا أَيُّهَا الَّذِينَ
 آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا عَدُوِّي وَ
 عَدُوَّكُمْ أَوْلِياءَ تُلْقُونَ
 إِلَيْهِم بِالْمُوَدَّةِ وَ قُدْ
 كُفَّرُوا بِمَا جَاءُكُمْ مِنْ
 الْحَقِّ يُخْرِجُونَ الرَّسُولَ وَ

[وَ إِنَّ اللَّهَ أَبْتَلَى عِبَادَةً
بَعْضُهُمْ بِيَنْعَفِ وَ أَبْتَلَى
الْعَالَمَ بِالْعَالَمِ وَ
الْجَاهِلَ بِالْجَاهِلِ وَ
الْجَاهِلَ بِالْعَالَمِ [؛]
«خداوند بندگانش را با
یکدیگر می‌آزماید، دانا
را با دانا می‌آزماید
نادان را با نادان،
عالیم را با جاہل و
جاہل را با عالم».
سنت الهی است که در
این دنیا افراد را
متفاوت بیاورد، تا
امتحان شوند. در این
باره خطبة قاصعة نهج
البلاغه، ب ۵ شماره
۱۹۲، در بیان کیفیت
ورود موسی و هارون بر
فرعون، همچنین حدیث
قدسی گفتگوی حضرت آدم
با خدای تعالیٰ درباره
تفاضل بندگان، بسیار
جالب است؛ اما برای
رعایت اختصار از نقل
آن پرهیز می‌شود.

قرآن کریم
می‌فرماید: [وَ إِلَوْ لَا أَنْ
يَكُونَ النَّاسُ أُمَّةٌ وَاحِدَةٌ
تَحْلَلُنَا لِمَنْ يَكْفِ
بِالْرَّحْمَنِ لِبُيُوتِهِمْ سُقْفًا

۲. تفسیر عیاشی، محمد بن
مسعود عیاشی، چاپخانه
علمیه، تهران، ۱۳۸۰ق، ج ۲، ص ۲۴۸،
ج ۱۲، ص ۲۰۵، ج ۲۹. ۷۹: بحا
و رک: بحار الانوار،
ج ۱۴، ص ۴۶۸، ج ۳۷. ۳۷: الکافی،
الاسلامیه، تهران، ج ۲، ص ۸، ح ۲؛
مکتبة الراوی، قم، بی تا،
ص ۱۰، ح ۴؛ بحار الانوار، ج ۵،
ص ۲۲۶، ح ۵.

نمونه اي از وظایف
سنگین یا موردي از دست
شستن از جان خویش
باشد. در آیات متعددی
که مرتبط با جنگهاي
مدينه است، موضوع
ابتلای مؤمنان يکي از
اهداف جهاد شمرده شده
است؛ مثلاً در تشریح جنگ
احد، می فرماید :
پیروزی، غنیمت طلبی،
نزاع، عصیان فرمان
پیامبر- پیش آمد: [ثُمَّ
صَرَفْكُمْ عَنْهُمْ لِيَبْتَلِيَكُمْ]؛
«سپس شما را [از]
پیروزی بر مشرکان [
منصرف کرد تا
بیازماید» [وَ لِيَبْتَلِيَ اللَّهُ
مَا فِي صُدُورِكُمْ وَ لِيُمَحْمِّ
مَا فِي قُلُوبِكُمْ]؛ «[این
رخدادهای جنگی برای
اهدافی بود] تا خدا
بیازماید آنچه در سینه
پنهان دارید و پاک و
حالص گرداند آنچه در
قلوب شماست»
دفع مقدس هشت
ساله، آزمون بزرگی
برای تمامی افراد،
احزاب، شخصیتها،
روحانیان و ... بود و
چون ابعاد گستردگی
دارد و چندان مبهم
نیست، از توضیح این
موضوع، خودداری می‌شود.
۵. موقعیتها و مسئولیتها
حضرت امام علی % از
حضرت خضر% نقل می‌کند:

۱. آل عمران / ۱۵۴ - ۱۵۲ / ۴؛
همچنین ر.ب.ک: محمد
انفال / ۱۷؛ آل عمران / ۱۴۲ / ۱۴۰.

مِنْ فِضَّةٍ وَ مَعَارِجَ عَلَيْهَا
يُظَهِّرُونَ * وَ لِبِيُوتِهِمْ
أَبْوَابًا وَ سُرُراً عَلَيْهَا
يَتَكُونُ[؛] «اگر نه آن
بود که مردم [در انکار
خدا] امّتی واحده
گردند، یقیناً برای
خانه های آنانی که به
خدا کفر می ورزند،
سفهایی از نقره قرار
می دادیم و نرdbانها یی
که بر آن بالا روند، و
برای خانه هایشان نیز
در راه و تخت و مبلهایی
که بر آنها تکیه
زنند.»

امام صادق % در
تفسیر آیه می فرماید :
«اگر خدا چنین می کرد
هیچ کس ایمان نمی اورد؛
اما او در میان
مؤمنان، تو انگرانی و
در میان کافران،
تهییدستانی قرار داد، و
در میان کافران نیز
تو انگرانی و در میان
مؤمنان هم تهییدستانی
نهاد، سپس با امر
نهاد، سپس با امر
نهاد.»

شاید افراد هیچ
صنفی، مثل روحانیت، از
جهت علمی یا ریاست یا
پول و ... متفاوت
نباشند. سه دهه پیش با

۱. زخرف / ۳۳ و ۳۴ و ر.ك: ۲۰؛ ۵۳ فرقان / انعم ۲۰؛

۲. ذانشنامه قرآن و حدیث،
چ ۱۶، ۷۱ص؛ به نقل از: تفسیر
قمی، علی بن ابراہیم قمی،
دارالكتاب، قم، ۱۳۶۷ش، چاپ
چهارم، ج ۲، ص ۲۸۲.

جمعي در يك کلاس،
تقریباً يکسان و به
اصطلاح، هم دوره بودیم و
اکنون بسیار متفاوت؛
به قول شاعر:
هفت شهر عشق را عطار
گشت

ما هنوز اندر خم يك
کوچه ایم
ما و محنون همسفر بودیم
در دوران عشق
او به منزلها رسید و ما
هنوز آواره ایم
این روند، وضعیتی
معمولی است. آنچه مهم
و سرنوشت‌ساز است رفتار
ماست اینکه بسیاری از
آنان که به مقامات
عالی رسیده اند،
متواضع تر، خدوم تر و
مخلصتر شده اند و برخی
نیز در اوج تکبر و
تبختر به سر می‌برند و
به جای خدمت، زیردستان
را مسخره می‌کنند. این
نمودی از ابتلای به
مقامات است . از این
طرف نیز دو نحوه
برخورد را مشاهده
می‌کنیم:

الف) برخی چون به
جایی نرسیده اند، منکر
و مخالف شده و مدعیاند
ما با فلانی هم دوره
بودیم، حال چرا چنین
شده و پیش خود چنین
تجوییه می‌کنند که ما
حلال خور، پایبند به
دین و ارزشها بودیم؛
ولی آنان دنیاپرست،
چاپلوس و ... بودند.
ب) قضاوتی منصفانه
دارند، شادمان اند که
برخی از دوستان قدیم

در را باز و تعارف
نشستن میکرد.
در چنان موقعیتی،
پسر بچه ای سر کوچه
ایستاده بود، به من
سلام کرد و گفت : آقا
بیا در این منزل روضه
موسی بن جعفره بخوان .
من مغورانه جواب
دادم : «من روضه خوان
نیستم» و در دل با خود
گفتم که این بچه از
شخصیت و موقعیت من
اطلاع ندارد.

پس از چند روز وارد
کرمان شدم ، اولین شب
منبر که همان روزی بود
که وارد شده بودم ، پس
از خواندن خطبه و در
همان شروع سخن متوجه
شدم زبانم کاملاً لکن
برداشته و مطالب مورد
نظر درست به یادم
نمیآید و نمی توانم
كلمات را صحیح ادا
کنم : به گونه ای که
مستمعین هم متوجه
شدن.

با ناراحتی از منبر
پایین آمدم و با خجالت
از تلاقی چشم مستمعین ،
سر خود را به زیر
انداخته و از مسجد
بیرون رفتم و شب را با
ناراحتی طی کردم ؛ ولی
چون سفر چند روزه بین
تهران و کرمان و با
اتوبوس باعث خستگی ام
شد بود ، این عارضه را
حمل بر خستگی کرده و
پنداشتم زودگذر است
شبهاي دیگر لکن ت
بیشتری در زبانم ایجاد

توفیقاتی دارند ، و خود
را خالی از تقصیر
نمیدانند یا قانع و
سرگرم کار خویش اند و
به روضه خوان بودن برای
امام حسین% بیش ترین
افتخار را دارند
مرا گدای تو بودن ز
سلطنت خوش
که ڈل جور وجفای تو ، عز
و جاه من است
نمونه ای از امتحان الهی
حجت الاسلام و
المسلمین حاج شیخ
غلامرضا فیروزیان ،
مجموعه خاطرات بسیار
جالب و آموزندۀ ای به
نام «گفتارهای ارتقده»
منتشر کرده است . یکی
از آن خاطرات را با
اختصار مرور میکنیم :
در سالهای ۱۳۳۰ -

۱۳۲۶ ، علاوه بر
نمایندگی از طرف آیت
الله بروجردي ، آیت الله
کاشانی و شهید نواب
صفوی+ مدیر روزنامه و
اهل منبر و در صحنۀ
سیاست ، یک مبارز و
چهره ای شناخته شده
بودم .

به همین جهت ، چهار
نماینده کرمان و اطراف
در مجلس شورای ملی و
در نتیجه استانداری و
ادارات به من توجه
کامل داشتند . روزی در
تهران از منزل یکی از
نمایندهان بیرون
میآمدم ... راند
ماشین آخرین سیستم
نماینده نیز به
احترام ایستاده بود و

افتاد، گفت:
صبا از من بگو فیروزیان
رآ فراموش کرده ای دیروزیان
را

و چند بیت دیگر بر
همین وزن و قافیه
انشاء کرد ... سپس
نگا هی به چهره من
انداخت و چند مرتبه
گفت: بله، بله، ما را
هم تنبیه می کنند، ما
را هم چوب می زنند، ما
هم باید در بعضی موارد
کتك بخوریم ... گویا،
نگفته، همه چیز را
میدانست. بعد گفت: برو
نزد ضریح حضرت بنشین و
به عدد نامت به حروف
ایجد بگو : [قالَ رَبُّ
اَشْرَجَ لِي صَدْرِي * وَ بَسِرْ
لِي اَمْرِي * وَ اَخْلُلُ عُقْدَةَ
مِنْ لِسْانِي * يَفْقُهُوا
قَوْلِي]; ... در ضمن پس
از اتمام، دست به ضریح
گذارده و از این گفته
«روضه خوان نیستم»
اظهار ندادت و درخواست
عفو کردم و عهد کردم
هر کجا از من برای
روضه و سخنرانی دعوت
شد بدون در نظر گرفتن
کم و کیف مجلس - در
صورتی که واقعاً مجلس
روضه باشد - بیچون و
چرا بپذیرم.

تا از حرم بیرون
آمدم متوجه تغییر
حالی در خود شدم که
در اولین گفتگو دانستم
به برکت قرآن و عترت و

شد، به طوری که در
گفتگوهای عادی نیز خود
را ناتوان از سخن گفتن
می دیدم. پزشکان شهر -
با توجه به موقعیت
اجتماعی من - داروهای
مهم و مفیدی تجویز
می کردند؛ ولی هیچ کدام
تأثیری نداشت و روز به
روز بر رنج درونی ام
افزوده می شد؛ زیرا من
که قوی در منبر و
شیرین سخن در مجالس
بودم، ناگزیر شدم علاوه
بر ترك سخنرانی در
مجالس خصوصی هم حاضر
نشوم یا ساكت باشم
شبی ضمن توصلاتی که
به اهل بیت (داشتم
نگاه به فکرم رسید که
نکند این عارضه،
تبیهی باشد از طرف
ائمه هدی)، برای به
هوش آوردن من از غرور
و خودبزرگ بینی که
گرفتار شده و در پاسخ
آن پسربچه گفته بودم:
«من روضه خوان نیستم»؛
زیرا من به هر مقام و
موقعیتی که رسیده ام،
از منبر خاندان عصمت و
طهارت بوده است ... به
همین جهت تصمیم گرفتم
به مشهد مقدس بروم.
آن زمان سفر خیلی
دشوار بود حداقل شش
روز با اتوبوس تا مشهد
طی می شد. پس از تشرف
به حرم، به قصد ملاقات
آیت الله میرجهانی به طبقه
دوم صحن نو - که حجره
داشت - رفتم.
تا چشمش به من

می آورم. وقتی سلیمان % تاج و تخت بلقیس را نزد خود حاضر دید، فرمود: [هذا من فضل رَبِّ لِيَبْلُوْنِي أَشْكُرُ أَمْ أَكْفُرُ ...] ^۲ «این توانایی، از فضل خدای من است تا مرا بیازماید که آیا نعمتش را شکر می گویم یا کفران میکنم ...» ممکن است این قسم را نیز جزو «مقامات و مسئولیتها» به حساب آوریم؛ زیرا کسانی که واجد مقامات معنوی می‌شوند، لیاقت و ظرفیت دارند و کفران نمی‌کنند.

مگر آنکه تسامحاً بگوییم نمونه هایی مثل بلعم با عورا، سامری، برصیمای عابد، آن هم برای درس عبرت، پیدا شده که نتوانسته اند، قدردان قدرت معنوی باشند.

۷. شهوت جنسی

% امام علی می‌فرماید: «لَا فِتْنَةٌ أَعْظَمُ مِنَ الشُّهْوَةِ»^۳ گرفتاریی بدتر از شیفتگی جنسی نیست» گفتنی است در روایات - که عمدتاً هم از طریق اهل سنت نقل

۲. ر.ک: نمل / ۴۰ - ۱۵.

۳. غرر الحكم و درر الكلم، عبد الواحد تمیمی امدى،

دارالكتاب الاسلامي، قم، ۱۴۱۰

ق، ج^۶، ۳۹۳۵، ح۱۰۷۲۵؛ عيون

الحكم و الموعظ، لیثی واسطی، دارالحدیث، قم، ۱۳۷۶.

ق، ص۵۳، ۵۳۰، ح۹۹۳.

عنایات ثامن الأئمه، زبانم باز شده است . ۱۰. مقامات معنوی برخی به استناد سخن حضرت سلیمان % مقامات و قدرت روحی و باطنی را نیز از مواد امتحاناتی شمرده اند. حضرت سلیمان، ملکه سبا بلقیس را به توحید دعوت کرد. ملکه به جای اطاعت بی چون و چرا، شورای امنیتی تشکیل داد و مشورت کرد. رجال کشور مانع اسلام آوردن پادشاه شدند و بلقیس گفت: فعلاً هدایایی می‌فرستم تا بررسی کنیم که چگونه باید برخورد کنیم.

حضرت سلیمان % به هدایای بلقیس نیازی نداشت. وی فرستاده را با هدایا برگرداند و تهدید نظامی کرد.

حضرت در آن جلسه، به حاضران گفت: کدام یک از شما تاج و تخت بلقیس را برایم می‌آورید پیش از آنکه نزدم حاضر شود؟ عفریتی از جن پاسخ داد: من خیلی قوی و امینم، تا پیش از آنکه از این جلسه برخیزی، آن را می‌آورم. اصف بن برخیا که بخشی از علم الکتاب را داشت، گفت به یک چشم بر هم زدن، آن را

۱. گفتارهای ارزنده، غلامرضا فیروزیان، بنیاد بعثت، تهران، ۱۳۸۹ ش، ص۱۴۳، قصه ۹۵.

حج و زیارت، بسیار قابل توجه است. زیرا کسانی هستند که در تمامی جبهه ها و صحنه ها، پیروزند ولی در این جبهه به زمین می خورند.

% ام ام علی می فرماید: «احفظ بطنک و فرجک ففیهمَا فتُنُّک؛^۳ شکم و دامنت را نگهدار که امتحانت در آنها است.»

۸. املا و استدراج

«املا» یعنی به معصیت کار، امکانات و مهلت داده شود تا بر جرم و گناهش بیفزاید و «استدراج» یعنی گناهکاری که مهلت و تمکن دارد در عالم بی خبری به تدریج و پله پله سقوط کند و نفهمد که در کورة امتحان قرار دارد.

% امام صادق می فرماید: هر گاه خدا خوبی و خیر بنده ای را بخواهد و آن بنده گناهی کند، در پی گناه، به او کیفری میدهد و استغفار را به یادش می اندازد؛ اما هر گاه بدی و شر بنده ای را بخواهد و آن بنده، مرتكب گناهی شود، در پی آن گناه، به وی نعمتی می بخشد تا استغفار را از یادش ببرد و او به آن گناه

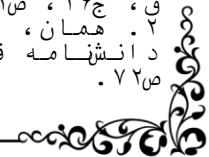
۳. غرر الحكم، ج ۲، ص ۱۷۹، ۲۲۸۹ء؛ عيون الحكم والمواعظ، ص ۷۸، ح ۱۸۸۳ء.

شده - به فتنه النساء تعبیر شده است. سرش آن است که مرد، سریع الهیجان است و شهوتش در نگاهش نهاده شده است.

از پیامبر خدا - نقل شده است : بلای سختی و ضراء به شما رسید و صبر کردید؛ ولی ترسناکترین چیزی که از آن بر شما می ترسم ، بلای خوشی و فتنه سراء از جانب زنان است؛ آن گاه که دستبندهای طلا به دست کنند و جامه های نازک شامی و بالا پوشهای یمانی بپوشند و غنی را به زحمت اندازند و فقیر را به تهیۀ چیزهایی وادر کنند که چوانش را ندارد. یا فرمود : «ما أخاف عَلَيْ أَمَّيِ فِتْنَةً أَخْوَفُ الْحُمْرَ؛ من بر امتم ، از فتنه ای خطرناکتر از زنان و شراب ، نمی ترسم .»

اقدامهای احتیاطی آن است که اگر در سفرهای تبل یغی یا زیارتی، مبلغ با بانوان، ارتباط پیدا می کند، به صورت مجردی انجام نشود. این هشدار برای مسئولان اعزام ، به ویژه برای روحانیان

۱. کنز العمل ، متقد هندی، مؤسسه الرساله، بیروت، ۱۴۰۵ق، ج ۱۶، ص ۲۸۳، ح ۴۴۴۸۲. ۲. همان ، ح ۲۸۶ص، ۴۴۵۰۲د، دانشنامه قرآن و حدیث، ج ۱۶، ح ۷۲۵ص.



را قلع و قمع فرماید،
غافل‌اند که خلاف ترتیب
و مخالف سنت جاری الهی
است.

اینجا سرای امتحان
و جد‌اشدن شقی از سعید
و مطیع از عاصی است و
عالی ظهور فعلیات است،
نه سرای بروز نتایج
اعمال و ملکات. اگر به
صورت نادر، حق تعالی
ظالمی را گرفتار کند،
می‌توان گفت از عنایات
حق تعالی به آن ظالم
است.

اگر اهل معصیت و
ظلم را به حال خودشان
واگذار فرماید
«استدراج» است

قرآن کریم
می‌فرماید : [وَ الَّذِينَ
كَذَّبُوا بِيَايَاتِنَا
سَنَسْتَدِرُ جُهَّنَّمَ مِنْ حَيْثُ لَا
يَعْلَمُونَ وَ أَمْلِي لَهُمْ إِنْ
كَيْدُي مَتِينٌ]؛^۳ «و کسانی
که آیات ما را تکذیب
کردند، به تدریج از
جایی که نمی‌دانند،
گریبانشان را خواهیم
گرفت و به آنان مهلت
می‌دهم که نقشه من،
محکم و متین است»^۴. فقر

از امام علیؑ % نقل
شدۀ است: «جَهَّدَ الْيَاءُ
كَثْرَةُ الْعِيَالِ وَ قَلَّةُ

۲. چهل حدیث ، سید روح الله
موسوی خمینی (امام خمینی)،
 مؤسسه تنظیم و نشر آثار
امام خمینی، تهران، ۱۳۷۳ ش،
 ذیل حدیث ۱۴۰۰ و ۱۸۲ و ۱۸۳؛ ر.ک:
 ۳. اعراف / ۴۴ و ۴۵ و تفاسیر ذیل
 قلم / ۴۴ و ۴۵ آیات.

ادامه دهد، و این،
همان قول خدای تعالی
است که : [سَنَسْتَدِرُ جُهَّنَّمَ مِنْ
حَيْثُ لَا يَعْلَمُونَ]؛ و
به تدریج از جایی که
نمی‌دانند گریبانشان را
می‌گیریم؛ یعنی با دادن
نعمت به هنگام ارتکاب
معصیت.»^۵

در آموزشگاهها،
هنگامی که دانش آموزی،
لجاجت و بی‌ادبی را از
حد می‌گذرانید، معلم
خسته می‌شد و دانش آموز
از چشم او می‌افتاد و
دیگر به او کاری نداشت
و می‌گفت : شما از این
پس «مستمع آزادی». آن
دانش آموز بدیخت، خشنود
می‌شد که از چنگال معلم
رها و راحت شده است؛
اما نمی‌دانست که
وجه ها را پاییز
می‌شمرند و نمره ها را
ثلث سوم و هنگام
کنکور.

امام خمینی در این
باره مینویسد : «اینجا
دار تکلیف و "مزرعة
الآخرة" و عالم کسب، و
عالیم آخرت دار جزا و
سزا و ثواب و عقاب
است. آنها که متوقع‌اند
که حق تعالی هر کس را
که در این عالم، مرتكب
معصیت و فحشایی شده،
فوراً جلویش را بگیرد و
دست او را منقطع و او

۱. الكافی، ج ۲، ص ۴۵۲؛ ر.ک:
تفسیر مجمع البیان، شیخ
طبرسی، انتشارات ناصر خسرو،
تهران، ۱۳۷۲ ش، ج ۱۰، ص ۳۴،
ذیل آیه ۴۴ و ۴۵ سوره قلم.

ایجاد گشایش و فرج در کار تو، تواناتر است و از او سؤال کن؛ کیست که از او درخواست کرده باشد و پروردگار به وی عطا نکرده باشد؟ یا به وی اعتماد کرده و او نجاتش نداده باشد؟ دشوارترین ابتلا کدام است؟ درباره چیستی معیار شدت بلا و ابتلا، چند نظر وجود دارد . برخی به نمونه هایی که در نصوص اشاره شده بسنده کرده اند و موارد ذیل را جزء سخت ترینها شمرده اند: «املا و استدراج، انفاق، فقر، مواسات، انصاف، ذکر الله على كل حال».

مرحوم کلینی (در کافی، بحث ابتلا را با عنوان «شدة ابتلاء المؤمن») آورده و نوع احادیث نیز درباره شدید بودن امتحانات خوبان است؛ اعم از انبیاء، اوصیا و مؤمن، یعنی شیعه و بندهگان خالص، بنابراین، شدت و ضعف آن ب ه اندازه ایمان و به طور نسبی است.

مرحوم امام راحل ! می‌نویسد: «... در ذیل

المال ؛^۱ عیالواری و اندک بودن مال، شدیدترین بلا است» در روایتی از پیامبر اکرم- نقل شده است: «خدای تعالی به ابراهم% وحی فرمود: من تو را آفریدم و به آتش نمرود، گرفتارت کردم، اگر تو را به فقر، مبتلا کنم و صبر را از تو بر گیرم چه خواهی کرد؟ ابراهم% پاسخ داد: خداوند ای فقر برایم، دشوارتر از آتش نمرود است . خدای متعال فرمود: به عزت و حلالم سوگند که در آسمان و زمین، سخت تر از فقر نیافریدم.^۲

حضرت لقمان به پرسش گفت: فرزند عزیزم من صبر زرد را - که گیاهی دارویی و تلخ است - چشیده و پوست درخت را خورده ام؛ اما چیزی تلختر از فقر نیافتم . بنابراین، اگر روزی به آن مبتلا شدی، مردم را از آن با خبر رمکن که تو را خوار میدارند و هیچ سودی هم به تو نمی‌رسانند؛ [بلکه] به همان خدایی مراجعه کن که تو را به آن مبتلا ساخته است؛ زیرا وی به

۱. دعائیم الاسلام، نعمان بن محمد تمیمی، دارالمعارف، مصر، ۱۳۵۸ش، ج ۲، ص ۲۵۵-۲۵۶ .
۲. دانشنامه قرآن و حدیث، ۹۷۰ج، ۱۹۷۰م، بخار الانوار، ج ۷۲، ص ۴۷۶-۴۷۷ .

۳. کافی، ج ۲، ص ۱۴۵، ج ۱۶، ص ۹ . دانشنامه قرآن و حدیث، ج ۱۶، ص ۸۴ .

۴. ر.ک: دانشنامه قرآن و حدیث، ج ۱۶، ص ۸۵-۸۷ .

۵. ر.ک: اصول کافی، کتاب

الایمان و الكفر، باب «شدة ابتلاء المؤمن»، کافی با ترجمه کمرهای، ج ۵، ص ۸۰-۸۴ .

نیز هر کس رحمتش و عنایت و لطفش به بندگان خدا بیشتر باشد از اعوجاج و شقاوت آنها بیش تر اذیت میشود.

و البته خاتم

النبیین - در این مقامات و سایر مدارج کمالیه از انبیا و اولیا و سایر بنی الانسان کاملتر بوده پس اذیتش بیش تر و تأثیرش بالاتر بوده است

بزم مقربان

هر که در این بزم مقریتر است

جام بلا بیش ترش می دهد بر اساس روایات، هر شخصیتی که ایمانش بیش تر باشد میزان ابتلای او نیز زیادتر خواهد بود. بنابراین، شدیدترین بلاها برای انبیا است سپس کسانی که یک درجه پایین ترند و به همین صورت هر چه درجه افراد پایین تر باشد، ابتلایشان کم تر خواهد بود.

در محضر حضرت صادق% موضوع بلاها و مشکلات و اینکه خدا مؤمنان را مبتلا میکند، مطرح شد. آن حضرت فرمود: از پیامبر - پرسی دند: شدیدترین بلاها در دنیا از آن کیست؟ حضرت رسول اکرم - فرمود: «النَّبِيُّونَ ثُمَّ الْأَمْثُلُ فَالْأَمْثُلُ وَ

۳. جهل حدیث، امام خمینی (ره)،
ح ۱۴۰.

حدیث شریف که می فرماید: وَ مَنْ سَخْفَ دِينَهُ وَ ضَعْفَ عَمَلَهُ قَلَّ بِلاؤهُ؟^۱ چنین ظاهر میشود که بليات اعم از جسمانیه و روحانیه است.»

زیرا افراد ضعیف العقل و کم ادرارک به مقدار ضعف عقل و ادرارک خود از بليات روحانیه و ناملايمات عقلیه در امان اند، به خلاف کسانی که عقلشان کامل و ادراکشان شدید است، که به مقدار کمال عقل و شدت ادرارک خود، بليات روحانی آنها زیاد میشود و هر چه اداراکات، کامل تر و روحانیت، قوی تر باشد، بليات، بیشتر و ادرارک ناملايمات افزون میشود.

در این باره میتوان به سخن پیامبر اشاره کرد که می فرماید: «مَا أَوْذِيَ ثُبِيُّ مِثْلَ مَا جَلَّ رَبُوبِيَّتِ رَا بِيَشْتَرْ دَرَكَ كَنْدَ وَ مَقَامَ مَقْدَسْ حَقَّ (جَلَّ وَ عَلَى) رَا زِيَادَتَرْ بِشَنَاسَدْ، از عصیان بندگان و هتك حرمت آنها، بیش تر متاثر و متالم شود و

۱. هر کس که دینش سست باشد و دینش (عملش) اندک باشد، بلاش کمتر خواهد بود. بحار الأنوار، ج ۶، ص ۲۲۲، باب ۱۲.
۲. بحار الأنوار، ج ۳۹، ص ۵۵۰.

شما می رسد . راحتی هم
[شاید هنگام ظهور حضرت
مهدي (عج)] از ما پديد
مي آيد و به شما سرايت
مي کند . »

پُنْتَلِي الْمُؤْمِنُ بَعْدُ عَلَى
قِدْرِ إِيمَانِهِ وَ حُسْنِ
أَعْمَالِهِ فَمَنْ صَحَّ إِيمَانُهُ
وَ حُسْنُ عَمَلُهُ اشْتَدَّ بِلَاوَةُ
وَ مَنْ سَخَّفَ إِيمَانُهُ وَ ضَعْفَ
عَمَلُهُ قَلَّ بِلَاوَةُ؛
[بيشترین ابتلاها] بر اي
انبيا است، سپس هر که
يك مرحله پايین تر و
پايین تر است. شخص مؤمن
هم در مرحله بعدی قرار
دارد که به اندازه
ایمانش و اعمال نیکش
امتحان می شود :
بنابراین، هر که
ایمانش درست و اعم الش
نیکو باشد بلايش شدید و
هر که ایمانش سبک و
اعمالش ضعیف باشد بلايش
اندک خواهد بود . »

دوستی و دفاع از اهل بیت)
هنگامي که مردي به

امام باقر% عرض کرد :

به خدا سوگند واقعاً
شما اهل بیت را دوست
مي دارم ، حضرت فرمود :
فَإِاتَّخَذَ لِلْبَلَاءَ جَلِيلًا
فَوَاللهِ أَنَّهُ لَا سُرَّاعٌ إِلَيْنَا وَ
إِلَى شَيْعَتِنَا مِنَ الْسَّيْئِ
فِي الْوَادِيِّ وَ بَيْنَ يُبْتَأِ
الْبَلَاءُ ثُمَّ يَكُمْ وَ بَيْنَ
يُبْدِأ الرَّحَاءُ ثُمَّ يَكُمْ؛

[حال که چنین است]
روپوشی از بلا بر اي خود
در نظر بگير؛ زира به
خدا سوگند بلا بر اي ما
و شيعيانمان از جاري
شدن سيل در وادي و
دره ، سريع تر است و بلا
از ما آغاز ميشود و به

١. الكافي، ج ٥، ص ٢٥٢، ح ٢٠٢
٢. بحار الأنوار، ج ٦٧، ص ٢٣٨، ح ٥٥



مسئولیت فرزندان در مقابل والدین

عبدالکریم پاک نیا تبریزی

می‌فرمایید: بر تو باد که از پدرت اطاعت کنی و به وی نیکی نمایی . در مقابل او خضوع و تواضع کن و تکریم و تعظیمش نما ! سعی کن همیشه صدای خود را از صدای او پایین تر بیاوری؛ زیرا پدر، اصل و ریشه تو است و تو شاخه ای از او هستی . اگر پدر نبود، تو به وجود نمی‌آمدی، پ س برای والدین خود جان و مال و مقام خود را بذل کنید!

در روایتی آمده است : «أَنْتُ وَ مَالُكَ لَبِيكَ ؟ تو و اموالت

۱. سفينة البحار، شیخ عباس قمی، آسوه، فم، چاپ اول، ۱۴۱۴ق، ج، ۸، ص ۵۸۹.
۲. المبسوط في فقه الإمامية، شیخ طوسی، ۸ جلدی، المکتبة المرتضویة لإحیاء الآثار الجعفریة، تهران، سوم، ۱۳۸۷ق، ج ۶، ص ۳۳۰.

در شماره گذشته قسمتی از موضوع «مسئولیت فرزندان در مقابل پدر و مادر» مورد بحث و بررسی قرار گرفت و در آن به برخی از مسئولیتهاي فرزندان در مقابل پدر و مادر از جمله: «توجه به منزلت پدر»، «توجه به منزلت مادر»، «تکریم والدین»، «حفظ آبروی پدر و مادر» و... اشاره شد؛ اکنون ادامه این مبحث ارائه می‌گردد:

۵. بذل دارایی چون فرزندان صالح و با ایمان می‌دانند که هستی آنان از پدر و مادر است، لذا علاوه بر اینکه وجودشان را در خدمت پدر و مادر قرار میدهند، در بذل اموال خود به والدین نیز هیچ گونه مضایقه ای ندارند.

اسلامی، رفع نیازهای
والدین بر فرزندان
متمکن واجب است، و اگر
پدر و مادر نتوانند
خود را اداره کنند،
نفقة آنان بر فرزند
لازم میشود . در صورت
فوت فرزندان یا عدم
تمکن آنان، این وظیفه
به عهده نوه های آنان
میباشد.

در متون فقهی آمده
است : اگر پدر و مادر
از کار افتاده شوند و
دارایی نداشته باشند،
نفقة آنان بر اولادی که
تمکن دارند، نوه ها ، و
به ترتیب طبقات، هر چه
پایین تر روند، پسری
باشند یا دختری، واجب
است.

پسر ثروتمند و پدر فقیر
امیرمؤمنان علی %
فرمود : پیرمردی گریه
کنان دست پسرش را
گرفته ، نزد پیامبر
اکرم - در مدینه آورد و
به ایشان گفت: ای رسول
خدا ! این پسر من است
که در کوچکی او را غذا
داده ام و با عزت و
احترام بزرگ کرده ام و
تمام خواسته هایش را
برآورده ام و با مال و
ثروتم به او کمک
کرده ام تا اینکه قوى،
ثروتمند و غنى گردیده
و من در راه پرورش وى
به ضعف و پیری رسیده ام

۳. مجمع المسائل، سید
محمد رضا موسوی گلپایگانی،
دار القرآن الکریم، قم، چاپ
دوم، ۱۴۰۹ق، ج ۲، ص ۱۸۴.

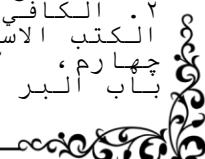
برای پدرت هستی ». «
حضرت رسول اکرم
میفرماید: فرزندان شما
هدیه ای از طرف خدا بر
شما هستند. خدای متعال
به هر کس که بخواهد،
دختر هدیه میدهد و به
هر کس بخواهد، پسر
هرگاه شما نیاز داشته
باشید، فرزندانتان و
اموالشان برای شما
است.

از جمع بندي این
روايات چنین برمني آيد
که فرزندان وظيفه
دارند در رفع نیازهای
اقتصادي پدر و مادر
خويش تلاش نمایند و
مشكلات آنان را حل کنند
و اموالشان را در جهت
آسایش و رضایت آنان به
کار گيرند.

امام صادق % در
تفسیر آية [و]
بِالْوَالِدِينِ إِحْسَانًا
میفرماید: «**إِلَّا**
تُحِسِّنُ صُحْبَتَهُمَا **وَإِنْ لَا**
تُكَلِّفَهُمَا **أَنْ يَسْأَلُكَ شَيْئًا**
مِمَّا يَحْتَاجُنَ إِلَيْهِ»؛
احسان به والدین این
است که با آنها نیکو
معاشرت کنی تا مجبور
نشوند چيزی را که نیاز
دارند، از تو
بخواهند.»
از منظر فقهای

۱. کنز العمل، متقدی هندی،
نشر مؤسسه الرسالة، بيروت،
۱۴۰۱ق، ج ۱۶، ص ۴۷۳.

۲. الكافي، شیخ کلینی، دار
الكتب الاسلامیة، تهران، چاپ
چهارم، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۱۵۸.



ندارم . رسول خدا -
 فرمودند : ما خرج این
 ماه پدرت را می دهیم ؛
 اما از ماه بعد خودت
 خرچش را بده . سپس به
 اسامه فرمود : به این
 پیرمرد صد درهم برای
 خرج یک ماه خود و
 خانواده اش عطا کن ،
 اسامه نیز داد . بعد از
 یک ماه پیرمرد همراه
 پسرش خدمت پیامبر -
 آمدند و باز پسر گفت :
 چیزی ندارم .
 پیامبر خدا - فرمود :
 تو ثروت زیادی داری ؟
 ولی امروز را به شب
 می رسانی ، در حالی که
 فقیر و ذلیل شده‌ای ، به
 طوری که از پدرت
 فقیرتر خواهی شد و
 چیزی در بساطت نخواهد
 ماند .
 پسر برگشت و رفت .
 پس ناگهان دید
 همسایه‌های انبارهایش
 جمع شده‌اند و می‌گویند :
 انبارهایت را هر چه
 زودتر خالی کن که از
 بوی گندش بسیار
 ناراحتیم . سپس به سراغ
 انبارهایش رفت و با
 کمال تعجب دید که تمام
 گندمها ، جوها ، خرماها
 و کشمشها گندیده‌اند و
 تباه گشته اند .
 همسایه‌ها او را تحت
 فشار قراردادند تا هر
 چه زودتر آنها را خالی
 کند .

جوان نیز کارگران
 بسیاری را با مزد زیاد

که مشاهده می‌فرمایید !
 در مقابل این همه
 زحمت ، این پسر به من
 هیچ گونه کمک مالی
 نمی‌کند !

رسول خدا - رو به
 جوان کرد و فرمود : چه
 می‌گویی ؟

جوان گفت : من مالی
 بیشتر از خرج و مخارج
 خود و عیالم ندارم تا
 به او کمک کنم . پیامبر
 خدا - به پیرمرد فرمود :
 چه می‌گویی ؟
 گفت : دروغ می‌گوید .
 انبارهایی پر از گندم ،
 جو ، خرما ، کشمش و
 کیسه‌های زیادی پر از
 طلا و نقره دارد .

پیامبر خدا - به پسر
 فرمود : جوابت چیست ؟
 پسر گفت : ذره‌ای از
 آن چیزهایی را که او
 ادعا می‌کند ، ندارم . در
 اینجا پیامبر خدا -
 فرمود : «اتق الله يَا فَتَّى !
 و أَحْسِنْ إِلَيْيَ وَالْدِلْكَ
 الْمُحْسِنِ إِلَيْكَ يُحْسِنْ الله
 إِلَيْكَ» از خدا بترس ای
 جوان ! و نسبت به پدر
 مهربانی که این همه به
 تو نیکی و احسان کرده ،
 نیکی و احسان کن ، تا
 خدا نیز به تو احسان
 کند !»
 جوان گفت : من چیزی

۱. بحار الأنوار ، مؤسسه
 الطبع و النشر ، بیروت ، چاپ
 اول ، ۱۴۱۰ق ، ج ۱۷ ، ص ۲۷۱۵
 باب ۲. تحریرالوسیلة ، سید
 روح الله موسوی خمینی ، مؤسسه
 مطبوعات دارالعلم ، قم ،
 اول ، ج ۲ ، ص ۳۲۱ .

اشاره شود که اگر در این روایات سخن از بذل مال به والدین است، به این معنا نیست که فردی به ادعای خدمت به پدر و مادر، حقوق سایر افراد یا بیت المال را تضییع کند، بلکه باید تمامی حقوق افراد تحت تکفل خود (اعم از والدین، همسر و فرزندان) را ایفاد کند.

امام صادق% همسر و فرزند را در ردیف پدر و مادر، واجب النفقة شمرده، و آنجا که از ایشان در مورد کسانی که واجب النفقة انسان هستند، سؤال می شود، می فرماید: «أَلَوْلَدُ وَ الْزَوْجُ ؟» پدر و مادر، فرزند و همسر.»

۶. حق‌شناصی و سپاسگزاری تشکر از ولی نعمت امری فطری است و عقلای عالم نیز روی آن تأکید دارد. اساساً انسان از کسی که قدردان نعمتها نباشد، خوش نمی آید و او را فردی جاهل، بی ادب، بی‌فرهنگ و دور از انسانیت قلمداد می کند و در مقابل، شکرگزاری و قدرشناصی امری پسندیده تلقی می شود. به همین جهت، خدای متعال با یادآوری زحمات والدین، فرزندان را به حق شناسی و

.۲. همان، ص۱۳.

اجیر کرد و تمام کالاهای فاسد شده را به منطقه ای دور از شهر منتقل کرد. به دنبال آن، جوان سراغ کیسه‌های طلا و نقره رفت تا مزد کارگران را بدهد؛ اما ناگهان دید تمام آنها مسخ شده و به سنگ بی ارزش تبدیل شده اند. وقتی کارگران چنین دیدند، دامنش را رها نکردند، تا اینکه مجبور شد تمام خانه و لوازمش را از قبیل فرش، لباس و ... فروخت و مزد کارگران را پرداخت و از آن همه دارایی، چیزی برایش باقی نماند و محتاج و فقیر گشت. پس از اندک زمانی بر اثر ناراحتیهای روحی و فکری لاغر و مریض شد بعد از این حادثه، رسول خدا - فرمود : ای کسانی که عاق پدر و مادرانتان هستید ! از این پیشامد عبرت بگیرید و بدانید همان طور که در دنیا اموالش تباہ گشت، عوض آنچه از درجات ، که در بهشت برایش ف راهم بود، در رکاتی در دوزخ برای او مقرر گردید. رعایت خانواده در کنار والدین ! در اینجا لازم است

۱. تفسیر منسوب به امام حسن عسکری%， نشر مدرسه امام حمدی (عج)، قم، چاپ اول، ۱۴۰۹ق، ص۴۲۸.

بارداری حمل می کند و
با ناراحتی بر زمین
می گذارد و دوران حمل و
از شیر بازگرفتنش سی
ماه است. تا زمانی که
به کمال قدرت و رشد
برسد و به چهل سالگی
بالغ گردد، می گوید:
پروردگار! مرا توفيق
ده تا شکر نعمتی را که
به من و پدر و مادرم
دادی، به جا اورم و
کار شایسته ای انجام
دهم که از آن خشنود
باشی، و فرزندان مرا
صالح گردان. من به سوی
تو باز می کردم و توبه
می کنم، و من از
مسلمانانم!»

مادر در این سی و
سه ماه (دوران حمل و
دوران شیرخوارگی)
بزرگت رین فداقاری را
هم از نظر روحی و
عاطفی، و هم از نظر
جسمی، و هم از جهت
خدمات در مورد فرزندش
انجام می دهد.

جالب اینکه در
آغاز، درباره هر دو
توصیه می کند؛ ولی به
هنگام بیان زحمات و
خدمات روی زحمات مادر
تکیه می نماید تا انسان
را متوجه ایثارگریها و
حق عظیم او سازد. سپس
می گوید: توصیه کردم که
هم شکر مرا به جا ای
اورید و هم شکر پدر و
مادر را.

شکر مرا به جا آور
که خالق و منعم اصلی
تو منم و چنین پدر و

قدرتانی از آنان دعوت
می کند و می فرماید: [وَ
وَصَّنَا إِلَيْنَا أُمَّةٌ وَهُنَّا عَلَىٰ
حَمْلَتِهِ أُمَّةٌ وَهُنَّا عَلَىٰ
وَهُنَّا فِصَالُهُ فِي عَامِينِ
أَنِّي أَشْكُرُ لِي وَلِوَالِدِيْكَ
إِلَيْهِ الْمَصِيرُ]؛ «و ما به
انسان درباره پدر و
مادرش سفارش کردیم .
مادرش او را با
ناتوانی روی ناتوانی
حمل کرد (به هنگام
بارداری هر روز رنج و
ناراحتی تازه ای را
متتحمل می شد)، و دوران
شیرخوارگی او در دو
سال پایان می یابد؛
(آری، به انسان توصیه
کردیم) که برای من و
پدر و مادرت شکر به جا
آور که بازگشت همه به
سوی من است!»

و در سوره احقاف
می فرماید: (وَ وَصَّنَا
إِلَيْنَا إِنْسَانٌ بِوَالِدِيهِ أَحْسَانًا
حَمْلَتِهِ أُمَّةٌ كُرْهًا وَ حَمْلُهُ وَ
وَضْعَتِهِ كُرْهًا وَ حَمْلُهُ وَ
فِصَالُهُ ثَلَاثُونَ شَهْرًا حَتَّىٰ
إِذَا بَلَغَ أَشْدَدَهُ وَ بَلَغَ
أَرْبَعِينَ سَنَةً قَالَ رَبُّ
أَوْزَعْتِي أَنْ أَشْكُرْ نَعْمَتِكَ
الَّتِي أَنْعَمْتَ عَلَيَّ وَ عَلَىٰ
وَالِدِيْ وَ أَنْ أَعْمَلْ صَالِحًا
بِرِّضَاهُ وَ أَصْلِحْ لِي فِي
ذِرِّيَّتِي إِنِّي تَبَثُّ إِلَيْكَ وَ
إِنِّي مِنْ الْمُسْلِمِينَ]؛
«ما به انسان توصیه
کردیم که به پدر و
مادرش نیکی کند. مادرش
او را با ناراحتی

۱. لقمان/۱۴.
۲. احقاف/۱۵.

بسپارند . در حالی که زیاد دیده شده که فرزندان ، پدر و مادر را ، مخصوصاً به هنگام پیری و از کارافتادگی فراموش کنند ، و این دردنناکترین حالت برای آنها و بدترین ناشکری برای فرزندان محسوب میشود .

امام رضا % فرمود : خدای متعالی فرمان داده که بندگانش از او و از پدر و مادرشان سپاس گذاری و تشکر نمایند ، پس هر کس پدر و مادرش را شکرگزار نباشد و به زحمات آنان ارج نگذارد ، در واقع از خدای خویش نیز سپاسگذاری نکرده است^۱ در حدیث دیگری آمده است : مردی مادر پیر و ناتوان خود را بر دوش گرفته ، به طوف مشغول بود . در همین هنگام خدمت پیامبر - رسید و عرض کرد : «ه ل آدئُث حقَّا؛ آیا حق مادرم را ادا کرده ام ؟ ! » پیامبر - در جواب فرمود : «لَا وَلَا بِزْفَرَةٍ وَاحْدَةٌ؛ نَهُ، حَتَّى يَكْنَفَ اَوْ رَأْ جَبْرَانْ نَكْرَدَهَا ! »

۱. عيون اخبار الرضي ، محمد بن علي بن بابويه ، نشر جهان ، تهران ، چاپ اول ، ۱۳۷۸ق ، ج ۲ ، ص ۹۱۵ .
۲. تفسیر نمونه ، ناصر گارم شیرازی ، دارالكتاب الاسلامية تهران ، ۱۳۷۴ق ، ج ۱۱ ، ص ۳۲۴ .
بالقرآن ، محمد صادقی تهرانی ، انتشارات فرهنگ

مادر مهربانی را به تو داده ام و نیز شکر پدر و مادرت را که واسطة این فیض و عهده دار انتقال نعمتهاي من به تو میباشد . و چقدر پر معنى است که شکر پدر و مادر درست در کنار شکر خدا قرار گرفته . در پایان آیه با لحنی که خالی از تهدید و عتاب نیست ، میفرماید : بازگشت همه به سوی من است آری ، اگر در اینجا کوتاهی کنید ، در آنجا تمام این حقوق ، زحمات و خدمات مورد حساب دقیق قرار می گیرد و باید از عهده حساب الهی در مورد شکر نعمتهايی ، و همچنین در مورد شکر نعمت وجود پدر و مادر و عواطف پاک و بی آلایش آنها برآید .

بعضی از مفسران در اینجا به نکته ای توجه کرده اند که در قرآن مجید بر رعایت حقوق پدر و مادر کراراً تأکید آمده است : اما سفارش نسبت به فرزندان کمتر دیده می شود (جز در مورد نهی از کشتن فرزندان که یک عادت شوم و زشت استثنایی در عصر جاہلیت بوده است) . این به خاطر آن است که پدر و مادر به حکم عواطف نیرومندشان کمتر ممکن است فرزندان را به دست فراموشی

۲. شاهزاده فراموشکار
 فرزند یکی از سران
 کشورهای غربی در
 خاطرات خود می‌گوید:
 سالها پیش، در ساعات
 بعد از نیمه شب مرا از
 خواب بیدار کردند و
 گفتند: مادرت می‌خواهد
 تلفنی با شما صحبت
 کند. خیلی تعجب کردم.
 این چه کار مهمی است
 که در این موقع مرا از
 خواب بیدار کرده‌اند.
 خواب آلو د پای تلف ن
 رفتم. مادرم بدون
 مقدمه گفت: سلام پسرم!
 به تو تبریک می‌کویم.
 امشب، شب تولد توست.
 با اوقات تلخی جواب
 دادم: همین؟! این موقع
 مرا از خواب بیدار
 کردی که شب تولد من
 است؟ گفت: مگر ناراحت
 شدی؟ گفتم: البته که
 ناراحت شدم. مادرجان!
 این کار را می‌توانستی
 فردا صبح انجام دهی
 مادرم با خنده گفت:
 ناراحت نشو عزیزم!^{۲۹}
 سال پیش از این (وقتی
 ترا حامله بودم)، درست
 در همین ساعت مرا از
 خواب خوش بیدار کردی.
 درد شدیدی عارضم کردی.
 اهل منزل و همسایه را
 هم از خواب بیدار
 کردی. مرا مجبور کردی
 بیمارستان بروم.
 دکترها و پرستارها
 دورم جمع شدند که چه
 شده؟ چه خبر است؟
 معلوم شد آقازاده
 می‌خواهند تشریف

در این روایت به
 اهمیت حقوق مادر بیشتر
 تأکید شده است و شرح
 درد و زنجهای مادر در
 راه پرورش فرزند به
 خاطر این است که
 محسوس‌تر و ملموس‌تر
 است، و خدمات مادر در
 مقایسه با پدر از
 اهمیت بیشتر برخوردار
 است. به همین دلیل در
 روایات اسلامی در مورد
 مادر تأکید بیشتری شده
 است.

در مورد حق شناسی
 از والدین در کتابهای
 تاریخی، ادبی و دینی
 سخنان فراوانی آمده
 است که چند مورد را در
 اینجا اشاره می‌کنیم:
 ۱. تو آنی که از یک م‌گس
 رنجه‌ای
 سعدی در بوستان، ضرورت
 قدرشناسی از مادر را
 چنین یادآور می‌شود:
 جوانی سر از رأی مادر
 بتافت
 دل دردمندش در آذر
 بتافت
 چو بیچاره شد پیش آورد
 مهد
 که ای سست مهر فراموش
 عهد
 تو آنی که از یک مگس
 رنجه
 که امروز سalar و
 ای^{۳۰}
 سرپنجه

۱. بوستان، مصلح الدین سعدی
 شیرازی، نشر کومه، تهران،
 ۱۳۸۹ ش، باب هشتم، حکایت
 اول، ص ۱۶۲.

و اجازه ندهند، سفرهای مباح و مستحبی بر فرزند حرام است. البته این حکم در دو مورد استثنای شده: برای طلب علم و برای تجارت و کسب درآمد. در این دو مورد اگر در شهر خود طلب علم و تأمین معاش مقدور نباشد، می‌تواند بدون اجازه والدین نیز مسافرت کند.

۲. اطاعت آنان در هر حال بر فرزندان لازم است و آنان اگر بر هر کار مباح و حتی شبهه‌ناکی دستور دهند، فرزند باید اطاعت کند؛ زیرا اطاعت آنان واجب و ترک شبهه مستحب است^۳. والدین می‌توانند فرزندشان را از جهاد منع کنند، مگر اینکه جهاد عیناً بر فرزند واجب باشد. در روایت امده است: مردی می‌خواست به جهاد برود. وقتی پیامبر - متوجه شدن او پدر و مادر سالمندی دارد که با اعزام فرزندشان به جهاد راضی نیستند فرمود: اگر دنبال اجر و پاداش معنوی می‌گردد، به سوی والدین برگرد و با آنان رفتار نیکو داشته باش. سپس حضرت سوگند یاد کرد که: «فَوَالَّذِي نَقْسَى بَيْدَهُ لَأَنْسُهُمَا بِكَيْوَمًا وَلَيْلَةً خَيْرٌ مِنْ جِهَادِ سَنَةٍ؟...».

۴. الکافی، شیخ کلینی، ج ۲،

بیاورند، در حالی که سرکار صبر نکردید صبح روز بعد تشریف بیاورید و بی‌جهت عده ای را از خواب خوش محروم نسازید.

۷. اطاعت مشروط

طبق دستور آیات و روایات باید از والدین اطاعت کرد. هم چنانکه امیرمؤمنان علی فرمود: «فَحَقِّ الْوَالِدِ عَلَى الْوَالِدِ أَنْ يُطِيعَهُ فِي كُلِّ شَيْءٍ إِلَّا فِي مَعْصِيَةِ اللَّهِ سُبْحَانَهُ ؛» حق پدر بر عهده فرزند این است که از او در همه چیز اطاعت کند، جز معصیت خدا.»

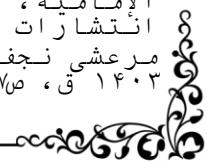
فقهای بزرگ اسلامی در مورد لزوم اطاعت والدین احکامی را مطرح کرده‌اند که برخی از آنان عبارت‌اند از:

۱. در صورتی که پدر و مادر به مسافت فرزندشان را پس نباشند

۱. مادر، جلال الدین افتخارزاده، نشر بوعلی، ۱۳۴۷ش، ص ۴۰۵.

۲. نهج البلاغه، محمد بن حسین سید رضی، مؤسسه بن البلاغه، قم، چاپ اول، ۱۴۱۴ق، ص ۴۸۷.

۳. زیدة البيان في أحكام القرآن، احمد بن محمد اردبیلی، المكتبة الجعفرية لإحياء الآثار الجعفرية، تهران، چاپ اول، ۱۳۹۵ق، ص ۳۸۱؛ نجد القواعد و الفوائد، شهید اول، کتابفروشی مفید، قم، چاپ اول، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۷۶؛ نجد القواعد الفقهية على مذهب الإمامية، علامه حلی، آیت الله مرعشی نجفی، قم، چاپ اول، ۱۴۰۳ق، ص ۲۸۷.



«إِنَّ الرَّجُلَ إِذَا كَانَ فِي الصِّلَاةِ فَذَعَاهُ الْوَالِدُ فَلْيُسْبِحْ وَإِذَا دَعَتْهُ الْوَالِدَةُ فَلْيَقْلِلْ لَبِيْكِ؛
اگر پدر در حال نماز
فرزندش را صدا کند،
فرزند با تسبیح او را
پاسخ بگوید و اگر
مادرش صدا زند، لبیک
گفته و به او توجه
نماید.»

۵. باید تا حد
امکان از آزار و اذیت
مادر جلوگیری نماید،
چه رسد به اینکه خود
آنها را آزار و اذیت
کند.

۶. عهد و قسم را با
اجازه پدر و مادر
انجام دهد.

مرحوم ملا احمد
نراقی) می‌نویسد: «اما
غیر واجبات، از افعال
مباحه و مستحبه، پس
اگر در ترک آنها ضرری
معتدلبه به او نباشد،
ظاهر آن است که خلافی
در میان علما در وجوب
اطاعت والدین یا یکی
از آنها امر به ترک آن
کنند مخالفت در آن
حرام است. و اگر در آن
ضرری باشد که معتدلبه
است، بعضی از علما
اطاعت در آن را واجب
نمی‌دانند و اطلاق کلام
بعضی دیگر دلالت می‌کند
بر وجوب فرمانبرداری و

۲. تهذیب الأحكام، شیخ طوسی،
دار الكتب الاسلامیة، تهران، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۳۵.

از منظر فقهای
بزرگوار امامیه، پدر و
مادر می‌توانند فرزندان
خود را از انجام
واجبات کفایی و عبادات
مستحبی، منع کنند.

امام خمینی! در پاسخ
جوانی که پرسیده است
اینجانب جوانی ۲۷
ساله دارای زن و دو
فرزند می‌باشم و به
تدریس دینی و قرآن در
دوره راهنمایی مشغول.
از آنجا که اشتیاق
فراوانی به جبهه دارم
و مادرم به جز من
سرپرستی ندارد و با
رفتن من به جبهه موافق
نیست، آیا تکلیف شرعی
من چیست؟ باعث تشویق و
نگرانی من شده و بر
دین خود ترسانم؟!

امام! در پاسخ
فرمودند: اگر مادر از
رفتن شما اذیت می‌شود و
رفتن به جبهه بر شما
لازم و متعین نشده،
مراعات حال او را
بنمایید و بستگی به
نیاز جبهه دارد.

۴. اگر والدین
فرزند را که در حال
انجام نماز مستحبی است
صدا کنند لازم است
نمازش را قطع کرده،
متوجه پدر و مادر شود.
امام کاظم % فرمود:

۱۶۰ص.
۱. استفتاءات، امام خمینی،
دفتر انتشارات اسلامی، قم،
چاپ پنجم، ۱۴۲۲ق، ج ۱، ص ۴۹۵.

انسان و پدر و مادرش،
مقدم بر رابطه او با
خدا باشد، و هرگز
نباید عوایض خویشاوندی
او بر اعتقاد مکتبی اش
حاکم گردد.
گاهی پدر و مادر به
گمان اینکه سعادت
فرزنده را می خواهد،
تلاش می کنند که او را
به عقیده انحرافی خود
بکشانند، و این در
مورد پدران و مادران
زیادی دیده می شود.
وظيفة فرزندان در
این‌گونه موارد این است
که هرگز در برابر این
فشارها تسليم نشوند، و
استقلال فکری خود را
حفظ کرده، عقیده توحید
را با هیچ چیز معاوضه
نکنند. اگر چه نباید
بی احترامی کنند.

۲. رعایت اعتدال

از آنجا که ممکن
است این فرمان، این
توهم را به وجود آورد
که در برابر پدر و
مادر مشرک، باید شدت
عمل و بی‌حرمتی به خرج
داد، لذا بلا فاصله
اضافه می کند که عدم
اطاعت آنها در کفر و
شرک، دلیل بر قطع
رابطه مطلق با آنها
نیست؛ بلکه در عین حال
با آنها در دنیا به
طرز شایسته ای رفتار
کن : [وَ صَاحِبُهُمَا فِي
الْأَرْضِ مَعْرُوفٌ].

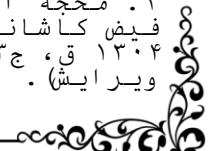
از نظر دنیا و
زندگی مادی با آنها
محبت و ملاطفت کن و از

حرمت مخالفت ایشان در
مباحثات و مستحبات
مطلقاً . و از کلام پدر
بزرگوارم ! در «جامع
السعادات» نیز چنین
مستفاد می شود و ترجمة
کلام ایشان این است که:
بالجمله اطاعت والدین
و طلب رضای ایشان واجب
است . پس، از برای
فرزنده جایز نیست که
مرتکب هیچ یک از افعال
مباحثات و مستحبات شود،
بدون اذن ایشان.
در روایت آمده است:
مردی از یمن به محضر
حضرت رسول خدا - آمده
بود که با آن حضرت به
جهاد برود . پیامبر
اکرم - به آن جوان
فرمود که برگرد و از
پدر و مادر خود کسب
اجازه کن ! اگر اذن
دادند، جهاد کن؛ و الا
تا می توانی با آنان
نیک رفتار کن، مطمئناً
این عمل برای تو بهتر
است از اطاعت تمام
دستورات خدا بعد از
توحید.

شرعیت اطاعت
در رعایت حقوق
والدین باید به دو
نکته دقیق توجه شود:
۱. استقلال اعتقادی
هرگز نباید رابطه

۱. معراج السعادة، مولیٰ
احمد نراقی، نشر هجرت، قم،
۱۳۷۹ش، ص ۴۸۵.

۲. مسجدة البيضاء، محمد محسن
فیض کاشانی، نشر اسلامی، قم،
۱۳۰۴ق، ج ۲، ص ۴۳۷ (با کمی
ویرایش).



که آشنایی از در درآید . انتظاری که شاید در سال یک یا دو بار بیش تر به سر نمی آید ! به راستی تصور چنین حالتی زندگی را برای انسان از همان آغازش تلخ می کند و این است راه و رسم دنیا مادی و تمدن منهای ایمان و مذهب آسایشگاه سالمدان یا آغوش خانواده ؟

خدای متعال با اشاره به حساسیتها و نامایمات دوران سخت پیری می فرماید : [وَ قَضَى رَبُّكَ أَلَا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ وَ بِالْوَالِدَيْنِ احْسَانًا إِمَّا يَلْفَغُنَ عِنْدَكَ أَخْدُهُمَا فَلَا تَقْلِ لَهُمَا أُفًّ وَ لَا تَنْهَرُهُمَا وَ قُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا]؛ «و پروردگارت فرمان داده : جز او را نپرستید و به پدر و مادر نیکی کنید ! هرگاه یکی از آن دو، یا هر دوی آنها، نزد تو به سن پیری رسند، کم ترین اهانتی به آنها روا مدار و بر آنها فریاد مزن و گفتار لطیف، سنجیده و بزرگوارانه به آنها بگو!» از جمله [إِمَّا يَلْفَغُ عِنْدَكَ الْكِبَرَ أَخْدُهُمَا وَ كِلَاهُمَا]؛ در این آیه می فهمیم که پدر و مادر در هنگام پیری باید در

نظر اعتقاد و برنامه های مذهبی، تسلیم افکار و پیشنهادهای آنها نباش این درست نقطه اصلی اعدال می باشد که حقوق خدا و پدر و مادر در آن جمع است . ۸. دوران پیری و ناتوانی والدین

یکی از علل نابسامانیهای اجتماعی جو امّع صنعتی عصر ما، متلاشی شدن نظر امام خانوادگی است که نه احترامی از سوی فرزندان وجود دارد، نه محبتی از سوی پدران و مادران، و نه پیوند مهر و عاطفه ای از سوی همسران.

منظرة در دنیاک آسایشگاه های بزرگسالان در این جوامع نشانگر پدران و مادران ناتوانی است که از کار افتاده و از خانواده طرد شده اند، و شاهد بسیار گویایی بر این حقیقت تلخ است مردان و زنانی که بعد از یک عصر خدمت و تحويل فرزندان متعدد به جامعه، در ایامی که نیاز شدیدی به عواطف فرزندان و کمکهای آنها دارند، به کلی تنها می شوند، و در انتظار مرگ روز شماری می کنند، و چشم به در دوخته اند

۱. تفسیر نمونه، مکارم شیرازی، ج ۱۷، ص ۴۲ و ۴۳ (با کمی کمی ویرایش) .

۲. همان، ج ۲۱، ص ۳۲۵ (با کمی ویرایش) .
۳. إِسْرَاء / ۲۲ .

پاک می شوی، همانند روزی که از مادر متولد شدی.
وی گفت: یا رسول الله!
من پدر و مادر پیری دارم که به من انس گرفته اند و دوست ندارند من به میدان جهاد بروم . پیامبر - فرمود : در این صورت نزد پدر و مادرت بمان و ملازم و مواطن آنان باش ! سوگند به آن خدایی که جانم در دست او است! یک شبانه روز خدمت کردن و انس با پدر و مادرت، از یک سال جهاد در راه خدا با فضیلتتر است. پاداش مادری ناتوان در دوران پیر!

پیرزنی که توسط فرزندانش در یکی از خیابانهای تهران رها و سرگردان شده بود، گریان و نالان چنین گفت : بچه ها بی وفا و سنگدل شده اند . این روزها که آفتاب عمرم لب بام و پایم کنار گور است، از خانه بیرونم کرده اند، می گویند: تو دیگر پیر و عاطل شده ای، مالله تو نیستم ! من حالا چه کار کنم ؟ توی این شهر بزرگ نه جایی دارم ، نه کسی را می شناسم ، حتی سگهای ولگرد کوچه و

۱۰ همان، ج ۱۰ .
۱۱ الله، شخصی که پرستار و مربی کودک است دایه و تایه نیز می گویند.

کنار فرزندان باشد، نه در جایی دور از فرزندان . بنابراین، شایسته نیست که یک مسلمان والدین خود را در خانه سالم‌دان قرار دهد، مگر چاره ای به غیر از این نداشته باشد . «ابراهیم بن شعیب » به امام صادق% فرمود: پدری بسیار پیر و ناتوان دارم . او را به دوش می کشم و برای قضای حاجت بیرون می برم . امام فرمود : هر چه می توانی به پدرت خدمت کن و حتی خودت با دستت لقمه در دهان او بگذار که این کار وسیله نجات تو از آتش دوزخ خواهد بود.

مردی به پیامبر - عرضه داشت: یا رسول الله! من به جهاد در راه خدا شوق و علاقه شدیدی دارم . پیامبر- فرمود : پس در راه خدا جهاد کن، که که اگر در میدان جنگ حق علیه باطل کشته شوی، زندگی جاوید یافته، نزد خدا روزی خواهی خورد و اگر در این راه بمیری، پاداش تو بر عهده خدا خواهد بود و اگر از میدان جنگ سالم بازگردی، از گناهان

۱۲ الكافی، ج ۲، ۱۶۵ص، ج ۱۳: «آن استطعت آن تلی ذلک منه فاغل و لقمه بینیک فیانه جنّة لک غدأ». 

مهرآمیز به چهره پدر و
مادر؛ ۳. نگاه به
قرآن؛ ۴. نگاه به
کعبه.

% امام باقر
می فرماید : مردی به
حضرت رسول اکرم - عرض
کرد : یا رسول الله! پدر و
مادرم به سن پیری و
شکستگی رسیده اند تا
اینکه پدرم از دنیا
رفت و مادرم به حدی
پیر و ناتوان شده است
که غذا را نرم می کنم و
در دهانش می گذارم و او
را همانند طفل شیرخوار
قنداق می کنم و در میان
گهواره می گذارم و
می جنبانم تا خوابش
ببرد . پس از آن کارش
به جایی رسید که از من
چیزی درخواست می کرد ،
نمی دانستم چه می گوید و
چه می خواهد ! و خلاصه
آنچه از دستم بر
می آید ، در مورد وی
مضایقه نمی کنم ، یا
رسول الله! آیا حق مادرم
را ادا کرده ام؟! رسول
خدا - فرمود : «لَا وَ لَا
بِزَرْفَةٍ مِّنْ زَفَرَاتِهَا ؛»
نه ، هرگز حتی یک ناله
از ناله های او را
جبران نکرده ای .»
بلی ، هنگام وضع حمل

۱. وسائل الشیعه ، شیخ حر
عاملی ، مؤسسه آل البیت ، قم ،
چاپ اول ، ۱۴۰۹ق ، ج ۶ ،
صفه ۲۰۵.

۲. مشکاة الأنوار فی غرر
الأخبار ، علی بن حسن طبرسی ،
المکتبة الحیدریة ، نجف ، چاپ
دوم ، ۱۳۸۵ق ، ص ۱۶۱.

خیابان نیز یک پیرزن
هفتاد ساله را به لانه
خود راه نمی دهد ... در
حالی که اشک از چشم ان
پیر سالخورده سرآزیر
بود ، ماجرا یش را برای
افسر نگهبان چنین
تعریف کرد .

.... یک عمر خون
جگر خوردم تا بچه هایم
را بزرگ کردم . از خون
و استخوانم برای آنها
مایه گذاشتم . لباس
عروسوی و دامادی تنشان
کردم . گفتم دیگر نفسی
راحت می کشم و دوران
خوشی و نیکبختی ام فرا
رسیده است؛ ولی افسوساً
می گویند : پیر شده ای و
غیر از دردرس برای ما
چیزی نداری . ما که سند
نداده ایم تا آخر عمر
جور تو را بکشیم !!
این در حالی است که
پیامبر اکرم - خدمت به
پدر و مادر را از جهاد
بالاتر و نگاه محبتآمیز
به صورت آنان را عبادت
می داند و می فرماید :
اگر روزی صد مرتبه به
صورت پدر و مادرت نگاه
کنی ، باز عبادت محسوب
شده ، برای هر نگاهی
ثواب یک حج مقوی
منظور می شود .

ابودر غفاری
می گوید : از پیامبر
اکرم - شنیدم که فرمود:
نگاه به چهار چیز
عبادت است: ۱. نگاه به
چهره علی بن
ابی طالب %؛ ۲. نگاه

کنی و بنده وار خدمت او
بایستی، این همه خدمات
تو به اندازه زحمات وی
در هنگامی که در رحم
او بودی و سنگینی تو
را تحمل می نمود ،
نخواهد بود .^۱

پس اگر انسان
بخواهد حق پدرش را ادا
کند، باید تا آخر عمر
در خدمت و اطاعت وی
باشد و اگر بخواهد حق
مادر را ادا کند، باید
با تمام وجود و با همه
امکاناتش، بنده وار در
خدمت مادرش باشد، و
این در حالی است که
هنوز نتوانسته است
حداقل زحمات دوران حمل
مادرش را جبران نماید

۹. حقوق بعد از مرگ
از دیدگاه فرهنگ
و حیانی اسلام ، همچنان
که پدر و مادر در حال
حیات حقوقی بر عهده
فرزندان خود دارند ،
بعد از مرگشان نیز
حقوقی به عهده فرزندان
دارند . برخی از آن
حقوق به این شرح است
(الف) زیارت مزار والدین

پیامبر اکرم
فرمود : هر کس قبر پدر
و مادرش یا یکی از
آنها را در هر جمعه
زیارت کند و در کنار
مزار آنان سوره یاسین
بخواند ، در مقابل هر

۱. مستدرک الوسائل ، میرزا
حسین محدث نوری ، مؤسسه آل
البیت ، بیروت ، جاپ اول ،
۱۴۰۸ق ، ج ۵ آ ، ص ۱۸۲ : «ما عن
ذلک یوم حملتہ فی بطنہ»

که مادر مرگ را آشکارا
در برابر چشمانش
می بیند و از شدت درد
فریاد سر می دهد و گاهی
رنگ مرده به خود
می گیرد ، با رفتار و
حرکات عادی فرزن دان
قابل جبران نیست ، چه
بسا مادرانی که قربانی
فرزندان خود شده اند و
از شدت درد در هنگام
تولد فرزندانشان جان
باخته اند .

اساساً از منظر آیات
و روایات حق مادر را
ادا کردن ناممکن است ،
مگر لطف و عنایت خدا
انسان را مدد نماید ؛
ولی از آنجایی که
گفته اند :
آب دریا را اگر نتوان
کشید
لئکه به قدر تشکی باید
چشید

ولی فرزندان با
ایمان باید تلاش کنند
تا در حد امکان و
توانایی خویش حقوق
مادر را رعایت نمایند .
از رسول اکرم - سؤال شد
که : حق پدر چیست ؟
فرمود : تا زنده است ،
از او اطاعت کنی و از
دستوراتش سرپیچی
نمایی . سپس سؤال شد :
حق مادر چیست ؟ فرمود :
هیهات ! هیهات ! که
بتوانی حق مادر را ادا
کنی . هر آینه اگر به
اندازه ریگهای بیابان
عالج (صرحایی در
عربستان) و دانه های
باران به مادر خدمت

به زیارت قبر پدرش
 (عبد الله) رفت، در شش
 سالگی بود که به همراه
 مادرش (آمنه) از مکه
 به یثرب سفر کرد و
 آرامگاه پدر گرامی اش
 را زیارت نمود.
 همچنین آن حضرت به
 همراه گرو هی از
 مسلمانان در عصرهای
 پنج شنبه به زیارت
 قبرستان بقیع رفته، به
 اهل قبور سلام و رحمت
 می‌فرستاد.

%
 امام باقر
 می‌فرماید: هر کس به
 زیارت قبر مؤمنی برود
 و رو به قبله بنشیند و
 دست خود را روی قبر
 بگذارد و هفت بار سوره
 «قدر» را بخواند، علاوه
 بر این که از خوف و
 وحشت روز قیامت در
 امان خواهد بود، خدای
 متعال او و صاحب قبر
 را می‌امزد.

حضرت رسول اکرم -
 فرموده است: هر مؤمنی
 که «آیة الکرسی» را
 بخواند و ثواب آن را
 برای اهل قبور قرار
 دهد، خدای متعال از هر
 حرف او ملکی می‌آفریند
 که تا روز قیامت برای
 آن مؤمن تسبیح
 می‌گویند.

۴. ویژگیهای پیامبر اعظم،
 عبد الکریم پاک نیا تیریزی،
 نشر نسیم کوتیر، قم، ۱۴۸۵ش،
 ص ۴۵۰.

۵. وسائل الشیعه، شیخ حز

عاملى، ج ۳، ص ۲۲۴.

۶. همان، ملا ۲۲۸ تا ۲۲۸.

۷. همان، ص ۲۰۰؛ بحار

حرفى که از این سوره
 می‌خواند، آمرزشی از
 سوی خدا دریافت خواهد
 کرد.

آن حضرت در گفتار
 دیگری به فرزندانی که
 فقط به خاطر خدا به
 زیارت قبر والدین خود
 می‌روند، پاداش حج
 مقبول مژده داده،
 فرمودند: کسی که قبر
 پدر و مادر و یا یکی
 از آنها را با قصد
 قربت زیارت می‌کند،
 معادل یک حج پذیرفته
 شده ثواب برده است و
 هر کس پیوسته به زیارت
 قبر والدین خود برود،
 ملائکه قبر او را زیارت
 خواهند کرد.

امیرمؤمنان علی% به
 شعیان خود سفارش
 فرمودند که: به زیارت
 مردگانتان بروید! آنان
 از زیارت شما خوشحال
 می‌شوند و شما بعد از
 دعا در حق آنان،
 حاجتها خود را نیز در
 کنار قبر آنان از خدای
 متعال بخواهید.

خود رهبر بزرگوار
 اسلام - به زیارت قبر
 پدر و مادرش می‌رفت.
 نخستین بار که حضرت -

۱. بحار الانوار، محمد باقر
 مجلسی، ج ۸۹، ص ۲۹۳: «من زان
 قبر والدیه او اخذ همای فی، کل
 جماعت فقر آ عندهمای پس غفران
 الله بیغد کل خرف منهای»

۲. کنز العمل، متقی هندی،

نشر مؤسسه الرساله، بیروت، ۱۴۰۱ق، ج ۱۶، ص ۴۷۹.

۳. وسائل الشیعه، شیخ حز

عاملى، ج ۳، ص ۲۲۳.

بهره خوبی خواهد برد و سبب کاهش عذاب از والدینش نیز می گردد، گرچه آن دو کافر باشند.»^۳

در میان سوره های قرآن سوره توحید برای آمرزش والدین اهمیت خاصی دارد.

امام صادق % در گفتاری روح بخش فرمود: هر که به خدا و روز جزا ایمان دارد، خواندن سوره توحید را دنبال هر نماز واجب از دست ندهد؛ زیرا هر کس آن را بخواند، خدا خیر دنیا و آخرت را برای او فراهم می کند و او را به همراه پدر و مادرش و سایر فرزندان آن دو بیمارزد.
ج) اعمال نیک به نیت والدین

یکی دیگر از وظایف فرزند بعد از مرگ والدین برای جلب رضایت آنان و شادی روحشان این است که از انجام اعمال نیک دریغ نورزند، به این ترتیب که دوستان آنان را مورد احترام و محبت قرار دهد، نماز بخواند و ثواب آن را به پدر و مادر هدیه کند، برای آمرزش آنان دعا نماید،

^۳. الكافي، شیخ کلینی، باب قراءة القرآن في المصحف، ح

^۱. همان، باب فضل القرآن، ح ۱۱؛ ج ۲، ص ۶۲۲.

ب) قرائت قرآن برای والدین قرآن کتاب آیین زندگی است و یک مسلمان وظیفه دارد که از دوران کودکی تا آخرین روز حیات خویش با این کتاب آسمانی آشنا شده و ارتباط همیشگی داشته باشد . امام صادق % فرمود: قرآن عهدنامه خدای متعال برای تمام انسانها می باشد . هر مسلمانی شایسته است به این عهدنامه بنگرد و هر روز پنجاه آیه از آن را تلاوت کند.
گرچه قرآن آیین زندگی و چگونه زیستن است؛ ام ا آیات نورانی آن برای مردگان نیز تأثیر دارد و ثوابی را که از این طریق عاید مردگان می شود، در آخرت و سرنوشت آنان دخیل است.

امام صادق% فرمود:
**«قِرَاءَةُ الْقُرْآنِ فِي
الْمُصْحَفِ تُخَفَّفُ الْعَذَابُ عَنِ
الْوَالِدَيْنِ وَلَوْ كَانَا
كَافِرِينَ»**؛ قرائت کردن قرآن از روی مصحف از عذاب پدر و مادر می کاهد، گرچه آنان کافر باشند.. آن حضرت در گفتار دیگری فرمود: «هر که قرآن را از رو بخواند، از چشمان خود

الانوار، علامه مجلسی، ج ۷۹، ص ۶۴۵

^۱. الكافي، شیخ کلینی، ج ۲، ص ۶۰۹.

^۲. وسائل الشیعه، شیخ حر عاملی، ج ۶، ص ۲۰۴.

- پیامبر اکرم فرمود : پدر یا مادر فردی از دنیا می رود، در حالی که این فرزند عاق والدین بوده و حقوق آنان را به جا نیاورده است؛ اما بعد از مرگ آنان پیوسته به آنان دعا کرده، استغفار می کند. (برای آنان اعمال نیک انجام می دهد) خدای متعال چنین فرزند تلاشگر را در ردیف ابرار قرار می دهد.

خوشابه حال پدران و مادرانی که فرزندانی صالح داشته باشند تا بعد از مرگشان نیز از اعمال نیک آنان بهره مند شوند.

۵) پرداخت بدھی برخی از فرزندان وقتی والدینشان زنده اند، به آنان احسان و نیکی نمی کنند؛ اما پس از وفاتشان بدھی آنان را می پردازند و از خدای متعال برایشان طلب آمرزش می نمایند. چنین فرزندانی از دیدگاه امام پنجم % درباره والدین خود نیکوکار به شمار می آیند. برخی دیگر در زمان حیات پدر و مادرشان نیکوکارند؛ اما بعد از مرگ آنان بدھیشان را نمی پردازند و برای آنان طلب آمرزش

۶. کنز العمل، ج ۱۶، ص ۴۷۸

اگر عهد و پیمان و قول قراری دارند، به آن وفا کند، در ادائی قرض آنان سهل انگاری نکند، از آشنایان و فامیلها پدر و مادر دیدار نموده و در احسان به آنان مضایقه نکند و خلاصه هر کاری را که احساس می کند در راستای جلب رضایت پدر و مادر و شادی روح آنان خوب است، به نحو شایسته ای به انجام برساند.

- پیامبر اکرم فرمود : در روز قیامت سرآمد ابرار و نیکان کسی است که پس از مرگ پدر و مادر برای ایشان احسان و نیکی کند. حتی بنا به فرموده آن حضرت، برخی از اعمال نیک فرزندان در سزاوشت والدین بعد از مرگ آنان نیز تأثیر مثبت دارد و این عمل از بار مسئولیت فرزندان کاسته و بخشی از حقوق والدینشان را از عهده آنان ساقط می کند. به جا آوردن نمازهای قضا و مستحبی، دعا برای والدین، عمل به عهد و پیمانهای آنان، معاشرت خوب و نیکی به فامیل و بستگان والدین، تکریم دوستان آنان از جمله این اعمال است.

۱. السنن الکبیری، احمد بن حسین بیهقی، نشر دارالفکر، ج ۴، ص ۶۱؛ کنز العمل، متقدی هندی، ج ۱۶، ص ۴۷۴.

این مرد تاجر، با زماندگان او را به خانه خود دعوت کرد.
بعد از صرف غذا، میزبان به ورثة آن میت گفت: آیا می دانید به چه خاطر شما را دعوت کرده ام؟ جواب دادند: به خاطر مهربانیهای پدر ما از ما پذیرایی میکنی.
میزبان دوباره پرسید؟ آیا پدرتان در حق شما کوتاهی کرده است؟
گفتند: نه. همیشه ایشان را به خیر و نیکی یاد می کنیم و بر او رحمت مفرستیم.
سپس میزبان شمه ای از حقوق والدین بر گردن فرزند را برای ورثه بازگو کرد.
به ویژه آنکه به آنان یاد آور شد، بعد از وفات پدرتان نیاز او به شما چن دین برابر شده است. در ادامه گفت: من پدر شما را چند شب قبل در شدیدترین عذاب، در خواب دیدم.
این عذاب وی به خاطر احداث سینما بود. او می گفت: هر وقت که فیلمی فساد انگیز در آنجا نشان می دهنده و عده ای را به سوی گناه و انحراف می کشانند، ملائکه مرا به خاطر آن عذاب می کنند. او از شما عاجزانه می خواست

نمی کنند. خدای متعال چنین فرزندانی را عاق والدین و گنهکار می نویسد.

در اینجا نقل داستانی در این زمینه مناسب می نماید:
خاطره ای از علامه امینی علامه امینی) می گوید:
عده ای از تجار خیر و اهل ایمان در تهران بودند و گاهی اعمال خیر و نیک انجام می دادند. یکی از ایشان قطعه زمینی در یکی از مناطق مهم و حساس تهران داشت و می خواست که در آنجا مسجدی بنا کرده، در اطرافش مغازه هایی تجاری برای مسجد بسازد. یکی از رفقای دنیا دوست وی او را وسوسه کرد و به وی گفت: تو در این محل سینمایی بساز و در اطراف آن مغازه های تجاری درست کن و درآمد آن را در خیرات مصرف نما.

حب مال از یک طرف و وسسه شیطانی از طرف دیگر، او را به ساخت سینما و ادار کرد. سالها گذشت، او از دنیا رفت و اموال زیادی برای ورثه اش به جای ماند که از جمله همان سینما بود.

در یکی از روزها یکی از رفقای قدیمی

و خلاف شرع خود،
فرزندان و خود را به
هلاکت دچار نموده است
این مقاله را با
دعای امام زین العابدین٪ در مورد
والدین به پایان
می بریم که عرضه
می دارد:

«اللَّهُمَّ وَ إِنْ سَبَقَتْ
مَغْفِرَتُكَ لَهُمَا فَشُفْعُهُمَا
فِيَّ، وَ إِنْ سَبَقَتْ مَغْفِرَتُكَ
لِي فَشُفْعُنِي فِيهِمَا حَتَّى
نُجْتَمِعَ بِرَأْفَتِكَ فِي دَارِ
كَرَامَتِكَ وَ مَحْلِ مَغْفِرَتِكَ وَ
رَحْمَتِكَ، إِنَّكَ ذُو الْفَضْلِ
الْعَظِيمِ، وَ إِنَّكَ أَرْحَمُ
الْقَدِيمِ، وَ إِنَّكَ أَرْحَمُ
الرَّاحِمِينَ؛ خداوند !!
اگر پدر و مادرم را
پیش از من آمرزیدی، پس
ایشان را شفیع من قرار
ده و اگر مرآ قبل از
آنان مورد آمرزش قرار
دادی، پس مرآ شفیع
ایشان بنما تا در پرتو
مهربانی ات در سرای
کرامت، و جایگاه مغرفت
و رحمت گرد آییم؛
زیرا تو صاحب فضل بزرگ
و نعمت دیرین هستی و
تو مهربان ترین
مهربانانی.»

۲. صحیفه سجادیه، امام سید
الساجدین، علی بن الحسین (ؑ)،
نشر الهادیف قم، چاپ اول،
۱۴۱۸ق، ص ۱۱۶، دعا ۲۴.

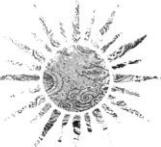
که این ساختمان را
ویران کرده و او را از
عداب نجات دهد.
با زماندگان آن تاجر
بعد از شنیدن خواسته
پدرشان سکوت کرده و با
تعجب و ناراحتی به
همدیگر نگاه کردند و
مهلت خواستند تا تصمیم
بگیرند.

هفته ها گذشت و خبری
نشد! این مرد دوباره
از آنان دعوت کرد و
بعد از پذیرایی مفصلی
از نتیجه تصمیمشان
سؤال کرد. بزرگ ورثه
پاسخ داد: آیا پدر ما
این سینما را احداث
نکرده؟

میزبان پاسخ داد:
چرا؛ ولی الان شدیداً
پیشیمان است و به خاطر
آن عذاب می کشد و از
شما می خواهد او را از
عذاب الهی نجات دهد.
بزرگ ورثه گفت: او غلط
کرده و باید جزای خطای
خودش را متحمل شود !!
ما نمی توانیم این
ساختمان را ویران
کنیم.

مرد میزبان از جواب
آنان تعجب کرد و در
بهت و حیرت فرو رفت و
به بدبخشی و بیچارگی
رفیق تا جرش تأسف خورد
که چه طور بعد از
اعمال خیری که انجام
داده، با کار ناشایست

۱. ربع قرن مع العلامة
الأميني، حسين شاکری، چاپ
ستازه، قم، ۱۴۱۷ق، ص ۵۷.



جلوگیری از اسراف در آموزه‌های دینی

محمد اسماعیل عبدالله

عی و بیر ار بین بردن
فقر و محرومیت از
جامعه، توسعه اقتصادی
حکومت، چگونگی بهره‌وری
از امکانات، مصرف درست
و ... راه‌های وجود
دارد که در صورت عمل
کردن به آنها به صورت
قطعی در کوتاه ترین
مدت، جهان شاهد نابودی
این پدیده‌های شوم حیات
بشری خواهد بود .
مبارزه با اسراف،
تجمل گرایی و خست و
تنگ نظری از جمله
راهبردهای است که در
فرهنگ اسلام بسیار مورد
تأکید قرار گرفته و
آیات قرآن کریم و سخن
ائمه اطهار (نیز
بیانگر اهمیت این
مسئله است . در سلسه
مقالات سبک زندگی در
شماره‌های قبل به بررسی
این راهبردها پرداخته
شد . در قرآن کریم و

محبهاي فلسفی مدعی
نجات بشر، کم رنگ و
بی‌اثر شده‌اند و تنها
اسلام است که روزنه
امید تمام ملتها است و
به راه حل‌هایی که اسلام
در زمینه های مختلف
نشان میدهد، توجه
می‌شود؛ به عنوان نمونه
از مشکلات اساسی دنیا
امروز که سالیان
متمامی جهان را در دو
قطب متضاد قرار داده
است، سیری عده ای و
گرسنگی افراد بی‌شماری
از انسانهای محروم است
که در واقع همان شکاف
طبقاتی باشد . یکی از
عوامل پیدایش این گونه
مشکلات، استفاده بی‌رویه
و ناصحیح از نعمتهاي
خدادادي و بکارگيري
روشهاي نادرست بهره‌وری
از امکانات است .
در نظام معیشتی
اسلام برای پر کردن

می‌پوشید. پرسیدند: چرا بهترین لباس خود را می‌پوشید؟ فرمودند: «إنَّ اللَّهَ جَمِيلٌ يُحِبُّ الْجَمَالَ فَأَتَجْهَلُ لِرَبِّيْ وَ تَلَاقْوْلَهُ تَعَالَى [يَا بَنِي آدَمَ خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ]؛^۱ خداوند زیباست و زیبایی را دوست دارد. از این رو من لباس زیبا را برای [راز و نیاز با پروردگارم می‌پوشم، همو که دستور داده: ای فرزندان آدم در هر مسجدی زینت را برای خود برگیرید».

زندگی اسرافگرانه علاوه بر اینکه روح عاطفی و انسانی را از بین می‌برد و انسان را از درد و سوز دیگران بی‌خبر می‌سازد، از نظر اقتصادی نیز به شخص مسرف و بلکه به اجتماع آسیب می‌رساند؛ چرا که سرمایه‌ها را پایان می‌بخشد و فرد و جامعه را به نابودی می‌کشاند و می‌توان گفت: راه نجات و موفقیت در اعدال است و این روش باعث ثبات و بلکه پیشرفت می‌شود. کسی که آن را ترک کند، بی‌ترید گرفتار آفتها می‌شود و سرانجام به هلاکت معنوی از یک سو و تهیdestی از

بسیاری از کتابهای اخلاقی، خوگیری نفس انسان با صفات برجسته اخلاقی، نقطه آغاز حرکت انسان به سمت کمال حقیقی و آسمانی به شمار می‌رود که از جمله این صفات برجسته می‌توان به صرفه جویی، قناعت‌پذیری و قانع بودن به موهبته ای خداوندی اشاره کرد. در آموزه‌های دین مبین اسلام، مسئله قناعت و صرفه جویی یک مسئله تأثیرگذار در جامعه محسوب می‌شود و اهمیت آن به حدی است که این مقوله به عنوان یک فضیلت، همواره مورد تشویق قرار گرفته است. در این مقاله برخی از آموزه‌های دینی را برای جلوگیری از اسراف و تجمل‌گرایی مورد بررسی قرار می‌دهیم.

الف. میانه روی و اعتدال در امور زندگی در اسلام همان‌طور که از تجمل‌گرایی افرادی نهی شده است، از تجمل‌پرسستی نیز نهی شده است؛ محروم کردن خود از زیباییهای پاک و حلال مانند لباس زیبا و مناسب و زیباییهای طبیعت ... پسندیده نیست؛ زیرا انسان زیبایی پسند است. امام مجتبی% هنگامی‌که به نماز بر می‌خاست، بهترین لباس خود را

۱. عوالی اللئالی، ابن ابی جمهور، دارسید الشهداء %، قم، ۱۴۰۵ق، ج ۱، ص ۳۲.

را از بزرگ‌ترین رنج تاریخی او که مسئله معيشت و غصه تأمین مایحتاج زندگی است، نجات می‌دهد. همچنین جامعه و فرد را از عوارض شوم فقر که سوء‌اخلاق و فساد و فحشا و حتی کفر و بی‌دینی است، محفوظ نگه میدارد.

یکی از تدبیر مهم اسلام برای تأمین زندگی و جلوگیری از فقر ارائه الگوی صحیح است. امام صادق% فرموده است: «**ضمن** لِمَنْ أَفْتَصَدَ أَنْ لَا يَفْتَقِرُ؛^۳ ضمانت می‌کنم کسی که میانه روی کند، فقیر نشود».

رعايت اعتدال در هزينه هاي زندگي به قدری مهم است که امام علي% درك لذت ايمان واقعي را منوط به آن دانسته و فرموده : «**لَا يَضْلُلُ الْمُؤْمِنُ إِلَّا عَلَىٰ ثَلَاثٍ خَصَالٍ : التَّقْيَةُ فِي الدِّينِ وَ حُسْنُ التَّقْدِيرِ فِي الْمَعِيشَةِ وَ الصَّبْرُ عَلَى النَّاسَيْةِ**؛^۴ مؤمن با سه صفت درستی یابد : فهم جویی در دین و نیکداری اندازه مخارج

^۳. من لا يحضره الفقيه، شیخ صدوq، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم، ۱۴۰۳ق،

^۴. تحف العقول عن آل الرسول، ابن شعبه حزانی، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم، ۱۴۰۴ق، ص۳۵.

سوی دیگر دچار خواهد شد.

امام علی% در این باره فرموده اند: «**السَّرَّافُ مَثْوَاهُ وَ الْقَصْدُ مَثْرَاهُ**^۵ اسراف مایه نابودی و میانه روی مایه توانگری است.» دوری از خداوند و هدایت او، جزء یاران شیطان قرار گرفتن و هلاکت دنیوی و آخری، از جمله کیفرهایی است که خداوند برای اسرافکاران در نظر گرفته است.

قرآن میانه روی را الگوی مصرف و عامل پایداری خانواده و جامعه معرفی می‌کند و می فرماید : [وَ الَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يُسْرِفُوا وَ لَمْ يَقْتُرُوا وَ كَانَ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَاماً]؛^۶ «و آنان که وقتی انفاق می‌کنند، نه از حد معمول [و متعارف] می‌گذرند و نه تنگ می‌گیرند، و [انفاقشان] هموار ه میان این دو در حد اعتدال است».

«**قَوَاماً**» به معنای حد وسط و اعتدال است . اقتصاد اسلامی برای افراد و جوامع دو ارungan مهم دارد: بشر

^۵. بحار الانوار ، محمد باقر مجلسی ، دار احیاء التراث العربي ، بیروت، ۱۴۰۳ق، ج ۷۳، ص۳۴۷. ^۶. فرقان / ۶۷.

آگاه نداشته باشد ، در چنین حالتی در آرزوهاي مادي و شهوت باقی مي ماند و هرگز به کمالات انساني نمي رسد؛ اما اگر از تعاليم آسماني بهره برده و بر نفس خود چيره شود و رسيدن به دنيا و اهل آن را هدف قرار ندهد، بـه سعادت دنيوي و آخروي خواهد رسيد. راه عملی قناعت و اجتناب از اسراف، باور کردن حساب و بازدهي اعمال در روز رستاخيز و همسوبي با نيكان و دوری از اهل دنياست.

الگوهای فكري و حرکتی نباید اهل دنيا باشند و گرنه انسان را به دنبال خود ميکشانند که در آن صورت هر چه فرد تلاش کند، به جايی نمي رسد . فرهنگ صحيح مصرف را علاوه بر اينکه از آياتي که در مورد اسراف و زيانهای آن صحبت ميکند، ميتوان به دست آورده، از مكتب اهل بيت) نيز مي توان دریافت. امام سجاد % در اين خصوص فرموده اند: «**اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاحْجُبْنِي عَنِ السَّرَّافِ وَالْإِذْدِيَادِ، وَقُوْمَنِي بِالْبَذْلِ وَالْإِقْتِصَادِ، وَعِلْمَنِي حُسْنَ الْتَّقْدِيرِ، وَأَفْيَضْنِي بِلِطْفِكَ عَنِ**

زنديگي و بردباری بر سختی.»

امام کاظم % نيز مي فرماید : «**مَا عَالَ امْرُؤٌ فِي اقْتِصَادٍ؛** هيج انساني با ميانه روی نيازمند نمي شود.»

ب. صرفه‌جوبي و قناعت
صرفه جوبي و قناعت در زندگي و هزينه هاي مختلف، مایه آرامش روحی و روانی است و کسي که آن را سرلوحه زندگي خود قرار ميدهد، از فقر و بدبخشي نجات مي يابد و شرافت و عزت اجتماعي و رضايت و خشنودي الهي را به دست مي آورده. چنان که امام على % مي فرماید : «**لَا هَلَّاكَ مَعَ اقْتِصَادٍ؛** با ميانه روی و قناعت هلاكتی نيست [و در پرتو آن می توان به آرامش رسید] ..» يا در جای دیگري آن حضرت % مي فرماید: «**الْإِقْتِصَادُ نِصْفُ الْمُؤْنَةِ**» ميانه روی، نيمی از هزينه زندگي است.»

طبيعت انسان بر آمال و آرزوها سرشته شده است، اگر انسان بدون تربیت نفس پيش رود و دسترسی به مربی

۱. من لا يحضره الفقيه، ج ۲، ص ۶۴

۲. غرر الحكم و درر الكلم، عبد الواحد تميمي أمدي، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، قم، ۱۳۶۶ش، ج ۸۰۷۵

۳. غرر الحكم و درر الكلم، ص ۵۶

محاسبه مقدار ورودی آن معین و بر همین اساس راه‌های خروجی آن اندازه گیری شود، نه تنها از هدر رفتن آن جلوگیری می‌شود، بلکه با برنامه ریزی صحیح می‌توان از آن در جهات مختلف به صورت بهینه استفاده کرد.

اندازه گیری در مخارج نسبت به درآمد، بر اساس ضرورتها و پس انداز مقداری از مازاد مصرف، بنیان خانواده را تا حد زیادی در مقابله با خطرات، محافظت خواهد نمود. اسراف، برهم زننده تعادل و موازنۀ بین دخل و خرج و نیز نابودکننده توانایی مالی زندگی و ضایع‌سازی ثروت و امکانات حیات است و حال آنکه قناعت عامل عزّت، بی‌نیازی، خودکفایی، آرامش روحی و رضایت ابدی است.

ج. شناخت شیوه‌های صحیح مصرف

شناخت شیوه‌های صحیح مصرف و رعایت آن و قدرت تشخیص ضرورتها و اولویت‌ها بر مصارف و نیازهایی که در ردیف بعدی از نظر اهمیت قرار دارند و نیز آشنایی راه‌های صحیح استفاده از سرمایه و ابزار کار و لوازم زندگی، از مسائل بسیار مهمی است که به نظر

التَّبْذِير ؟ پروردگارا !
بر محمد و آللش درود فرست و پرده ای بین من و اسراف حائل کن و با درپیش گرفتن انفاق و میانه روی به زندگی من قوام بخش و راه‌های صحیح مصرف و اندازه گیری در معیشت را به من تعلیم فرما و به لطف خود مرا از ارتکاب تبذیر برکنار دار!»

با توجه به این فرمایش امام سجاد % تمثّل و انتفاع از مواحب الهی، قناعت و پرهیز از اسراف و تبذیر سه اصل اساسی است که اسلام به عنوان الگوی صحیح مصرف ارائه می‌دهد.

توجه به اعتدال و صرفه جویی در هزینه‌های زندگی، مایه بقا و توانایی مالی در زندگی و حافظه مناعت و شخصیت انسانی آدمی است.

درآمد زندگی همچون چشمۀ آبی است که در بستر رود به جریان می‌افتد که اگر مهار نشود، هر اندازه که متراکم و انبوه هم باشد، یا به هدر می‌رود یا به دریا می‌ریزد؛ اما اگر در جای مناسبی سد شود و با دقت و

۱. صحیفه سجادیه، امام سجاد%， دفتر نشر الهادی، قم، چاپ اول، ۱۳۷۶ش، ص ۱۳۸.

ژاپن، دومین کشور دنیا از نظر تولید کاغذ است و بیشتر کاغذ‌های تولیدی اش از طریق تولید مجدد به دست می‌آید... در ژاپن، از زبانهای فلزی پس از جمع آوری، استفاده مجدد به عمل می‌آید.... نکته دیگر که در زندگی آنان حائز اهمیت است، صرفه جویی در مصرف انرژی است. آنان، سعی می‌کنند به جای گرم کردن محوطه خانه، فقط اعضای بدن افراد خانه را گرم نمایند تا انرژی حرارتی کمتری مصرف شود. از این روی، از سیستمهای بزرگ و پرخرج تهویه مرکزی در خانه‌های مسکونی کمتر دیده می‌شود. و در همین زمانه می‌توان آزان کیسه‌های شنی کوچک انفرادی، که درجهت گرم نگهداشت اعضاي بدن در زمستان مورد استفاده قرار می‌گيرد، نام برده... ژاپنها، برای صرفه جویی در مصرف انرژی، هیچ وقت پس از خوابیدن، بخاري و یا وسیله گرم کننده داخل خانه خود را روشن نگه نمي دارند، بلکه در شبهاي سرد برای گرم شدن، از لحاف و رواند از بيشتر استفاده مي‌کنند.

۱. ماهنامه نظامي، فرهنگي

نگارنده باید در سطحي وسیع، جامعه را در تمامی این زمینه‌ها به وسیله کارشناسان امور مختلف، آموزش داد.

در جامعه اسلامي قابل قبول نیست که افراد آن با وجود برخورداري از فرهنگ غني و پربار اسلامي - که در هر زمينه و نيز در اين مورد بهترین تعاليم و راهنمایيهها را در خود دارد - از برخي جوامع که از داشتن آن محرومند و صرفاً ملاحظات ماذی آنان را به صرفه جویي و پرهیز از اسراف و اداداشه است، عقب بمانند؛ بلکه باید با بهره گيري از اين تعليمات، در اين زمينه، خود الگوي ساير جوامع باشند . برای نمونه به اين گزارش توجه كنيد:

اصطلاح «موتاي ناي» يك روح قناعت و صرفه جویي به ژاپنها داده است و آنان را برا آن داشته است که، حداکثر استفاده را از امکانات موجود خود بنمایند. از موارد خاص صرفه جویي ژاپنها، در مصرف کاغذ است . در ژاپن، هیچ وقت كتابها و روزنامه‌های خوانده شده به همراه زباله دور ریخته نمي شود ... اين در حالی است که

میگرفتند؛ ولی در همان حال به دیگران توصیه میکردند که این تکلیف شما نیست و فرمان استفاده به حق و مشروع از نعمتهاي الهي را صادر می نمودند . از طرفی آن حضرات، در قناعت و مناعت نفس در بالاترین درجه آن بودند و نیز بیشترین حساسیت و دقت را در مورد رعایت اعتدال و پرهیز از اسراف و تبذیر در زندگی و مشی اقتصادی خود داشته‌اند.

محدث قمی (نقل میکند:

روزی يکي از اصحاب حضرت صادق % بر آن حضرت وارد شد . دید آن حضرت پیراهنی پوشیده است که گریبان آن را وصله زده‌اند . آن مرد پیوسته نظرش بر آن پینه بود و گویا از پیراهنی که حضرت پوشیده ، تعجب کرده بود . حضرت فرمود : تو را چه شده که نگاهت را به من دوخته ای ! گفت : نظرم به پینه‌ای است که در گریبان شماست . فرمود : این کتاب را بردار و آن چیزی را که در آن نوشته است ، بخوان ! آن مرد کتابی را که در مقابل و یا نزدیک حضرت بود ، برداشت و در آن نظر انداخت ، دید در آن نوشته است : «لا إيمان

مگر این توصیه امیرالمؤمنین % نیست که به مسلمانها فرمود : «**الله الله في القرآن لا يُسِّقَنُكُمْ بِالْعَمَلِ بِهِ غَيْرُكُمْ** ؛ از خدا بترسید او را درباره قرآن رعایت کنید ؛ نکند دیگران در عمل بدان از شما پیشی بگیرند .!» در حالی که قرآن کریم بیش از بیست بار ، از اسراف و تبذیر ، نکوهش و یا نهی فرموده است و عواقب زشت و زیانبار آن را به صورتهاي مختلف گوشزد نموده است.

د. توجه عملی به نمونه عیني از الگوي مصرفنبي اکرم - و ائمه طا هرين (بالاترین نمونه هاي عيني الگوي مصرف در اسلامند . آن بزرگواران ، همواره کناره گيري راهبانه از لذات مشروع را محکوم می کردند و خود نيز هيچگاه به رهبانیت روی نیاوردند ؛ گرچه برخی از آنان مانند امیرالمؤمنین % ، به دليل مناسبتهاي اجتماعي و یا حکومتی ، از بسياري بهره وريهاي مادي به شدت کناره

اجتماعيصف (ارتش جمهوري اسلامي ايران) ، شماره ۲۲ . ۱. نهج البلاغه ، سيد رضي ، ترجمه و تصحیح: صبحي صالح ، نشر هجرت ، قم ، ۱۴۰۳ق . ۱۴۷۴نامه .

لِمَنْ لَا حِيَاءَ لَهُ وَلَا مَالٌ
جَدِيدَ لِمَنْ لَا خَلَقَ لَهُ؛
اِيمَانٌ نَدارد كَسِيٌّ كَه
حِيَا نَدارد وَ از شَرُوتٍ
بِي بَهْرَهِ اَسْتَ كَسِيٌّ كَه در
مَعَاشِ خَوْدِ تَقْدِيرٍ وَ
انْدَازَهِ نَدارد وَ نَوْ
نَدارد كَسِيٌّ كَه كَهْنَهِ
نَدارد.»

شبَهَهُ تَسْلِطُ بَرِ اموالِ
خَداونَد بَه هَر كَسِ كَه
مَالِي در اختِيارِشِ
نَهادَهِ، اِجازَهِ دَادَهِ اَسْتَ
تَا هَر تَصْرِفِي بَخواهد در
مَالِ خَوْدِ بَنْمَايَدِ. وَ نَيْزِ
اَز رَسُولِ اَكْرَمِ - روایتِ
شَدَهِ كَه : «إِنَّ النَّاسَ
مُسْلِطُونَ عَلَى أَمْوَالِهِمْ؛
مَرْدَم بَر هَر گَوْنَهِ تَصْرِفِي
در اموالِ خَويشِ
آزادَنَد.» در اين صورتِ،
آيا منعِ صاحبِ مَالِ اَز
تصَرَّفِ اَتَلَافِي وَ مَحْدُودِ
نَمودَن او، مَنَافَاتِ با
این اَصْلِ مَسْلَمِ نَخواهد
داشت.

پاسخ
ذَكْرِ تَسْلِطِ در اين
حَدِيثِ شَرِيفِ بَدْوَنِ
هِيجَوْنَهِ قَيْديِ كَه مَثلاً
در چَه مَوَارِديِ اين سُلطَهِ
هَسْتَ، با اين كَه نَبِيِ
اَكْرَمِ - در صَدَدِ بَيَانِ
تَمامِي اَقْسَامِ وَ اَنواعِ
سُلطَهِ هَاست، سَرْمَنْشَا دَلَالَتِ
روایتِ بَر جَمِيعِ تَصْرِفاتِ،

۱. سَفِينَةُ الْبَحَارِ، شِيخُ عَبَاسِ
قَمِي، تَشْرِيفُ اَسْوَهِ، قَمِ، چَابِ
اَول، ۱۴۱۴ق، ج ۷، ص ۲۳۸.
۲. بَحَارُ الْأَنْوَارِ، مُحَمَّدُ باقر
مَجْلِسِي، ج ۳، ص ۲۷۲.

حتی تصرف اَتَلَافِي شَدَه
است؛ در صُورتِي كَه اين
حَدِيثُ قَطْعًا مَقِيدَ بَه
مَوَارِديِ اَسْتَ؛ مَانِند
مَوْضُوعَاتِي كَه حَضْرَتِ
صَادِقَ% در روایتِي بَه
عنوانِ تَصَرَّفَاتِ حَرَامِ
بِيَانِ فَرْمَوْدَه؛ مَثُلِ رَبَا،
خَرِيدَ وَ فَرْوَشِ مَرْدَارِ وَ
خُونِ وَ گَوْشَتِ خُوكِ وَ
حِيَاوَانَاتِ وَ پَرْنَدَگَانِ
وَحْشِيِ وَ هَمْجَنِينِ خَرِيدَ وَ
فَرْوَشِ شَرَابِ وَ عَيْنِ نَجَسِ وَ
هَرِ الْتِ وَ وَسِيلَهِ لَهُوِ وَ
يَا هَر تَصْرِفِي كَه مَوجَبِ
تَقوِيتِ كَفَرِ وَ باطِلِ وَ
سَسْتِيِ حَقِ شَوْدِ.» كَه
مَسْلَمًا اَنْسَانِ حَقِ نَدَارَد
در اين گَوْنَهِ مَوارِدِ بَه
تَصَرَّفِ دَلْخَواهِ در مَالِ
خَوْدِ دَسْتِ بَزَنْدِ وَ اَز
مَوارِدِ اَسْتَثَنا در اين
روایتِ نَبِوي - هَمِينِ
تَصَرَّفَاتِ اَتَلَافِي وَ نَيْزِ
سَايِرِ اَنْوَاعِ اَسْرَافِ اَسْتَ.
شبَهَهُ اَسْرَافِ وَ رَوْزِيِ

خَداونَدِ مَتَكَفِّلِ رَوْزِيِ
بَنْدَگَانِ خَويشِ اَسْتَ، كَه
در اين صورتِ اَسْرَافِ وَ
عَدَمِ آنِ، چَه تَأثِيرِي در
گَرسَنَگِيِ وَ يَا سِيرِيِ
اَنْسَانَهَا خَواهد داشَت.

پاسخ

خَداونَدِ عَهْدَهِ دَارِ
تَأْمِينِ نِيَازِمَنْدِيهِيَاهِيِ
مَوْجُودَاتِ رَوْزِيِ خَوارِ
خَوْدِ، اَز جَملَهِ اَنْسَانِ
گَرْدِيَهِ اَسْتَ، بَدِينِ سَبَبِ
طَبِيعَتِ وَ زَمِينِ رَا مَخْزَنِ

۳. تحف العقول، ابن شعبه
حرانی، ص ۲۴۶.

در حقیقت، مالی که به دست جامعه و یا انسان اسراف پیشه به نابودی کشیده می شود، حق انسانهای گرسنه و درمانده‌ای است که به گروهی ناپرهیزگار آن را پایمال می‌کنند.

نکته ای که در این مورد لازم به توضیح است، به هم پیوستگی و ارتباط موجود بین این سه اصل است؛ زیرا نبود هر یک از آنها کافی است، تا جریان روزی را دچار اختلال سازد؛ حتی فساد هر کدام ممکن است در دیگری هم تأثیر بگذارد و آن را نیز از اثر انداده، یا کم اثر نماید؛ به عنوان مثال در جامعه ای که تقوا و عدالت از آن رخت بر بندد، و اسراف و حق کشی در آن رایج شود، طبیعت نیز از دادن امکانات کامل خویش به فرمان الهی دریغ خواهد کرد.

بر طبق روایات رسیده از حضرات معصومین () یکی از مهم ترین عوامل کمبود برکات زمین، نپرداختن حق زکات یعنی در واقع همان روزی فقرا و تهیستان است که خداوند آن را در اموال صاحبان ثروت قرار داده است.

حضرت امام باقر % می فرماید: «وَجَذَّا فِي

تأمین مواد غذایی و امکانات زندگی قرار داده و راههای استفاده و بهره‌وری از آن را به مخلوقات خویش آموخته، از این طریق هر موجود را به سوی تأمین نیازمندی‌های خویش رهبری می‌کند؛ اما در خصوص انسان این تعهد را در مجموعه نظام تکوین و تشریع به انجام می‌رساند.

به عبارت دیگر، خداوند متعه دشده تا روزی‌رسان تمامی افراد بشر باشد و آن را از طریق سه اصل اساسی تضمین فرموده است:

۱. با به و دیعت گزاردن منابع بی‌شمار مواد حیاتی در دل طبیعت و قابلیت بخشیدن تسخیر و بهره‌وری از آن؛

۲. دادن نیروی فکری و جسمی و قوّه اراده به انسان برای تسخیر و استفاده از این منابع؛

۳. با ملزم نمودن او برای ایجاد جامعه‌ای سالم با روابط اجتماعی، اخلاقی و اقتصادی عادلانه به گونه‌ای که از ضایع شدن حق انسانی به دست انسانی دیگر جلوگیری به عمل آید و از نابودی نعمتهاي خدادادي به وسیله گروهي به زيان گروهي دیگر جلوگيری شود؛ پس

**عَلَيْهِمْ بَرَكَاتٌ مِّنَ السَّمَاءِ
وَإِهْرَافٌ وَلِكُنْ كَذِبُوا
فَاخْدُنَا هُمْ بِمَا كَانُوا
يَكْسِبُونَ؛** «اگر مردم آن قریه‌ها - که به هلاکت ابدی دچار گردیدند - اهل ایمان و تقوا بودند، برکات آسمان و زمین را بر آنان می‌گشودیم؛ ولی آنها پیام رسولان را تکذیب نمودند و ما نیز آنها را به دلیل کردار زشتستان، گرفتار عذاب خویش ساختیم.» در این خصوص، آیات دیگری هم وجود دارد که در آنها تقوا و عمل به دستورهای الهی، وسیله فراگیر شدن روزی و افزایش نعمت‌ها شمرده شده، که در اینجا مجازی برای ذکر آنها نیست.

بر این اساس، اسراف از این جهت که عملی برخلاف تقاو و ناشی از ستم پیشگی انسان است، گذشته از این که موجب نابودی امکانات زندگی و استمرار محرومیت نیازمندان است، زمینه غضب خداوند و نیز سلب نعمت از فرد و جامعه را فراهم می‌نماید. املام صادق٪ فرموده: «إِنَّ مَعَ الْإِسْرَافِ قِلَّةُ الْبَرَكَةِ؛ همانا اسراف همراه با کاهش و کمبود

كِتابٌ عَلٰى - قَالَ رَسُولُ اللَّهِ أَذْ أَمْتَعْتِ الزَّكَاةَ مَتَعْتِ الْأَرْضَ بَرَكَاتِهَا؛ در کتاب علی٪ یافتیم که رسول اکرم- فرموده است : هرگاه از دادن زکات خودداری شود، زمین نیز برکات خویش را دریغ مینماید.» به گفته سعدی: زکات مال به در کن، که فضله چو باغبان بزند بیشتر دهد انگور

البته جریان این قانون در صورتی است که احکام شرعی ابلاغ شده باشد و مانعی هم برای انجام دادن آن، بر سر راه نباشد و جهاتی نیز از قبیل استدراج و تنعم تدریجی سبب هلاکت ناگهانی و دادن مهلت برای امتحان بیشتر در میان نباشد.

از سوی دیگر، در جامعه ای که در آن عدالت، تقاو و نظامی مبتنی بر رعایت حقوق ضعفا حاکم باشد، طبیعت نیز به فرمان خدا سفره نعمتش را می‌گسترد و با آن جامعه، هم سویی خواهد کرد؛ در این باره قرآن مجید می‌فرماید:

**[وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرْبَى
أَمْنُوا وَاتَّقُوا لَفَتَحْنَا**

۱. کافی، محمد بن یعقوب کلینی، دارالکتب الاسلامیه، تهران، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ق، ج ۳ ص ۵۰۵. ۲. درخت انگور.

۳. اعراف / ۹۶ .
۴. مائدہ / ۶۷ و هود / ۵۲ .
۵. وسائل الشیعه، شیخ حر عاملی، ج ۱، ص ۲۶ .

و آنها را به اعتدال و رعایت میانه روی در استفاده از نعمتهاي خداوند، دعوت میکند. چکیده سخن این که، الگوي نظری اسلام در باب مصرف، این آيه کريمه است : **[كُلُوا وَ أَشْرِبُوا وَ لَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَيُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ]**؛^۱ «بخوريد و بياشاميد و اسراف نکنيد؛ همانا خداوند اسرافگران را دوست نمي دارد.»

بركت [در نعمتهاي الهي] است.» بنابراین می توان نتيجه گرفت که الگوي مصرف در اسلام مبتنی بر سه اصل اساسی زير است: الف) تمتع و انتفاع از مواهب الهي؛ ب) قناعت؛ ج) پرهيز از اسراف و تبذير. براساس اصل اول، اسلام بر خلاف برد اشت گروهي که خيال میکنند تقرب و بندگي خداوند با بهره وري از نعمتهاي الهي، منافات دارد، تمتع و برخورداري از مواهب زندگي را براي مسلمانان، به تنها جايز، بلکه امري ضروري مي شمرد و کناره گيري از لذات مادی در حد مشروع را به عنوان رهبانيت، امري ناپسند و غيرمشروع مي داند.

بنابر اصل دوم، علي رغم آنچه فرهنگ غرب القا می کند که، انسانها را در مصرف هر چه بيشرتر، به رقابت بکشاند، اسلام به قناعت و مناعت فرا مي خواند و انسان را به کنترل بر خويش و پرهيز از حرص و نزاع بر سر برخورد اريهای مادی، تشويق و ترغيب مينماید.

بر طبق اصل سوم، مسلمانان را از اسراف و تبذير و تجمل گرایي در مصرف بر حذر مي دارد

۱. اعراف / ۲۱.

آزادی از دیدگاه اسلام و غرب



سید محمد حیدری

آدمیتیز ادگان را گرامی داشتیم و آنها را در خشکی و دریا (بر مرکبهای راههوار) حمل کردیم و از انواع روزیهای پاکیزه به آنان روزی دادیم و آنها را بر بسیاری از موجوداتی که خلق کرده ایم، برتری بخشیدیم.»

ویژگی «اختیار» و «آزادی» انسان از دیرباز مورد بحث و بررسی محافل بشری بوده و هر گروه و مکتب علمی، تعریف خود را از آن دارد؛ در اینجا ضمن بحث پیرامون آزادی از دیدگاه اسلام، مقایسه‌ای بین این دیدگاه و دیدگاه غرب خواهیم

بر اساس آموزه‌های اسلامی، انسان از امتیازی خاص نسبت به سایر موجودات برخوردار است؛ که عبارت از اختیار، آزادی، علم و اندیشه باشد. این ویژگیها به او امتیاز بخشیده و موجب گشته تا انسان، تنها خلیفه الهی بر روی زمین باشد. و مورد توجه و تکریم پروردگار واقع شود و بر سایر مخلوقات برتری و فضیلت یابد. قرآن کریم به موضوع برتری انسان بر سایر موجودات اشاره کرده و می‌فرماید:

[وَ لَقْدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمْ وَ حَمَلْنَا هُمْ فِي الْبَرِّ وَ إِلَيْهِرْ وَ رَزَقْنَا هُمْ مِنَ الطِّبِّنَاتِ وَ فَضَّلْنَا هُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا

این باره می فرماید: «لَا
تَكُنْ عَبْدًا غَيْرِكَ وَ قَدْ
جَعَلَكَ اللَّهُ حُرًّا؛»^۳ بنده
دیگری می باش که خداوند
تو را آزاد قرار داده
است.

منتسکیو آزادی را
به «انجام هر چیزی که
قانون اجازه داده»^۴
تعریف می کند. همچنین
اعلامیه حقوق بشر
(۱۷۸۹ مصوبه فرانسه)^۵
نیز آزادی را به معنای
توانایی بر انجام کاری
که به دیگران زیان
نرساند تفسیر می کند.
رها یی از قیود در
محدوده قانون و نیز
حقوق قانونی که از
زندگی در حوزه حاکمیت
یک حکومت متشکل کسب
می شود، تعاریف دیگری
است که برای آزادی ذکر
شده است.

آزادی و آزادگی
در یک جامعه که
افراد بر اساس سلسلة
تعهدات و التزامات در
آن زندگی می کنند، هیچ
کس نمی تواند همه اعمال
دلخواه خویش را همیشه
و همه جا انجام دهد؛
ازادی مطلق، چیزی جز
هرچ و مرج و نظر
تعهدات اجتماعی نیست.
محدودسازی اجتماعی

۳. نهج البلاغه، سید رضی،
تصحیح: صباحی صالح، نشر
هجرت، قم، ۱۴۱۴ق، ص ۴۰،
نامه ۳۱.
۴. لغتنامه سیاسی، عباسعلی عمید،
زنگانی، انتشارات امیکبیر،
تهران، ۱۴۲۱ق، ج ۱، ص ۷۵۸.

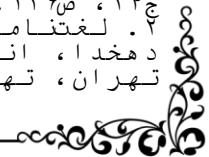
داشت.

آزادی به معنای
رهایی از بردهی در
بابهای مختلف فقهی اعم
از عبادات [مانند:
صلات، زکات، حج، جهاد]
عقود [نظیر: تجارت،
وکالت، وقف، وصیت،
نكاح [، ایقاعات
[همچون: عتق و نذر] و
احکام [مانند: غصب،
ارث و قصاص [آمده و
موضوع احکامی قرار
گرفته است؛ مثلاً: اصل
در انسان، آزاد بودن
است، فرزند در آزاد
یا برد بودن، تابع
پدر و مادر خویش است
و...]

معنای آزادی

آزادی، در لغت به
معنای اختیار، خلاف
بندگی و رقیت و عبودیت
و اسارت و اجبار، قدرت
عمل و ترك عمل و قدرت
انتخاب است.
اصل آزادی از اصول
و قواعد معروف فقهی
است. یعنی اصل آزاد
بودن انسانها در برابر
یکدیگر؛ چرا که هیچ
انسانی از پیش، بر
دیگری ولایت و سلطنت
ندارد.
امیر المؤمنین % در

۱. جواهر الكلام في شرح
شريائع الإسلام، محمدحسن نجفي،
دار أحياء التراث العربي،
بيروت، چاپ هفتم، ۱۴۰۴ق،
ج ۲۴، ص ۱۳۶۵.
۲. لغتنامه دهخدا، علی اکبر
دهخدا، انتشارات دانشگاه
تهران، تهران، ۱۳۷۳ش.



عالی از هر نوع، مانع و مزاحم و هموار بودن راه تکامل آن مفهوم صحیح آزادی در مکتب اسلام است.

قرآن، مسئله آزادی را در قالب توحید بیان می‌کند و به تقیّد، تعدد و التزام انسان به اطاعت از فرمان خدا - که بیانگر راه تکامل انسان است و نفی مطلق اطاعت غیر خدا به هر نوع و با هر وسیله - دعوت می‌کند. خداپرست واقعی، یک فرد آزاد است که در برابر هیچ قدرتی سر تعظیم فرود نمی‌آورد.

آنچه انسان را به زنجیر اسارت جباران می‌کشد، همان بندهای جهل، زبونی و طمع و پرستش هوای و هوشهای تمایلات حیوانی است، و حتی جباران و خودکامگان نیز که انسانها را به بند می‌کشند خود در اسارت هوشهای و افزون طلبیها، قدرتپرستیها، خودخواهیها، دنیاپرستیها و شهوات خویشاند.

در اسلام، مبارزه در راه آزادی با جهاد قهرآمیز و جنگ با دشمنان آزادی و ریشه‌کن کردن کسانی که انسانها را به بند می‌کشند،

در زندگی اجتماعی، اجتنابناپذیر است. سخن را باید به میزان و معیار این محدودیت اختصاص داد و از مانعها بحث کرد؛ زیرا محدودیتها گاه به وسیله افراد، گروهها، دولت، جامعه، شرایط حاکم و بالاخره زمانی با قانون صورت می‌پذیرد. باید دید کدام یک از این عوامل و نیز بر اساس چه معیاری و به چه میزان و اندازه میتوانند آزادی افراد را محدود کنند؟

از سوی دیگر آزادی در عرصه سیاست، اقتصاد و در زمینه‌ای فرهنگی، اعتقادی، فکری و نیز آزادیهای مدنی و... از یکدیگر جدا نیستند و متلازم و وابسته‌اند.

در این میان اسلام برای آزادی، هویت و عامل انسانی قائل است و بنی آدم را دارای استعدادهای فراوان و تمایلات عالی انسانی می‌داند، و همین استعدادها و تمایلات عالی را منشاء آزادی آدمی می‌شمارد و آزادی را بر اساس آن چیزی می‌داند که تکامل انسانی را ایجاب می‌کند. و آزادی در این دید، یک حق انسانی و ناشی از استعدادهای انسانی و رهایی این استعدادها و تمایلات

دعوت کننده به درگاه خداوند با اجازه حضرت او و چراغی فروزان از نخست تا پایان است، برساند.» «لام» در کلمه «لیُخ رِجَ» اینجا برای تعلیل است. علت بر انگیختگی پیامبر - به حق، برای این است که خداوند، بندگان خود را از عبادت بندگانش بیرون بکشد و به عبادت خود داخل کند. هر کسی که در مقابل غیر حق سر فرود آورده، او در مقابل شرک و بتیرستی و شنویت و وثیت تعظیم و کرنش کرده است و هر کسی که از شخص دیگر و رئیسی بندۀ دیگر و شاه حاکمی به دیگر و شاه حاکمی به غیر حق اطاعت کند، او قلب خود را متوجه عالم اعتبار و پندار و شرک و ظلم و ستم کرده است؛ پس هر بندۀ ای که یکی از بندگان خدا را عبادت کند و قلبش متوجه او باشد، از عالم توحید خارج شده است. پیغمبر آمده است تا اینکه قلبها را از عبادت بندگان خدا بیرون بیاورد و به عبادت خدا سوق بدهد، و بگوید خدا را عبادت کنید؛ از این رو به دنبالش می‌فرماید: «وَ مِنْ عَهْوُدِ عَبَادِهِ إِلَى عَهْوِدِهِ»؛ انسانها را از قراردادهای بندگان خارج کند و در عهد خدا

تمام نمی‌شود . مسلمان به موازات این جهاد باید به جهاد بزرگتر روی آورد تا خود را از درون ، آزاد کند و زنجیر اسارت را از دل و فکرش رها سازد و خود را از عبودیتها و ابستگیها و دلدادگیها آزاد کند.

امیر المؤمنین % در
یکی از خطبه های
نهج البلاغه می فرماید :
«فَإِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ
تَعَالَى يَعْثُثُ مُحَمَّداً -
بِالْحَقِّ لِيُخْرُجَ عِبَادَةً مِنْ
عِبَادَةِ عِبَادَةِ إِلَى
عِبَادَةِ إِلَى عَهْوَدِ
طَاعَةِ عِبَادَةِ إِلَى طَاعَةِ
وَمِنْ وَلَايَةِ عِبَادَةِ إِلَى
وَلَايَتِهِ بَشِيرًا وَ نَذِيرًا وَ
دَاعِيًا إِلَى اللَّهِ بِإِذْنِهِ وَ
سَرَاجًا مُنِيرًا عَوْدًا :
محمد - را به حق و
راستی برانگیخت تا
بندگان را از پرسش
بندگان به پرسش خویش
و از وفای به پیمانهای
بندگان به عمل به
پیمانهای خود و از
اطاعت بندگان به اطاعت
و عبادت خود و از ولایت
(دوستی با سرپرس‌تی)
بندگان به ولایت خود که
مزده بخش، بیم دهنده ،

١. الكافي، أب و جعفر محمد بن يعقوب كليني، دار الكتب الاسلامية، تهران، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ق، ج ۸، ص ۳۸۶.

سیاسی.

۱. آزادی عقیده و تفکر
اینکه دین نباید به
افراد تحمیل شود و
مردم باید در انتخاب
دین، آزاد باشند، یک
مسئلۀ است، و اینکه
«عقیده »، آزاد است
مسئلۀ دیگری است؛ به
عبارت دیگر، «تفکّر و
انتخاب، آزاد است» یک
مطلوب است، و «عقیده ،
آزاد است» مطلبی دیگر
است.

بسیاری از اعتقادات
مبنا فکری دارد؛ یعنی
انسان آنها را تشخیص
داده و انتخاب کرده
است. دلیستگی و عقد
قلبی که در انسان پیدا
می‌شود، در بسیاری از
موارد ناشی از تشخیص و
انتخاب است؛ اما آیا
همه عقاید بشر مبنی بر
فکر، تشخیص و انتخاب
است؟ و یا اکثر عقاید
بشر یک بستگیها و
انعقادهای روحی است که
هیچ مبنای فکری ندارد
و بلکه مبنای عاطفی
دارد؛ قرآن کریم در
باب تقلید نسلها از
نسلهای پیشین خود به
این نکته اشاره می‌کند
و می فرماید : [إِنَّا
وَجَدْنَا آبَاءَنَا عَلَىٰ أُمَّةٍ
وَ إِنَّا عَلَىٰ آثَارِهِمْ
مُقْتَدُونَ]؛^۱ «ما پدران
خود را بر یک راهی
یافته ایم و خود نیز به

۲

۱. زخرف / ۲۳

وارد کند؛ یعنی از
تمام تعهدات و
قراردادهایی که بندگان
خدا با غیر خدا
می‌بندند و بر اساس آن
معاهدات، خود را برده
و غلام و کنیز آنان
می‌پندارند، و آنها را
آمر و خود را مأمور و
ذلیل و بیچاره
می‌دانند، رها سازد .
خداوند پیغمبر را
برانگیخت تا اینکه همه
بندگان خود را از طاعت
بندگان دیگر خارج سازد
و تحت طاعت خود داخل
کند: «وَ مِنْ وِلَيْتَهِ عِبَادَهُ
إِلَىٰ وِلَيْتَهِ» و از ولایت
(یعنی از تحت نظر
بودن، و از سیطره و
قدرت) بندگانی مثل
خودشان خارج کند.

خلاصه اینکه آزادی
در مفهوم اسلامی از
تعهۀ د انسان در برابر
خدا و التزام به ولایت
حاکمیت تشریعی الهی
است و به همین دلیل
مبنی بر جهان بینی و
دید توحیدی عمیق است.
انواع آزادی و اعلامیه
حقوق بشر

آزادی به اعتبار
فعالیتهای گوناگون
آدمی به انواع ذیل
 تقسیم می‌شود:

۱. آزادی عقیده و
تفکر؛ ۲. آزادی
اجتماع؛ ۳. آزادی قلم؛
۴. آزادی کار؛ ۵. آزادی
تجارت؛ ۶. آزادی

می‌کنند، بر اساس ضوابطی، در ابراز عقیده خود بدون فرآخواندن مسلمانان به آن، آزادند. همچنین در انجام مراسم عبادی و نیز عمل بر طبق شریعت خود در ازدواج، اirth و معاملات، آزادی دارند؛ به شرط آنکه آنچه را نزد مسلمانان منکر است، به طور علني مرتکب نشوند. برای حل اختلافات خود نیز می‌توانند نزد قاضی مسلمانان یا قاضی خودشان مراجعه کنند و دولت اسلامی تا جایی که به حال مسلمانان، ضرر و با مصالح کشور اسلامی منافات نداشته باشد، نمی‌تواند در شئون آنان دخالت کند.

۲. آزادی بیان و قلم
بر اساس اصل آزادی، آدمی در ابراز اندیشه‌ها و افکار خود و نیز چاپ و نشر آنها، آزاد است؛ اما پرهیز از دروغ، نشر باطل، ترویج منکرات، اهانت به فرد یا جامعه و آنچه موجب تضعیف نظام و امت اسلامی است، واجب و ارتکاب آنها حرام می‌باشد.

از این رو، چاپ و نشر محصولات فرهنگی و کتابهای منحرف (کتب ضاله) جایز نیست و دولت اسلامی می‌تواند از آن جلوگیری کند و یا

آثار آنان اقتدا می‌کنیم.» عقایدی که با پیروی از اکابر به دست می‌آید نیز از همین دست است، اساساً آزادی عقیده در این موارد معنای ندارد؛ زیرا آزادی یعنی رفع مانع از فعالیت یک قوه فعال و پیشرو، ولی عقیده به این معنای نوعی رکود و جمود است. آزادی در رکود، مساوی است با مفهوم آزادی زندانی در بقای در زندان و آزادی آدم به زنجیر بسته در بسته بودن؛ تفاوت در این است که زندانی جسم، حالت خود را حس می‌کند؛ اما زندانی روح، حالت خویش را حس نمی‌کند.

بنابراین انسان در اندیشیدن و اعتقاد آزاد است، اگرچه ممکن است در بعضی موارد نوعی رکود و جمود باشد، و کسی نمی‌تواند دیگری را به انتخاب دین خاصی مجبور کند - همچنان که کسی بر باقی ماندن بر دین منتخب خود نیز مجبور نمی‌شود - ولی اگر با آزادی، اسلام را اختیار کرد، حق تغییر دین خود را ندارد. کافرانی که در سرزمین اسلامی زندگی

۱. ر.ک: مجموعه آثار (فقه و حقوق)، مرتضی مطهری، صدر، تهران، بینا، ج ۲، ص ۲۵۹.

مثل بتایی اجیر دیگری
کند.

۵. آزادی تجارت

انسان در انواع
تجارت‌های داخلی و
خارجی با این شرط که
کسب حلال کند و به دور
از اجحاف، اضرار،
احتکار و معاملات ربوی
باشد، آزاد است. در
اسلام، فرد، مالک آن
چیزی است که از راه
مشروع کسب کند؛ هر چند
بر اساس ضوابطی باید
خمس، زکات، و خراج آن
را بپردازد. بنابراین،
دولت اسلامی، حق
جلوگیری از تجارت‌های
مشروع داخلی و خارجی و
نیز مصادره اموال
مشروع منقول و غیر
منقول مردم را ندارد.

۶. آزادی سیاسی

تمامی افراد جامعه
- جز در مواردی که نص
خاص وارد شده است - از
حق دخالت در سرنوشت و
اعمال حاکمیت ملی خود
از راه انتخاب شدن و
انتخاب کردن
برخوردارند.

بنابراین اگر

پیامبر- یا امام منصوب
از جانب ایشان حاضر
نباشد، مردم می‌توانند
حاکم خود را بر اساس
موازین و معیارهای
اسلامی پرگزینند و در
صورت تخلف وی از احکام
شريعت، او را عزل کنند

در صورت نشر، آنها را
جمع آوری کند. دولت
اسلامی همچنین در دوران
جنگ می‌تواند از فعالیت
مطبوعاتی که باعث
تضعیف روحیه رزمندگان
اسلام می‌شوند یا اسرار
را برای دشمن فاش
می‌کنند، جلوگیری کند.
۳. آزادی اجتماعات

مردم از حق برپایی
اجتماعات و گرد همایی
برای مشورت و تبادل
نظر در موضوعات مورد
علاقه تحت عنوان حزب،
اتحادیه و مانند آن
برخوردارند و دولت
اسلامی نمی‌تواند از آن
مانع کند؛ مگر این‌که
برای نظام و امت اسلامی
مضر باشد.

۴. آزادی کار

هر انسانی در عمل
خود، آزاد است و کسی
نمی‌تواند او را به
انجام کاری مجبور کند.
آدمی در انتخاب نوع،
زمان، مکان، کمیت و
کیفیت کار، آزاد است؛
هر چند در چارچوب مقرر
در شريعت اسلام برخی
کارها مانند شراب‌سازی،
حرام شمرده شده است.
همچنین می‌تواند این
آزادی را با بستن عقد
یا عهد با دیگری، از
خود سلب کند؛ مانند
این‌که کسی خود را به
مدت ده روز در مکانی
مخصوص برای عملی خاص

حدودی که مخالف قوانین موضوعه کشوری و یا اخلاق حسنی باشد، نمی‌تواند با استفاده از حریت خود، صرف نظر کند.

قانونی مانند ماده «۹۶۰» قانون مدنی ایران در مجموعه قانون مدنی فرانسه یافت نمی‌شود؛ گویا مضمون آن از بند دوم ماده «۲۷» قانون مدنی سوئیس اقتباس شده باشد که می‌گوید: «هیچ کس نمی‌تواند حتی قسمتی از حق تمتّع یا اجرای حقوق مدنی را از خود سلب کند. هیچ کس نمی‌تواند آزادی خود را وگذار کند و نه خود را از استعمال آن در حدودی که بر خلاف قوانین یا اخلاق باشد، ممنوع کند.»

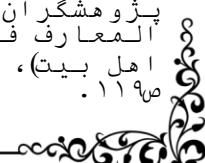
آزادی از دیدگاه اسلام در ماده چهارم حقوق بشر آمده: گرفتن و بازداشت کردن انسان یا مقید ساختن آزادی یا تبعید یا کیفر دادن او بدون علت شرعی جایز نیست، و هیچ انسانی را نمی‌توان شکنجه بدñی یا روانی یا هر نوع آزارهای موجب ذلت و قساوت بار یا مخالف

۲. حقوق مدنی، سید حسن امامی، انتشارات اسلامیه، تهران، بیتا، ج ۴، ص ۱۸۰.

و در صورت تعدّد واجدان شرایط، رأی اکثریت، ملاک است.^۱ آزادیهای فردی ب وسیله اعلامیه حقوق بشر و منشور ملل متعدد، تأیید و حمایت شده است. آزادیهای فردی، لازمه حیات فرد اجتماعی است و بدون داشتن آن‌ها (آزادیهای فردی)، شخص از افراد زنده جامعه ب هشمار نمی‌آید و از منافع اجتماعی برخوردار نمی‌شود؛ بدین جهت هیچ فردی نمی‌تواند از خود سلب حریت کند؛ یعنی از آزادیهای فردی صرف نظر کند؛ همچنانی که دیگری نمی‌تواند به آن تجاوز کند.

ماده ۹۶۰ قانون مدنی می‌گوید: «هیچ کس نمی‌تواند از خود، سلب حریت کند و یا در حدودی که مخالف قوانین و یا اخلاق حسنی باشد از استفاده از حریت خود صرف نظر کند»؛ چنان که از این ماده قانونی معلوم می‌شود نه فقط سلب حریت را قانون منع کرده است؛ بلکه بدون آنکه کسی حریت را از خود سلب کند، در

۱. فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت (ع)، جمعی از پژوهشگران، مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت (ع)، قم، ۱۴۲۶ق، ج ۱، ص ۱۱۹.



آزمایش، خدمت صادقانه به علوم پزشکی باشد و خود انسان رضایت بدهد، مانعی وجود ندارد و در صورتی که آزمایش باعث اضرار بر انسان باشد، انسان نمیتواند از این حق آزادی استفاده کند؛ زیرا در این صورت، مشمول احکام حق حیات میشود که هیچ کس نمیتواند با تمسمک به حق آزادی، آن را مختل سازد.

آزادی از دیدگاه حقوق بشر غرب

ماده پنجم: احدي را نمیتوان تحت شکنجه یا مجازات یا رفتاری قرار داد که ظالمانه و یا بر خلاف انسانیت و شئون بشری یا موهن باشد.

ماده نهم: احدي نمیتواند خودسرانه توقيف، حبس یا تبعید شود.

ماده یازدهم: همچنین هیچ کس به علت ارتکاب عملی یا خودداری از عملی، محکوم نخواهد شد؛ مگر وقتی آن کار به موجب قوانین ملی یا بین المللی - در هنگام ارتکاب - جرم محسوب باشد، نیز هیچ کس به مجازاتی بیش از مجازات مقرر در هنگام ارتکاب جرم محکوم نخواهد شد.

ماده چهاردهم: هر

کرامت انسانی نمود. همچنین جایز نیست آزمایشهای طبی و علمی را روی فردی انجام داد؛ مگر اینکه خودش رضایت داشته باشد و سلامت و زندگی اش در معرض خطر قرار نگیرد، و جایز نیست وضع قوانین استثنایی که امور ممنوعة فوق را در اختیار سلطه های اجرایی قرار بدهد.

این ماده از عالی ترین اصول انسانی است که از اسلام سرچشمه میگیرد.

شاهد بحث، «مقید ساختن آزادی» است، اگر چه گرفتن یا باز داشت کردن یا تبعید انسان بدون دلیل هم از بین بردن آزادی است. در حقیقت، نخستین و ضروری ترین عامل چشیدن طعم حیات، حق آزادی است؛ به گونه ای که میتوان گفت کسی که از آزادی محروم است، از حیات مطلوب، محروم است. و همچنین ممنوعیت استفاده از انسان در معرض آزمایشهای طبی و علمی نیز مربوط به «حق آزادی» است. البته در مواردی که هدف از

۱. رسائل فقهی، محمد تقی جعفری، مؤسسه منشورات کرامت، تهران، ۱۴۱۹ق، ص ۱۵۳.

کیفر دادن، مگر در موادری که مجوز قانونی و شرعی وجود دارد، در ماده چهارم حقوق بشر از دیدگاه اسلام به صراحت ذکر شده است؛ ولی این شرط در مواد حقوق بشر از دیدگاه غرب دیده نمی‌شود.

البته، ممکن است با نظر به قرائین موجود در مواد همین حقوق و با توجه به مشروط بودن همه مواد حقوق بشر از دیدگاه غرب به عدم مخالفت با قوانین و مقررات آن را پذیرفت.^۲

۲. در مواد حقوق بشر از دیدگاه غرب هر کجا که آزادی مطرح شده معمولاً بدون قید «مسئولانه» است؛ مگر در موادری که فقط مزاحم حقوق دیگران باشد. در حقوق بشر از دیدگاه اسلام، هر جا کلمه «آزادی» به عنوان یک حق مطرح می‌شو د، همان‌گونه که مقید است به عدم تزاحم با حقوق و آزادی‌های دیگران، مقید است به عدم تباہ ساختن «حیات معقول» که اسلام برای تحقق بخشیدن به آن قیام کرده است. به همین علت، همواره قید «مسئولانه» با کلمه

کس حق دارد برای گریز از هر گونه تعقیب، شکنجه و آزار، پناهگاهی جستجو کند (به جایی پناهنده شود) و در کشورهای دیگر پناه اختیار کند. مشترکات حقوق بشر اسلام و غرب

از جمله مشترکات حقوق بشر از دیدگاه اسلام و غرب به موادر زیر می‌توان اشاره کرد:

۱. ممنوعیت بازداشت کردن (توقیف) یک انسان بدون علت قانونی؛
۲. ممنوعیت مقید ساختن آزادی؛

۳. ممنوعیت تبعید؛
۴. ممنوعیت کیفر دادن بدون علت شرعی قانونی و مجازات بیش از آنچه جرم اقتضا می‌کند؛
۵. ممنوعیت شکنجه، اعم از بدنی و روانی؛
۶. ممنوعیت هر گونه آزار قساوت بار و باعث ذلت و مخالف کرامت انسانی.

تفاوت‌های حقوق بشر اسلام و غرب

تفاوت‌های حقوق بشر اسلامی و غربی نیز عبارتند از:

۱. مقید ساختن آزادی، ممنوعیت بازداشت و تبعید و

.۲. همان، ص ۱۵۵.

.۱. همان، ص ۱۵۴.

غرب به طور صریح دیده نمی شود؛ در صورتی که از دیدگاه منطق خاص حقوق، باید مورد تذکر قرار بگیرد. این نکته باید روش شود که مقصود از ممنوعیت وضع قوانین استثنایی که موجب شود سلطه های اجرایی بتوانند ممنوعیتها را تجویز کنند، غیر از احکام ثانوی است که با نظر به علل صالح و مفاسد عارضه در زندگی مردم جامعه، وضع آن مشروع و بلکه ضروری است.^۲

نتیجه:

۱. فلسفه آزادی انسان، انتخاب آزاد عبودیت خدا و رها کردن خویش از بند عبودیت غیر خداست و مسئولیت انسان نیز در انتخاب این دو راه معن ادار می شود؛ همانگونه که در کلام علی^۳ بدان اشاره شد.

۲. حقوق بشر اسلام برای آزادی، هویّت و عامل انسانی، ارزش قائل است؛ بنابراین انسان را دارای استعدادهای فراوان و تمایلات عالی انسانی می داند، و همین استعدادها و تمایلات عالی را منشأ آزادی

«آزادی» ذکر می شود و یا به طور ضمنی منظور شده است؛ اگر چه صریحاً مورد تذکر قرار نگرفته باشد.^۱

۳. در حقوق بشر از دیدگاه غرب، ممنوعیت آزمایشهای طبی و علمی در هر دو بعد انسان (بدنی و روانی) مشاهده نمی شود؛ در صورتی که در حقوق اسلامی، بدان جهت که هر انسانی اختیار بدن و روان خود را دارد تا جایی که ضرری بر آنها وارد نشود، با رضایت خود انسان جایز است؛ از این رو قراردادن بدن یا روان انسان در معرض آزمایشها ممنوع است؛ مگر با دو شرط:

الف) رضایت خود
انسان مورد آزمایش؛
ب) عدم اضرار بر بدن و روان فرد مورد آزمایش طبی یا هر گونه بررسی های علمی دیگر.

۴. در حقوق بشر از دیدگاه اسلام، این حکم در تحکیم حقوق آمده آزادیها فوق آمده است: «جایز نیست که با وضع قوانین استثنایی، امور ممنوعه فوق را در اختیار سلطه های اجرایی قرار بدهد.» این حکم در حقوق بشر از دیدگاه

۱. همان.

جلوگیری کند؛ و گرنه به هرج و مرج ، استبداد ، دیکتاتوری و در نتیجه سلب آزادی افراد می‌انجامد.

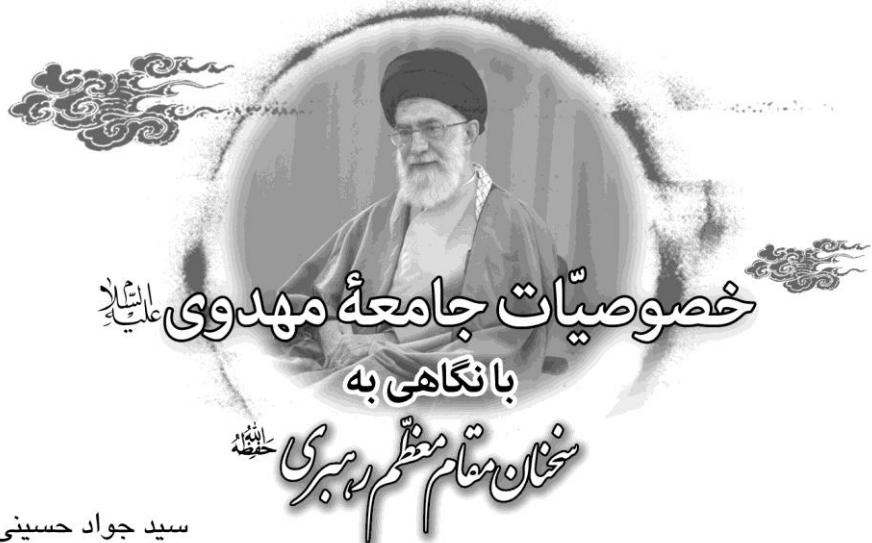
۶. اسلام با تشريع امر به معروف و نهی از منکر و تحت عناوین «معروف» و «منکر» چارچوب آزادی را تعیین کرد ه است؛ یعنی زمینه های مختلف فرهنگی، اقتصادی و سیاسی فعالیت کند و باید از انجام هرگونه منکری بپرهیزند.

انسان می‌شمارد و آزادی را بر اساس آن، چیزی می‌داند که تکامل انسانی را ایجاب می‌کند، و آزادی در این دید، یک حق انسانی است و ناشی از استعدادهای انسانی و رها یی این استعدادها و تمایلات عالی از هر نوع مانع و مزاحم و هموار بودن راه تکامل آن مفهوم صحیح آزادی در مکتب اسلام است.

۳. حاکمیت انسان بر سرنوشت خویش ، نتیجه اصل اعتقادی «آزادی و اختیار انسان » و حاکمیت او بر سرنوشت خویش است که به حکم مشیت الهی او آزاد، مسئول و حاکم بر سرنوشت خویش آفریده شده و به او شرافت ، کرامت ذاتی و شایستگی خلافت الهی داده شده است.

۴. آزادی از حقوقی نیست که در ابتدا بتوان به دیگری داد یا از وی ستاند، جز در موارد خاصی مانند به برده‌گی گرفتن اسیران جنگی با شرایط خاص و یا آزاد کردن برده از سوی مولا.

۵. تحقق آزادی انسانها ، نیازمند چارچوب و ضوابطی است که از افراط و تفریط



خصوصیات جامعه مهدوی علیهم السلام بانگاهی به

سخنران مقام معظم رهبری خطبه

سید جواد حسینی

به امام زمان، همه یک سلسلة متصل و مرتب به هم در تاریخ بشر است. این بدان معناست که آن حرکت عظیم نبوت‌ها، آن دعوت الهی به وسیله پیامبران، در هیچ نقطه‌ای متوقف نشده است. بشر به پیامبر و به دعوت الهی و به داعیان الهی احتیاج داشته اس ت و این احتیاج تا امروز باقی است و هر چه زمان گذشته، بشر به تعالیم انبیا نزدیک تر شده است.»^۱

در جای دیگر می‌فرماید: «جامعه مهدوی، یعنی آن دنیایی

جامعه مهدوی در واقع محصول تلاش پیامبران و اولیای الهی است که همگان تحقق آن را آرزو دارند، و همه انسانها مشتاقند که پیش از تحقق، ویژگیهای آن را بدانند تا در راه تحقق آن بیشتر بکوشند.

مقام معظم رهبری در این باره می‌فرماید: «... وجود مقدس حضرت بقیة الله ارواحنا فداء استمرار حرکت نبوت‌ها و دعوتهاي الهی است، از اول تاریخ تا امروز؛ يعني همان طور که در دعای ندبه می‌خوانید از «**فَبَعْضُ أَسْكَنَهُ جَنَّتَكَ**» که حضرت آدم است، تا «**إِلَيْكَ أَنْتَهِيْتُ بِالْأَمْرِ**» که رسیدن به خاتم الانبیاء- هست، و بُعد مسئلة وصایت و اهل بیت

۱. انسان ۲۵۰ ساله، بیانات مقام معظم رهبری درباره زندگی سیاسی - مبارزاتی ائمه معصومین، مؤسسه جهادی، سیزدهم، تهران، ۱۳۹۱ ش، ص ۳۴۳.

این راه و در این مسیر
ناکام نماند، باری بود
که بر دوش این مأموران
عالی مقام نهاده شده
بود. هر کدام قدمی آن
بار را به مقصد و
سرمنزل نزدیک کردند،
کوشش کردند، هر چه
توان داشتند به کار
بردنده. آن وقتی که عمر
آنان سر آمد، این بار
را دیگری از دست آنان
گرفت و همچنان قدمی و
مسافتی آن بار را به
مقصد نزدیک کرد. ولی
عصر (عج) میراث بر همه
پیامبران الهی است که
می‌آید و گام آخر را در
ایجاد آن جامعه الهی
برمی‌دارد.»

اکنون باید دید یک
جامعه به این ژرفای و
عمق که تاریخ انبیا و
بشریت، زیرساخت آن را
تشکیل می‌دهد، چه
ویژگیهایی دارد؟

۱. قلع و قمع ظلم و طغيان

در جامعه مهدوی با
هر گونه ظلم و
بی‌عدالتی و انحرافات
فکری، مبارزه می‌شود و
ظلم و ستمگری از ریشه
کنده می‌شود. در این
زمینه، روایات و منابع
دینی، گاه به صورت
عام، مطلب را بیان
می‌کند و گاه به
مصادقهای ظالمین اشاره
می‌کند:

که امام زمان می‌آید تا
آن دنیا را بسازد؛
همان جامعه ای است که
همه پیامبران برای
تأمین آن در عالم ظهور
کردند؛ یعنی همه
پیغمبران مقدمه بودند
تا آن جامعه ایده آل
انسانی، که بالآخره به
وسیله ولی عصر و مهدی
موعود در این عالم
پدید خواهد آمد و
پایه‌گذاری خواهد شد،
به وجود بیاید. مانند
یک بنای مرتفعی که کسی
می‌آید زمین آن را
تسطیح می‌کند و خار و
خاشاک را از آن می‌کند
کس دیگری پس از او
می‌آید و زمین را برای
پایه ریزی می‌کند و گود
می‌کند و کسن دیگری پیش
از او می‌آید تا پایه‌ها
را شالوده ریزی کند و
بلند کند و کس دیگری
پس از او می‌آید تا
دیوارها را بچیند و
یکی پس از دیگری،
مأموران و مسئولان
می‌آیند تا این کاخ
مرتفع، این بنیان رفیع
به تدریج در طول زمان،
ساخته و پرداخته بشود.
انبیای الهی از آغاز
تاریخ پیشریت یکی پس از
دیگری آمدند تا جامعه
را و بشریت را قدم به
قدم به آن جامعه
آرمانی و آن هدف نهایی
نزدیک کنند. انبیا،
همه موفق شدند، حتی یک
نفر از رسولان الهی در

الف) روایات عام

رسول خدا -
میفرماید: «اَنْ عَلَيَّ بْنَ اَبِي طَالِبٍ % وَصِيَّيْ وَ اِمَامُ اَمْتَىٰ .. وَ مِنْ وَلِدِهِ الْقَائِمُ الْمُنْتَظَرُ الَّذِي يَفْلَأُ اللَّهُ بِهِ الْأَرْضَ قِسْطَأً وَ عَدْلًا كَمَا مُلِئَتْ جُورًا وَ ظُلْمًا؛^۱ به راستی که علی بن ابی طالب%， امام امت من است و قائم از نسل او است: آن کس که زمین را از عدالت و مساوات لبریز میکند، آن گونه که از ستم و بیداد لبریز گشته باشد ». البته مبارزه با ظلم و منحرفان به صورت منطقی است که امام% آنها را نصیحت می کند؛ اگر نپذیرفتند دستور ریشه کنی آنها را صادر میکند.

حضرت صادق% فرمود: «فَيُقْبِلُ الْمَهْدِيُّ (عَجَ) عَلَى الطَّائِفَةِ الْمُنْخَرَفَةِ فَيَعْظُمُهُمْ وَ يَذْعُوُهُمْ ثَلَاثَةَ اَيَّامٍ فَلَا يَزِدُ اُدُونَ اَلَّا طُعَيَّانًا وَ كُفَّارًا فِي اَمْرٍ بِقِتْلِهِمْ فَيُقْتَلُونَ جَمِيعًا؛^۲ پس او (مهدي) روي به گروه م نحرفان نماید و سه روز، آنان را موعظه و دعوت کند و چون آنان بر طغيان و

۱. کشف الغمة، اربلي، دار الاشواق، بيروت، اول، بيتا، ج ۳، ص ۳۲۸.
۲. نواب الدبور، ميرجهاني، كتابخانه صدر، اول، ج ۳، ص ۱۴۲.

۳. مفاتيح الجنان، شيخ عباس قمي، مترجم: موسوي كلانتري، انتشارات مطبوعاتي ديني، قم، سوم، ۱۳۷۷ش، دعای ندبہ، ص ۸۸۷.
۴. همان، ص ۲۹۸.

و جور را دگرگون کند و نسیم عدل را بر زندگی انسان بوزاند تا انسانها احساس عدالت کنند. این نیاز همیشگی یک انسان زنده و یک انسان آگاه است ». «
بلکه هر موجود زنده ای به آن نیاز دارد رسول خدا - فرمود: «... يَمْلأُ الْأَرْضُ عَدْلًا كَمَا مُلْتَثٌ حُوْرًا يَرْضي بِخَلْفَتِهِ أَهْلُ الْأَرْضِ وَ أَهْلُ السَّمَاءِ وَ الطِّينِ فِي الْجَوَءِ؛ زمین را پس از آنکه پر از ستم است، چنان پر از داد کند که ساکنان زمین و آسمان حتی پرندگان هوا از حکومتش اظهار رضایت نمایند»
حتی کم ترین ظلم برداشته شده، و جبران حق مظلوم می شود. رسول خدا - فرمود: «يَبْلُغُ مِنْ رَدِ الْمَهْدِيِ الْمَظَالِمَ حَتَّى لَوْ كَانَ تَحْتَ ضِرْسٍ إِنْسَانٌ شَيْءٌ إِنْتَرَعَهُ حَتَّى يَرُدَّهُ؛
کار [امام] مهدی (عج) در بیان پس گرفتن حقوق به آنجا می رسد که اگر در بن دندان انسانی حق فردی دیگر نهاده باشد، آن را باز پس میگیرد و (به صاحب حق

خدایا مشتاق دولت کریمه هستیم که به وسیله آن، اسلام و اهلش را عزت دهی و نفاق و پیروانش را خوار گردانی و به وسیله او (و ظهور او) ما را بر دشمنان نصرت بخش.»

مقام معظم رهبری در این باره می فرماید: «امام زمان (عج) جامعه اش را بر این چند پایه بنا می کند؛ اولًا: بر نابود کردن و قلع و قمع کردن ریشه های ظلم و طغيان، يعني در جامعه اي که در زمان ولی عصر% ساخته می شود باید ظلم و جور نباشد، نه اینکه فقط در ایران نباشد، یا در جوامع مسلمان نشین نباشد، در همه دنیا نباشد . نه ظلم اقتصادي و نه ظلم سیاسي و نه ظلم فرهنگی و نه هیچ گونه ستمی در آن جامعه، دیگر وجود نخواهد داشت . باید استثمار اختلاف طبقاتی و تبعیض و نابرابری و زورگویی و گردن گلفتی و قلدری از عالم ریشه کن بشود... ». «

در جای دیگر

می فرماید: «امروز ما انتظار فرج داریم ، يعني منظریم که دولت قدرتمند عدالت گسترش بیاید و این غلبه ظلم

۱. انسان ۲۵۰ ساله ، ص ۳۳۹.

۲. همان ، ص ۲۳۷.
۳. بحار الانوار ، محمد باقر مجلسی ، المکتبة الاسلامية ، تهران ، اول ، ۱۴۰۵ق ، ج ۵۱ ، ص ۹۵.

۴. موسوعة أحاديث الإمام المهدي ، علي کورانی ، مؤسسة المعارف الاسلامية ، قم ، اول ، ۱۴۱۱ق ، ج ۱ ، ص ۲۲۱.

الْقَائِمُ (عَجَ) سَارَ إِلَى الْكُوفَةِ . . . فَيَقْتُلُ بِهَا كُلَّ مُنَافِقٍ مُرْتَابٍ وَيَهْدِمُ قَصْوَرَهَا وَيَقْتُلُ مُقَاتِلِيهَا حَتَّى يَرْضَى اللَّهُ عَزَّ وَعَلَا ؛ چون قائم قیام کند، به کوفه می آید . . . در آنجا تمام منافقان دو دل را (که به امامت آن حضرت ایمان ندارند) به قتل می رساند، کاخهای آنان را ویران می سازد [با جنگجویان آنان میجنگد] و آن قدر از آنان می کشد تا خداوند خشنود گردد.»

سه - جبتو طاغوت:

همچنین روایاتی وارد شده است که حضرت، جبتو طاغوت؛ یعنی فلان و فلان را زنده می کند و ایشان را به قتل می رساند: «وَ الْأَمَامُ يُبَشِّرُهُمْ بِقِيَامِ الْقَائِمِ وَ بِظُهُورِهِ وَ بِقَتْلِ أَغْدَاثِهِمْ . . . وَ يَا دَرِ ذِيلٍ آیه [وَ ذَكْرُهُمْ بِأَيَّامِ اللَّهِ] می فرماید: «وَ يَأْمُرُ إِمَامَ الْقَائِمِ قَيَامَ الْقَائِمِ وَ مَنْ أَلْجَبَ تَوَطَّأَ الطَّاغُوتُ أَنِي وَ الْأَوْلَى وَ الْثَّالِثَةِ أَنِي وَ الشَّيْاطِينَ سَأَئِرُ حُلْفَ أَهْلِ الْجَنَّةِ وَ . . . مراد از ایام الله دوران ظهور قائم [آل محمد-] است و

^۳. الإرشاد فى معرفة حجج الله على العباد، شيخ مفید،

کنگره شیخ مفید، قم، ۱۴۱۳

۴. چاپ اول، چ، ۳۸۴۵، ۲۴، ص ۳۵۳.

۵. همان، ج ۹۹، ص ۱۴۱.

برمی گرداند.»

ب) روایات خام
برخی روایات از مصادقهای ظالمان که در این دوره، قلع و قمع می شود، نام برده است: برای نمونه به موارد ذیل توجه فرماییدن یک - بنی امیه:

حضرت باقر% فرمود: **فِي قَوْلِهِ عَزُّوْجَلٌ: [وَ لَمَنْ اتَّصَرَ بَعْدَ ظُلْمِهِ فَأَوْلَئِكَ مَا عَلَيْهِمْ مِنْ سَبِيلٍ** **قَالَ ذَلِكَ الْقَائِمُ % إِذَا قَامَ اتَّصَرَ مِنْ بَنِي أُمِّيَّةَ وَ مِنْ الْمُكَذِّبِينَ وَ النَّصَابِ ؛** درباره این آیه شریفه " و برای آن کس که یاری جوید (انتقام کشد) پس از ستمی که بر او رفته است ، راه (نکوهشی) برایشان نیست." فرمود: «منظور [از این آیه]، قائم آل محمد - است، چون او قیام کند از بنی امیه و تکذیب و ناصبیها (دشمن اهلبیت)) انتقام گیرند.» در این حدیث از سه گروه اسم برد است : بنی امیه ، تکذیبکنندگان و ناصبیها . دو - منافقین و شکاکان:

حضرت باقر% می فرمایند : «إِذَا قَامَ

۱. شوری / ۴۱ .

۲. بحار الانوار، محمد باقر مجلسی، ج ۲۶، ص ۲۲۹ .

سود عدل و داد، دگرگون
خواهد شد و از خوی
ستمگری و انحراف اثربی
خواهد ماند.

۲. عزیز شدن اولیاء الهی
به طور طبیعی، بعد
از تخلیه جای تحليه و
بعد از «لَا»، «إِلَّا اللَّهُ»
است. وقتی ظالمان و
ستمگران نابود شوند
مؤمنان و بندگان خوب
خدا، عزیز و قدرتمند
می‌شوند: «دیو چو بیرون
رود فرشته در آید»

امام علی %
می‌فرمایند: «وَ وَضَعَ يَدَهُ
عَلَيْ رُءُوسِ الْعِبَادِ فَلَا
يَبْقَى مُؤْمِنٌ إِلَّا ضَارَ قَلْبُهُ
أَشَدَّ مِنْ زِرِّ الْحَدِيدِ وَ
أَعْطَاهُ اللَّهُ قُوَّةً أَرْبَعِينَ
رَجُلًا؛ او (مهدی) دست
بر سر بندگان (خداوند)
گذارد، پس هیچ مؤمنی
باقي نمی‌ماند جز آنکه
قلبش محکم تر از
پاره‌های اهن شود و
خداوند به او نیروی
چهل مرد را عنایت
فرماید.»

برای حمایت و
تماشای همین عزت است
که جمعی در دوران ظهور
حضرت مهدی (عج) %
برمی‌گردند و رجعت
می‌کنند؛ مانند حضرت
اسماعیل صادق الوعد،
حضرت عیسی، حضرت خضر،
حضرت رسول اکرم -

۲. کمال الدین، شیخ صدوق،
 مؤسسه النشر الاسلامی، قم،
 اول، ۱۴۰۵ق، ص ۶۵۳.

مقصود از جبت و طاغوت،
اولی و دومی است و
مقصود از شیاطین، سایر
خلفای ستمگرند [که در
دوران رجع ت ع ذاب
می‌شوند] ». چهار - قاتلان حسین%:

حضرت صادق% فرمود:
 «لَمَّا كَانَ مِنْ أَمْرِ
الْحَسَنِ بْنِ عَلَيٍّ مَا كَانَ،
ضَجَّتِ الْمَلَائِكَةُ إِلَى رَبِّ
تَعَالَى وَ قَالَتْ يَا رَبِّ
يُفْعَلُ هَذَا بِالْحُسَنِ فَقَدِ
وَ ابْنَ نَبِيلٍ؟ قَالَ فَأَقَامَ
الله لَهُمْ طَلْلَ الْقَائِمِ % وَ
قَالَ بِهَذَا أَنْتَقُمُ لَهُ مِنْ
ظَالِمِيهِ؛ هنگامی که
کار حسین % خاتمه
یافت، ملائکه به درگاه
خدا ضجه کردند و
گفتند: پروردگار آیا
این [مصیبت] دچار
حسین% می‌شود که صدقی و
پسر پیامبر توست؟ پس
خداوند، سایه حضرت
قائم را برداشت [به
آنها] فرمود: به وسیله
این از آنان که به او
ستم کردند انتقام
می‌گیرم.»

خلاصه در حکومت
جهانی مهدی% با تمام
توان با ستمگران پیکار
خواهد شد تا ریشه آنها
از بُن بسوزد و درخت
پرثمر عدالت، با رور
شود . در آن زمان،
معادله زندگی انسان به

میگوید : "آینهٔ معزٰز
الاُلیاءٌ ... آن
جامعه، جامعه‌ای است که
اولیای خدا در آن
عزیزند و دشمنان خدا
در آن ذلیل و خوارند،
یعنی ارزشها و معیارها
در آن جامعه چنین
است ... آن جامعه
جامعه‌ای است که حدود
الله در آن اقامه
می‌شود؛ یعنی همان حد و
مرزهایی که خدا معین
کرده است و اسلام معین
کرده است در جامعه
زمان امام زمان % آن
حد و مرزها مراعات
می‌شود."^۳

۳. بالا رفتن سطح اندیشه‌ها

% دوران ظهور مهدی
دوران گسترش علم و
دانایی، تکامل عقل و
نوسازی فکری همه جانبیه
و پیشرفت علوم است .
امام یاقوت % فرموده:
**«إِذَا قَامَ قَائِمُنَا وَضَعَ اللَّهُ
يَدْهُ عَلَى رُؤُوسِ الْعِبَادِ
قَحْمَعَ بِهَا عَقُولُهُمْ وَ
كَمْلَتَ بِهَا أَخْلَامُهُمْ؛**
هنگامی که قائم ما
قیام کند خداوند دستش
را بر سر بندگان
می‌گذارد و عقول آنها
را با آن جمع می‌کند و
افکارشان با آن تکمیل
می‌شود .^۴

۴. انسان ۲۵۰ ساله، ص ۳۳۷.
۵. بحار الانوار، ج ۱۲، ص ۱۸۲،
و اصول کافی، محمد بن یعقوب
الکلینی، دارالكتاب
الاسلامیة، تهران، اول، ۱۳۶۵،
ج ۱، ص ۲۵۰.

امیرمؤمنان علی %
امام حسین %، سایر
امامان معصوم) و جمعی
از اصحاب با وفا (ی
پیامبر اسلام چون
سلمان، مقداد، جابر بن
عبد الله انصاری، مالک
اشتر و ... و نیز شهدا (ی
کربلا، اصحاب کهف
خواریون حضرت عیسی
و ... رجعت خواهند
کرد .^۵

این جمله که از
دعای افتتاح نقل شد
**«اللَّهُمَّ إِنَا تَرْغَبُ إِلَيْكَ
فِي دُولَةٍ كَرِيمَةٍ تُعَزِّزُ بِهَا
الإِسْلَامَ وَ أَهْلَهُ»** بدین
معناست که چون کریمه و
عزیز کرده خداوند است
اسلام را عزت می‌دهد ،
وقتی اسلام بر اثر
جهانی شدن و تنها دین
جهانی ، عزت پافت ،
مسلمین نیز عزت
می‌یابند .

و نیز در دعای ندیه
می‌خوانیم : «آینهٔ عز
الاُلیاءٌ و مُذلٰل
الاعداءٌ»^۶ کجاست آنکه
دستان خدا را عزیز و
دشمنان خدا را ذلیل
خواهد کرد .^۷

مقام معظم رهبری
می‌فرماید : «... در
همین دعای ندیه
خصوصیات آن جامعه ذکر
شده است . آنجایی که

۱. بحار الانوار، ج ۳، ص ۳۹ -
۲. مفاتیح الجنان، ص ۲۹۸ .
۳. همان، ص ۸۸۵ .

همه رشته ها و همه
شاخه های علم مفید و
سازنده به روی انسانها
گشوده میشود و راهی را
که بشر، طی هزاران سال
پیموده به میزان ۱۲
برابر در دوران کوتاهی
میپیماید؛ چه جهشی از
این بالاتر و
سریعتر؟!»^۲

مقام معظم رهبری در
این باره می فرماید:
«امروز جامعه بشری با
پیشرفت فکر و مدنیت و
معرفت، بسیاری از
تعالیم انبیا را - که
دها قرن پیش از این
برای بشر، قابل درک
نبود - درک کرده استه
همین مسئله له، عدالت،
مسئله آزادی، مسئله
کرامت انسان، این
حرفهایی که امروز در
دنیا رایج است حرفهای
انبیاست. آن روز عامه
مردم و افکار عمومی
مردم این مفاهیم را
درک نمیکردند. پی در
پی آمدن پیغمبران و
انتشار دعوت پیغمبران،
این افکار را در ذهن
مردم، در فطرت مردم،
دل مردم، نسل به نسل،
نهادینه کرده است. آن
داعیان الهی سلسله شان
قطع نشده است و وجود
قدس بقیة الله الاعظم %
ادامه سلسله داعیان

۲. ر.ک: مهدی انقلابی بزرگ،
آیت الله ناصر مکارم شیرازی،
انتشارات مطبوعاتی هدف، قم،
اول، ۱۳۵۶ ش، ص ۲۹۳.

در حدیثی از امام
صادق % می خوانیم:
«الْعِلْمُ سَبْعَةٌ وَ عِشْرُونَ
حَرْفًا فَجَمِيعُ مَا جَاءَتْ بِهِ
الرُّسُلُ حَرْقَانَ فَلَمْ يَعْرِفِ
النَّاسُ حَتَّى الْيَوْمِ غَيْرَ
الْحَرْفَيْنِ فَإِذَا قَامَ
عَائِمَّةً أَخْرَجَ الْحَمْسَةَ وَ
الْعِشْرَيْنَ حَرْفًا فَبَثَثَهَا فِي
النَّاسِ وَ ضَمَّ إِلَيْهَا
الْحَرْفَيْنِ حَتَّى بَلَّهَا
سَبْعَةً وَ عِشْرِينَ حَرْفًا؛^۱ و
علم و دانش بیست و هفت
حرف (شعبه و شاخه)
است. تمام آنچه
پیامبران الهی [برای
مردم] آوردن دو حرف
بیش نبود و مردم
تاکنون جز دو حرف را
نشناخته اند؛ اما
هنگامی که قائم ما
قیام کند بیست و پنج
حرف (بیست و پنج شاخه
یا شعبه) (دیگر را
اشکار می سازد و در
میان مردم، منتشر
میسازد و دو حرف دیگر
را به آن ضمیمه می کند
تا بیست و هفت حرف
کامل و منتشر شود»
این حدیث به روشنی،
جهش فوق العاده علمی
عصر انقلاب مهدي(عج) را
مشخص میسازد که تحولی
بیش از ۱۲ برابر نسبت
به علوم و دانشها یی که
در عصر همه پیامبران
راستین به پیامبران
شده پیش می آید و درهای

۱. موسوعة احاديث المهدی،
ج ۴، ص ۵۲.

ظهور می کند زنی در خانه می نشیند و قرآن را باز می کند و از متن قرآن حقایق دین را استخراج می کند و می فهمد. [امام باقر ۵۰٪ فرمودند: «... و تُؤْتُونَ الْحِكْمَةَ فِي زَمَانِهِ حَتَّىٰ إِنَّ الْمَرْأَةَ لِيُتَقْضِي فِي بَيْتِهَا بِكِتَابِ اللَّهِ تَعَالَىٰ وَ سُنَّةَ رَسُولِ اللَّهِ -؛» در زمان او (مهدی) حکمت به شما داده شود، تا آنجا که زن در خانه خویش برآساس کتاب خداوند و سنت پیامبر - حکم می کند.]

یعنی چه؟ یعنی آن قدر سطح فرهنگ اسلامی و دینی بالا می رود که همه افراد انسان و همه افراد جامعه و زنانی که در میدان اجتماع هم بر فرض شرکت نمی کنند و در خانه می نشینند، آنها هم میتوانند فقیه باشند دین شناس باشند میتوانند قرآن را باز کنند و خودشان حقایق دین را از قرآن بفهمند. شما ببینید که در جامعه ای که همه - مردان و زنان - در سطوح مختلف، قدرت فهم دین و استنباط از کتاب الهی را دارند این جامعه چقدر نورانی است و هیچ نقطه ای از ظلمت

الهی است که در زیارت آل یاسین می خوانید: "السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ذَاعِي اللَّهِ وَ رَبَّانِي آيَاتِهِ؛" [سلام بر تو ای دعو تکننده به سوی خدا و دانای بزرگ آیات او.]"؛ یعنی شما همان دعوت ... همه پیامبران و مصلحان الهی و دعوت پیامبر خاتم را در وجود حضرت بقیة الله مجسم می بینید. این بزرگوار، وارت همه آنهاست و دعوت و پرچم همه آنها را در دست دارد و دنیا را به همان معارفی که انبیاء در طول زمان آورده اند و به بشر عرضه کرده اند [و اضافه بر آن] فرا می خواند . این نکته مهمی است.»

در جای دیگر صریح تر می فرماید: «... خصوصیت ایده آلی که امام زمان صلوات الله عليه ان را می سازد، بالا رفتن سطح اندیشه انسان است؛ هم اندیشه علمی انسان، هم اندیشه اسلامی انسان؛ یعنی دوران ولی عصر شما باید نشانی از جهل و بیسواندی و فقر فکری و فرهنگی در عالم پیدا نکنید . آنجا مردم میتوانند دین را به درستی بشناسند... در روایات ما وارد شده است که وقتی ولی عصر

۲. الغيبة، نعمانی، مؤسسه الاعلمی للطبعوعات، بيروت، اول، ۱۴۰۳ق، ص ۱۵۸.

۱. انسان ۲۵۰ ساله، ص ۳۴۴ و ۳۴۵

(منابع) ثروتها را تقسیم می‌کند.»
 همچنین امام صادق % فرمود: «إِذَا قَامَ الْقَائِمُ . . . أَخْرَجَتِ الْأَرْضَ بَرَكَاتِهَا ؛ هنگامی که قائم قیام می کند . . . زمین برکاتش را خارج می سازد.»
 رسول خدا - فرمود: «يُخْرُجُ لَهُ الْأَرْضُ أَفْلَادَ كَبِدَهَا وَ يَخْتُوا الْمَالَ خَتْوًا وَ لَا يَعْدُهُ عَدًّا ؛ زمین، جگرگوشه های خود را برای آن حضرت، ظاهر می سازد و ثروت، چنان فزونی یابد که قابل شمارش نباشد.»
 امام علی % فرمود: «وَ تُخْرُجُ لَهُ الْأَرْضُ أَفَالِيدَ كَبِدَهَا ، وَ تُلْقِي إِلَيْهِ سِلْمًا مَقَالِيدَهَا . . . ؛ و زمین، پاره های جگر خود را برای او بیرون خواهد داد و کلید گنجهايش را تسليم او خواهد کرد. . . .»
 همچنین کشاورزی رونق می‌گیرد . رسول خدا - می‌فرماید: «وَ لَا تَدْعُ الْأَرْضَ شَيْئًا مِنْ النَّبَاتِ لَا أَخْرَجْتُهُ ؛ وَ زمین نیز همه گیاهان خویش را می‌رویاند.»
 مقام معظم رهبری در این باره می فرماید: «خصوصیت سومی که جامعه امام زمان - جامعه

در این جامعه دیگر نیست. این هم اختلاف نظر و اختلاف رویه، دیگر در آن جامعه، معنایی ندارد.»^۱

۴. استخراج گنجها
 زمینی که در آن زندگی می کنیم امکانات فراوانی برای زندگی ما و نسلهای آینده دارد؛ اما عدم آگاهی کافی به منابع موجود و منابع بالقوه زمین از یک سو، و عدم وجود یک نظام صحیح برای تقسیم ثروت زمین از سوی دیگر، سبب احساس کمبود از جنبه های مختلف شده است.

اما در زمان جامعه مهدوی، نیروها برای استخراج منابع بیش از به کار می رود، و دانش پیشرفته در اختیار این برنامه قرار می‌گیرد و به سرعت منابع تازه ای کشف می‌شود و با عنایت الهی، شکوفایی خاصی در اقتصاد بشری روی می‌دهد.^۲

پیامبر اکرم -
 درباره اوصاف حضرت مهدی (عج) فرمود: «إِنَّهُ يَسْتَخْرُجُ الْكُنُوزُ وَ يُقْسِمُ الْمَالَ ؛^۳ به راستی او (مهدی) گنجها را استخراج می کند و

۱. بخار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۳۸ .
 ۲. ر.ک: انقلابی بیزگ، ص ۲۹۸ .
 ۳. منتخب الاثر، آیت الله لطف الله صافی گلپایگانی، نشر کتاب، قم، اول، ۱۳۷۳ق، ص ۴۷۲ .

گنجها برایش آشکار می‌شود و حکومت او مشرق و غرب را فرا می‌گیرد [یعنی قائم، ما به وسیله رُعب، نصرت می‌شود و دولتهاي ستمگر و دستگاه‌های ظالم، مرعوب او می‌شوند].» بعده می‌فرمایید: «فَلَا يَبْقَى فِي الْأَرْضِ خَرَابٌ إِلَّا قُدِّمَ عُمْرٌ»؛ یعنی این قدرت در جهت آبادانی عالم، صرف خواهد شد؛ نه در جهت سیطرة منافع انسانها و به استضعفان کشاندن آنها. در تمام گستره جهان، هیچ نقطه ویرانی وجود نخواهد داشت؛ مگر اینکه آباد بشود؛ حالاً چه ویرانی‌هایی که به دست بشر انجام شده چه ویرانی‌هایی که به وسیله جهالت بشر بر انسان تجمیل شده [است].»

۵. فقرزادایی و مساواتگرایی انسانها در آن دوران، آنقدر وضع اقتصادی رونق می‌گیرد که مردم هر اندازه بخواهند به آنان عطا می‌شود. رسول خدا - فرمود: «إِنَّ فِي أُمَّتِي الْمَهْدِيَّ . . . فَيَحِيُّ إِلَيْهِ الرَّجُلُ فَيَقُولُ بِإِيمَانِهِ أَعْطُنِي قَاتِلَ فَيَحْتَيْ لِهِ فِي ثُوبِهِ مَا اسْتَطَاعَ أَنْ يَحْمِلَهُ»؛ مهدی از

۱. منهاج البرائة، خویی، پیمانه فرنگی امام المهدي، قم، اول، ۱۴۰۵ق، ج ۸، ص ۳۵۳.
۲. منهج البرائة، همان
۳. انسان ۲۵۰ ساله، ص ۳۲۹.
۴. سنن ترمذی، ترمذی، دار

مهدوی - دارا هست این است که در آن روز همه نیروهای طبیعت و همه زمینهای انسان استخراج می‌شود. چیزی در بطن زمین نمی‌ماند که بشر از آن استفاده نکند. این همه نیروهای معطل طبیعی این همه زمینهایی که می‌تواند انسان را تغذیه کند این همه قوای کشف نشده مانند نیروهایی که قرنها در تاریخ بود؛ مثلًا نیروی اتم، نیروی برق و الکتریسیته، قرنها بر عمر جهان می‌گذشت این نیروها در بطن طبیعت بود؛ اما بشر، آنها را نمی‌شناخت. بعد یک روزی به تدریج استخراج شد. همه نیروهای بی شماری که از این قبیل در بطن طبیعت هست در زمان امام زمان٪ استخراج می‌شود... .

در یک روایت دیگر [حضرت باقر باقر٪] می‌فرمایید: «الْقَائِمُ مِنَ الْمُصْوَرِ بِالرُّغْبَةِ مُؤْيَّدٌ بِالنَّصْرِ تُطْوَى لَهُ الْأَرْضُ وَ تُظْهَرُ لَهُ الْكُنُورُ يَبْلُغُ سُلْطَانَهُ الْمَشْرِقَ وَ الْمَغْرِبَ؛^۱ [قائم ما به وسیله هراس [در دشمنان] یاری می‌شود و با پیروزی تایید و

۱. منهاج البرائة، خویی، پیمانه فرنگی امام المهدي، قم، اول، ۱۴۰۵ق، ج ۸، ص ۳۵۳، و ر.ک: کمال الدين و تمام النعمة.

نیست؛ و از این قبیل روایات که ترسیم کننده یک بهشت اسلامی و یک دنیای واقعی، مثل بقیة مدینه فاضله‌هایی هم که بعضیها درست کردند خیالی و توهّماتی نیست، نه . همان شعارهای اسلامی است که همه‌اش هم علمی است؛ و ما در جمهوری اسلامی احساس می‌کنیم که حقیقتاً یک دست قدرتمند و یک دل و اندیشه ای که متصل به وحی و تایید الهی است و یک معصوم یقیناً می‌تواند در دنیا یک چنین وضعی را به وجود بیاورد و بشریت هم از آن استقبال خواهد کرد. این وضعیت آن دنیا است.»

و این انفاقها با مساوات انجام می‌ذیرد؛ چنان‌که حضرت پاکر ۰٪ فرمود: «إِذَا قَامَ قَائِمُنَا فَأَنْهُ بِالسُّوَيْةِ وَ يَعْدُلُ فِي خَلْقِ الْرَّحْمَانِ الْبَرُّ مِنْهُمْ وَ الْفَاجِرُ؛» چون قائم ما قیام کند به طور مساوی تقسیم می‌کند و در میان خلق خدا - نیک و بد - به عدالت رفتار مینماید.» این مساوات رهبری جامعه مهدوی بین مردم، زمینه مساوات گرایی انسانها می‌شود.

مقام معظم رهبری

۳. انسان ۲۵۰ ساله، ص ۳۴۲.
۴. علی الشراحی، شیخ صدق، مکتبة الداوري، قم، اول، بیت‌آ، ص ۱۶۱.

امّت من است . . . شخصی به محضر او می‌آید و می‌گوید : ای مهدی ! به من چیزی بده ! مرا چیزی ببخش ! پس آن حضرت به اندازه ای که آن مرد بتواند بردارد و حمل کند [ثروت و مال] در دامان او می‌زید.» این انفاق آن قدر ادامه می‌باید که فقیری یافت نمی‌شود: «إِذَا ظَهَرَ الْقَائِمُ سَوَّى بَيْنَ النِّاسِ حَتَّى لَا تَرَى مُخْتَاجًا إِلَى الرِّزْكَةِ؛» چون قائم ما ظهر کند آن گونه بین مردم به مساوات رفتار نماید که نیازمند به زکات دیده نشود.»

مقام معظم رهبری در براره فقرزایی می‌فرماید : «در یک روایت دیگر باز ناظر به وضع اقتصاد می‌فرماید: "يُسُوِي بَيْنَ النِّاسِ حَتَّى لَا تَرَى مُخْتَاجًا إِلَى الرِّزْكَةِ؛" بین مردم، چنان مساوات در امور مالی و اقتصادی را برقرار خواهد کرد، که یک نفر فقیری که شما بتوانید زکات مالتان را به او بد هید پیدا نخواهید کرد." اینجا زکات طبعاً مصروف خواهد شد برای مصارف عمومی و فقرا به دیگر داده نمی‌شود؛ چون آن روز فقیری در دنیا

الفکر، بیروت، ۱۴۰۸ق، ج ۴، ۲۲۳۲ح، ص ۴۳۹.

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۹۰.

۲. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۹۰.

می‌فرماید: [إِنَّ أَكْرَمَكُمْ
عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ]؛^۳ «هر
آینه گرامی ترین شما
نzd خدا، پرو اپیشه ترین
شماست..» برتری با
کسانی است که دارای
فضائل اخلاقی و انسانی
باشد؛ از این رو
افرادی که آن حضرت را
یاری می‌کنند، چه در
موردن ۳۱۳ نفر که
چهره‌های محوری هستند و
چه درباره ده هزار
نفر، به قول پیامبر
اکرم- «كَدَّا دُونَ مُجِدُونَ
فِي طَاعَتِهِ؛ سَلْحُوشُرَانِي
كُوشَا در پیروی از
اویند».

حضرت امام عسکری^۴
درباره فضایل یاران آن
حضرت فرمودند: «روزی
را می‌بینم که پرچم‌های
زرد و سفید در کنار
کعبه به آهتزاز
درآمده، دستها برای
بیعت تو، پی در پی
کشیده‌اند، دوستان با
صفا، کارها را چنان به
نظم و ترتیب
درآورده‌اند که همچون
دانه‌های در گرانبهای
در رشته ای قرار
گیرند... قومی به
آستانه‌ات گرد آیند که
خداآوند آنان را از
سرشتی پاک و ریشه ای
پاکیزه و گرانبهای
آفریده است. دلهایشان
از الودگی و نفاق و
پلیدی و شقاقد پاکیزه

۳. حجرات / ۱۲.
۴. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۴۳۰.

می‌فرماید: «یک روایت
دیگر از امام باقر٪
می‌فرماید: "حَتَّىٰ إِذَا
قَامَ الْقَائِمُ جَاءَهُ
الْمُزَارِيْلَةُ وَأَتَىٰ الرَّجُلُ
إِلَىٰ كَيْسٍ أَخِيهِ فَبَأْخَدَ
حَاجَتَهُ فَلَا يَمْنَعُهُ؛"
[زمانی که قائم، قیام
نماید شخص نیازمند از
جب برادرش بدون هیچ
مانعی حاجت خود را
برمی‌دارد] این اشاره
به اخلاق برابری طلبی و
مساوات گرایی انسانها
است ایثار و گذشت
انسانهاست، نجات دل
انسانها از تسلط بُخل و
حرص، که بزرگ ترین
وسیله برای بدبخت کردن
انسانها بوده، بشیر یک
چنین حالتی است،
برادری به سراغ جیب
از او به قدر نیاز
خویش برمی‌دارد و او
مانعش نمی‌شود. این در
حقیقت، نشان دهنده آن
نظام سالم اسلامی اخلاقی
اقتصادی اجتماعی آن
روز است: یعنی زور و
اجباری در کار نیست،
خود انسانها از آن بخل
انسانی و حرمن انسانی
نجات پیدا می‌کند و یک
چنین بهشت انسانیتی به
وجود می‌آید.»
۶. **فضیلت و اخلاق‌محوری**
در جامعه مهدوی طبق
مبنای قرآن که

۱. وسائل الشیعه، حزّ عاملی،
آل البت، قم، اول، ۱۴۰۹ق،
ج ۵، ص ۱۲۱۰.
۲. انسان ۲۵۰ ساله، ۳۴۱۰ص.

**قائِمُنَا أَضْمَحَلَّتِ الْقَطَائِعُ
فَلَا قَطَائِعٌ؛ هنگام ظهور
قائم ما و اگذار کردن
زمین [های خراجی]
پایان میابد. پس زمین
[اعط ایی و] خراجی در
کار نخواهد بود." این
بخشها ی که حکومتها
مستکبر عالم به
دستانشان، به
یارانشان همیشه
میکند، حاتم بخشیها،
از کیسه ملتها به این
و آن بخشیدنها، اینها
دیگر بساطش در دنیا
برچیده خواهد شد .
قطیعه که در گذشته به
یک شکل بود، امروز به
یک شکل دیگر است . در
گذشته به این صورت بود
که یک خلیفه ای، یک
سلطانی یک تکه زمینی
را، یک صحرایی را یک
دهی را، یک شهری را
گاهی یک استانی را
میبخشید به یک نفر، و
میگفت برو هر کار
میخواهی آنجا بکن؛ از
مردمش مالیات بگیر، از
مزارعش استفاده کن،
هرگونه بهره مادی دارد
مال تو، یک حقی هم به
سلطان باید داد. امروز
هم در شکل ا نحصارات
گوناگون نفتی و تجاری
و منتعتی و فنی و این
صناعیع بزرگ و این**

۲. جامع احادیث الشیعة، آیت الله سید حسین بروجردی، انترارات رضی، قم، ۱۳۹۳ش، ج ۲۳، ص ۱۰۱؛ وسائل الشیعۃ، ج ۱۷، ص ۲۲؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۰۹، و ج ۹۷، ص ۵۸ و ۶۹.

است در برابر فرمانهای
دینی فروتن اند و
دلهایشان از کینه و
دشمنی پیراسته و
رخسارشان برای پذیرش
حق آماده و سیماشان
با نور فضل و کمال
آراسته، آین حق را
میپرستند و از اهل حق
پیروی میکنند.»

مقام معظم رهبری در
این باره می فرماید :
»... خصوصیت دیگر این
است که محور در دوران
امام زمان، محور فضیلت
و اخلاق است . هر کس
دارای فضیلت اخلاقی
بیشتر است او مقلمتر و
جلوtier است.«

۷. حاتم بخشی از بیت المال
به نزدیکان ممنوع
در جامعه مهدوی،
همگان در مقابل اموال
بیت المال و اموال
عمومی برابرند؛ بر عکس
آنچه در زمان بسیاری
از خلفا انجام گرفت؛
زیرا در زمان آنها
انواع تبعیضها روا
داشته شد و انان بیت
المال را بین طرفداران
و بستگان خویش تقسیم
کردند؛ اما در جامعه
مهدوی، امتیازات،
پاداشها و اجرتهاي
مساوي به افراد داده
میشود.

مقام معظم رهبری در
این زمینه نکات جالبی
دارد: »... در یک
روایت دیگر "إذا قام

۱. همان، ج ۲، ص ۳۵۰.

جمیع المؤمنین ؟^۱ و هنگامی که قائم ما قیام کند حکومت را بر اساس عدالت قرار میدهد و ظلم و جور در دوران او برچیده مشود و جاده‌ها در پرتو وجودش امن و امان می‌گردد . زمین برکاتش را خارج می‌سازد . و هر حقی به صاحبش می‌رسد ، و پیروان تمام ادیان اظهار اسلام می‌کنند و (به دین محمد) ایمان می‌آورند .

در میان مردم

همانند داود و محمد - داوری می‌کند . در این هنگام ، زمین ، گنجهای خود را آشکار می‌سازد و برکات خود را ظاهر می‌کند و کسی موردی را برای انفاق و صدقه و کمک مالی نمی‌باشد زیرا همه مؤمنان بی نیاز و غنی خواهند شد .

مقام معظم رهبری در جمع‌بندی می‌فرماید : «[جامعه مهدوی [جامعه ای که در آن نشانی از ظلم و طغيان و عدوان و ستم نیست؛ جامعه ای که در آن اندیشه دینی و اندیشه علمی انسانها در سطح بالا است؛ جامعه ای که

انحصارات بیچاره کننده ملتها ، اینها همه‌اش در حقیقت در حکم قطیعه است که این انحصارات امروزی هم در حکم همان قطایع است؛ برای خاطر اینکه این هم به کمد بند و بست با حکومتها و رشوه دادن و رشوه گرفتن به وجود می‌آید . این بساطهای انسانکش و فضیلتکش از بین خواهد رفت و وسیله بهره انسانها در اختیار همه آنها قرار خواهد گرفت .»

جمع‌بندی

امام صادق % در روایتی به اکثر ویژگیها و خصوصیات جامعه مهدوی اشاره کرده است که می‌تواند به منزلة جمع بند مطالب گذشته باشد

حضرت صادق% فرمود : «إِذَا قَامَ الْقَائِمُ حَكْمَ الْأَعْدَلِ وَ ارْتَفَعَ فِي أَيَّامِهِ الْجَوْزُ وَ أَمْتَأْنَتِهِ التَّسْلُلُ وَ أَخْرَجَتِ الْأَرْضَ بَرَكَاتِهَا وَ زَدَ كُلَّ حَقٍّ إِلَى أَهْلِهِ وَ لَمْ يَبْقَ أَهْلُ دِينِهِ حَتَّى يُظْهِرُوا إِلَيْهِمْ وَ حَكْمَ بَيْنِ النَّاسِ بِحُكْمِ دَاؤِدِ وَ حُكْمِ مُحَمَّدِ فَجَيَّنَتِهِ نُظْهَرُ الْأَرْضَ كُتُوزَهَا وَ تُبَدِّي بَرَكَاتِهَا وَ لَا يَجِدُ الرَّجُلُ مِنْكُمْ بِوَمَيْدَ مَوْضِعًا لِصَدَقَتِهِ وَ لَا لِبَرَّهِ لِشُمُولِ الْغَنَى

۱. بحار الانوار ، همان ، ج ۵۲ ، ص ۳۸۷، و ر.ك: منتخب الاشر في الامام الثاني عشر ، لطف الله الصافي گلپایگانی ، مرکز توزیع آثار آیت الله صافی گلپایگانی ، دوم ، ۱۴۳۰ق، ج ۲ ، ص ۳۳۱، ح ۷۱۹.

در آن همه برکات و همه
نعم و همه نیکیها و
زیباییهای عالم بر وز
میکند و در اختیار
انسان قرار می‌گیرد و
پالآخره جامعه‌ای که در
آن تقوا و فضیلت و
گذشت و ایثار و برادری
و مهربانی و یک رنگی،
اصل و محور است . یک
چنین جامعه‌ای را شما
در نظر بگیرید، این
همان جامعه‌ای است که
مهدي موعود ما و امام
زمان ما و محبوب
تاریخي دیرین ما - که
هم اکنون در زیر همین
آسمان و بر روی همین
زمین زندگی میکند و در
میان انسانها هست - به
وجود خواهد آورد و
تأمین خود کرد.»

ای دل مخور اندوه و غم ،
سرها به سامان می رسد
با یک جهان شور و شعف آن
جان ، جانان می رسد
ویرانگر کاخ ستم با جیش
ایمان می رسد
احباقر دین خدا حامی
قرآن می رسد
چشم انتظاران را بگو یوسف
ز کنعان می رسد
ای دل شب هجران ما آخر
به پایان می رسد



آن هم جواب می داد.
ممکن بود کسی بگوید،
وقتی می گوئیم «ثبات
قلبی غلی دین ک»، ما که
دینمان درست است،
منطقی است، مستحکم
است، این برای آن
طبقات پایین است .
ایشان می فرمود: در هر
طبقه ای که دل انسان و
ایمان انسان و دینداری
انسان هست، تنزل از آن
طبقه، برگشت است. «ثبات
قلبی غلی دین ک» یعنی
دین را در همان طبقه
عالی نگه دار و تثبیت
کن . اگر این شد، آن
وقت زندگی می شود
شیرین، مرگ هم مرگ
راحت . یکی از مشکلات
اساسی ماها، مشکل مردن
است. امام سجاد % به
خداآوند متعال عرض

خواندن آن را به رهبر
انقلاب توصیه کردند
حضرت آیت الله العظمی
خامنه ای > رهبر معظم
انقلاب اسلامی ایران در
دیدار با اساتید، فضلا
و طلاب نخبه حوزه علمیه
قم در تاریخ ۱۳۸۹/۸/۲
در ذیل شرح حدیثی،
توصیه مرحوم آیت الله بهجت
را برای خواندن دعای
«یا اللهی ارحم انی ا
رجیمی ا مُقْلِبَ الْقُلُوبِ وَ
ثَبَّتْ قَلْبَیْ عَلَیْ دِینِ ک»
بیان کردند و فرمودند
مرحوم آقای بهجت
(رضوان الله تعالى عليه)
می فرمودند این دعا را
زياد بخوانید : «یا الله
یا رحم انی ا رجیمی ا
مُقْلِبَ الْقُلُوبِ وَ ثَبَّتْ قَلْبَیْ
عَلَیْ دِینِ ک». ممکن بود
یک اشکال مقداری وجود

صیانت می‌کند. معظم له با اشاره به تهاجم همه جانبه دشمنان علیه تشیع، یادآور شدند: امروز بیش از چهل ماهواره فارسی زبان علیه تشیع فعالیت می‌کنند و باید با توسعه حوزه های علمیه و تربیت طلاب و فضای توانمند، در مقابل این هجمه ها ایستاد.

حضرت آیت الله سبحانی با بیان این که اگر کم کاری کنیم، دیگران جای ما را می‌گیرند، ابراز داشتند: مساجد بسیاری در کشور از نعمت روحانی بی‌پره هستند و همین مس آله زمینه ساز حضور و تبلیغ دیگران در جامعه می‌شود. ایشان در پایان با تأکید بر ضرورت هجرت فضلاء و روحانیون، گفتند: طلب و روحانیون، باید با هجرت به سراسر کشور، آموزه‌های دین را ترویج دهند و مردم را در مقابل شباهات بیمه کنند.

۳۰ هزار مسجد روحانی ندارند

آیت الله مقتداًی، قائم مقام جامعه مدرسین

. ۳۴۲۰۱۵ . همان، کد خبر:

می‌کند: «**أَمِّتَنَا مُهْتَدِينَ غَيْرَ ضَالِّينَ، طَائِعِينَ غَيْرَ مُسْتَكْرِهِينَ تَائِبِينَ غَيْرَ عَاصِمِينَ**». خب، انسان در هم ة طول عمر در طریق هدایت بوده، اما باز امام دعا می‌کند که: «**أَمِّتَنَا مُهْتَدِينَ غَيْرَ ضَالِّينَ، طَائِعِينَ غَيْرَ مُسْتَكْرِهِينَ تَائِبِينَ غَيْرَ عَاصِمِينَ**؟ معلوم می‌شود خطرنک است. حکم مستوری و مستی همه بر عاقبت است که آخر به چه کس ندانست که **حالت برود**» تأثیر مستقیم حوزه‌های علمیه بر زندگی مردم آیت الله سبحانی وجود حوزه‌های علمیه در کشور را مبارک و مثمر ثمر دانستند و گفتند: طلاب و فضای حوزه باید در مناطق مختلف حضور یافته و به تبلیغ و تبیین معارف اهل بیت (پیردازند.

ایشان در ادامه افزودند: حوزه های علمیه تأثیر مستقیمی در زندگی مردم دارند و از دیانت آنها در مقابل هجمه های عظیمی که علیه تشیع می‌شود،

۱. صحیفه سجادیه، امام سجاد%， دفتر نشر الهادی، قم، ۱۳۷۶ش، ص ۱۷۲.
۲. خبرگزاری حوزه، کد خبر: ۳۴۲۰۱۲

باشند.

معاون تبلیغ و آموزش‌های کاربردی حوزه تصریح کرد : مبلغان باید شیوه های ابلاغ پیام دین را در قالب‌های ج ذاب و هنری فرا بگیرند؛ البته این کار مستلزم آموزش ای دقیق تخصصی است.

ایشان با اشاره به تهاجم همه جانب دشمنان اسلام و انقلاب، گفتند : امروزه تهاجم تبلیغی دشمن در راستای فعالسازی هوای نفس در مقابل عقل و تفکر است؛ اگر مبلغین توانند بتوانند با برآهین، استدلالها و موظعه حسن، مخاطبین خود را رشد دهند، دشمن از ناکام خواهد ماند ایشان همچنین با اشاره به نامگذاری سال ۹۳ به نام «اقتصاد و فرهنگ با عزم ملی و مدیریت جهادی»، تأکید کرد : حوزویان که پرچمدار ترویج دین و معارف اهل بیت) هستند، باید با تلاش مضافع و عزم راسخ، به ندای رهبر معظم انقلاب لبیک گویند، چرا که اساساً کار مبلغ، فرهنگ سازی است.^۲

حوزه علمیه قم با اشاره به این نکته که یکی از مطالب ات جدی مقام معظم رهبری، بحث توسعه حوزه های علمیه است، گفت : یکی از بزرگترین مشکلات امروز کمبود روحانی در جامعه، مساجد و مراکز مختلف است و به گفت مدیران امور مساجد، امروزه ۳۰ هزار مسجد در کشور وجود دارد که قادر روحانی هستند، این نقص بزرگ باید با افزایش ظرفی ت جذب حوزه ها به نحوی جبران شود.

لبیک حوزویان به ندای رهبر

معظم انقلاب

حجت‌الاسلام و المسلمین نبوی، معاون محترم تبلیغ و آموزش‌های کاربردی حوزه های علمیه، با اشاره به ضرورت تربیت مبلغین توانند، گفت : امروز تبلیغ یکی از پیچیده‌ترین و دقیق‌ترین کارهاست و مبلغان می‌توانند از عهد ة آن بر آیند که هم از جهت علمی و اطلاعات توانند باشند و هم توان و مهارت برقراری ارتباط با مخاطبان را داشته

۱. همان، کد خبر: ۳۴۲۰۱۷

۲. پایگاه اطلاع رسانی

شاغر د بزرگ مردی،
همچون امام صادق
بود.

وی، ریشه اختلافات کنونی در بین مسلمانان را مورد توجه قرار داد و ابراز داشت : نبود اتحاد در عالم اسلام، به خاطر دسیسه های شوم و هابیت است که هوشیاری هم اذهاب اسلامی به این فتنه مذهبی را می طلبد.

ایشان در ادامه با اشاره به اینکه تکفیریها که دیگران را کافر می خوانند، نه بولی از اسلام برده اند و نه از قرآن و سنت نبوی، افزود : فتاوی جاهلان اه مفتیان و هابیت چالشی بزرگ برای اسلام در عصر حاضر است و بدون شک مستکبران غربی در نهان و آشکار از و هابیت حمایت می کنند، چون از اتحاد مسلمانان سود نمیبرند.^۱

سنوات تبلیغی طلاب به جای خدمت سربازی
براساس مصوبه ۲۳۲ شورای عالی حوزه های علمیه و با موافقت ستاد کل نیروهای مسلح، طلاب و فضلایی که از ۲۴ اردیبهشت ماه ۱۳۷۴ به

. ۲. همان، کد خبر: ۳۴۲۰۲۳.

همدلی شیعه و سنی، و هابیت را منزوی میکند
حجت الاسلام

والمسلمین حسینی قزوینی با تأکید بر لزوم پرهیز از آهانت به مقدسات و ضرورت تقویت وحدت اسلامی تأکید کرد : امروز همدلی بین شیعه و سنی تنها چیزی است که می تواند وهابیت را منزوی و از میدان خارج کند.

ایشان با تأکید بر اینکه وحدت و همدلی بین شیعه و سنی باید بیش از پیش تقویت شود، یادآور شد : هرگز به اندازه سر سوزنی به اختلاف بین شیعه و سنی دامن زند، خائن به اسلام است.^۲

ابوحنیفه از شاگردی امام صادق% امام اعظم شد

غلام محی الدین، از علمای اهل سنت پاکستان، با اشاره به شاگردی ابوحنیفه در محضر امام صادق%， گفت : اهل سنت، امام ابوحنیفه را از آن جهت به عنوان امام اعظم خود می داند که

معاونت تبلیغ و آموزشگاه کاربردی حوزه های علمیه، کد خبر: ۳۴۱۳۱۵.

۱. خبرگزاری حوزه، کد خبر: ۳۴۲۰۰۵.

بنیاد فرهنگی مهدی موعود (عج)، ستاد احیای زکات، مجمع جهانی اهل‌بیت، سازمان اوقاف و امور خیریه، ه مؤسسه آینده روشن (مهدویت)، دادگاه ویژه روحانیت، سازمان تبلیغات اسلامی، ستاد اقامه نماز، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و مسجد مقدس جمکران گذارانده باشند.

شرایط استفاده از طرح دارا بودن کد فعل در مرکز مدیریت حوزه، قبولی سطح یک «کتبی و شفاهی»، گذاراندن دوره آموزش نظامی و داشتن برگ سبز دوره تكمیلی آموزش نظامی و نیز ارائه گزارش انجام مأموریت فرهنگی، تبلیغی، تدریسی که در هر نوبت کم تر از سه ماه مستمر نباشد با تأیید عالی ترین مقام مسئول سازمان و یا نهاد، از شرایط اصلی استفاده از این طرح اعلام شده است براساس ابلاغیه ستاد کل نیروهای مسلح، هزینه آموزش نظامی مشمولین امریه (حتی افرادی که برگه سبز دارند) از ابتدای سال ۱۳۹۳ بر عهده دستگاه

بعد، به مأموریتهای فرهنگی، تبلیغی و تدریسی اعزام شده اند، می‌توانند مدارک خود را به اداره مشمولین معاونت امور طلاق و دانشآموختگان حوزه‌های علمیه تحويل داده تا پس از بررسی های لازم، در قالب طرح «کفیل» نسبت به احتساب دوره خدمت ضرورت اقدام و کارت پایان خدمت برای آنان صادر گردد.

بر اساس اعلام معاونت امور طلاق و دانشآموختگان حوزه، طلاق و فضای متقاضی استفاده از طرح «کفیل» می‌باشد مأموریت خود را در سازمان ها و نهادهای دارای مجوز از ستاد کل نیروهای مسلح شامل مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه (طرح هجرت و امور اساتید)، دفتر تبلیغات اسلامی، نمایندگی مقام معظم رهبری در وزارت جهاد کشاورزی، نمایندگی ولی‌فقیه در سپاه، نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه ها، سازمان های عقیدتی سیاسی نیروهای مسلح (آجا، ناجا، وزارت دفاع)، شورای سیاستگذاری ائمه جمعه،

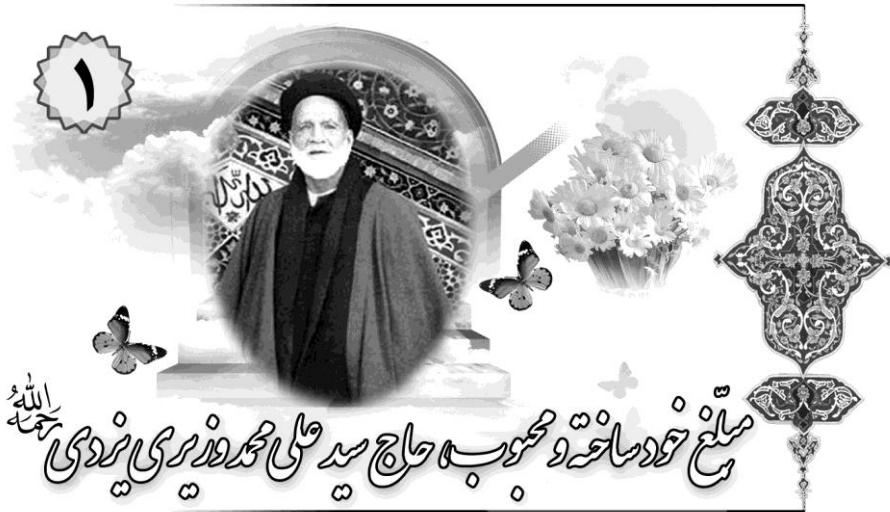
پایان خدمت اقدام
خواهد شد.
طلاب و فضلای حوزه
می توانند برای کسب
اطلاعات بیشتر با
شماره های تماس :
-۳۷۷۲۹۱۴، ۳۷۷۳۲۹۱۴
۰۲۵ داخلى (۱۲۶) اداره
امور مشمولین معاونت
امور طلب و دانش
آموختگان حوزه ۵ اى
علمیه تماس حاصل
نمایند.

بکار گیرنده گذاشته
شده ، که پرداخت آن بر
عهد ة فرد متقاضی
میباشد و مبلغ آن
متعاقباً اعلام خواهد
شد.

مدت مأموریت
مدت فعالیت های
تبليغی و فرهنگی
میباشد دو برابر مدت
خدمت فعلی باشد . در
حال حاضر براساس
مصوبات ستاد کل
نیروهای مسلح ، مدت
خدمت سربازی با احتساب
آموزش نظامی در مراکز
غيرنظمی به مدت ۲۴
ماه و در مراکز نظامی
۲۱ ماه می باشد و به
طور مثال اگر طلبه ای
در مراکز غيرنظمی
سابق ه فعالیت داشته
است باید ۴۸ ماه و در
مراکز نظامی ۴۲ ماه ،
مدرک انجام مأموریت
ارائه نماید.

البته در صورتی که
مدت مأموریت برابر با
مدت خدمت وظیف ة عمومی
نباشد ، فرد متقاضی
می تواند به یکی از
مراکز دارای مجوز ،
مراجعةه و در صورت اعلام
نیاز ، مابقی خدمت خود
را بر اساس مقرارت
نیروهای مسلح سپری
کرده و پس از اتمام ،
نسبت به صدور کارت

۱



محمدتقی ادهم نژاد

باعظمت و بزرگ وزیری،
از شخصیتهاي ممتاز و
مشهور تبلیغی و از
روحانیان بافضیلت و
آگاه دوران معاصر یزد
است . ایشان با همت ،
جدیت ، درایت و اخلاص
فوق العادة خود توانست
منشأ آثار و خدمات و
برکات فراوان مادی و
معنوی در عرصه های
گوناگون تبلیغی ،
فرهنگی ، علمی ، اجتماعی
و... شوند و نام و
آثار خویش را جاودانه

کتاب با همکاری حجت الاسلام
والمسلمین سید محمود وزیری ،
نوه مکرم حجت الاسلام وزیری و
جناب آقای محمد رضا انتظامی ،
مدیر کتابخانه از زیری از
گنجینه ارزشمند آن کتابخانه
به دست نگارنده رسید و در
مطلوب سودمند این دو کتاب
در این مقاله استفاده
شايانی شد.

و اعظظ نامدار و با
اخلاص حجت الاسلام
والمسلمین حاج سید
علی محمد وزیری یزدي ،

۱. نام وزیری و کتابخانه
وزیری و شرح حال و خدمات آن
بزرگوار در منابع مختلف
آمده است که اسمی برخی از
آن منابع عبارتند از: نجوم
السرد بذکر علماء یزد ، سید
جواد مدرسی ، انجمان آثار و
مفاهیر فرهنگی استان یزد ،
چاپ ۱۳۸۴؛ دانشنامه مشاهیر
و مفاهیر یزد ، ویژه عالمان
دینی بنیاد و پژوهشی ریحانة
الرسول؛ انتشارات زیتون ،
قم ، ۱۳۸۲ ش؛ تاریخ سالشماری
یزد ، اکبر قلم سیاه ،
انتشارات فرهنگ ایران زمین ،
تهران ، ۱۳۷۰ ش؛ گنجینه
دانشمندان ، محمد شریف رازی ،
بینا ، قم ، چاپ ۱۳۵۴ ، چ ۷ ،
و...؛ اما بیوگرافی تفصیلی
در دو کتاب «سیمای فضیلت»
دکتر سید ضیاء قریشی ،
انتشارات مرکز یزد شناسی ،
چاپ ۱۳۷۴ ش ، و «وزیری ،
اسطوره خاطره های ماندگار»
حبیب مهرنیا ، انتشارات بقیة
العترة ، قم ، ۱۳۸۵ ش. این دو

ق از چهره‌های مشهور
این خاندان است که
مرقدش به نام امامزاده
جعفر در یزد مورد
احترام و زیارتگاه
مردم آن سامان
می‌باشد.^۱

تحصیل و اساتید

سید علی محمد وزیری
در سن ۱۲ سالگی از
نعمت پدر محروم گردید
و کفالت مادر و چهار
خواهر خود را بر عده
گرفت و از آنجایی که
اشتیاق و افری به تحصیل
داشت، با ارشاد و
هدایت مادر والامقامش
جهت تحصیل علوم الهی،
ابتدا به محضر
دایی زاده خود، مرحوم
معتمد الاطباء که از
عالمان فاضل به شمار
می‌آمد، روانه گردید و
دروس سطح را نزد آن
بزرگوار به خوبی آموخت
و آنگاه جهت تکمیل
معلومات و نیل به
مدارج عالیة علمی و
معنوی وارد مدارس
علمیه شفیعیه، خان و
مصلی صدرخان گردید و
در محضر آیات بزرگوار
حاج شیخ غلامرضا فقیه
خراسانی،^۲ میرزا سید

۱. سیما ففیلت نامواره حجت
الاسلام حاج سید علی محمد
وزیری، دکتر سید ضیاء
قریشی، انتشارات مرکز
یزدشناسی، یزد، ۱۳۷۴، ۱۹۰۵ -

۲. شرح حال و خدمات این

نمایند. اینک با شمه‌ای
از حالات و خدمات بیش
از نیم قرن آن را در
بافضیلت آشنا می‌شویم:
میلاد نور

سید علی محمد وزیری
یزدی واعظ در سال ۱۳۱۲
ق برابر با سال ۱۲۷۴ ش
در بیت علم و فضیلت و
سیادت، در محله مسجد
جامع یزد جنب آب انبار
وزیر، متولد شد. پدر
بزرگوارش، آقا میرسید
مهدي، از روحانیان یزد
و از احفاد میرزا سید
مرتضی وزیر، از خاندان
садات موسوی به شمار
می‌آمد و چون جد
بزرگوار این طایفه
وزیر یکی از سلاطین
 محلی بود، بدین جهت
ایشان ملقب به وزیری
شدند. خاندان محترم
وزیری به سادات عریضی
نیز معروف‌اند. سادات
عریضی از نسل علی
العریضی، فرزند برومند
امام صادق % بوده و
لقب عریضی به خاطر
سکونت این علویان جلیل
در منطقه عریض، در
چهار فرسنگی مدینه
طیب ه می‌باشد. سادات
گرانقدر و صحیح النسب
موسوی عریضی از قرن
پنجم تا کنون در یزد
مقیم بوده اند که
امام زاده جلیل القدر
«ابو جعفر محمد بن علی
بن عبید الله» متوفای ۴۲۶

سرآمد بود؛ زیرا از واعظان تأثیرگذار، محبوب و مورد احترام مردم و روحانیون به شمار می‌آمد . وي به خاطر دارابودن معلومات گسترده و احاطه بر احادیث، به ویژه احادیث اخلاقی و همچنین صوت حزین، بیان گرم، شوق سرشار، حافظة قوی و اخلاص، در اندک زمانی گوی سبقت را از همنوعان خویش ربود و در مجالس و محافل دینی خوش درخشید و مورد استقبال شدید مردم. متدين یزد واقع گردید. می‌گویند: الگوی منابر مرحوم وزیری، مرحوم حاج ی نصیر الاسلام سیرجانی، یکی از واعظ محترم یزد (مدفون در طبس) بوده است و مرحوم وزیری به خاطر شدت علاقه به لحن و نکته‌های منبری ایشان به طرف منبر و وعظ و خطابه روی آورده است^{۱۶}. در بیان ویژگیهای تبلیغی مرحوم وزیری واعظ آمده است: «به خوبی به یاد دارم مرحوم وزیری که منبری تو انایی بود، مطالب دینی و اخلاقی را با بیانی شیرین و جذاب ادا می‌نمود و در

علی مدرّسي و شیخ جلال تفتی آیت الله زانو زد و از خرمن دانش بیکران آن عالمان فرزانه خوش چینی نمود و به اتمام تحصیلات پرداخت، البته اطلاعی از مهاجرت ایشان به سایر حوزه‌های علمیه همانند قم یا نجف اشرف در دست نیست . مرحوم وزیری بعد از اتمام تحصیلات و در سن جوانی آورد تا اینکه در زمرة موفق ترین و بهترین وعاظ یزد شد.

واعظ محبوب و ماذب
بر شمردن خدمات مردی که بیش از نیم قرن عمر خود را در پاسداری از اسلام و ارزشهاي انساني و اسلامي سپری ساخته، مشکل است؛ کسی که عاشق تبلیغ بود و در این راه اهتمام فراوان نمود . در دوران معاصر در یزد خطبای زیادی بوده‌اند؛ اما مرحوم وزیری در میان آنان

بزرگوار توسط نگارنده تحت عنوان «فقیه خراسانی؛ اسوة تقوا و تبلیغ» در مجله مبلغان، شماره ۱۱۳، به چاپ رسیده است.
۱. شرح حال عالمان یاد شده در کتاب «نجوم السرد» بذکر علماء یزد» سید جواد مدرسی، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی استان یزد، چاپ ۱۲۸۴ ش امده است.

۲. النجوم السرد بذکر علماء یزد، ص ۴۵۳.

مواعظ نافذ آن واعظ با
اخلاص چنان جذاب بود .
که گاهی مردم قبل از
اذان صبح در محل و
مکان سخنرانی وي
اجتماع می کردند . روش
ایشان در تاسوعا و
عاشورای حسینی این بود
که روی پله های منبر
می ایستاد و عمامه را
از سر بر می داشت و با
صوت حزین و لحن سوزناک
چنان شوری در مجلس به
وجود می آورد که چند
نفر غش می کردند.^۳

انجمن واعظین یزد
با اینکه وزیری خود
خطیب موفقی بود؛ اما
جهت ارتقای موفقیت
سایر مبلغان و تشویق
آنان برای بهتر ساختن
برنامه های دینی و
تبليغي و مدیریت صحیح
و سازنده آن، اقدام به
تأسیس انجمن واعظین
یزد نمود . گردد همایی
مبلغان جوان در کنار
واعظ و خطبای باتجربه
در عصر هر دوشهنه و
تبادل افکار، تجارب و
اطلاعات جهت تحکیم
برنامه های تبلیغی از
ابتک ارات مبارک و
ارزشمندی بود که به دست
توانای این روحانی
دوراندیش آغاز شد، به

^۳. وزیری اسطوره خاطره های
ماندگار، حبیب مهرنیا،
۱۸۷۰، (با تلخیص و دخل و
تصرف اندک).

روضه خوانی نیز، به
خصوص که با آوایی
دلچسب و لحنی سوزناک و
انتخاب اشعار مناسب از
شهادت سید الشهداء و
یارانش و فجایعی که بر
ایشان و بازماندگانش
رفته بود، یاد می کرد و
مجلس را یکپارچه سور و
غوغای نمود . سحر بیان
او به حدی بود که در
نوبت بالا رفتنش به
منبر اکثر مستمعین در
جای خود باقی
می ماندند.»^۱

مرحوم وزیری
سخنرانی بليغ بود ،
چنانچه سخنان شيواوي
خود را که با فصاحت
قرین بود، با حال و
موقعیت شنونده همراه
می ساخت . در مجالسي که
آن بزرگوار بر منبر
می رفت، اهل مجلس - از
عوام تا خواص - همگی
مجذوب سحر بیان وي
می گردیدند و سکوت بر
مجلس حاکم می گشت و
تنها طنین خوش سخنان
ایشان فضای مجلس را پر
می کرد ... در ذکر
مصيبت، شیوه اي خاص
داشت آن گونه کلام را
می آراست که گویی ذکر
مصيبت تالي کلام پیشین
او است.»^۲

منابر سودمند و

۱. سیما پی فضیلت، ص ۴۸۰ .
۲. همان، ص ۱۴۵ .

یک تعصّب ذاتی و عمیقی به دین و قرآن داشت، حق دوست و خداخواه بود. زمانه هم جوری بود که روحانیت از هر طرف مورد هجوم بود. یک علاقه و شوق وافری برای ترویج علم نشان میداد. او یک پارچه سلیقه بود. خیلی با ذوق بود. بیان گرم و لحن جذابی داشت. گفتارهای ایشان مطبوع بود. وقتی منبر می‌رفت، مستمع را جذب می‌کرد. منبر ایشان هم برای عوام قابل استفاده بود و هم برای طبقات دیگر. احاطه به احادیث و روایات در خصوص موضوعات اخلاقی داشت. در مقتل و مراثی مسلط بود. اطلاعات تاریخی بالایی داشت. می‌توان گفت که یک دایرة المعارف سیار بود. وقتی روضه می‌خواند، سنگ را به لرزه درمی‌آورد. در فن بکاء و گریاندن، ید طولایی داشت. یک چیزهایی مخصوص به خود در اداره منبر داشت. در وعظ کم تر کسی په پای ایشان میرسید.»

۲. سیماي فضیلت، ۱۱۴۵ - ۱۱۶ با تخفیض فراوان؛ متأسفانه اثری از منابع رمکتوب به صور منسجم در هیچ کتابی، خصوصاً در کتاب «گفتار وعظ و خطبای مشهور» نبوده و یا به چاپ نرسیده است.

طوری که در جامعه دینی بزد بسیار کارآمد و مؤثر واقع گردید. در حقیقت مرحوم وزیری برای توجه دادن و عاظ و روحانیون به ذکر احادیث و اخبار موثق و هماهنگی آنان به منظور بهبود برنامه های اهل منبر و کیفیت تبلیغات مذهبی، به تأسیس چنین تشکلی اقدام کردند که سالهای متمامی ادامه داشت.

مرحوم آیت الله خاتم بزدی درباره ویژگیهای آن روحانی وارسته می‌گوید: «در سال ۱۳۲۲ شمسی بود که بعد از جریانات زمان رضاخان به دعوت حجت الاسلام والمسلمین آقای وزیری وارد حوزه بزد شدم. آن موقع سرپرستی طلب با آقای وزیری بود. ایشان دارای یک شخصیت و وجهه قابل توجه بود. در میزان محبوبیت ایشان باید بگوییم که مورد علاقه اکثریت بود، اگر نگوییم تمام. بر چشم و دل مردم عزیز بود و حکومت ب رقبه مردم داشت. ایشان به تمام معنی یک فرد اجتماعی و اهل معاشرت صحیح و ارتباط سازنده بود. وزیری به واسطه آنکه

۱. سیماي فضیلت، ص ۳۷.

حاج آقا حسین قمی، سید حسین بروجردی، سید محمد تقی خراسانی، امل خمینی، سید محسن حکیم، سید ابوالقاسم خویی و سید عبد الهادی شیرازی اجازاتی در امور حسیبه و شرعیه داشت، خطیبی توانان، شاعری نیکو طبع، انسانی دوراندیش، زیرک، مهربان، خوش ذوق، با سلیقه و زاهد بود و از اطلاعات وسیعی در زمینه حدیث و تاریخ برخوردار بود و خدمات ارزنده و بزرگی در تبلیغ دینی و فرهنگی به انجام رساند.^۲ تأسیس کتابخانه کاظمی در یزد

«کتابخانه وزیری یزد» بزرگترین کتابخانه ناحیه مرکزی و جنوب ایران است و در شمارده کتابخانه بزرگ ایران قرار دارد. نسخ خطی ارزشمند این کتابخانه مشتاقان بسیاری را از شهرهای دور به یزد کشانده است. وجود گنجینه اسناد، فرمانها، قبله ها و دیگر نوشته های تاریخی ویژه یزد از آثار نویسندهای

^۲. دانشنامه مشاهیر و مفاخر یزد، ویژه عالمان دینی، ج، ۲، ص۲۵۰ - ۸۲۴. ضمناً متن اجازات آیات عظام در «سیماهی فضیله» آمده است

مسافرت‌های تبلیغی مرحوم وزیری با بیان گرم و دلنشیں خود مردم را به خدا، روز جزا و ائمه هدی فرا می‌خواند و به راه رستگاری رهنمون می‌ساخت. ایشان به خدمت دینی و تبلیغی در خود یزد بسندۀ نکرد؛ بلکه سفرهای فراوانی به شهرهای مختلف استان یزد و همچنین تهران، قم، کرمان، مشهد، اصفهان، شیراز، زاهدان و ... داشت و در این مناطق منشأ برکات شد، از جمله ساختن حسینیه بزرگی در زاهدان، و این در سالی بود که وی به دعوت آیت الله کفععی (امام جمعه و از روحانیون متنفذ زاهدان) برای تبلیغ به آن سامان عزیمت کرد و بود. ایشان علاوه بر سخنرانی، با دعوت کردن از تمام روحانیون و مداحان در جلسه ای، مبلغ قابل توجهی پول بین آنها تقسیم کردند.^۳

خلاصه آنکه مرحوم وزیری در عین اینکه از بسیاری از مراجع تقلید همانند آیات عظام سید ابوالحسن اصفهانی، شیخ عبدالکریم حائری،

^۳. همان، ص۱۳۸.

طالبان علم قرار دهد
نخستین اقدامات
برای ایجاد کتابخانه‌ای
عمومی در سال ۱۳۳۳ ش
آغاز شد. این کتابخانه
در سال ۱۳۳۴ ش در
دهلیز مسجد جامع کبیر
یزد احداث شد و با
تعدادی کتب خطی و چاپی
کار خود را آغاز کرد.
او برای تکمیل
کتابخانه از عموم مردم
و دانشمندان، مؤلفان،
ناشران و دارندگان کتب
خطی درخواست کتاب کرد
که در مدت کوتاهی،
کتابهای زیادی به این
کتابخانه اهدا شد و
مشکل کمبود مکان پیش
آمد. تا اینکه با کمک
مردم مغازه ها و
خانه‌های اطراف خریداری
گردید و عملیات احداث
ساختمان جدید در سال
۱۳۴۲ ش به کمک برخی از
تاجران خیز یزدی
همانند «محمد هراتی» و
«حسین بشارت» در جنب
درب شرقی مسجد جامع
یزد آغاز و در اول
فروردین ۱۳۴۵ ش افتتاح
شد. همیشه وزیری نگران
کتابها و موقعیت
کتابخانه بود و تصمیم
داشت آنجا را به مؤسسه
بزرگی واگذار کند که
توانایی اداره آن را
داشته باشد. وزارت
فرهنگ و هنر، سازمان

و شاعران یزدی وجود
بیش از ۵۰۰۰ مجلد
نشریه، سبب موقعیت خاص
کتابخانه وزیری در
منطقه شده است.
مرحوم وزیری در سال
۱۳۳۴ ش هسته اولیة
احداث کتابخانه را
مجموعه کتابخانه شخصی
خویش شامل ۲۰۰۰ جلد
کتاب قرارداد. او از
کودکی به کتاب علاقه
داشت و در دوران طلبگی
برای امانت گرفتن
کتابی به کتابخانه
شخصی «غلامعلی رئیس»
رفته، ب ا مشاهده
کتابخانه او علاقمند شد
که خود نیز کتابخانه‌ای
تنهیه کند. او به
جمع آوری کتابهای خطی و
منحصر به فرد همت گماشت
و در منزل از آنها
نگهداری کرد. در زمان
رضاحان که برگزاری
مجالس روضه‌خوانی ممنوع
شد بود، ایشان برای
نگهداری کتابها از
حمله مأموران دولتی
آنها را در چلیکهای
فلزی گذاشت و در سرداب
منزل مخفی کرد و جلوی
آنها دیوار کشید و با
پایان رسیدن حکومت
رضاحان آنها را بیرون
آورد و بر روی
طاچه‌های منزل چید. او
در نظر داشت کتابهای
خود را در اختیار

دارد که بسیار نفیس و ارزشمند میباشد.^۱
کتابخانه وزیری از بد و تأسیس تا کنون مورد بازدید شخصیتهاي گوناگون علمي، فرهنگي و سیاسي قرار گرفته است و اغلب با زیدکنندگان مطالبی را در دفتر یادبود کتابخانه به یادگار نوشته اند که دست خط شخصیتهاي بزرگواري همچون مقام معظم رهبری، آيت الله فاضل لنکرانی، علامه جعفری، شهید باهنر، شهید هاشمي نژاد، مهندس بازرگان، شهید صدوقي، دکتر محققی، مورخ شهر محمد شريف رازی، پروفسور محمود حسابي، عباسعلي اسلامي سبزواري و ...^۲ که در اينجا

۱. درباره چگونگي تأسیس کتابخانه و جمع آوري کتب آن و هم چنین درباره چگونگي اهدای آن به استان قدس رضوي و حضور افراد و اشخاص، خصوصا شخصیتهاي علمي، فرهنگي و سیاسي در کتابخانه و بازدید از آثار نفیس و گفتگو با مؤسس، خاطرات شيريان فراوانی (و سلسله مقالات) از سوي دوستان موجود وزيري، خصوصا آقاي محمد رضا انتظاري تحت مقاله اي به نام «خاطراتي از حجت الاسلام وزيري»^۳ - ۹۹، به تفصيل و در کتاب «سيماي فضيلت» آمده است.
۲. نام و دست خط حضرات، استاد و معاريف یاد شده در كتاب سيمای فضيلت ص ۳۴ - ۳۱ آمده است.

او قاف و شهرداري يزد در اين راه پيش قدم شدند؛ ولی سرانجام کتابخانه وقف آستان قدس رضوي% شد.
پس از جلب موافقت آستان قدس رضوي در تير ماه ۱۳۴۸ ش وقفname اي تنظيم و به ثبت رسيد که طبق آن ساختمان کتابخانه وزيري به انضمام تمام کتب و اثاثيه آن وقف شد . در آن وقفname شرایط خاصي ذكر شده است . از جمله آنکه عنوان «كتابخانه وزيري يزد» هرگز نباید تغيير کند، ساختمان کتابخانه در حال حاضر نهصد متر مربع مساحت دارد و شامل مخازن کتب خطی و چاپی، آرشيو نشريات، تالار مطالعه آقایان و خانمهها به طور مجزا می شود . با خريد منازل اطراف، عمليات گسترش کتابخانه از سال ۱۳۷۹ ش شروع شده است . تعداد ۴۶۰ جلد كتاب خطی و ح دود ۵۰۰ جلد چاپ سنگي و نيز ۵۰۰ جلد كتاب به زبانهای فرانسه، انگلیسي، روسی و آلماني در رشته های ادبیات، رمان و ... و نيز ۱۷۵۰۰ جلد كتاب چاپی در موضوعات مختلف در اين کتابخانه وجود

عظمیم اسلام، قرآن و اسلام را همچون برنامه زندگی و بنیان اساسی نظام اجتماعی به کار گیرند...! به امید بیداریها و درسگیریها! به امید تجلی حماسه اسلام و تشیع در زادگاه و پرورشگاه اسلام و تشیع...! در روز شنبه ۱۲ ربیع الاول هزار و سیصد و نود و چهار هجری قمری در کتابخانه مؤسس عالیقدر - ادام الله برکات وجوه الشریف - نگاشته آمد. سید علی خامنه‌ای ۱۷/۱/۵۳».^۲

احیای مسجد جامع کبیر یزد تاریخچه بنای مسجد با عظمت جامع کبیر یزد به قرن پنجم قمری باز می‌گردد و از لحظه شاهکار معماري و عظمت ساختمان و کاشی‌کاریهای نفیس و زیبایی که منظیر در ردیف بناهای بسیار باشکوه و باستانی کشور قرار گرفته و مورد توجه سیاحان و باستان‌شناسان جهانی واقع شده است^۳

^۲ وزیری اسطوره خاطره های ماندگار، حبیب مهرنیا، ص ۸۶

^۳ فراوانی از آقای انتظامی در این کتاب نقل شده است که بسیار جالب و خوانندگان محترم را جهت اطلاع بیشتر بدان مأخذ ارجاع می‌هیم.

فلم دکتر سید ضیاء قریشی

فقط به مرقومه مبارک مقام معظم رهبری > اشاره می‌کنیم: «بسم الله الرحمن الرحيم زیارت گنجینه گرانبهایی از کتاب و نوشتة اسلامی که محسول کوششی ارجمند است، بیننده را به یاد اقیانوس بیکران فرهنگ عمیق و غنی و عریق اسلام عزیز می‌افکند که در روزگار ترکتازی افکار و مکاتب و فرهنگهای سست و بیایه بشري و در عهدی که پوشالی ترین بنیانهای فکری را در فکر و دل جهانیان مرتبه ۱ و پایگاه هاست، همچنان در عزلت خانه کتابها و کتابخانه‌ها زندانی است و در محوطه ای بس دور از زندگی و عمل، پیروان اسمی، تبعیدی، و متولیان و منادیان و مدعاویش را چیزی که کمتر به خاطر است و بیشتر در نسیان، رسالت و مسئولیت و تعهد خطیری است که قرآن و اسلام بر دوش آنان نهاده که: [وَ إِذَا أَخْذَ اللَّهُ مِيثَاقَ الَّذِينَ أَوْثَوْا الْكِتَابَ لِتَبَيَّنَهُ لِلنَّاسِ وَ لَا تَكُثُّرُوهُ...]^۱ به امید آن روز که امت

بزرگ فرهنگی و دینی
معظمله میگردد:
اول، استناد به
کتبی میشود که قبل از
پیدایش بهائیت به رشته
تحریر کشیده شده است و
منحرفین کتب چاپی را
به این بهانه که مطالب
آن تحریف و مطابق
دلخواه چاپ کرده اند،
رد میکنند و با توجه
به اینکه دسترسی به
نسخ اصلی (خطی) بسیار
دشوار بود، مراجعه به
نسخ خطی را خواستار
میگردند. این موضوع
محرك آن مرحوم برای
گردآوری کتب خطی میشود
که در نهایت منتهی به
تأسیس کتابخانه با
عظمت وزیری میشود.
دوم، گروه مزبور
ضمن گف تگوها ادعای
میکنند که هر امتی را
اجلی است که بعد از
مدت زمانی در مسیر
زوال و فراموشی قرار
میگیرد و اظهار
میدارند بعد از هزار
سال اکنون مساجد و
آثار اسلام از رونق
افتاده و دیگر مسجدی
ساخته نشده و نمیشود و
مسجد سابق نیز در حال
ویرانی و نابودی است.
نمونه آن را هم مسجد
جامع کبیر یزد معرفی
میکنند که ویرانه ای
گشته و کسی موفق به

این مسجد باشکوه
همانند دیگر اماکن
مذهبی کشور از دوران
حکومت رضاخان متراوک
گشت و ساختمان آن رو
به ویرانی نهاد. مرحوم
وزیری با دیدن اوضاع
اسف بار مسجد تأسیف
میخورد و همواره در
صد احیای مجدد این
مکان مقدس بود؛ اما
چگونگی تکمیل و تعمیر
مسجد جامع کبیر یزد به
دست با کفایت مرحوم
وزیری ماجرای جالبی
دارد که:

روزی جوانی با
ایمان از آشنایان
مرحوم وزیری، به ایشان
مراجعه کرده، اظهار
میدارد که با مبلغین
بهائیت مواجه شده و به
علت نداشتن اطلاعات لازم
نتوانسته در مقابل
گفته های اغفالکننده
آنها جوابی بدهد.
ایشان به او دس تور
میدهند جلسه ای با شرکت
مبلغین این گروه منعقد
سازد و ایشان را خبر
دهد. مرحوم وزیری با
چند طلبه برای بحث با
آنها حضور می یابند و
ضمن مباحثات، توجه آن
مرحوم به دو موضوع
بسیار مهم جلب میگردد
که ان گیزه خدمت بسیار

اول این هیئت
می فرماید : «این مسجد
الآن آبروی اسلام است .
آبروی ایران و یزد ما
است . دارد خراب می شود ؛
اما ما نباید بگذاریم
که خراب شود . باید همت
کنیم و تعمیرش
نماییم .» بعد خود به
عنوان اولین نفر مبلغی
را به این امر اختصاص
می دهد . بقیه نیز تأسی
می کنند و مردم به
تدریج کمک می کنند .
مدیر کتابخانه
وزیری در این باره
می گوید : «حاج آقا هر
وقت که منبر می رفتد ،
مردم را به کمک در امر
تعمیر و مرمت مسجد
جامع دعوت می کردند .
مردم آنچه در توانشان
بود ، کمک می کردند . از
یک ول گرفته تا پنج ول
که مبلغ زیادی بود . در
پای منبر ایشان گاهی
زنها گوشواره خود را
در می آوردند یا انگشت
و النگویشان را جهت
کمک به ساخت و ساز
مسجد تقدیم می نمودند .
حاج آقا وزیری به پاس
این کمکها هر از چند
گاه شعری را که آیت الله
فرсад (استاد امام
راحل) در همین رابطه
سروده بود ، می خواندند
که :

نیمی از این شکوه ز مرد
است یادگار

تعمیر آن نیز نخواهد
شد . این گفته نیز قلب
مرحوم وزیری را آتش
می زند و منتهی به
تعمیرات اساسی آن مسجد
می گردد .^۱
و یا نقل است : روزی
آقای وزیری از کنار
مسجد جامع عبور می کرده
و همزمان رئیس بهائیان
نیز با اشاره به
خرابیهای مسجد جامع
خطاب به وزیری می گوید :
«خوشبختانه اسلام هم
دیگر تمام شد . بروید
برایش فاتحه بخوانید .»
آقای وزیری جوابی
نمی دهد ؛ اما از آنجا
که «عدو شود سبب خیر ،
اگر خدا خواهد » آن
بزرگوار با عزم راسخ
کمر هفت به تعمیر مسجد
جامع می نند .
تشکیل هیئت حامیان مسجد
مرحوم وزیری جهت
احیای مسجد جامع دست به
اقدامات همه جانبی ای
زند که مهم ترین آن ،
تشکیل هیئت حامیان
مسجد با دعوت و حضور
افراد سرشناس و اقوش
مختلف جامعه اعم از
علماء و عاظ ، تجار ،
کسبه و فرهنگیان و حتی
بزرگانی چون مرحوم آیت
الله فقیه خراسانی بود .
مرحوم وزیری در جلسه

۱. نجوم السرد بذکر علماء یزد ، ص ۲۵۵ .

متشكل از ۵۰ نفر از خیرین شهر یزد بوده است و تعداد زیادی از آنان در طول ۴۵ سال گذشته فوت کرده اند و فرزندان یا افراد دیگری جایگزین آنان شده، خدمات فراوانی به مسجد جامع کرده اند و هنوز هم خدمات شان تداوم دارد. باید دانست این هیئت محترم که همگی از خادمان واقعی خانه خدا هستند، از باقیات و صالحات اندیشمند و ماندگار مرحوم وزیری به شمار می‌آید.

ادامه دارد...

نیم دکر ز هفت مردانه زن است نسبت به خ دمتی که به مسجد نموده^۱ مزد تو با خداست دعای تو با من است بنا به تشویق حاج آقا وزیری، مردم علاوه بر کمکهای نقدي، هر کار دیگری که لازم بود، انجام دادند. من شاهد بودم که یکبار به وسیله چهارپایان آجر آورده بودند و کوهی از آجر در مقابل مسجد جمع شده بود، حاج آقا فرمودند: مردم! این آجر باید برود پشت بام. من به اندازه توام هر بار می‌توام سه آجر ببرم بالا. شما هم کمک کنید و هر کدام هر تعداد که می‌توانید دو تا، سه تا، چهارتا یا پنجتا ببرید بالا. من خودم دیدم که ظرف دو سه دقیقه آن آجرها رفت بالا. بدین گونه با هفت و تشویق حاج آقا وزیری و کمک و همراهی مردم، ظرف ۲۶ سال این قلب تپنده شهر یزد عظمت و شکوه سابقش را - آن گونه که امروز می‌ینید - بازیافت.

هیئت حامیان مسجد

^۱. وزیری اسطوره خاطره های ماندگار، ص ۱۹؛ مفاحیر یزد، ج ۲، ص ۸۲۴؛ نجوم السرد بذکر علماء یزد، ص ۴۵۰.

پرسشنامه مجله مبلغان

قابل توجه مجموعه‌های فرهنگی و تبلیغی

بسیاری از مجموعه‌های فرهنگی و تبلیغی به صورت
انبوه مجله مبلغان را خریداری کرده و در اختیار
مبلغان محترم تحت پوشش خود قرار می دهند. از
آنجا که بسیاری از این مجموعه ها مایل به
برگزاری آزمون از محتواهای نشریه برای نیروهای
خود بوده و بعضی نیز به ابتکار خود اقداماتی را
انجام داده اند؛ بر آن شدید تا جهت یاری رساندن
به مدیران محترم، سؤالاتی را طراحی کرده و در
اختیار آنان قرار دهیم

مدیران محترم مجموعه های فرهنگی و تبلیغی
می‌توانند از طریق بخشنامه از نیروهای خود
بخواهند تا پاسخ سؤالات را برای آنها فرستاده و
در صورت امکان برای تشویق و ارتقاء علمی مبلغان
محترم، هدایایی را برای این امر در نظر گیرند
پیشنهادات خوانندگان و مدیران عزیز را برای
کاربردی‌تر شدن سؤالات، با آگوش باز می‌ذیریم.

پرسشها

۱. امام صادق% فرموده است: «**كُلُّ مَنْ تَمَسَّكَ بِالْعُزُوهِ الْوُثْقَى فَهُوَ نَاجٌ. قَلْثٌ: مَا هِيَ؟ قَالَ**

الف. **وَلَيْهُ عَلَيْ بْنُ أَبِيطَالِبٍ**

ج. **الْتَّمَسَكُ بِالْكِتَابِ وَ الْعَتَرَةُ**

۲. امام سجاد% چه چیزی را فلسفه خلقت «شب» می‌داند؟

الف. آسایش گرفتن و راحت خوابیدن

ب. دوری کردن از حرکات رنج آور و فعالیتهای آزار
دهنده

ج. مورد الف و ب

۳. جمله امام حسین % خطاب به حسن مثنی هنگام
خواستگاری او از دختر امام % که فرمود: «**اَخْتَرْ يَا
بُنَيَّ اَحَبَّهُمَا إِلَيْكَ**» اشاره به کدام سیره تربیتی آن
حضرت دارد؟

الف. اهمیت آموزش دینی جوان

ب. احترام به انتخاب جوان در امر ازدواج

ج. تربیت عملی

4. امام صادق % «مضطر حقيقی» را در آیه شرife [أَمَنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرُ إِذَا دَعَاهُ وَ يَكْشِفُ السُّوءَ] به چه کسی تفسیر کرده است؟
- الف. قائم آل محمد%
 - ب. امام زمان%
 - ج. امام مظلوم غائب
5. امام باقر% در تفسیر آیه : [وَ قُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَ زَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا] می فرماید:
- الف. هنگام قیام قائم آل محمد %، همه دولتهای باطل برچیده شده است.
 - ب. هنگامی که امام قائم % قیام کند، دولت باطل برچیده می شود.
 - ج. امام قائم % قیام می کند، فقط برای برچیدن دولت باطل.
6. عبارت «يَسْمَعُهُ كُلُّ قَوْمٍ بِالْسَّنَتِهِمْ» اشاره به کدامیک از خصوصیات ندای آسمانی قبل از ظهور امام زمان% دارد؟
- الف. تمام عالم از شرق تا غرب این ندا را می شنوند.
 - ب. این خطاب، همگانی است و برای اجابت نمودن حق محمد و آل محمد- است.
 - ج. این ندای هم زمان برای همه ترجمه می شود و هر کسی طبق زبان خودش می فهمد.
7. اساس مذهب تشیع از چه زمانی بوجود آمده است؟
- الف. زمان پیامبر اکرم-
 - ب. زمان حکومت امام علی%
 - ج. زمان خونخواهی مختار از قاتلین امام حسین%
8. با توجه به آیه شرife : [وَ الَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يُسْرِفُوا وَ لَمْ يَقْتُرُوا وَ كَانَ بَيْنَ ذَلِكَ قَوْاماً] بهترین مشی اقتصادی چه می باشد؟
- الف. جلوگیری از ولخرجی در زندگی و سخت گرفتن هنگام هزینه کردن.
 - ب. توجه به نیازهای اصلی زندگی و پرهیز از هزینه در امور غیر ضروری.
 - ج. رعایت حد وسط در مخارج زندگی.
9. روایت امام علی% که می فرماید: «جَهْدُ الْبَلَاءِ كَثْرَةُ الْعِيَالِ وَ قَلَّةُ الْمَالِ» اشاره به کدامیک از لغزشگاه های زندگی انسان دارد؟
- الف. شهوات و هوای نفس
 - ب. فقر و تهیدستی
 - ج. امتحان و آزمایش

10. این روایت از کیست و پیرامون چه نکته‌ای است؟
«الْأَخْسَانُ أَنْ تَحْسِنَ صُحْبَتُهُمَا وَ أَنْ لَا تُكْلِفَهُمَا أَنْ يَسْأَلَكَ شَيْئًا مَمَّا يَحْتَاجُ إِلَيْهِ»

- الف. امام علی% - تکریم و احترام بزرگان
 - ب. امام صادق% - احسان و بذل دارایی به والدین
 - ج. امام عسکری% - حق شناسی و سپاس از والدین
11. فرمایش امام حسین% خطاب به «احمد بن حسین» که فرمود: «**يَا بُنْيَيَ اصْبِرْ قَلِيلًا حَتَّىٰ تَلْقَى جَدَكَ رَسُولَ اللَّهِ فَيُسْقِيكَ شُرْبَةً مِنَ الْمَاءِ لَا تَظْمَأْ بَعْدَهَا أَبَدًا**» اشاره به کدامیک از شیوه های تربیتی امام حسین % دارد؟

- الف. توجه به نیاز عاطفی و روانی
 - ب. توجه به نیاز روحی و روانی
 - ج. توجه به نیازهای مادی
12. کلمه «**مَثْوَاهُ**» در روایت امام علی% که می فرماید: «**السَّرَّفُ مَثْوَاهُ وَ الْقَصْدُ مَثْرَاهُ**» به معنای است.

- الف. مایه ناتوانی
 - ج. مایه ینج و مشقت
13. روایت «**لَا هَلَكَ مَعَ اقْتِصَادٍ**» اشاره به کدامیک از راه های جلوگیری از اسراف دارد؟
- الف. میانه روی و اعتدال
 - ب. قناعت و صرفه جویی
 - ج. مصرف صحیح

14. «ممنوعیت بازداشت کردن (توقیف) یک انسان بدون علت قانونی» از حقوق بشر است.

- الف. مشترکات - اسلام و غرب
 - ب. مختصات - غرب
 - ج. مختصات - اسلام
15. جمله زیر از کیست؟ «امروز جامعه بشری با پیشرفت فکر و مدنیت و معرفت، بسیاری از تعالیم انبیا را - که دهها قرن پیش از این برای بشر، قابل درک نبود - درک کرده است.»
- الف. امام خمینی!
 - ب. شهید بهشتی

> مقام معظم رهبری
پاسخنامه مجله مبلغان شماره ۱۷۸

۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	
															الف
															ب
															ج

نام: نام خانوادگی:

کد یا شماره پرونده: آدرس:



شعبان المعمظم ١٤٣٥ق
١٧٩٠هـ سال پانزدهم شعبان

بسمه تعالیٰ

قابل توجه مبلغان، فضلاء و محققان ارجمند

برای پیوستن به جمع مشترکان «مبلغان» توجه به نکات ذیل ضروری است:

۱. واریز حق اشتراک، به حساب ۱۵۶۳۵۱۳۸۲۵ بانک تجارت، شعبه ۱۵۶۳۰ (مدرسه فیضیه قم)، به نام آقایان محمد حسن حاج حسینی، جواد محمد حسینی و جواد اسماعیلی (مجله مبلغان) مبلغ اشتراک برای یک سال (۱۲ شماره) ۴۲/۰۰۰ تومان و برای شش ماه (۶ شماره) ۲۱/۰۰۰ تومان می‌باشد. در صورت بالا رفتن قیمت مجله، ارسال آن بر مبنای قیمت جدید خواهد بود.
۲. تکمیل برگه درخواست اشتراک (پشت همین برگه)
۳. ارسال برگه اشتراک همراه با فیش بانکی مربوط به واریز حق اشتراک.

اشتراک، بهترین راه دسترسی به «مبلغان» است.

توجه:

۱. ارسال درخواست اشتراک، نیاز به هزینه پستی ندارد. پس از تکمیل فرم، آن را تا کرده و پس از چسباندن، داخل صندوق پست قرار دهید.
۲. جهت اطلاع بیشتر با ما تماس بگیرید. تلفن: ۰۲۵-۳۲۹۳۳۱۹۰

با ارائه نظرات سازنده خود، ما را جهت رشد و بالندگی مجله یاری دهید.

نشانی فرستنده:

تلفن: کد پستی: صندوق پستی:
اینچنان: مبلغ: ریال
طی فیش شماره: از طریق بانک:
شعبه: دارای کد: در تاریخ: / / ۱۳ برای
دریافت مجله از شماره: به تعداد هر شماره: نسخه ارسال داشتم.

از این قسمت تا بزنید

نیاز به الصاق
تمبر ندارد

پست جواب قبول

هزینه پستی بر اساس قرارداد ۳۷۱۸۴/۱۹ پرداخت شد.

گیرنده:

قم: صندوق پستی: ۳۷۱۸۵-۸۶۸

معاونت تبلیغ و آموزش‌های کاربردی حوزه‌های علمیه
ماهnamه مبلغان

از این قسمت تا بزنید لطفاً با چسب بچسبانید